

کیمهان

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده

جمعه ۲۵ مهر تا پنجشنبه ۱ آبان ۱۴۰۴ خورشیدی

سال چهل و دوم - شماره ۲۰۰۰

A religious leader with a white beard and glasses, wearing a black turban and a red robe, is sitting in a boxing ring. Behind him is a large Iranian flag. The scene is dimly lit, with a bright light source in the upper right corner.

تلاش برای استمرار...

خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنجاه) پوند
تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند
تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما، کیهان لندن

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- https://t.me/kayhan_london

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG
Tel: 0044 (0)20 3633 3684
e-mail:
info@kayhan.london
ads@kayhan.london
editorial@kayhan.london
www.kayhan.london
www.kayhanlife.com

سال چهل و دوم
کیهان شماره ۲۰۰۰ (۵۳۴)
۲۵ مهر تا ۱ آبان ۱۴۰۴
۱۷ تا ۲۳ اکتبر ۲۰۲۵

آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:
www.kayhan.london
روابط عمومی:
info@kayhan.london
آگهی و تبلیغات:
ads@kayhan.london
سردبیری:
editorial@kayhan.london

www.kayhanlife.com

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: جاله عنکبوت به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)» برای نخستین بار ایده گسترده حضور نظامی و تاکتیکی‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. عالمان می‌توانند این کتاب را مستقلاً از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.
Satrap Publishing: Email: satrap@bconnect.com www.satrap.co.uk
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Rousseau, 75018 Paris, FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY



نامه‌ها و عاشقانه‌ها
حکایتی شیرین از عشق و دلدادگی
نوشته: داریوش پیرنیا
به کوشش منصوره پیرنیا
لفظاً جهت تهیه کتاب "نامه‌ها و عاشقانه‌ها" با انتشارات مهر ایران
شماره تلفن: ۳۰۱۲۷۹۶۷۷۸ و یا ۲۴۰۶۰۲۷۲۷۳ در شرق آمریکا تماس حاصل نمایید.
Web: www.pirnia.com Email: pirnia@pirnia.com



کیهان

فهرست مطالب

سر مقاله - ۲۰۰۰ کیهان هفتگی رسانه‌های پیشکسوت، نوآور و جریانساز / الاهه بقرات ۴
 تیر هفته - تلاش برای استمرار... / ۴-۵

طرح صلح ترامپ برای غزه؛ آغاز تبادل گروگان‌ها و زندانیان میان اسرائیل و... / ۶
 دعوت ترامپ از رهبران دنیا برای حضور در نشست نهایی «صلح غزه»... / ۶-۷
 واشنگتن پست: همکاری محرمانه نظامی شش کشور عربی با اسرائیل به ویژه برای مقابله با... / ۷
 دونالد ترامپ در «کنست»: «خطر ناک‌ترین حامی تروریسم جهان» موجودیت اسرائیل را... / ۸
 درگیری‌های داخلی در غزه؛ رویترز: حماس بعد از آتش بس ۳۲ نفر را کشت... / ۹
 پیش‌بینی‌هایی درباره پیامدهای اجرای «اسنپ‌بک»... / محمدالمیچی (تهار) ۱۰-۱۱
 جمهوری با عقد دائم... / خیراندیش (احمد احرار) ۱۱
 بر ارتش چه گذشت (۴)... / یادداشت‌ها و خاطرات شهید جعفر صانعی ۱۲-۱۳
 مردم خواستار اخراج دانشجویان وابسته به حشدالشعبی از ایران هستند... / ۱۴-۱۵
 استقرار مأموران سرکوب در خیابان‌های همدان برای جلوگیری از تجمع مردم... / ۱۵
 اجرای «مکانسیم ماشه» چه معنایی برای جمهوری اسلامی دارد؟... / هدی رؤوف (ایندیپندنت عربی) ۱۶-۱۷
 بنیامین نتانیاهو: تاخلع سلاح کامل حماس در غزه می‌مانیم... / ۱۷
 تهران و جستجوی درهای مذاکره با واشنگتن... / حسن فصیح (ایندیپندنت عربی) ۱۸
 آیارژیم ایران می‌تواند آخرین برگ خود را بازی کند؟... / سالمه الموشی (ایندیپندنت عربی) ۱۹
 آمریکاییش از ۵۰۰ نفر، نهاد و کشتی را به دلیل دخالت در فروش و حمل نفت و گاز مایع... / ۲۰
 آمریکاییان نهاد و فرد وابسته به گروه‌های شبه‌نظامی عراق را به دلیل همکاری در پولشویی و قاچاق... / ۲۰-۲۱
 دوران محمدرضا شاهی؛ پایان مال اندوزی (صدسال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴)... / فرید خلیفی ۲۱
 سد طرح صلح غزه... / بهنام محمدی ۲۱
 یادوران مهاجرت از کشورهای در حال توسعه به جهان غرب به پایان رسیده است؟... / اسید عرفان نوربخش ۲۲-۲۳
 پایان جنگ غزه؛ تسلیم حماس، شکست استراتژی جمهوری اسلامی... / احیاف حیدر نژاد ۲۳-۲۴
 دوران محمدرضا شاهی؛ آغاز ساخت اتومبیل در ایران (صدسال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴)... / فرید خلیفی ۲۴
 پایان جنگ، بازوهای «مقاومت» و «سرخا پوس»... / رفیق خوری (ایندیپندنت عربی) ۲۵
 محکومیت دو تبعه فرانسه محبوس در اوپن به چند دهه زندان... / ۲۶
 شایعه ترور اسماعیل قاتنی؛ «تسبیم» به تکذیب پرداخت و اکانت فارسی منتسب به موساد... / ۲۷
 آنچه عیان است!... / بهنام محمدی ۲۷
 موشک‌های قاره‌پیما؛ مانعی جدید در مذاکرات جمهوری اسلامی با غرب... / هدی رؤوف (ایندیپندنت عربی) ۲۸-۲۹
 خبریکار برای دریافت اطلاعات درباره شرکت «به ژول پارس» ۱۵ میلیون دلار پاداش می‌دهد... / ۲۹
 خد امرده است، اما خلقی نه؛ آنچه تاهوش مصنوعی... / دکتر مهدی میرسعیدی ۳۰
 رژیم و یوزیسون درین بست استراتژیک انتظار... / دیوید اعتباری ۳۱
 آمریکایک، مصر، ترکیه و قطر در حضور رهبران جهان در شرم‌الشیخ توافقنامه «صلح غزه» را... / ۳۲
 روزنامه «تلگراف»؛ قصد ناتو برای هدف قرار دادن جنگنده‌های روسی در آسمان اروپا... / ۳۳
 هشدار فرماندهان ارتش اسرائیل؛ برای برقراری آتش بس پایدار باید تونل‌های حماس نابود شوند... / ۳۴
 نشست خبری ترامپ و مدبر کل «اف بی آی»؛ «جمهوری اسلامی در حال بازسازی توانمندی هسته‌ای... / ۳۵
 رسانه‌های ترکیه؛ یک ایرانی کردوسی مخالف جمهوری اسلامی در شهر استانبول به ضرب گلوله... / ۳۶
 هشدار «ام آی ۵» به نمایندگان پارلمان بریتانیا درباره فعالیت جاسوسان چین، روسیه و... / ۳۶
 مرگ علیرضا افشار از سرداران اردشده سپاه پاسداران فعال در حوزه «جنگ نرم»... / ۳۷
 مرگ مشکوک دختر اکبر طبری؛ دادستان لوس‌آناکس خبر «خودکشی» را تکذیب کرد... / ۳۷
 سر نوشت مابین دو تجربه‌ی پهلوی و جمهوری اسلامی معلق است... / امضاء محفوظ ۳۸
 اعتصاب غذای دستجمعی زندانیان در حصار وارد چهارمین روز شد؛ نه به اعدام... / ۳۹
 پیام یاسا؛ تحلیل گفتمان مسئولیت شهری در نطق ۱۱۴ تا ۱۳۵۷ و تداوم آن در... / آریا چمروش ۴۰-۴۱
 نشست دانشگاه LSE (مدرسه اقتصاد) لندن؛ مرور نیم قرن روابط ایران و آمریکا... / ایاتة آمدری ۴۱-۴۲
 اظهارات متناقض مقامات حکومت درباره افزایش قیمت بنزین... / ۴۲-۴۳
 تصویب طرح حذف چهار صفر از پول ملی در مجمع تشخیص مصلحت نظام... / ۴۴-۴۵
 زهر آقائمی کارمند دانشگاه تهران توسط همسرش به قتل رسید... / ۴۵
 اظهارات متناقض مقامات حکومت درباره افزایش قیمت بنزین... / ۴۶-۴۷
 «جشنواره تئاتر ایرانیان لندن» برگزار شد... / ۴۷
 جشنواره تئاتر ایرانیان لندن با موفقیت به پایان رسید... / ۴۷
 هشدار درباره وضعیت بحرانی ذخایر استراتژیک؛ ذرت ته کشیده و مقدار دیگر ذخایر استراتژیک... / ۴۸
 هشدار اقتصاددانان درباره نوسانات ارزی و پیامدهای سیاسی واجتماعی تورم ۵۰ درصدی... / ۴۹
 عروسک‌های «مرتضی» و «مرضیه»؛ بحران جدید جمهوری اسلامی!... / ۵۰
 صنایع ایران در انتظار جبر هندی گاز و برق... / ۵۱
 مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛ رشد اقتصادی در نیمه نخست امسال منفی ۳/۰ درصد بود... / ۵۲
 جذب افراد همجنسگرا از سراسر جهان به ایران؛ عمل اجباری برای ایرانیان و سفر درمانی... / ۵۳
 معضل جدید بنگاه‌های تولیدی در تهران؛ نبود کارگر ساده به علت افزایش اجاره مسکن... / ۵۴-۵۵
 دولت پشتیبان افزایش قیمت بنزین را تصویب کرد؟... / ۵۵-۵۶
 وضعیت هشدار آمیز خشکسالی در ایران؛ خطر فروپاشی اکولوژیک دریای مازندران... / ۵۶-۵۷
 وام بی‌خاصیت مسکن تنها قدرت خرید ۹ متر خانه در تهران را می‌دهد... / ۵۸
 احتمال خروج تخت جمشید از فهرست میراث جهانی... / ۵۹
 تأخیر سه ماهه در اعلام نرخ خرید تضمینی گندم؛ کمبود آرد و گرانی آن در راه است... / ۶۰
 کارگران، قربانیان بحران کمبود منابع مالی و مواد اولیه و تشدید کود در بخش صنعت... / ۶۱
 خبرهای کوتاه... / ۶۲-۶۳
 پشت جلد - عکس هفته / مهر زادروز شهبانو فرح؛ تاجی که بر سر زنان ایران قرار گرفت ۶۴

بازنشر
بازنشر



تلاش برای استمرار...

سرمقاله
۲۰۰۰ کیهان هفتگی

رسانه‌های پیشکسوت، نوآور و جریان‌ساز

وقتی کیهان لندن چهل و دو سال پیش در تداوم فعالیت مؤسسه کیهان در تهران از سال ۱۳۲۱ (۱۹۴۲) به همت و پیگیری دکتر مصطفی مصباحزاده و حمایت بی‌دریغ شاهدخت اشرف پهلوی و جمعی از روزنامه‌نگاران و شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی که مجبور به ترک میهن شده بودند، در لندن بنیان گذاشته شد، از اینهمه هیاهویی که این روزها در تلویزیون‌های «فارسی‌زبان» و رسانه‌های اجتماعی می‌بینید، هیچ، مطلقاً هیچ، خبری نبود.

کیهان لندن در خارج کشور، دوقلوی روزنامه‌ای شد که در عمر ۳۷ ساله‌ی خود تا انقلاب ۵۷ منبعی معتبر و قابل استناد در



شماری از اعضای هیئت مدیره و تحریریه کیهان لندن در سال‌های دور؛ از راست: آقایان مصطفی مصباحزاده، عبدالرضا انصاری، فرخ غفاری، احمد میرفندرسکی، مهرانگیز دولت‌شاهی، هوشنگ وزیری، عبدالمجید مجیدی، احمد احرار

منطقه و جهان به شمار می‌رفت. با این تفاوت که مخاطبان اصلی کیهان لندن، ایرانیان تبعیدی و مهاجر بودند که می‌خواستند از منبعی غیرحکومتی از اوضاع ایران باخبر شوند، البته با یک هفته فاصله! با اینهمه چنان در کشورهای مختلف به فروش می‌رفت و دست به دست می‌گشت، که امید می‌آفرید.

هدف کیهان لندن ایستادن در برابر گسست ۵۷ و اجبار ملت ایران به بازگشت ارتجاعی به قرون وسطا توسط جمهوری اسلامی بود. کیهان لندن آمد تا در سکوت مرگبار پس از روی کار آمدن مشروعه و سپس هیاهوی پوچ بیش از دو دهه اصلاحات، با حفاظت از ایده‌های مترقی مشروطه و دستاوردهای دو پادشاه پهلوی و حمایت از اندیشه دموکرات و نقش منحصر به فرد شاهزاده رضا پهلوی جریان‌ساز شود؛ و شد! امروز این جریان چنان بدبختی به شمار می‌رود که انگار تا کنون چیزی جز این نبوده!

کیهان لندن طی سی سال انتشار چاپی از حمایت و همکاری سیاستمداران، روزنامه‌نگاران و چهره‌های علمی و فرهنگی و هنری و همچنین صاحبان کسب و کار در سراسر جهان برخوردار شد تا به عصر اینترنت و نسل‌های جوان رسید و در تمام این مدت همواره یک رسانه‌ی نه موسوم به «فارسی‌زبان» بلکه ایرانی باقی ماند.

وقتی هم انتشار نسخه چاپی هفتگی آن در ارماد ۱۳۹۲ متوقف شد، همکاران تازه‌نفس کیهان لندن توانستند همزمان وبسایت آن را با گزارش‌ها و تحلیل‌های روزانه فعال نگهدارند و پس از یک دوره وقفه، انتشار نشریه هفتگی آن را به صورت آنلاین در کنار گزارش‌های روزانه که می‌رفت تا با گسترش رسانه‌های اجتماعی ابعاد تازه‌ای پیدا کند، از سر بگیرند. و اینک ۲۱ سال پس از آنکه هزارمین شماره‌ی چاپی آن در فروردین ۱۳۸۳ در لندن جشن گرفته شد، شماره ۲۰۰۰ دیجیتال آن را در برابر دارید.

به عکس نگاه کنید؛ شماری از نسلی را می‌بینید که بلافاصله پس از ۵۷ تلاش کرد تا عشق به آزادی و آبادی ایران و امید و عزم و باور به پیروزی بر اسلام سیاسی و گسست ۵۷ را زنده نگهدارد. اکنون سال‌هاست جریانی که کیهان لندن صدای تنها اما رسای آن بود به صدای فراگیر، و به اعتراف دوست و دشمن، به جریان غالب سیاسی و اجتماعی و فرهنگی کشور تبدیل شده و خواب از چشم جمهوری اسلامی و حامیان پیدا و پنهان آن روده است؛ جریان نجات و پس گرفتن ایران و آزادی و آبادی دوباره‌ی کشوری که دو پادشاه پهلوی بر بستر آزادی و تجدید انقلاب مشروطه ساختند و تکمیل آن با دموکراسی و حقوق بشر و دستاوردهای فنی قرن بیست و یکم با سومین پهلوی می‌تواند و باید که ممکن شود.



● با اینکه مشخص نیست یک موج اعتراضات سراسری دیگر چه زمانی در ایران به راه بیفتد، اما مجموعه شرایط داخلی و منطقه‌ای و بین‌المللی نشان می‌دهد که حکومت در مسیری غیرقابل بازگشت به سوی فروپاشی و زوال می‌رود.

انزوای بین‌المللی، تشدید تحریم‌ها، اقتصاد تضعیف شده، رکود تورمی عمیق، ناکامی در تأمین آب و برق و گاز، حذف شدن از معادلات منطقه‌ای، نیروهای نیابتی بریادرفته، شهروندان ناراضی، و در نهایت مشروعیت ازدست‌رفته، همه و همه جمهوری اسلامی را با همه قدرتی‌ها و ادعاها در شکننده‌ترین وضعیت ممکن قرار داده است. همه آنچه از سوی رهبر حکومت تا دولت بی‌عمل و چهره‌های مختلف اصلاح‌طلب و اصولگرا مطرح می‌شود تنها با یک هدف و امید است: «بقای نظام»!

سه روز پس از اعلام آتش‌بس میان اسرائیل و گروه تروریستی حماس به عنوان مرحله اول توافق صلح غزه و آزادی گروگان‌های اسرائیلی از سوی حماس، «اجلاس صلح غزه» در ۱۳ اکتبر ۲۰۲۵ (۲۱ مهرماه ۱۴۰۴) با حضور رهبران ۳۰ کشور و چندین سازمان مهم بین‌المللی در شرم‌الشیخ مصر و با ریاست دونالد ترامپ و عبدالفتاح السیسی رئیس جمهوری مصر برگزار شد.

یکی از مهمترین وجوه این اجلاس، غیبت جمهوری اسلامی در نشست بود که سرنوشت خاورمیانه و آرایش جدید منطقه به آن پیوند خورده است؛ غیبتی که معنای آن بیش از هر چیز بیانگر پوشالی بودن ادعای «اقتدار» و «عمق نفوذ»، انزوای جمهوری اسلامی و حذف آن از رقابت‌های جدید ژئوپولیتیک در خاورمیانه است.

ثروتی که بر باد رفت

جمهوری اسلامی تقریباً نیم قرن میلیاردها دلار سرمایه ملی و حق ملت ایران را برای لاف «قدرت اول منطقه»، «عمق نفوذ در منطقه» و «اقتدار» بر باد داد و حالا خارج از دایره یک همگرایی جهانی برای حل مسئله اسرائیل و فلسطین قرار گرفته است.

این اجلاس از یکسو به معنای «به رسمیت شناختن اسرائیل» از سوی همه شرکت‌کنندگان بود و از سوی دیگر

اقتصادی که ورشکسته شد

حکومت خامنه‌ای در درون ایران نیز مانند صحنه بین‌الملل در گوشه رینگ قرار گرفته. بحران‌های پیچیده اقتصادی از جمله رکود تورمی عمیق، کسری شدید بودجه، کاهش منابع ارزی، بحران کمبود آب و انرژی، کاهش سطح تولید و رشد اقتصادی منفی، سطح نارضایتی عمومی را افزایش داده و حکومت را به شدت تضعیف و آسیب‌پذیر کرده است.



در این میان، اگرچه به ظاهر میان جریان‌های جمهوری اسلامی، از اصلاح‌طلبان تا اعضای جبهه پایداری، اختلاف نظرهایی در رابطه با مسائل مختلف از جمله «بستن تنگه

به عنوان شاه‌رگ درآمدی اقتصاد نفتی ایران، حالا بیش از گذشته نمایان شده است. آمارهای رسمی نشان می‌دهد روزانه حدود ۸۶ میلیون

اقتصاد ایران از سال ۱۳۹۷ به بعد و در ۶۱ ماه گذشته با تورم بالای ۳۰ درصد روبرو بوده است. اگرچه محمدرضا فرزین رئیس کل بانک مرکزی بیش از دو سال



هرمز»، «مذاکره با آمریکا»، و «آزادی پوشش» وجود دارد اما این اختلاف نظرها ناشی از نوع نگاه و باور این جریان‌هاست به برقراری مناسبات عادی با مردم و منطقه و جهان نیست بلکه فقط «اختلاف سلیقه و تاکتیک» آنها در «راهکارها» برای حفظ نظام و بقای خود است!

جمهوری اسلامی ایران در وضعیت شکننده‌ای قرار دارد و همه جناحین آن با وفاداری به «آرمان‌های انقلاب و نظام» برای بقاء تلاش می‌کنند. شرایط بحرانی و در آستانه فروپاشی قرار داشتن نظام سبب شده اختلاف نظرها بر سر راهکارهای موجود تشدید و به تقابل کلامی میان چهره‌ها و جریان‌ها حکومتی تبدیل شود؛ به بیان دیگر همه «خودی»های رژیم نگران از فروپاشی حکومت و از دست رفتن قدرت و رانت خودشان هستند و به همین دلیل تلاش می‌کنند به هر شکلی، از امتیاز دادن به ترامپ تا گسترش سرکوب، حکومت و قدرت سیاسی و اقتصادی خود را حفظ کنند!

با اینهمه به نظر نمی‌رسد تقلایی که برای بقای نظام در جریان است به جایی برسد. جمهوری اسلامی از یکسو از درون در حال فروپاشی است و «نفوذ» خارجی به ویژه اسرائیل در میان عالی‌ترین مقامات حکومتی و «بیت رهبری» رخنه کرده و از سوی دیگر هرگز اراده و توان حل مشکلات عمیق اقتصادی را برای جلب رضایت مردم نداشته چه برسد به فلاکتی که اکنون در آن بسر می‌برد.

ناراضیاتی انباشته در میان اقشار مختلف طی هفته‌های گذشته با اعتراضات پی در پی اصناف در شهرهای مختلف و همچنین موجی از اعتراضات دانشجویی از همدان تا تهران خود را نشان داده است. اگرچه مشخص نیست این نارضایتی‌های گسترده چه زمانی به اعتراضات سراسری علیه حکومت تبدیل شود، اما کاملاً روشن است که حکومت در مسیری غیرقابل بازگشت به سوی فروپاشی و زوال می‌رود. در چنین شرایطی تلاش همه «خودی»های پیدا و پنهان در داخل و خارج در هر شکل و با هر پوششی که داشته باشد، فقط جان‌کندن بی‌ثمر یک ساختار پوسیده خواهد بود که دوران‌ش در حال به پایان رسیدن است.

مترمکعب گاز طبیعی در ایران در مراحل تولید، انتقال و توزیع هدر می‌رود. این رقم معادل روزانه ۵۵۰ هزار بشکه نفت خام و بیش از یک سوم میزان نفت پیش‌بینی شده برای صادرات در لایحه بودجه ۱۴۰۴ است. مجموع مشعل‌سوزی و نشت متان در ایران معادل ۴۰ درصد از مصرف گاز کل خانوارها است. ارزش سالانه این میزان از هدر رفتن گاز در بازارهای جهانی معادل ۱۲ میلیارد دلار یا تقریباً نصف اقتصاد ارمنستان است.

همچنین بنا بر داده‌های بانک جهانی، ایران سال گذشته بطور متوسط روزانه ۶۳ میلیون مترمکعب گاز استخراج شده از میادین نفتی را به دلیل نبود تجهیزات جمع‌آوری، در همان مرحله تولید سوزانده است؛ رقمی معادل ۴۳ درصد متوسط مصرف روزانه گاز ترکیه در ۲۰۲۴!

این آمارهای تکانه‌دهنده تنها جنبه‌ای از آثار ۴۷ سال حکومت جمهوری اسلامی بر ایران است که سبب شده امروز شهروندان کشوری که دومین ذخایر گاز طبیعی جهان و چهارمین ذخایر نفت خام جهان را در اختیار دارند با جیره‌بندی مکرر انرژی روبرو باشند.

ملتی که درانتظار فرصت است

در بلبشوی فقر و فلاکت و نابسامانی، مقامات جمهوری اسلامی از جناحین مختلف همچنان «سرکوب» را به عنوان «راه حل» کنترل فضای داخل در دست دارند.

برخلاف وعده‌های اصلاح‌طلبانه و گمراه‌کننده مسعود پزشکیان در جریان انتخابات تیرماه ۱۴۰۳، آمارها نشان می‌دهد میزان بازداشت و صدور احکام قضایی علیه شهروندان، از فعالان سیاسی تا اقلیت‌های دینی، کاهش پیدا نکرده و آمار اجرای احکام اعدام همچنان افزایش می‌یابد!

از سوی دیگر مسائلی مانند سانسور اینترنت و تحمیل حجاب اجباری به عنوان دو محور کلیدی در شعارهای انتخاباتی پزشکیان و حامیان‌ش نیز حل نشده است. محدودیت‌های اینترنتی در دولت چهاردهم تشدید شده و سرکوب شهروندان به بهانه «حجاب» نیز همچنان ادامه دارد.

است که هدف‌گذاری تورم ۲۰ درصدی را مطرح کرده اما تورم ایران در کانال ۴۰ درصد قرار دارد و به عقیده کارشناسان در صورت تداوم شرایط کنونی تورم به زودی از مرز ۵۰ درصد نیز عبور خواهد کرد.

در جدیدترین گزارش بانک جهانی درباره چشم‌انداز اقتصادی منطقه خاورمیانه، رشد اقتصادی ایران برای امسال منفی ۷/۱ درصد پیش‌بینی شده است. این نهاد بین‌المللی برای دو سال آینده تورم ۵۶ درصدی برای ایران پیش‌بینی کرده است.

رشد اقتصادی ایران هم‌اکنون نیز در کانال منفی سیر می‌کند. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در گزارشی اعلام کرده که رشد اقتصادی ایران در نیمه اول امسال منفی ۳/۰ درصد بوده است.

سقوط ارزش پول ملی در سال‌های گذشته سبب کاهش شدید قدرت خرید خانوارها شده و در عمل قشر متوسط را که نقش موثری در ایجاد رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و حتی سیاسی دارد، محو کرده است.

آمارها نشان می‌دهد پایه دستمزد ۲۳۸ دلاری سال ۹۵ در طول یک بازه زمانی ۹ ساله، به ۹۱ دلار رسیده؛ به عبارتی، دستمزد واقعی سال جاری فقط ۳۸/۰ دستمزدی است که کارگران در سال ۹۵ دریافت می‌کردند!

کارشناسان هشدار می‌دهند وضعیت معیشت غالب جمعیت ایران در چنان سطحی از بحران قرار دارد که اقتصاد کوپنی هم نمی‌تواند کاهش قدرت خرید شهروندان را جبران کند!

در آنسو البته دولت منابعی برای حمایت از شهروندان، از جمله ارائه کوپن یا دیگر یارانه‌ها را ندارد. کسری بودجه دولت در سال جاری و برای پنج ماه آتی رقمی بیش از ۱۰۰۰ هزار میلیارد دلار برآورد می‌شود. کفگیر چنان به ته دیگ خورده که مسعود پزشکیان رئیس دولت چهاردهم از هر تریبونی برای «ذکر مصیبت» استفاده کرده و کاسه «چه کنم» در دست گرفته است.

پیامدهای سال‌ها نادیده گرفتن سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد اقتصادی و بی‌اعتنایی به توسعه صنعت نفت و گاز،

دعوت ترامپ از رهبران دنیا برای حضور در نشست نهایی «صلح غزه»؛ اسکای نیوز: پزشکیان به شرم‌الشیخ دعوت شد



دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا

● مصر روز دوشنبه ۱۳ اکتبر (۲۱ مهرماه) میزبان بیش از ۲۰ رهبر جهان در نشست تحت رهبری دونالد ترامپ برای نهایی کردن «طرح صلح غزه» خواهد بود. گفته می‌شود اسرائیل در این نشست شرکت خواهد کرد و از جمهوری اسلامی برای حضور در آن دعوت به عمل آمده است.

● پایگاه خبری آکسیوس گزارش داد از رهبران کشورهای مثل آلمان، فرانسه، بریتانیا، ایتالیا، قطر، امارات متحده عربی، اردن، ترکیه، عربستان سعودی، پاکستان و اندونزی برای حضور در این نشست دعوت شده است.

● همچنین گزارش شد وزارت خارجه آمریکا دعوتنامه‌های رسمی این نشست را صادر کرده و فهرست دولت‌های دعوت‌شده بطور قابل توجهی بیشتر شده که شامل اسپانیا، ژاپن، جمهوری آذربایجان، ارمنستان، مجارستان، هند، السالوادور، قبرس، یونان، بحرین، کویت و کانادا نیز می‌شود.

● آکسیوس به نقل از یک منبع مدعی شد که جمهوری اسلامی نیز به این نشست دعوت شده است، اما اسرائیل در آن شرکت نخواهد کرد.

مصر روز دوشنبه ۱۳ اکتبر (۲۱ مهرماه) میزبان بیش از ۲۰ رهبر جهان در نشست تحت رهبری دونالد ترامپ برای نهایی کردن «طرح صلح غزه» خواهد بود. گفته می‌شود اسرائیل در این نشست شرکت نخواهد کرد و از جمهوری اسلامی برای حضور در آن دعوت به عمل آمده است.

به گزارش روزنامه «تایمز اسرائیل»، سخنگوی

طرح صلح ترامپ برای غزه؛ آغاز تبادل گروگان‌ها و زندانیان میان اسرائیل و گروه تروریستی حماس



تجمع خانواده گروگان‌ها و شهروندان اسرائیلی برای استقبال از آزادشدگان

می‌توان زمان دقیقی برای تحویل آنها تعیین کرد. مقامات اسرائیلی می‌گویند ۴۸ گروگان همچنان در غزه هستند که زنده بودن ۲۰ نفر از آنان تأیید شده است.

بر اساس طرح صلح ترامپ، اسرائیل در ازای آزادی گروگان‌های اسرائیلی، نزدیک به ۲ هزار زندانی فلسطینی را آزاد خواهد کرد و همچنین اجازه ارسال فوری «کمک‌های کامل» به غزه را خواهد داد.

روزنامه «والاستریت ژورنال» گزارش داد که سرویس اطلاعات اسرائیل هم معتقد است که حماس محل همه پیکرهای گروگان‌های کشته‌شده را نمی‌داند و آزادی اجساد اسپران به قتل رسیده احتمالاً بیشتر طول خواهد کشید. یک نیروی ویژه مشترک چند ملیتی برای یافتن پیکر گروگان‌های کشته‌شده اسرائیلی در نوار غزه تشکیل شده که شامل ترکیه، آمریکا، قطر و مصر می‌شود.

روزنامه «معارف» نیز گزارش داد که نیرویی متشکل از ۲۰۰ سرباز آمریکایی شامل پرسنل مهندسی، امنیتی و اطلاعاتی وارد پایگاه ارتش اسرائیل در منطقه لخیش شده‌اند. این نیروها مختصات محل پیکر گروگان‌های کشته‌شده اسرائیلی را دریافت کرده‌اند و به همراه نیروهایی از مصر و قطر عملیات جستجو را آغاز می‌کنند.

بر اساس تازه‌ترین گزارش‌ها، دونالد ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده در راه اسرائیل است و انتظار می‌رود امروز دوشنبه ۱۳ اکتبر با بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل دیدار و در پارلمان این کشور سخنرانی کند. ترامپ برای شرکت در اجلاس درباره آینده غزه به مصر سفر خواهد کرد؛ اجلاسی که گفته می‌شود اسرائیل و تشکیلات خودگردان فلسطین در آن شرکت ندارند و دعوت از جمهوری اسلامی نیز که دیروز برخی منابع از جمله «اسکای نیوز» اعلام کرده بودند با تردید و تکذیب روبروست.

طبق طرح صلح دونالد ترامپ در غزه، از صبح دوشنبه ۱۳ اکتبر (۲۱ مهرماه) روند تبادل گروگان‌ها و زندانیان میان اسرائیل و گروه تروریستی حماس آغاز شد.

منابع منطقه‌ای گزارش دادند که هفت گروگان اسرائیلی تحویل مقامات صلیب سرخ شدند. گردان‌های «عزالدین القسام» (شاخه نظامی گروه تروریستی حماس) اسامی ۲۰ گروگان زنده اسرائیل را که قرار است در جریان توافق تبادل اسپران و زندانیان آزاد شوند، منتشر کردند.

حسام بدران عضو دفتر سیاسی حماس در گفتگو با «العربی الجدید» عنوان کرد که حماس به جدول زمانی توافق شده در مذاکرات شرم‌الشیخ برای آزادی اسپران اسرائیلی متعهد است. روند آزادی اسرائیلی‌ها قرار است در سه مرحله انجام شود.

این مقام حماس گفت که تحویل پیکر گروگان‌هایی که کشته شده بودند دشوار است زیرا برای یافتن برخی از آنها

● حماس ۷ گروگان اسرائیلی را در غزه به صلیب سرخ تحویل داد.

● فلسطینی‌ها منتظر آزادی نزدیک به ۲ هزار زندانی از زندان‌های اسرائیل هستند.

● حسام بدران عضو دفتر سیاسی حماس در گفتگو با «العربی الجدید» عنوان کرد، تحویل پیکر گروگان‌هایی که کشته شده‌اند دشوار است زیرا برای یافتن برخی از آنها نمی‌توان زمان دقیقی تعیین کرد.

● دونالد ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده در راه اسرائیل است و انتظار می‌رود امروز دوشنبه ۱۳ اکتبر با بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل دیدار و در پارلمان این کشور سخنرانی کند. پس از آن، ترامپ برای شرکت در اجلاسی درباره آینده غزه به مصر سفر خواهد کرد؛ اجلاسی که گفته می‌شود اسرائیل و تشکیلات خودگردان فلسطین در آن شرکت ندارند و دعوت از جمهوری اسلامی نیز که دیروز برخی منابع از جمله «اسکای نیوز» اعلام کرده بودند با تردید و تکذیب روبروست.

طبق طرح صلح دونالد ترامپ در غزه، از صبح دوشنبه ۱۳ اکتبر (۲۱ مهرماه) روند تبادل گروگان‌ها و زندانیان میان اسرائیل و گروه تروریستی حماس آغاز شد.

منابع منطقه‌ای گزارش دادند که هفت گروگان اسرائیلی تحویل مقامات صلیب سرخ شدند. گردان‌های «عزالدین القسام» (شاخه نظامی گروه تروریستی حماس) اسامی ۲۰ گروگان زنده اسرائیل را که قرار است در جریان توافق تبادل اسپران و زندانیان آزاد شوند، منتشر کردند.

حسام بدران عضو دفتر سیاسی حماس در گفتگو با «العربی الجدید» عنوان کرد که حماس به جدول زمانی توافق شده در مذاکرات شرم‌الشیخ برای آزادی اسپران اسرائیلی متعهد است. روند آزادی اسرائیلی‌ها قرار است در سه مرحله انجام شود.

این مقام حماس گفت که تحویل پیکر گروگان‌هایی که کشته شده بودند دشوار است زیرا برای یافتن برخی از آنها

واشنگتن پست: همکاری محرمانه نظامی شش کشور عربی با اسرائیل به ویژه برای مقابله با تهدیدات جمهوری اسلامی



عکس: ارتش اسرائیل

● به گزارش روزنامه «واشنگتن پست» شش کشور عربی، با وجود حملات لفظی علیه اسرائیل به دلیل جنگ غزه، در پشت پرده با کمک ارتش آمریکا به همکاری با اسرائیل برای اهداف امنیتی در طول جنگ غزه و به ویژه در برابر جمهوری اسلامی ایران ادامه داده‌اند.

● در این گزارش که با همکاری واشنگتن پست و همکاری کنسرسیوم بین‌المللی روزنامه‌نگاران تحقیقی و بر اساس اسنادی درزیاخته نوشته شده، آمده است، افسران ارشد اسرائیل و شش کشور عربی برای هماهنگی و برنامه‌ریزی در راستای اهداف امنیتی مشترک، از سه سال پیش در چهار کشور بحرین، مصر، اردن و قطر دیدار کرده‌اند. برخی از نشست‌ها در پایگاه العُدید در قطر و دیداری هم در پایگاه نظامی آمریکایی در ایالت کنتاکی برگزار شده است.

● این گزارش می‌گوید سنتکام جمهوری اسلامی را حامی اصلی گروه‌های مسلح فلسطینی می‌داند و با حمایت از همکاری اسرائیل و کشورهای عربی، برای تشکیل «ساختار امنیت منطقه‌ای» تلاش کرده است.

داده که شش کشور از هفت عضو این ساختار امنیتی، تصاویر هوایی از منطقه را از وزارت جنگ آمریکا دریافت می‌کرده‌اند و دو کشور نیز از طریق یک اسکادران نیروی هوایی آمریکا داده‌های راداری خود را به اشتراک گذاشته‌اند.

بر اساس اسناد درزیاخته روابط محرمانه نظامی اسرائیل و شش کشور عربی در تمامی دوره اخیر حتی همزمان با «جنگ ۱۲ روزه»، برقرار بوده است. این در حالیست که قطر ظاهراً نزدیک‌ترین متحد تهران در منطقه بوده و حمله اسرائیل به جمهوری اسلامی را محکوم کرده بود.

در پی حمله ماه گذشته اسرائیل به مقر حماس در دوحه، روابط اسرائیل و قطر با بحران روبرو شد، اما در پی تحولات روزهای گذشته و طرح صلح آمریکا برای پایان دادن به جنگ غزه، این همکاری ممکن است کماکان نقش کلیدی در نظارت بر آتش‌بس اولیه در غزه ایفا کند.

پس از اعلام آتش‌بس در جنگ غزه که از ظهر جمعه ۱۸ مهرماه اجرا شد، سنتکام اعلام کرد ۲۰۰ نیروی خود را برای کمک به اجرای طرح صلح به اسرائیل اعزام خواهد کرد و نیروهایی از چند کشور عربی که بخشی از همکاری دیرینه هستند، به نظامیان آمریکایی ملحق خواهند شد.

پنج کشور از شش کشور حوزه خلیج فارس از ایجاد ساز و کاری که امنیت همه طرفین را پس از آتش‌بس در جنگ غزه تضمین کند، حمایت کردند اما نگفتند که آیا این حمایت به مفهوم اعزام نیروهای نظامی نیز هست یا نه.

به نوشته واشنگتن پست، اسناد همکاری محرمانه اسرائیل و شش کشور عربی از آغاز تشکیل ساز و کار امنیتی مشترک بین آنها، در اختیار برخی دیگر از متحدین غربی اسرائیل و آمریکا مانند بریتانیا، کانادا، استرالیا و نیوزیلند نیز قرار گرفته است.

بجز شش کشور یادشده، از کویت و عمان نیز به عنوان شرکای بالقوه در ساز و کار امنیتی با عنوان «ساختار امنیت منطقه‌ای» یاد شده است. بر اساس این اسناد، عربستان سعودی نقش فعالی در این قضیه ایفا کرده است.

پشت پرده با کمک ارتش آمریکا به همکاری با اسرائیل برای اهداف امنیتی در طول جنگ غزه و به ویژه در برابر جمهوری اسلامی ایران ادامه داده‌اند.

در این گزارش که با همکاری واشنگتن پست و همکاری کنسرسیوم بین‌المللی روزنامه‌نگاران تحقیقی و بر اساس اسنادی درزیاخته نوشته شده، آمده است که افسران ارشد اسرائیل و شش کشور عربی برای هماهنگی و برنامه‌ریزی در راستای اهداف امنیتی مشترک، از سه سال پیش در چهار کشور بحرین، مصر، اردن و قطر دیدار کرده‌اند. برخی از نشست‌ها در پایگاه العُدید در قطر و دیداری هم در پایگاه نظامی آمریکایی در ایالت کنتاکی برگزار شده است.

در بخشی از این گزارش آمده تهدیدات ناشی از جمهوری اسلامی ایران، نیروی محرکه همکاری مشترک دولت‌های عربی و اسرائیل است که زیر نظر فرماندهی مرکزی ایالات متحده (سنتکام) جریان داشت.

مقامات نظامی آمریکا از اظهار نظر در این مورد خودداری کرده‌اند و اسرائیل و شش کشور عربی که نام‌شان در این گزارش مطرح شده نیز در اینباره سکوت نمودند.

این گزارش می‌گوید سنتکام جمهوری اسلامی را حامی اصلی گروه‌های مسلح فلسطینی می‌داند و با حمایت از همکاری اسرائیل و کشورهای عربی، برای تشکیل «ساختار امنیت منطقه‌ای» تلاش کرده است.

در بخش دیگری از این گزارش آمده یک برنامه دفاع هوایی برای مقابله با موشک‌ها و پهپادهای جمهوری اسلامی، محور اصلی ساز و کار امنیتی مورد نظر میان اسرائیل و کشورهای عربی بوده است.

در سال ۲۰۲۲ توافق‌هایی برای ایجاد هماهنگی میان سامانه‌های دفاع هوایی در برابر موشک‌ها و پهپادهای جمهوری اسلامی و گروه‌های نیابتی آن میان اسرائیل و کشورهای عربی به دست آمد و تا سال ۲۰۲۴، شش کشور به سامانه آمریکایی متصل شدند که داده‌های راداری و حسگرها را در اختیار سنتکام می‌گذارند.

واشنگتن پست در ادامه می‌نویسد یکی از سندها نشان

به گزارش روزنامه «واشنگتن پست» شش کشور عربی، با وجود حملات لفظی علیه اسرائیل به دلیل جنگ غزه، در

→ ریاست جمهوری مصر اعلام کرد که این کشور در شهر بندری شرم‌الشیخ در کنار دریای سرخ، میزبان نشست بین‌المللی درباره صلح غزه خواهد بود تا توافق برای پایان دادن به جنگ نهایی شود. به گفته او، بیش از ۲۰ رهبر جهان از جمله دونالد ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده در این نشست شرکت خواهند داشت. عبدالفتاح السیسی و دونالد ترامپ ریاست مشترک این نشست را بر عهده خواهند داشت.

پیشتر پایگاه خبری آکسیوس گزارش داده بود که از رهبران کشورهای مثل آلمان، فرانسه، بریتانیا، ایتالیا، قطر، امارات متحده عربی، اردن، ترکیه، عربستان سعودی، پاکستان و اندونزی برای حضور در این نشست دعوت شده است.

همچنین گزارش شد وزارت خارجه آمریکا دعوتنامه‌های رسمی این نشست را صادر کرده و فهرست کشورهای دعوت‌شده بطور قابل توجهی بیشتر شده که شامل اسپانیا، ژاپن، جمهوری آذربایجان، ارمنستان، مجارستان، هند، السالوادور، قبرس، یونان، بحرین، کویت و کانادا نیز می‌شود. آکسیوس به نقل از یک منبع مدعی شد که جمهوری اسلامی نیز به این نشست دعوت شده است اما اسرائیل در آن شرکت نخواهد کرد. از سوی دیگر، پایگاه خبری «العربی الجدید» گزارش داد تشکیلات خودگردان فلسطین به نشست شرم‌الشیخ دعوت نشده است.

شبکه بریتانیایی «اسکای نیوز عربی» نیز تأیید کرد که مسعود پزشکیان رئیس‌جمهوری اسلامی در فهرست دعوت‌شدگان قرار دارد.

اینهمه در حالیست که یک مقام ارشد حماس روز شنبه بار دیگر موضوع خلع سلاح را به عنوان بخشی از طرح صلح دونالد ترامپ برای غزه «منتفی» اعلام کرد. این مقام که نامش اعلام نشده در گفتگو با خبرنگاری فرانسه تأکید کرد: «تحویل سلاح‌ها منتفی است و قابل مذاکره نیست.»

دونالد ترامپ در «کنست»: «خطرناک‌ترین حامی تروریسم جهان» موجودیت اسرائیل را به رسمیت بشناسد!



نتانیاهو و ترامپ در کنست / ۱۳ اکتبر ۲۰۲۵

تأسیسات هسته‌ای ایران استفاده شد، گفت: «فکر می‌کردم اینها هواپیماهای زیبایی هستند، اما نمی‌دانستم چنین کاری از آنها ساخته باشد.»

این هواپیماها همراه با ۱۰۰ فروند هواپیمای دیگر و ۵۲ هواپیمای سوخت‌رسان که ترامپ آنها را «بمپ‌بنزین‌های آسمانی» نامید، در حمله به تأسیسات هسته‌ای در ایران شرکت داشتند. ترامپ افزود که با همکاری اسرائیل و آمریکا، «خطرناک‌ترین حامی تروریسم جهان» از دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای باز داشته شد. او در این بخش از سخنرانی خود گفت: «اولین حکومت حامی تروریسم در جهان را متوقف کردیم تا به سلاح هسته‌ای نرسد. تصور کنید اگر این کار را نکرده بودیم، حتی با وجود برقراری صلح در غزه، همچنان ابر سیاهی بر فراز خاورمیانه باقی می‌ماند. [جمهوری اسلامی] ایران شاید تنها دو ماه تا دستیابی به سلاح هسته‌ای فاصله داشت و این آخرین فرصت ما برای جلوگیری از آن بود.»

ترامپ در پایان اظهار داشت: «این آخرین فرصت ما بود و برای من افتخاری بود که در این مسیر کمک کنم.»

او اضافه کرد: «در لبنان، حزب‌الله نابود شده و ما از رئیس جمهوری لبنان در تلاش‌هایش برای خلع سلاح حزب‌الله و ساختن کشوری که در صلح با همسایگان خود زندگی کند، حمایت می‌کنیم.»

ترامپ با اشاره به آینده غزه تأکید کرد: «امنیت اسرائیل پس از خلع سلاح حماس دیگر به هیچ وجه در معرض تهدید نخواهد بود.» وی خاطر نشان کرد: «تمام منطقه با طرح خلع سلاح این جنبش موافقت کرده است و حماس دیگر تهدیدی نخواهد بود.»

این سخنان البته در حالیست که گروه تروریستی با خلع سلاح خود مخالفت کرده و اینکه مراحل بعدی «طرح صلح» پس از برقراری آتش‌بس و مبادله گروگان‌های اسرائیلی و زندانیان فلسطینی چگونه پیش برود، با وجود پشتیبانی جهانی و منطقه‌ای، در پرده‌ای از ابهام قرار دارد.

کامل متوقف کند.» وی افزود: «انعقاد توافق صلح با ایرانیان اقدامی بسیار مطلوب خواهد بود.»

ترامپ در ادامه گفت: «آنها ضربه‌هایی از اینطرف و آنطرف خوردند، و عالی خواهد بود اگر بتوانیم با آنها به یک توافق صلح برسیم.» او افزود: «آیا از این بابت خوشحال می‌شوید؟ به نظر من عالیست، چون فکر می‌کنم آنها هم تمایل دارند.»

ترامپ همچنین گفت که توپ اکنون در زمین رژیم ایران است تا هرگونه توافقی به نتیجه برسد. او افزود: «هر وقت شما آماده باشید، ما هم آماده‌ایم.»

ترامپ بار دیگر تصمیم خود را برای خروج از برجام در سال ۲۰۱۸ تأیید کرد و گفت: «من توافق هسته‌ای ایران را لغو کردم و به انجام این کار بسیار افتخار می‌کنم.»

او خطاب به نمایندگان کنست افزود: «با این حال، حتی به سوی رژیم ایران که مرگ و ویرانی زیادی در خاورمیانه ایجاد کرده، دست دوستی و همکاری دراز می‌کنیم.» وی ادامه داد: «آنها می‌خواهند توافق کنند و ما خواهیم دید که آیا می‌توانیم کاری انجام دهیم یا نه.»

ترامپ گفت: «نه ایالات متحده و نه اسرائیل هیچ خصوصی نسبت با مردم ایران ندارند. ما صرفاً می‌خواهیم در صلح زندگی کنیم.»

ترامپ از رژیم ایران خواست تا دست از تهدید همسایگانش بردارد، از تأمین مالی نیروهای نیابتی دست بکشد و «موجودیت اسرائیل را به رسمیت بشناسد.»

رئیس جمهوری آمریکا مهارت و شجاعت نیروهای نظامی اسرائیل در جنگ هوایی ۱۲ روزه را ستایش کرد و گفت که سرلشکر ایال زمریر رئیس ستاد کل نیروهای ارتش اسرائیل «کار بزرگی انجام داد» و خطاب به ارتش اسرائیل گفت: «مردم من از همکاری با شما لذت بردند. آنها بسیار خوب با یکدیگر کار کردند.»

ترامپ همچنین تأکید کرد که بسیاری از عوامل عملیاتی و دانشمندان مهم جمهوری اسلامی «از روی زمین محو شدند.» وی با تحسین بمب‌افکن‌های بی-۲ که در حمله به

● دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا روز دوشنبه ۱۳ اکتبر (۲۱ مهرماه) پیش از سفر به شرم‌الشیخ برای حضور در نشست صلح غزه، در پارلمان اسرائیل (کنست) سخنرانی کرد.

● پیش از سخنرانی ترامپ، بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل در سخنانی خطاب به ترامپ گفت: «توبزرگترین دوستی هستی که اسرائیل تا کنون داشته است، هیچ رئیس جمهور آمریکایی به اندازه تو برای اسرائیل کار انجام نداده است.»

● نتانیاهو تصمیم رئیس جمهور ترامپ برای مبارزان تأسیسات هسته‌ای ایران در فردو را «یکی از معجزات کتاب مقدس» دانست.

● ترامپ با اشاره به جنگ ۱۲ روزه گفت [رژیم] ایران با «ضربه‌ای قاطع و فلج‌کننده» مواجه شده و ایالات متحده موفق شد «به فعالیت خطرناک‌ترین کشور جهان پایان دهد و پروژه هسته‌ای جمهوری اسلامی را بطور کامل متوقف کند.»

● «نه ایالات متحده و نه اسرائیل هیچ خصوصی با مردم ایران ندارند. ما صرفاً می‌خواهیم در صلح زندگی کنیم.»

دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا روز دوشنبه ۱۳ اکتبر (۲۱ مهرماه) پیش از سفر به شرم‌الشیخ در قاهره برای حضور در نشست صلح غزه، در پارلمان اسرائیل (کنست) سخنرانی کرد.

پیش از سخنرانی ترامپ، بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل در سخنانی خطاب به ترامپ گفت: «تو بزرگترین دوستی هستی که اسرائیل تا کنون داشته است، هیچ رئیس جمهور آمریکایی به اندازه تو برای اسرائیل کاری انجام نداده است.» او افزود: «تو به این صلح پایبند هستی، و من نیز همینطور.»

نتانیاهو تصمیم ترامپ برای مبارزان تأسیسات هسته‌ای ایران در فردو را «یکی از معجزات کتاب مقدس» دانست.

دونالد ترامپ نیز در سخنرانی خود گفت: «امروز، سپیده‌دمی تاریخی برای آینده خاورمیانه است.» او افزود: «امروز، همچون ایالات متحده، اسرائیل و خاورمیانه وارد دوران طلایی تازه‌ای شده‌اند.»

ترامپ از «تمام کشورهای عربی و اسلامی که برای تحت فشار قرار دادن حماس به منظور آزادی گروگان‌ها متحد شدند» قدردانی نمود و اشاره کرد که این اقدام بخشی از سلسله موفقیت‌های دیپلماتیکی است که طی ماه‌های گذشته به دست آورده است. او گفت: «ما در مدت هشت ماه، هشت جنگ را پایان دادیم و با بازگشت گروگان‌ها، این جنگ را نیز به این فهرست خواهیم افزود.»

او در ادامه تأکید کرد که «علاقه‌ای به جنگ ندارد» و افزود که خودش ذاتاً طرفدار خاتمه دادن به جنگ‌هاست و به نظر می‌رسد در این مسیر موفق بوده است. با این حال، رئیس جمهوری آمریکا تصریح کرد که دستیابی به صلح تنها از راه قدرت امکان‌پذیر است و اظهار داشت: «ما تسلیحات خارق‌العاده‌ای در اختیار داریم که هیچکس انتظار چنین چیزی را نداشت و امیدوارم هرگز مجبور به استفاده از آنها نشویم؛ بسیاری از این تجهیزات را به اسرائیل نیز داده‌ایم.»

بخش زیادی از صحبت‌های رئیس جمهوری آمریکا به ایران اختصاص داشت. ترامپ با اشاره به جنگ ۱۲ روزه گفت که [رژیم] ایران با «ضربه‌ای قاطع و فلج‌کننده» مواجه شده و ایالات متحده موفق شد «به فعالیت خطرناک‌ترین حکومت جهان پایان دهد و پروژه هسته‌ای جمهوری اسلامی را بطور

درگیری‌های داخلی در غزه؛ رویترز: حماس بعد از آتش‌بس ۳۲ نفر را کشت



شبه‌نظامیان فلسطینی در روزی که گروهان‌های اسرائیلی در غزه به کمیته بین‌المللی صلیب سرخ تحویل داده می‌شوند / عکس: رویترز

● به گزارش رویترز، گروه تروریستی حماس که به شدت تضعیف شده، از زمان آغاز آتش‌بس دست‌کم ۳۲ نفر را کشته است. این در حالیست که حماس برای تقویت نیروهای خود در غزه به اسم برقراری امنیت در مناطق جنگ‌زده موافقت موقت آمریکا را دریافت کرده است.

● در این گزارش که ۱۳ اکتبر (۲۱ مهرماه) منتشر شد به نقل از دو منبع امنیتی آمده است، حماس که پس از عملیات مرگبار هفت اکتبر ۲۰۲۳ ضربه شدیدی از اسرائیل خورده، از زمان آغاز آتش‌بس نیروهای خود را با احتیاط به خیابان‌های غزه بازگردانده تا در صورت شکست ناگهانی آتش‌بس غافلگیر نشود.

● حسام العستال چهره‌ی ضدحماس در شهر خان یونس در پیامی ویدیویی گفت: «به محض آنکه گروهان‌ها را تحویل دهید، دوران شما در غزه به پایان می‌رسد.»

● ریهام عوده تحلیلگر فلسطینی می‌گوید: «حماس قصد تسویه حساب با رقبای خود را دارد و همچنین می‌خواهد نشان دهد که نیروهای امنیتی وابسته به آنها باید در دولت آینده غزه حضور داشته باشند؛ درخواستی که اسرائیل آن را رد خواهد کرد.»

درگیری‌های داخلی غزه و نبرد با خانواده‌های بانفوذ
در پی طولانی شدن جنگ، حماس با چالش‌های داخلی بیشتری از سوی گروه‌های محلی روبرو شده است، به ویژه گروه‌هایی که به خانواده‌های بانفوذ غزه وابسته‌اند.

به گفته بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل پیشتر برخی از این گروه‌های خانوادگی را برای مقابله با حماس مسلح کرده است. در شهر غزه، حماس عمدتاً با خاندان «دغمش» درگیر بوده است.

یک منبع امنیتی به رویترز گفت یکی از مهم‌ترین چهره‌های ضدحماس، یاسر ابوشباب است که در منطقه رفح فعال است؛ جایی که اسرائیل هنوز از آن عقب ننشسته است.

منابع محلی می‌گویند گروه ابوشباب با حقوق‌های بالا صدها جنگجو جذب کرده است. حماس او را «همکار اسرائیل» می‌داند، اما ابوشباب این موضوع را رد می‌کند.

این منبع امنیتی افزود نیروهای حماس اخیراً «دست راست» ابوشباب را کشته‌اند و در تلاش‌اند خود او را نیز هدف قرار دهند.

حسام العستال یک چهره‌ی ضدحماس دیگر در شهر خان یونس در پیامی ویدیویی گفت: «به محض آنکه گروهان‌ها را تحویل دهید، دوران شما در غزه به پایان می‌رسد.»

ریهام عوده تحلیلگر فلسطینی می‌گوید: «حماس قصد تسویه حساب با رقبای خود را دارد و همچنین می‌خواهد نشان دهد که نیروهای امنیتی وابسته به آن باید در دولت آینده غزه حضور داشته باشند؛ درخواستی که اسرائیل آن را رد خواهد کرد.»

نیروهای خودشان نیز کشته شده‌اند.»
ساعاتی بعد، ویدیویی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد که نشان می‌داد چند مرد نقابدار، برخی با سرپند سبز شبیه به حماس، هفت مرد را پس از واداشت به زانو زدن در خیابان با مسلسل تیرباران می‌کنند.

مردم در صحنه فریاد «الله‌اکبر» سر داده و قربانیان را «همکار دشمن» خوانده‌اند. رویترز نتوانست صحت زمان و مکان این ویدیو را تایید کند.

ماه گذشته نیز مقامات حماس از اعدام سه نفر به اتهام همکاری با اسرائیل خبر داده بودند.

حماس و ابفای نقش موقت پلیس!؟

بر اساس طرح ترامپ برای غزه، این منطقه باید بدون سلاح و بدون حضور حماس، تحت نظارت یک کمیته فلسطینی و با پشتیبانی یک گروه بین‌المللی برای آموزش و تجهیز نیروی پلیس فلسطینی اداره شود.

اما ترامپ هنگام سفر خود به خاورمیانه گفت که حماس برای مدتی موقت اجازه یافته تا نقش پلیس را در غزه ایفا کند. او می‌گوید: «آنها واقعاً می‌خواهند اوضاع را آرام کنند و در اینباره صادق بودند. ما هم برای مدتی به آنها اجازه داده‌ایم.»

پس از آغاز آتش‌بس، اسماعیل الثوابه رئیس دفتر رسانه‌ای دولت حماس در غزه به رویترز گفت که این گروه اجازه نخواهد داد «خلاء امنیتی» به وجود آید و امنیت عمومی و اموال مردم را حفظ خواهد کرد.

حماس همچنین اعلام کرده که درباره خلع سلاح مذاکره نخواهد کرد و تنها در چارچوب تشکیل یک دولت مستقل فلسطینی حاضر به تحویل سلاح‌های خود است.

به گزارش رویترز، گروه تروریستی حماس که به شدت تضعیف شده، از زمان آغاز آتش‌بس دست‌کم ۳۲ نفر را کشته است. این در حالیست که حماس برای تقویت نیروهای خود در غزه به اسم برقراری امنیت در مناطق جنگ‌زده موافقت موقت آمریکا را دریافت کرده است.

در این گزارش که ۱۳ اکتبر (۲۱ مهرماه) منتشر شد، به نقل از دو منبع امنیتی آمده است، حماس که پس از عملیات مرگبار هفت اکتبر ۲۰۲۳ ضربه شدیدی از اسرائیل خورده، از زمان آغاز آتش‌بس اخیر، نیروهای خود را با احتیاط به خیابان‌های غزه بازگردانده تا در صورت شکست ناگهانی آتش‌بس غافلگیر نشود.

نیروهای گردان‌های «قسام» شاخه نظامی حماس، دوشنبه ۲۱ مهر هنگام تحویل آخرین گروهان‌های اسرائیلی، در غزه مستقر شدند.

این در حالیست که در طرح صلح ترامپ بر خلع سلاح کامل حماس تاکید شده و اسرائیل نیز با صراحت خواهان خلع سلاح کامل و نابودی حماس است. مسئله خلع سلاح حماس یکی از بزرگترین چالش‌های طرح رییس جمهوری آمریکا برای تحقق صلح پایدار در خاورمیانه است.

رویترز همچنین ویدیوهایی از ده‌ها نیروی حماس را در مقابل بیمارستانی در جنوب غزه منتشر کرده که در آنها از جمله فردی با بازوبند «یگان سایه» دیده می‌شود؛ یگانی که منابع حماس می‌گویند مأمور حفاظت از گروهان‌ها بوده است.

یک منبع امنیتی در غزه گفت: «از زمان آغاز آتش‌بس، نیروهای حماس ۳۲ نفر از اعضای یک باند وابسته به یک خانواده در شهر غزه را کشته‌اند، در حالی که شش نفر از

پیش‌بینی‌هایی درباره پیامدهای اجرای «اسنپ‌بک»؛ جمهوری اسلامی به سیاست استفاده از نیابتی‌ها روی خواهد آورد



این تردیدها ریشه در اختلافات مزمن در میان زمامداران حاکم بر ایران دارد؛ مسئله‌ای که محمدجواد ظریف نیز در کتاب اخیر خود «صبر دیپلماتی» (که می‌خواست عنوانش را «لب‌های خندان و دل‌های خونین» بگذارد) به شدت از آن گلایه کرده است.

اروپایی‌ها تلاش کردند با پیشنهادهایی مختلف، رژیم ایران را به میز مذاکرات بازگردانند، اما به دلیل همین اختلافات داخلی، جمهوری اسلامی شرایط جدیدی مطرح کرد و از بازگشت به مذاکرات طفره رفت. این موضع منجر به گزارش منفی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی شد که رفتار تهران را «فریبکارانه» توصیف کرد.

در ماه اوت گذشته، سه کشور بریتانیا، فرانسه و آلمان (به عنوان بخشی از گروه ۱+۵) پیشنهاد فعال شدن مکانیسم ماشه را به شورای امنیت ارائه دادند و مهلتی یک‌ماهه نیز (تا پایان سپتامبر) برای بازگشت جمهوری اسلامی به میز مذاکرات تعیین کردند. اما چون رژیم در این مدت همکاری نکرد، مکانیسم ماشه فعال و تحریم‌ها بازگردانده شد.

نکته مهم اینکه روسیه و چین نیز نتوانستند مانع این روند شوند، زیرا طبق قطعنامه ۲۲۳۱، بازگشت تحریم‌ها اتوماتیک است و نیاز به رأی‌گیری ندارد.

دلایل فعال‌سازی تحریم‌ها از نگاه اروپا
انباشت اورانیوم غنی‌شده فراتر از حد مجاز
نقض توافقاتی نظارتی آژانس بین‌المللی
غنی‌سازی اورانیوم در سطوح بالا که امنیت بین‌المللی را
تهدید می‌کند.

مختلف به تحولات غزه را پیروزی سیاست‌های خود دانست و این را نشانه‌ای از همدلی با پروژه خودش تعبیر نمود. همچنین افزایش انتقادات از اسرائیل و حمله به قطر را به اشتباه نشانه‌ای از تغییر فضا به نفع خود دانست و از همین رو به سمت افراط در مواضع خود رفت. انتظار می‌رود سیاست جمهوری اسلامی بار دیگر به سیاست استفاده از بازوهای منطقه‌ای خود در لبنان، عراق، یمن و سوریه بازگردد.

مکانیسم ماشه چیست؟

«مکانیسم ماشه» یا در اصطلاح انگلیسی «Snapback» به معنای بازگشت خودکار تحریم‌ها است. این مکانیسم در قطعنامه شماره ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل (سال ۲۰۱۵) گنجانده شده که به توافق هسته‌ای میان رژیم ایران و شش کشور (از جمله چین، روسیه، و کشورهای غربی) مربوط می‌شود.

بر اساس این مکانیسم، اگر هر یک از طرفین غربی امضاکننده توافق تشخیص دهند که جمهوری اسلامی «نقض اساسی» انجام داده است، تحریم‌ها به صورت خودکار و بدون نیاز به رأی‌گیری جدید، بازمی‌گردند.

چگونه تحریم‌ها دوباره فعال شدند؟

پس از شکست مذاکرات آمریکا و رژیم ایران در ژوئن گذشته و وقوع جنگی که بلافاصله پس از آن میان اسرائیل و آمریکا از یکسو و جمهوری اسلامی از سوی دیگر رخ داد، تهران مواضع خود را نسبت به پرونده هسته‌ای سخت‌تر کرد و تفسیرهای متفاوتی از مفاد توافق ارائه داد.

● رژیم ایران وضعیت بین‌المللی و منطقه‌ای را به اشتباه محاسبه کرد. به ویژه در واکنش جهانی به تحولات غزه، اینگونه برداشت کرد که سیاست‌هایش پیروز شده‌اند و جهان با پروژه‌ی آن همدل است. همچنین افزایش انتقادات از اسرائیل و حملات به قطر را نیز به نفع خود تعبیر کرد و در نتیجه سختگیری و افراط در مواضع خود را در پیش گرفت.

● اکنون نیز پیش‌بینی می‌شود که رژیم ایران دوباره به استفاده از گروه‌های نیابتی خود در منطقه روی آورد؛ در لبنان با افزایش تحركات حزب‌الله برای فلج ساختن دولت آن کشور؛ در عراق با فعال ساختن گروه‌های شبه‌نظامی برای اعمال نفوذ؛ در یمن و سوریه با مانع‌تراشی در مسیر بازسازی و توسعه.

● لازم است کشورهای حوزه خلیج فارس آمادگی امنیتی و نظامی خود را تقویت کنند، به ویژه در ساحل غربی خلیج فارس. این آمادگی همکاری اطلاعاتی منطقه‌ای می‌بایست با شرکای بین‌المللی گسترش یابد چرا که خطر حملات سایبری به زیرساخت‌ها مانند انرژی، بانک‌ها و بیمارستان‌ها وجود دارد و باید رصد جریان‌های مالی از سمت تهران دقیق‌تر شود. در بعد سیاسی، باید ائتلاف‌های استراتژیک تقویت شود؛ به وعده‌های رژیم ایران اعتماد نشود، به ویژه اگر صادرات نفت آن محدود شود که در این صورت قیمت نفت در منطقه افزایش خواهد یافت.

محمد الرمیچی (التهار) - رژیم ایران صحنه بین‌المللی و منطقه‌ای را به اشتباه محاسبه کرد به ویژه واکنش کشورهای

بازنش

جمهوری با عقد دائم

خبراندیش (احمد احرار)

کیهان لندن شماره ۱۱۶۷ (مرداد ۱۳۸۶)



شود و تزلزل پیش نیاید.

الان خوشبختانه، این سنت در دنیای پیشرفته جا افتاده است. پیدایش «نظام جمهوری دموکراتیک موروثی خلق» امکان می‌دهد هرگاه سایه یک رهبر فرهمند و خردمند بر سر ملتی افتاد تا وقتی عمر او به دنیا باقی است حکومتش برقرار و ولایتش بر دوام باشد. بعد از آن نیز این «حق» از خودش به وارثش انتقال یابد. اگر مثل پرزیدنت حافظ الاسد یا پرزیدنت کیم ایل سونگ پسر شایسته‌ای داشت «حکومت» برسد به پسرش. اگر نداشت به دخترش. دختر نداشت به همسرش یا مثل نمونه کوبا از پرزیدنت کاسترو به برادرش.

جای تعجب است که با یک چنین تحولی در تاریخ سیاسی جهان، باز هم جنگ حیدری و نعمتی بین ما ملت بر سر مشروطه‌طلبی و جمهوریخواهی ادامه دارد. جمهوریخواه به مشروطه‌طلب می‌گوید همه حرفهایی را که میزنی قبول دارم اما مرده‌شوی اسمت را برد. مشروطه‌طلب هم همین را به جمهوریخواه می‌گوید.

راستی می‌دانید اصطلاح حیدری - نعمتی از کجا آمده است؟ حالا که اسمش را آوردیم پس شرحش را هم بیفزاییم. کلمه حیدری از نام سلطان حیدر نیای دودمان صفویه مأخوذ است و نعمتی از نام شاه نعمت‌الله ولی.

مؤلف «فارسنامه ناصری» می‌نویسد: شهر شیراز از یازده محله تشکیل می‌شد. از آنها پنج محله «حیدری‌خانه» نامیده می‌شد و پنج محله را «نعمتی‌خانه» می‌گفتند. یک محله هم محله یهودیان بود. نیمه شرق شهر حیدری و نیمه غرب شهر نعمتی بود و هر سال در موقع عزاداری، خونریزی می‌شد!

عالی‌جناب هوگو چاوز، برادرخوانده پرزیدنت دکتر محمود احمدی‌نژاد، تصمیم گرفت در ونزوئلا نیز جمهوری مادام‌العمری برقرار کند.

رئیس مجلس ونزوئلا، سیلابالوروس، به ملت مزده داد که پیش‌نویس قانون لغو محدودیت دوره ریاست جمهوری آماده شده است و همین روزها از طرف پرزیدنت چاوز تقدیم پارلمان می‌شود.

قانون اساسی موجود، کاخ ریاست جمهوری را فقط برای دو دوره شش ساله، یعنی حد اکثر دوازده سال قابل تملک می‌داند و بعد از دوازده سال، مستأجر - حتی اگر به وجاهت و مقبولیت هوگو چاوز باشد - مجبور است خانه را تخلیه کند و تحویل دیگری بدهد.

چاوز، در دسامبر سال گذشته قول داد که این نقص قانون اساسی را برطرف کند و اکنون: الوعه وفا. چرا که به گفته او «فکر نمی‌کنم ما این حق را داشته باشیم تا مردم را از فرصت انتخاب مجدد رهبری که مورد علاقه‌شان است برای چهارمین و پنجمین و یا ششمین دور متوالی محروم کنیم». حرف از این منطقی‌تر نمی‌شود. چه کسی گفته است وقتی ملت یکی را دید و پسندید و او را به سرپرستی برگزید این رابطه باید به صورت عقد منقطع (صیغه) باشد و نه عقد دائم. چه لزومی دارد هر چهار سال یا شش سال یک مرتبه، مردم دور کوچه و بازار بگردند و به اینجا و آنجا سر بکشند تا یک رئیس جمهور تازه پیدا کنند در حالی که بهترش را در خانه دارند.

از آن هم بهتر این است که رئیس جمهوری مادام‌العمر، یک وارث از سلاله یا خانواده خودش داشته باشد. پسری، دختری، همسری یا حتی پسر عمو و پسرخاله، تا تداوم حفظ

تحریم‌هایی که بازگشته‌اند شامل ممنوعیت فروش و خرید تسلیحات به ایران، محدودیت برنامه موشک‌های بالستیک، مسدود کردن دارایی‌های مالی، ممنوعیت سفر برخی مقامات رژیم و بالاخره ممنوعیت همکاری‌های هسته‌ای غیرنظامی می‌شود.

اشتباه محاسباتی جمهوری اسلامی

رژیم ایران وضعیت بین‌المللی و منطقه‌ای را به اشتباه محاسبه کرد. به ویژه در واکنش جهانی به تحولات غزه، اینگونه برداشت کرد که سیاست‌هایش پیروز شده‌اند و جهان با پروژهای آن همدل است. همچنین افزایش انتقادات از اسرائیل و حملات به قطر را نیز به نفع خود تعبیر کرد و در نتیجه سختگیری و افراط در مواضع خود را در پیش گرفت.

اما این محاسبه حتا اگر نگویم اشتباه، اما قطعاً ناقص است چرا که مسئله غزه یا حمایت از قطر با پرونده هسته‌ای رژیم ایران کاملاً متفاوت است.

بازگشت به «سیاست بازوهای نیابتی»

پیش‌بینی می‌شود که رژیم ایران دوباره به استفاده از گروه‌های نیابتی خود در منطقه روی آورد:

لبنان: افزایش تحرکات حزب‌الله برای فلج‌سازی دولت لبنان

عراق: فعال ساختن گروه‌های شبه‌نظامی برای اعمال نفوذ

یمن و سوریه: مانع‌تراشی در مسیر بازسازی و توسعه همچنین احتمالاً جمهوری اسلامی برای ایجاد بی‌ثباتی در تجارت بین‌المللی در دو گذرگاه حیاتی تنگه هرمز و باب‌المندب اقدام خواهد کرد. چراکه در منطق رژیم ایران شعار اصلی این است که «اگر من نباشم، هیچکس نباید باشد».

توصیه‌هایی برای آمادگی امنیتی و سیاسی

لازم است کشورهای حوزه خلیج فارس آمادگی امنیتی و نظامی خود را تقویت کنند، به ویژه در ساحل غربی خلیج فارس. این آمادگی همکاری اطلاعاتی منطقه‌ای می‌بایست با شرکای بین‌المللی گسترش یابد چرا که خطر حملات سایبری به زیرساخت‌ها مانند انرژی، بانک‌ها و بیمارستان‌ها وجود دارد و باید رصد جریان‌های مالی از سمت تهران دقیق‌تر شود.

در بعد سیاسی، باید ائتلاف‌های استراتژیک تقویت شود؛ به وعده‌های رژیم ایران اعتماد نشود، به ویژه اگر صادرات نفت آن محدود شود که در این صورت قیمت نفت در منطقه افزایش خواهد یافت.

همچنین نباید از اهمیت آگاه‌سازی رسانه‌ای در مورد خطرات تحرکات فرقه‌ای و تأثیرات مخرب آن غافل شد.

نتیجه‌گیری

استراتژی کشورهای منطقه باید بر پایه‌ی کاهش آسیب‌پذیری و افزایش توان مقابله با واکنش‌های رژیم ایران باشد. در این چارچوب، اقدامات پیشگیرانه امنیتی، اقتصادی، اطلاعاتی و رسانه‌ای می‌توانند تأثیرات اقدامات احتمالی جمهوری اسلامی را کاهش دهند و منطقه را در برابر باج‌خواهی آن مقاوم‌تر کنند.

*منبع: روزنامه‌التهار

*نویسنده: محمد الرمیحی

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

شورش در مرکز آموزش نیروی هوایی، فروپاشی ارتش از درون

با خروج شاه از کشور سلسله اعصاب ارتش درهم ریخت و مرکز فرماندهی فلج شد

(تاریخ نشر در کیهان لندن: دی و بهمن ماه ۱۳۸۱ - شماره‌های ۹۴۳ - ۹۳۷)

بازنشسته



یادداشتها و
خاطرات سپهبد جعفر صانعی
بر ارتش چه گذشت (۴)
از ۱۷ شهریور تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

از ایشان سیاست‌گزاریم که یادداشتهای خود را در اختیار ما گذاشته‌اند. نکته‌های دقیقی درین یادداشتهای وجود دارد که پژوهشگران را در ریشه‌یابی وقایعی که منجر به کنار کشیدن ارتش و امضای بیانیه بیطرفی شد یاری خواهد داد.

خاطرات کسانی که در سالهای ۵۶ و ۵۷ عهده‌دار مشاغل در سازمان سیاسی و اداری یا نظامی آن دوران بوده و نقشی در تصمیم‌گیریها داشته‌اند به تجزیه و تحلیل منطقی قضایا و در نتیجه داوری منصفانه‌تر کمک می‌کند. ازین دست خاطرات، ما پیش ازین در صفحه خاطرات و تاریخ داشته‌ایم و ازین شماره خاطرات و یادداشتهای سپهبد جعفر صانعی را در معرض مطالعه علاقه‌مندان قرار می‌دهیم.

سپهبد صانعی که اینک ساکن کاناداست در سال ۱۳۵۷ معاونت لجستیکی فرماندهی نیروی زمینی را برعهده داشت و در جلسات شورای فرماندهان شرکت می‌کرد و نام و امضای او نیز ذیل اعلامیه بیطرفی به چشم می‌رسد.

بیست و چهار سال پس از فروپاشی رژیم پادشاهی و روی کارآمدن جمهوری اسلامی، هنوز این سؤال وجود دارد که آیا این سرنوشت مقدر ایران بود یا در زمستان ۱۳۵۷ تاریخ می‌توانست به شکل دیگری نوشته شود.

درباره این سؤال، باوجود مطالب بسیاری که اظهار یا افشا شده، هنوز جای بحث باقی‌است. بی‌شک، پاسخ قطعی برای چنین سؤالی نمی‌توان یافت. گفته‌اند اگر دماغ کلتوپاترا کمی بزرگتر (یا کوچکتر) بود تاریخ جهان مسیر دیگری می‌پیمود. در هر حادثه تاریخی شماری بیش یا کم از «اگر»ها وجود دارد و به همین دلیل است که قضاوت درباره این وقایع به آسانی مقدور نمی‌شود.

وزارت جنگ، اختیارات کامل فرماندهی به ایشان تفویض گشته ستاد بزرگ ارتشتاران را زیر نظر گرفته و خلاصه، ارتشید جم جانشین اعلیحضرت تا مراجعتشان خواهد بود. به‌هرحال، اعضای کابینه دکتر بختیار به حضور اعلیحضرت معرفی شدند و در همان جلسه اعلیحضرت تصمیم خود را دایر بر خروج از کشور به‌منظور معالجه و استراحت اعلام نمودند.

شاه رفت

در روز ۲۶ دی‌ماه ۱۳۵۷ مجلس شورای ملی به دولت رأی اعتماد داد و بعد از ظهر همان روز اعلیحضرت و علیاحضرت از فرودگاه مهرآباد به خارج از کشور پرواز کردند. عصر آن روز، روزنامه‌های پایتخت با حروف درشتی که تا آن زمان به‌کار نرفته بود، نوشتند: «شاه رفت» و این خبر بسیار مهم را که ضایعه اسفناک تاریخ ایران بود به‌آگاهی همگان رساندند.

با عزیمت شاه از ایران، ارتش فرمانده خود را از دست داد و کل ملت رهبر خود را. این یک فاجعه برای مملکت ما بود. سلسله اعصاب و مرکز فرماندهی در ارتش به هم ریخت. در زمان و موقعیتی که مرتباً اعلامیه‌ها و اظهارات خمینی از پاریس صادر و در آنها تکرار می‌شد که «شاه باید برود»، آن سربازی که تفنگ در دست در پایگاهها و پاسگاهها و سربازخانه‌های مملکت بنام شاه و به‌فرمان شاه به خدمات نظامی اشتغال داشته و سرفراز است که از امنیت و استقلال وطن دفاع می‌کند، ناگزیر این را در می‌یابد که قدرتی بالاتر از شاه وجود دارد. قدرتی که شاه را تکان داده و از جای خود بلند می‌کند، خاصه این که سرباز مسلمان است و شیعه و معتقد به مرجع تقلید. او برخورد می‌کند به این شعار که همه جا بر در و دیوار کوچه و بازار به چشم می‌خورد: «به قدرت خمینی، شاه فراری شده!»

سرباز جوان و ساده‌دل ایرانی تحت تأثیر تبلیغات بی‌انقطاع، به تلقینات آخوند محله تسلیم شده با دریافت اعلامیه‌ها و دستورالعملهایی که او را به ترک خدمت و خودداری از اجرای دستورات مافوق دعوت می‌کنند، تفنگ را به زمین می‌گذارد و روانه خانه می‌شود.

چند روزی طول کشید. آنچه از نظر ما نظامیان اهمیت داشت تعیین وزیر جنگ بود که فکر می‌کردیم در آن شرایط شخص تصمیم‌گیرنده در ارتش خواهد بود. اعلام نام ارتشید جم که به لیاقت و شایستگی و اطلاعات وسیع و حس وطن پرستی او واقف بودیم، امیدواری زیادی ایجاد کرد و



سفر بی بازگشت

منتظر ورودش به مملکت و در دست گرفتن اختیار ارتش بودیم لکن این امیدها هم مبدل به یأس شد. ارتشید جم پس از ورود به تهران و یکی دو روزی که نفهمیدیم چگونه گذشت و چه روی داد، از شرکت در کابینه خودداری و به خارج مراجعت کرد. این خود باعث افزایش ابهام و ناراحتی در قاطبه ارتشیان گردید چون اعتقاد بر این بود که در آن وضعیت بحرانی ارتشید قره‌باغی نخواهد توانست نیروهای مسلح را رهبری و هدایت کند. ما فکر می‌کردیم در صورت استقرار ارتشید جم در محل

سپهبد جعفر صانعی، معاون لجستیکی فرماندهی نیروی زمینی در سال ۱۳۵۷ آنچه را خود شاهد و ناظر آن بوده است، از اعلام حکومت نظامی در هفدهم دی‌ماه تا اعلامیه بیطرفی ارتش در ۲۲ بهمن ماه باز می‌گوید: چرا و چگونه ارتش از برقراری امنیت و مقابله با شورشها و اعتصابات که به انقلاب و سقوط رژیم انجامید، ناتوان ماند.

بخش چهارم یادداشتهای سپهبد صانعی به شورش در مرکز آموزش نیروی هوایی اختصاص دارد و نیز آغاز فروپاشی ارتش از درون.

از دولت نظامی ارتشید ازهارای کاری ساخته نبود و اوضاع مملکت بدتر از گذشته شد. پس از آن، شایعاتی درباره تشکیل یک دولت ملی به‌میان آمد. کسانی چون دکتر صدیقی و مهندس بازرگان مورد نظر بودند ولی در نهایت امر، دکتر شاپور بختیار از سران جبهه ملی برای تشکیل کابینه انتخاب و پس از نظرخواهی از مجلس، فرمان نخست وزیری بنام ایشان صادر شد.

دکتر بختیار در اولین مصاحبه مطبوعاتی خود، ضمن صحبت از اوضاع اشاره کرد که اعلیحضرت در نظر دارند برای مدتی از مملکت خارج شوند. در اینجا برای هر فرد عامی و بی اطلاع از سیاست نیز این نتیجه حاصل می‌شد که پس از اعتصابات و اغتشاشات طولانی و طرح ریزی ماهرانه وقایع در جریان و این که در همه جا کلمه «مرگ بر شاه» روی دیوارها به چشم می‌خورد و فردی که برای رهبری این عملیات در خارج از مملکت ساخته و پرداخته بودند دائماً نظرات و دستوراتش در سطح جهانی انتشار می‌یافت و مکرر می‌گفت «شاه باید برود» و «شاه رفتنی است»، با رفتن شاه به خارج چه اوضاعی در پیش است.

البته از اظهارات نخست وزیر جدید مستقیماً نتیجه‌گیری نمی‌شد که منظور برکناری شاه از مقام سلطنت است بلکه این طور و آن‌طور می‌شد که قرار است قانون اساسی اجرا شود و شاه سلطنت کند نه حکومت؛ فعلاً هم برای این که دست دولت در کارهایش باز باشد، اعلیحضرت برای مدتی از مملکت خارج می‌شوند.

تعیین وزرای کابینه بختیار و معرفی آنها به حضور شاهانه

نفع خمینی و این حالت مواجه شد با اعتراض و برخورد جدی و درگیری تعدادی از درجه‌داران گارد خدمه تانک‌هایی که از طریق فرمانداری نظامی به منظور حفاظت زیر امر فرماندهی مرکز آموزش قرار داشته و در آن سالن حاضر بودند. پس از مدتی، با آمدن افسر نگهبان و فرمانده مرکز آموزش و مداخله آنان، هر کس به آسایشگاه یا محل خدمت خود رفته سکوت برقرار می‌شود.

در تاریکی شب، افراد شورشی یکدیگر را خبر کرده به نزدیکترین اسلحه‌خانه پادگان هجوم برده در آن را شکسته سلاح‌های انفرادی را برداشته و مسلح می‌شوند. معلوم نشد به چه ترتیب، شخصی روحانی به نام هادی غفاری که مسئول مسجدی در همان نزدیکی بوده است از جریان با خبر شده همراه با تعداد زیادی از متجاسرین از خارج پادگان هجوم آورده با یک حمله درب پادگان را باز و با کمک دانشجویان و افراد داخل پادگان مسلح شده تا صبح، کلیه نقاط حساس پادگان را تصرف می‌نمایند.

مهاجمان، در همان حال کلیه ساختمانهای مسکونی نزدیک پادگان را که با یک کوچه از پادگان جدا می‌شود

بررسی اوضاع امنیتی شهر تهران صورت نگرفته بود. از روز اعلام حکومت نظامی در تهران، با آنکه فرمانده نیروی زمینی، فرمانداری نظامی تهران را نیز برعهده داشت، یک ستاد بنام ستاد فرمانداری نظامی تهران در محل فرماندهی لجستیکی نیروی زمینی در عباس آباد تشکیل گردیده بود که فرمانده نیرو همه روزه صبحها در آنجا حضور یافته و به امور مربوط به فرمانداری نظامی می‌پرداخت. به عبارت دیگر ستاد نیروی زمینی بکلی از جریان امور و مسئولیتها فارغ و بی اطلاع بود.

آن روز، به هر صورت بدون اطلاع قبلی و آمادگی لازم، بر اثر برخورد با چنان وضعیتی، مأموریت برخورد با مسأله و فرو نشاندن شورش به ستاد نیروی زمینی محول شد.

معاونین حاضر در جلسه عبارت بودند از: سپهبد جهانبانی معاونت پرسنلی، سپهبد کاظمی معاونت طرح، سپهبد خلعتبری معاونت اطلاعات و عملیات، سپهبد صانعی معاونت لجستیک، سرلشکر جهانبانی رئیس بازرسی و سرلشکر خسروداد فرمانده هوانیروز.

سپهبد خواجه‌نوری رئیس اداره سوم (عملیات) ستاد بزرگ

→ در این ایام بود که معاونت پرسنلی نیروی زمینی از غیبت و فرار ۱۲ هزار سرباز و درجه‌دار خبر می‌داد و هر روز که می‌گذشت این رقم افزایش می‌یافت. از لحظه خروج شاه از کشور، ارتش ایران از پایین و بالا متزلزل شد. از پایین به طریقی که ذکر شد و از بالا به دلیل بلاتکلیفی و سردرگمی در رده‌های بالای فرماندهی، چه کسی می‌توانست در آن موقعیت ارتش را رهبری کند؟ شاه که خود به تمام اوضاع و احوال و کم و کیف ارتش وارد و واقف بود و می‌دانست که آن تشکیلات عظیم بدون وجود خودش به هم می‌ریزد و بر اثر نفوذ روحانیون و مراجع مذهبی حتی قدرت حفظ خود را نخواهد داشت، نمی‌بایستی محل خدمت خود را ترک می‌نمود.

چرا در زمانی که خطر از هم پاشیدگی و اضمحلال ارتش عزیز و نازنین ایران وجود داشت - ارتشی که ظرف سالها با زحمات و خدمات و جانبازیهای صدها هزار از بهترین فرزندان وطن و صرف هزینه‌های سنگین به آن مقام و موقعیت رسیده بود - اعلیحضرت مقرر فرماندهی را ترک گفتند و سرنوشت آن ارتش را به حوادثی سپردند که معلوم



تصرف و روی بامها سنگربندی کرده بودند. توضیحات امیر نیروی هوایی حکایت از این داشت که در حال حاضر (ظهر روز ۲۱ بهمن) پادگان مرکز آموزش نیروی هوایی تحت اشغال مسلحانه درآمده و از اختیار فرماندهی نیرو خارج شده است.

برای مقابله با این وضعیت چه تدبیری به کار رفته بود؟ هیچ! جز مذاکرات تلفنی با ستاد بزرگ و دفع‌الوقت. جالب این که فرمانده مرکز آموزش پس از حضور در محل و مشاهده اوضاع، همین که پرسنل به آسایشگاههای خود رفتند، کار را تمام شده تلقی کرده او نیز به منزل سازمانی خود بازگشته و دیگر نفهمیده بود که در پادگان تحت امرش چه می‌گذرد.

حال این ستاد فرماندهی نیروی زمینی است که بایستی با استفاده از کلیه نیروی خود که دربرگیرنده فرمانداری نظامی تهران هم می‌شود، بلافاصله و هرچه سریعتر شورش مرکز آموزش نیروی هوایی را سرکوب کند!
در شماره آینده: شب سرنوشت ادامه دارد

ارتشتاران به دستور رئیس ستاد بزرگ ارتشتاران و متعاقباً سپهبد مهدی رحیمی رئیس شهربانی کل کشور و فرماندار نظامی تهران نیز به جمع پیوستند. پس از شور و بررسی، عملاً به این نتیجه رسیدیم که فرمانداری نظامی تهران برای دفع غائله نیروی هوایی به ستاد نیروی زمینی متوسل شده است. حدود ظهر بود که لازم دانسته شد افسری مطلع از ستاد نیروی هوایی به جلسه دعوت شود تا اطلاعات کافی از وضعیت آنجا به ما بدهد و با مطالعه نقشه پادگان ببینیم چه کار می‌توان کرد. این کار انجام گرفت و چون هوا بارانی بود مدتی طول کشید تا امیری از ستاد نیروی هوایی با هلیکوپتر خود را به ستاد نیروی زمینی رساند. ایشان با ارائه نقشه پادگان و نقشه عمومی منطقه، وضعیت را به این شرح اعلام نمود:

شب گذشته (جمعه شب) هنگام ورود خمینی به تهران، مراسم از تلویزیون در سالن عمومی دانش آموزان پخش می‌شد. عده‌ای از همافران و دانش آموزان که حضور داشتند و برنامه را تماشا می‌کردند، شروع کردند به ابراز احساسات به

بود از کجا و به چه دلیل ریشه می‌گیرد. هنگام عزیمت اعلیحضرت به خارج مملکت چه دستورالعمل جامع و قاطعی برای ارتش صادر و ابلاغ گردید جز این که پرسنل نیروهای مسلح دعوت به انجام وظایف مربوطه و حفظ مبانی انضباط نظامی شده بود؟!

شورش در نیروی هوایی

صبح روز شنبه ۲۱ بهمن ۱۳۵۷ حدود ساعت ۸ به ستاد نیروی زمینی اطلاع رسید که از شب گذشته پرسنل مرکز نیروی هوایی در پادگان دوشان تپه، شرق تهران و مجاور ستاد فرماندهی نیروی هوایی، شورش کرده با برداشتن اسلحه کلیه نقاط حساس پادگان را اشغال و از دستورات فرماندهان خود سرپیچی نموده‌اند.

بلافاصله فرماندهی نیروی زمینی کلیه معاونین را به دفتر خود در لویران احضار کرد و فعالیت برای کسب اطلاع از وضعیت پیش آمده آغاز شد. تا آن روز در هیچ موقعیتی در ستاد نیروی زمینی شور ستادی با حضور معاونین به منظور

مردم خواستار اخراج دانشجویان وابسته به حشدالشعبی از ایران هستند؛ حراست و مقامات دانشگاه‌ها تخلفات دانشجویان عراقی را نادیده می‌گیرند



تجمع اعتراضی شهروندان در همدان مقابل دانشگاه بوعلی سینا، دوشنبه ۱۴ مهرماه ۱۴۰۴

از مسئولان توضیح دقیقی نشنیده‌ام؛ آنچه‌ای که شنیده‌ام این است که مسائلی بوده است که توسط دانشجویان خارجی دانشگاه بوعلی رقم خورده و به نوعی هتک حرمتی به چند دانشجوی هموطن ما شده و باعث رنجش مردم استان همدان و سایر هموطنان در کشور شده است و خواستار برخورد جدی و روشن شدن ابعاد موضوع هستند.»

نماینده استان همدان در مجلس شورای اسلامی افزوده «مردم می‌خواهند بدانند که با چه شرایطی یک یا چند دانشجوی خارجی با ملیتی خاص می‌آیند و به خودشان اجازه می‌دهند حرکات غیراخلاقی انجام می‌دهند که به شان و جایگاه زنان ایرانی در جایگاه دانشجوی توهین و اسائه ادب می‌شود و این مسئله بسیار مهم است.»

او در پاسخ به اینکه چرا مسئولان به روشنی ملیت دانشجویان خاصی را اعلام نمی‌کنند، گفته «این یک ایراد است و من این قبیل رفتارها را توهین به شعور مردم می‌دانم و اگر یک اتفاقی افتاده و هتک حرمت توسط دانشجویان خارجی از هر کشوری صورت گرفته و اثبات شده است، هیچ دلیلی ندارد که کتمان شود و ملیت دانشجویان متخلف گفته نشود و به آن ورود نشود؛ درست است که ما مسائل امنیتی و موضوعات دیگر را هم باید به طور همزمان در نظر بگیریم اما این حق مردم است که مسائل را بدانند.»

علیرضا نثاری افزوده «با روشن شدن موضوع در مورد هتک حرمت دانشجویان خارجی و عذرخواهی موقت مسئولین و عاملین مربوط به آن قطعا مردم توجیه می‌شوند و منتظر روشن شدن ابعاد این اتفاق می‌مانند تا برخوردهای قانونی لازم هم صورت بگیرد.»

وبسایت «بازتاب» نیز در گزارشی به موضوع اعتراضات مردم در همدان پرداخته و نوشته «طبق گزارش‌های

عراقی از سوی مقامات دانشگاه و نیروهای حراست بطور عمدی نادیده گرفته می‌شود.

«خبرنامه امیرکبیر» که اخبار دانشجویی را بازتاب می‌دهد نیز گزارش داد که برخی از دانشجویان عراقی بارها اقدام به مطرح کردن پیشنهاد ازدواج موقت و صیغه به دختران ایرانی کرده‌اند، و حتی در مواردی که خانواده و همسر همراه آنها بوده است چنین پیشنهاداتی به برخی از دانشجویان ایرانی داده شده است.

اعتراضات مردم همدان و خواسته اخراج دانشجویان عراقی از این دانشگاه طی روزهای گذشته به رسانه‌های داخلی نیز کشیده شد و برخی مقامات حکومتی را وادار به واکنش کرد؛ واکنش‌هایی که به نظر می‌رسد به علت «هراس» مقامات از تداوم اعتراضات مردم همدان و کشیده شدن آن به دیگر شهرهای کشور باشد!

سردار علی‌اکبر پورجمشیدیان قائم مقام وزیر کشور و رئیس ستاد اربعین در اظهاراتی مدعی شده بود که برخی در سفرهای خارج از کشور مرتکب انواع جنایت‌ها و فساد می‌شوند و افزوده بود «حالا ۲ نفر دانشجوی عراقی مرتکب جرمی شدند، عده‌ای می‌گویند دانشجویان عراقی را اخراج کنید. اکنون حدود ۸۰ هزار دانشجوی عراقی در دانشگاه‌های ایران مشغول تحصیل هستند یعنی فرهنگ انقلاب و ارزش‌های کشور ما را آموزش می‌بینند.»

قائم مقام وزیر کشور افزوده بود «طبیعی است سالانه ده‌ها هزار نفر از مردم عراق به ایران سفر می‌کنند شاید یک نفر مرتکب جرمی شود که بنا بر قانون با او برخورد می‌شود.»

علیرضا نثاری نماینده مردم نهاوند در مجلس شورای اسلامی، نیز به وبسایت «خبر آنلاین» گفته «در خصوص موضوعاتی که در دانشگاه (همدان) اتفاق افتاده است، بنده جویای مسئله شده‌ام اما هم هنوز به صورت رسمی

«خبرنامه امیرکبیر» که اخبار دانشجویی را بازتاب می‌دهد گزارش داد که برخی از دانشجویان عراقی بارها اقدام به مطرح کردن پیشنهاد ازدواج موقت و صیغه به دختران ایرانی کرده‌اند، و حتی در مواردی که خانواده و همسر همراه آنها بوده است چنین پیشنهاداتی به برخی از دانشجویان ایرانی داده شده است.

«خبرنامه امیرکبیر» نوشته از دانشگاه‌های همدان و تبریز گزارش شده در حالی که سیگار کشیدن دانشجویان ایرانی در محوطه باز دانشگاه با واکنش شدید حراست روبرو می‌شود، برخی دانشجویان عراقی در فضاهای بسته دانشگاه نیز سیگار می‌کشند و با هیچ تذکری مواجه نمی‌شوند.

اعتراضات مردم همدان و خواست اخراج دانشجویان عراقی از این دانشگاه طی روزهای گذشته به رسانه‌های داخلی نیز کشیده شده و برخی مقامات حکومتی را وادار به واکنش کرده است؛ واکنش‌هایی که به نظر می‌رسد به علت «هراس» مقامات از تداوم اعتراضات مردم همدان و کشیده شدن آن به دیگر شهرهای کشور باشد.

وبسایت خبری «الجمال» عراق گزارش داده که فردی به نام سیف صدام حسین، دانشجوی عراقی دانشگاه بوعلی سینا همدان، به یک دانشجوی دختر ایرانی توهین کرده و او را آزار داده است.

دوشنبه هفته گذشته ۱۴ مهرماه ۱۴۰۴ جمعی از شهروندان همدان در مقابل دانشگاه بوعلی سینا تجمع کردند و خواستار اخراج دانشجویان عراقی وابسته به گروه تروریستی حشدالشعبی عراق از این دانشگاه شدند.

علیرضا نثاری نماینده نهاوند در مجلس شورای اسلامی: مردم می‌خواهند بدانند که با چه شرایطی یک یا چند دانشجوی خارجی با ملیتی خاص می‌آیند و به خودشان اجازه می‌دهند حرکات غیراخلاقی انجام می‌دهند که به شان و جایگاه زنان ایرانی در جایگاه دانشجوی توهین و اسائه ادب می‌شود و این مسئله بسیار مهم است.

هفته گذشته اعتراضاتی در شهر همدان به رفتار دانشجویان عراقی دانشگاه بوعلی سینا این شهر با دختران دانشجو برگزار شد. گزارش منابع دانشجویی نشان می‌دهد دانشجویان عراقی که گفته شده وابسته به گروه تروریستی حشدالشعبی هستند، در دیگر دانشگاه‌های کشور نیز رفتارهایی غیرقانونی دارند و مسئولان دانشگاه‌ها میان آنها و دانشجویان ایرانی تبعیض قائل می‌شوند.

رفتار دانشجویان عراقی دانشگاه بوعلی سینا در همدان با دانشجویان دختر از هفته گذشته و با اعتراضات شهروندان خبری شد.

دوشنبه هفته گذشته ۱۴ مهرماه ۱۴۰۴ جمعی از شهروندان همدان در مقابل دانشگاه بوعلی سینا تجمع کردند و خواستار اخراج دانشجویان عراقی وابسته به گروه تروریستی حشدالشعبی از این دانشگاه شدند.

همزمان منابع دانشجویی گزارش دادند که دانشجویان عراقی به تهدیدی علیه امنیت و آرامش محیط دانشگاه تبدیل شده و با رفتارهای توهین‌آمیز از جمله پیشنهاد صیغه و ازدواج موقت با دانشجویان دختر ایرانی همراه بوده است. این منابع تأکید داشتند که رفتارهای دانشجویان

استقرار مأموران سرکوب در خیابان‌های همدان برای جلوگیری از تجمع مردم



حضور نیروهای امنیتی در خیابان‌های همدان

شکایت مبنی بر ارتکاب اعمال خلاف اخلاق از سوی دانشجویان خارجی، از جمله دانشجویان عراقی، به مراجع رسمی واصل نشده است.»

در بیانیه دادستانی آمده است که این موضوع «در سال‌های اخیر به ابزاری برای ایجاد تفرقه میان دو ملت برادر ایران و عراق توسط معاندان و بدخواهان تبدیل شده است.»

دادستانی همدان همچنین دانشجویان معترض به ارتکاب آزار توسط دانشجوی وابسته به حشدالشعبی را به «نشر اکاذیب»، «تشویق و تحریک اشخاص به درگیری یا اخلاف در نظام عمومی»، «برگزاری تجمعات غیرقانونی»، «تبلیغ علیه بیانیه دادستانی در تکذیب این رویداد در شرایطی منتشر شد که علیرضا نثاری نماینده نهایند در مجلس شورای اسلامی ۱۹ مهر گفته بود: «مسائلی بوده است که توسط دانشجویان خارجی دانشگاه بوعلی رقم خورده و به نوعی هتک حرمتی به چند دانشجوی هموطن ما شده و باعث رنجش مردم استان همدان و سایر هموطنان در کشور شده است.»

وبسایت «بازتاب» نیز در مورد اعتراض مردم همدان نوشت: «ماجرای انتشار پیام‌های جنجالی در شبکه‌های اجتماعی آغاز شد. طبق گزارش‌های اولیه، برخی دانشجویان پسر عراقی در گروه‌های مجازی دانشگاه، پیام‌هایی حاوی محتوای توهین‌آمیز و پیشنهاد‌های نامتعارف مانند ازدواج موقت یا صیغه به دانشجویان دختر ایرانی ارسال کرده‌اند.»

پیشتر وبسایت خبری «الجهال عراق» در گزارشی تأیید کرده بود یک دانشجوی عراقی به نام «سیف صدام حسین» به یک دانشجوی دختر ایرانی در دانشگاه همدان توهین کرده و او را آزار داده است. طبق این گزارش، فعالان و دانشجویان همدانی تصاویری از گفتگوها و پیام‌های منتسب به این دانشجوی عراقی را منتشر کردند که در آن درخواست‌های غیرمعمول از دختران دانشجو و همکلاسی‌ها دیده می‌شود.

● **نیروی انتظامی و لباس‌شخصی‌ها روز شنبه ۱۹ مهرماه ۱۴۰۴ از برگزاری تجمع در شهر همدان، در اعتراض به اذیت و آزار دختران دانشجو توسط دانشجویان وابسته به حشدالشعبی عراق جلوگیری کردند.**

● **بعد از توهین دانشجویان عراقی به دختران دانشجو در دانشگاه همدان، فعالان اجتماعی و سیاسی در همدان از مردم خواسته بودند در اعتراض به اقدامات منتسب به دو دانشجوی عراقی، مقابل آرامگاه بوعلی‌سینا تجمع کنند که با واکنش مأموران حکومتی مواجه شدند.**

● **از صبح شنبه در اغلب خیابان‌ها و معابر پر رفت و آمد، یگان ویژه نیروی انتظامی مستقر و حتا از حومه اصفهان نیروهای پشتیبانی به همدان اعزام شد. آنها با زور باتوم و تهدید به بازداشت مردم را متفرق کردند تا اعتراض شکل نگیرد.**

نیروی انتظامی و لباس‌شخصی‌ها روز شنبه ۱۹ مهرماه ۱۴۰۴ از برگزاری تجمع در شهر همدان، در اعتراض به اذیت و آزار دختران دانشجو توسط دانشجویان وابسته به حشدالشعبی عراق جلوگیری کردند.

بعد از توهین دانشجویان عراقی به دختران دانشجو در دانشگاه همدان، فعالان اجتماعی و سیاسی در این شهر از مردم خواسته بودند در اعتراض به اقدامات منتسب به دو دانشجوی عراقی، مقابل آرامگاه بوعلی‌سینا تجمع کنند که با واکنش مأموران حکومتی مواجه شدند.

از صبح شنبه در اغلب خیابان‌ها و معابر پر رفت و آمد، یگان ویژه نیروی انتظامی مستقر و حتا از حومه اصفهان نیروهای پشتیبانی به همدان اعزام شد. آنها با زور باتوم و تهدید به بازداشت مردم را متفرق کردند تا اعتراض شکل نگیرد. دادستانی عمومی و انقلاب اسلامی همدان آزار دانشجویان دختر ایرانی از سوی یک دانشجوی عراقی را «ادعا» دانست و در بیانیه‌ای اعلام کرد: «هیچ گزارش یا

اولیه، برخی دانشجویان پسر عراقی در گروه‌های مجازی دانشگاه، پیام‌هایی حاوی محتوای توهین‌آمیز و پیشنهاد‌های نامتعارف مانند «ازدواج موقت» یا «صیغه» به دانشجویان دختر ایرانی ارسال کرده‌اند. این ادعاها، که ظاهراً توسط چندین شاهد تأیید شده، به سرعت در فضای مجازی پخش شد و خشم عمومی را برانگیخت.»

دانشگاه بوعلی سینا نیز طی دو اطلاعیه رسمی توضیحاتی ارائه داده است. در اطلاعیه دوم آمده: «کارگروه ویژه‌ای متشکل از نمایندگان وزارت عتف، مسئولین دانشگاه و نماینده شورای صنفی دانشجویان برای دریافت و بررسی فوری هرگونه شکایت یا گزارش در این‌باره تشکیل شده تا در کوتاه‌ترین زمان، آنها را مورد رسیدگی قرار داده و نتیجه را اطلاع‌رسانی نمایند.»

حمزه امرایی، معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار همدان نیز گفته «این مسئله در حال بررسی است و هنوز به جمع‌بندی قطعی نرسیده‌ایم و چیزی که بتوانیم به صورت رسمی و قطعی اعلام کنیم، وجود ندارد و هرگونه اظهارنظر خارج از روند رسمی، ممکن است باعث برداشت‌های نادرست شود و منتظریم بررسی‌های دانشگاه تکمیل شود تا تصمیم نهایی بر اساس مستندات اتخاذ شود.»

«خبرنامه امیرکبیر» اما روز گذشته گزارش داده رفتارهای توهین‌آمیز و غیرقانونی دانشجویان عراقی در دیگر دانشگاه‌های کشور نیز تکرار و از سوی مقامات و نیروهای حراست دانشگاه‌ها نادیده گرفته می‌شود.

«خبرنامه امیرکبیر» به نقل از گزارش منابع دانشجویی نوشته رفتار مسئولان دانشگاهی و نهادهای نظارتی با دانشجویان عراقی تفاوت چشمگیری با دانشجویان ایرانی دارد. منابع دانشجویی می‌گویند این دانشجویان از حمایت کامل مسئولان و حتی نیروهای حراست برخوردارند، در حالی که دانشجویان ایرانی برای تخلفات جزئی با برخورد‌های انضباطی مواجه می‌شوند.

در این گزارش برای مثال آمده از دانشگاه‌های همدان و تبریز گزارش شده است که در حالی که سیگار کشیدن دانشجویان ایرانی در محوطه باز دانشگاه با واکنش شدید حراست روبرو می‌شود، برخی دانشجویان عراقی در فضاهای بسته دانشگاه نیز سیگار می‌کشند و با هیچ تذکری مواجه نمی‌شوند.

این گزارش افزوده دانشجویان از تساهل آشکار در ارزیابی‌های آموزشی نسبت به این گروه از دانشجویان خبر داده‌اند. بنا بر گفته منابع دانشگاهی، با وجود ضعف علمی محسوس بسیاری از آنان، در روند تحصیلی و غمره‌دهی تسهیلات ویژه‌ای دریافت می‌کنند که گمان وابستگی بخشی از این دانشجویان به گروه‌های وابسته به حشدالشعبی را تقویت کرده است.

وبسایت «ایران اینترنشنال» نیز به نقل از وبسایت خبری «الجهال» عراق گزارش داده که فردی به نام سیف صدام حسین، دانشجوی عراقی دانشگاه بوعلی سینا همدان، به یک دانشجوی دختر ایرانی توهین و او را آزار داده است. بر اساس این گزارش، فعالان دانشجویی تصاویری از مکاتبات منتسب به این فرد منتشر کرده‌اند که شامل پیام‌های توهین‌آمیز و درخواست‌های نامتعارف از همکلاسی‌های زن بوده است.

بر اساس این گزارش وبسایت خبری «الجهال» تأیید کرده که «شماری از ساکنان همدان گفتند که برخی دانشجویان عراقی تنها به توهین به دختران در دانشگاه بسنده نکرده‌اند، بلکه با سوءاستفاده از شرایط اقتصادی مردم، زنان شهر را با وعده پرداخت پول مورد آزار قرار داده‌اند؛ اقدامی که خشم و نارضایتی اهالی را برانگیخته است.»

اجرای «مکانیسم ماشه» چه معنایی برای جمهوری اسلامی دارد؟



چهاردهم، خواستار استعفا شده‌اند، چراکه وعده‌هایش در مورد رفع تحریم‌ها و حل پرونده هسته‌ای تحقق نیافته و تحریم‌هایی که یک دهه پیش لغو شده بودند، دوباره بازگشته‌اند. آنها این را نشانه شکست سیاست خارجی دولت می‌دانند، در حالی که تورم بالا باقی مانده، ارز ملی در حال سقوط است و سهمیه‌بندی ناعادلانه در دانشگاه‌ها ادامه دارد.

خروج از معاهده «ان‌پی‌تی»

در سطح نهادهای حکومت نیز صداهایی برای خروج از معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای «ان‌پی‌تی» شنیده می‌شود. این موضوع در کمیسیون «امنیت ملی» مطرح شده و جلسه‌ای نیز با علی لاریجانی برای تقویت توافق نظام برگزار شده است.

برخی نمایندگان تندرو خواهان خروج کامل از معاهده هستند، در حالی که عده‌ای دیگر پیشنهاد می‌دهند فقط از تصویب (اجرای داوطلبانه) آن خارج شد تا رژیم دیگر ملزم به حضور بازرسان آژانس نباشد، هرچند همچنان عضو معاهده بماند.

البته طبق ماده ۱۰ معاهده «ان‌پی‌تی»، هر کشوری می‌تواند به دلایل امنیتی، پس از اطلاع‌رسانی سه ماهه به شورای امنیت، از این معاهده خارج شود. با این حال، جمهوری اسلامی ایران قصد خروج ندارد، چون می‌خواهد در چارچوب مشروعیت بین‌المللی باقی بماند و به اسرائیل و آمریکا بهانه‌ای برای بسیج جامعه جهانی علیه خود ندهد. اما کاهش سطح همکاری‌ها و بیرون راندن بازرسان، می‌تواند زمینه‌ساز افزایش تردیدها نسبت به ماهیت برنامه هسته‌ای ایران شود.

جنگ روانی یا اقدام واقعی؟

در داخل ایران، فعال شدن «اسنپ‌ک» بیشتر ←

بین‌المللی سازمان ملل علیه جمهوری اسلامی ایران، عملاً توافق هسته‌ای که سال‌ها در حالت کما قرار داشت، پایان یافت و به یک دهه تلاش برای رسیدن به تفاهم با غرب پایان داد. این اقدام دیواری از بی‌اعتمادی عمیق‌تر میان تهران و مسیر مذاکره ایجاد کرد.

پیامدهای داخلی و خارجی

پیامدهای اجرای «اسنپ‌ک» و رأی‌گیری شورای امنیت برای بازگشت تحریم‌ها، تنها محدود به وضعیت اقتصادی ایران نیست، بلکه می‌توان تأثیرات آن را بر سیاست داخلی و خارجی رژیم نیز تحلیل کرد. این پیامدها در داخل کشور تنها شامل فشارهای اقتصادی فزاینده بر مردم نمی‌شود، بلکه بر روابط جمهوری اسلامی و غرب و شکاف بین دو جریان اصلی یعنی اصولگرایان و اصلاح‌طلبان نیز تأثیر می‌گذارد.

به بیان دیگر، این تحولات سؤال قدیمی را بار دیگر به سطح آورده: مذاکره با غرب بهتر است یا تقابل با آن؟ اهمیت موضوع در آن است که بی‌اعتمادی به غرب عمیق‌تر شده و ذهنیت تصمیم‌گیرندگان ایرانی را بیش از پیش متقاعد کرده که هدف اصلی، براندازی نظام است. بنابراین، وابستگی به «میدان» و تکیه بر نیروهای نیابتی منطقه‌ای و سامانه‌های موشکی تقویت می‌شود.

رقابت جناح‌ها و انتقاد از دولت چهاردهم

در فضای سیاسی داخلی، صدای اصول‌گرایان بلندتر از قبل شده است، چرا که به باور آنها، مسیر دیپلماسی به بازگشت تحریم‌هایی انجامیده که یک دهه پیش لغو شده بودند. در مقابل، اصلاح‌طلبانی همچون حسن روحانی استدلال می‌کنند که این تحریم‌ها ابتدا در دوره محمود احمدی‌نژاد و به خاطر مواضع ضدغربی او اعمال شد و میراثی سنگین برای کشور بجا گذاشت.

در این میان، تندروها از مسعود بزشکیان، رئیس دولت

با اجرای مکانیسم ماشه، اروپایی‌ها آخرین ابزارهای فشار خود علیه رژیم ایران را مصرف کردند. از این رو، دیگر تنها دو مسیر پیش روی طرفین باقی مانده است: مسیر نظامی که اسرائیل به نمایندگی از واشنگتن وارد عمل شود؛ مسیر مذاکرات که محدودیت‌های بیشتری نه تنها بر برنامه هسته‌ای، بلکه بر برنامه موشکی جمهوری اسلامی نیز اعمال کند.

● رژیم ایران به این باور رسیده که بارها با وجود مذاکره با غرب، ضربه خورده است.

● در روزهای آینده ممکن است یا شاهد دور دوم جنگ ایران و اسرائیل باشیم یا توافقات کوتاه‌مدت بین تهران و واشنگتن؛ اما این توافقات شامل برنامه موشکی بالستیک نخواهند بود؛ برنامه‌ای که برای امنیت اسرائیل تهدید مستقیم و برای جمهوری اسلامی ایران ستون فقرات دکترین دفاعی‌اش به شمار می‌رود.

هدی روؤف (ابندپیندنت عربی) - در روزهای آینده ممکن است یا شاهد دور دوم جنگ با اسرائیل باشیم یا توافقاتی کوتاه‌مدت میان تهران و واشنگتن که شامل برنامه موشکی بالستیک نخواهد بود. با اجرای مکانیسم ماشه، اروپایی‌ها آخرین ابزارهای فشار خود علیه رژیم ایران را مصرف کردند.

از این رو، دیگر تنها دو مسیر پیش‌روی طرفین باقی مانده است: مسیر نظامی که اسرائیل به نمایندگی از واشنگتن وارد عمل شود،

مسیر مذاکرات که محدودیت‌های بیشتری نه تنها بر برنامه هسته‌ای، بلکه بر برنامه موشکی جمهوری اسلامی نیز اعمال کند؛ مسئله‌ای که برای اروپایی‌ها به ویژه به دلیل تأمین پیمان‌های ایران برای روسیه و تهدید امنیت اروپا، اهمیت بالایی دارد.

با فعال شدن این مکانیسم و بازگرداندن تحریم‌های

همزمان با خروج نظامیان اسرائیل از شهر غزه، بنیامین نتانیاهو گفت: «ارتش اسرائیل همچنان در عمق غزه باقی می‌ماند و مواضع کلیدی را در اختیار دارد.»
او وعده داد که در مراحل بعدی، «حماس خلع سلاح خواهد شد و غزه غیرنظامی می‌شود.» نتانیاهو حماس را تهدید کرد و گفت: «اگر این اهداف به روش آسان تحقق پیدا کند، عالیست؛ وگرنه، با روش سخت به آن خواهیم رسید.»
نخست‌وزیر اسرائیل همچنین تأکید کرد که توافق زمانی نهایی خواهد شد که تمام گروگان‌ها به اسرائیل بازگردند.
او در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به فشارهای شدید داخلی و بین‌المللی توضیح داد: «با فشارهایی روبرو بودیم که وارد رفح نشویم، گذرگاه فیلادلفی را تصرف نکنیم، در دیگر مناطق عملیات انجام ندهیم، جنگ را پایان دهیم و از غزه خارج شویم؛ در حالی که حماس، حزب‌الله و سایر دشمنان در اوج قدرت خود بودند.»
نتانیاهو تأکید کرد تنها یک عامل او را در تصمیم‌گیری‌هایش

بنیامین نتانیاهو: تا خلع سلاح کامل حماس در غزه می‌مانیم؛ حماس خلع سلاح می‌شود و غزه غیرنظامی خواهد شد



بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل

هدایت می‌کرد و آن «امنیت اسرائیل» بود. او در ادامه افزود: «تحقق اهداف ما در جنگ یعنی بازگرداندن گروگان‌ها، از بین بردن تهدید بالستیک و هسته‌ای رژیم ایران که موجودیت ما را در اینجا به خطر انداخته، و شکست محور شرارت جمهوری اسلامی که حماس بخش مرکزی آن است.»
از سوی دیگر ناصر ابوشریف نماینده گروه تروریستی «جهاد اسلامی» فلسطین در تهران گفته است: «درست است که آتش‌بس در غزه برقرار شده اما نبرد با اسرائیل همچنان ادامه دارد.»

در همین ارتباط، علی اکبر ولایتی مشاور ارشد علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی نیز در شبکه ایکس تهدید کرد: «آغاز آتش‌بس در غزه ممکن است پشت صحنه پایان آتش‌بس در جای دیگری باشد! عراق_یمن_لبنان.»

بر اساس آخرین گزارش‌ها، وزارت دادگستری اسرائیل فهرست کامل ۲۵۰ زندانی فلسطینی که در حال گذراندن دوران حبس ابد هستند و قرار است به عنوان بخشی از توافق آزاد شوند، منتشر کرده است. بر اساس این فهرست، ۱۵ نفر به شرق اورشلیم و ۱۰۰ نفر به کرانه باختری منتقل می‌شوند و ۱۳۵ نفر نیز قرار است تبعید شوند.

به گفته مقامات درگیر در مذاکرات، در دقایق پایانی با جایجایی ۱۱ زندانی وابسته به «جنبش فتح» با ۱۱ زندانی وابسته به گروه حماس موافقت شده است.

● بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل در یک سخنرانی تلویزیونی گفت: «من باور دارم که اگر فشار نظامی سنگینی را با فشار دیپلماتیک شدید ترکیب کنیم، قطعاً می‌توانیم تمام گروگان‌های خود را بازگردانیم.»

● «ما محور شرارت [رژیم] ایران را که حماس بخشی از آن است، در هم شکستیم.» وی تأکید کرد که نیروهای اسرائیلی برای اعمال فشار بر حماس تا زمان خلع سلاح این گروه، در غزه باقی خواهند ماند.

● ناصر ابوشریف نماینده جهاد اسلامی فلسطین در تهران: «درست است که آتش‌بس در غزه برقرار شده اما نبرد با اسرائیل همچنان ادامه دارد.»

● در همین ارتباط، علی اکبر ولایتی مشاور ارشد علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی نیز در شبکه ایکس تهدید کرد: «آغاز آتش‌بس در غزه ممکن است پشت صحنه پایان آتش‌بس در جای دیگری باشد! عراق_یمن_لبنان.»

نخست‌وزیر اسرائیل روز جمعه ۱۰ اکتبر (۱۸ مهرماه) در نخستین سخنرانی رسمی تلویزیونی خود پس از توافق آتش‌بس در غزه، با تمجید از «فشار دیپلماتیک گسترده» بر گروه تروریستی حماس گفت: «ترکیب فشارهای دیپلماتیک از سوی دوست بزرگ ما، دونالد ترامپ، و عملیات ارتش اسرائیل موجب خواهد شد حماس تمام گروگان‌های ما را آزاد کند.»

→ به عنوان اقدامی نمادین و روانی تبلیغ می‌شود تا اقدامی واقعی، چرا که حجم تحریم‌های فعلی آمریکا و اروپا بسیار سنگین‌تر از شش قطعه‌نامه قبلی شورای امنیت است.

در حالی که بریتانیا، فرانسه و آلمان اعلام کردند که در چارچوب تصمیمات شورای امنیت، تحریم‌ها را بازمی‌گردانند، اما همزمان اظهار داشتند که همچنان آماده مذاکره برای رسیدن به توافقی جدید هستند. وزارت خارجه آمریکا نیز تأکید کرده که مسیر دیپلماسی با ایران همچنان باز است.

از دید جمهوری اسلامی، این رفتار غربی‌ها نشان‌دهنده غرور و زورگویی است، و هدفشان اعمال شروط ناعادلانه در مذاکرات است. همچنین، تهران باور دارد که اروپا با سیاست فشار حداکثری واشنگتن همسو شده و تلاش دارد با رویکردی سختگیرانه، بر پرونده اوکراین تأثیر بگذارد.

در نهایت، رژیم ایران به این باور رسیده که بارها با وجود مذاکره با غرب، ضربه خورده است؛ از حملات اسرائیل و آمریکا قبل از دور ششم مذاکرات گرفته تا بازگشت تحریم‌ها با وجود همکاری با آژانس انرژی اتمی در قاهره و اعلام آمادگی برای مذاکرات مستقیم با واشنگتن.

موضع چین و روسیه

جمهوری اسلامی ایران همچنین تأکید دارد که فعال شدن «اسنپ‌ک» غیرقانونی است و با مفاد برجام و قوانین بین‌المللی مغایرت دارد. چین و روسیه نیز این موضع را تأیید کردند. معاون نماینده روسیه در سازمان ملل در جلسه رأی‌گیری اعلام کرد که به باور مسکو، اسنپ‌ک فعال نشده و بر این اساس، قطعنامه ۲۲۳۱ پس از ۱۸ اکتبر منقضی تلقی می‌شود.

رژیم ایران تلاش می‌کند از مواضع چین و روسیه به عنوان نماد تضاد با سلطه آمریکا بر نظم جهانی بهره برد و آن را نشانه‌ای از ظهور نظم چندقطبی و شکل‌گیری ائتلاف‌های منطقه‌ای بداند؛ همانگونه که رئیس‌جمهور چین در نشست شانگهای از درهای باز پکن به روی کشورهایی که به نظم فعلی معترض هستند، سخن گفت.

آینده: جنگ یا مذاکره؟

با فعال شدن اسنپ‌ک، ابزارهای فشار اروپا به پایان رسیده‌اند. از این‌رو، تنها دو مسیر باقی مانده است:

۱. مسیر نظامی که اسرائیل به نیابت از آمریکا اجرا کند.
۲. مسیر دیپلماتیک با محدودیت‌های شدیدتر نه فقط بر برنامه هسته‌ای، بلکه بر برنامه موشکی و ارسال پهپاد به روسیه.

در این فضای دوگانه، رژیم ایران و اسرائیل هر دو خود را برای مواجهه نظامی آماده می‌کنند.

از سوی دیگر، توافقی نادر نیز بین جمهوری اسلامی و آمریکا برای بازگرداندن مهاجران ایرانی صورت گرفته است، که نشانه‌ای از نوعی توافق پشت پرده است.

بنابراین، در روزهای آینده ممکن است یا شاهد دور دوم جنگ ایران و اسرائیل باشیم یا توافقات کوتاه‌مدت بین تهران و واشنگتن؛ اما این توافقات شامل برنامه موشکی بالستیک نخواهند بود؛ برنامه‌ای که برای امنیت اسرائیل تهدید مستقیم و برای جمهوری اسلامی ایران ستون فقرات دکتین دفاعی‌اش به شمار می‌رود.

*منبع: ایندپیندنت عربی

*نویسنده: هدی روؤف

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

تهران و جستجوی درهای مذاکره با واشنگتن



● همزمانی آغاز مسیر مذاکراتی که دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا برای پایان دادن به جنگ اسرائیل علیه نوار غزه تحمیل کرد، با تلاش واشنگتن برای فعال ساختن مجدد تحریم‌های شورای امنیت علیه رژیم ایران از طریق اجرای مکانیسم ماشه توسط «تروئیکای اروپایی»، نشان‌دهنده آن است که کاخ سفید وارد مرحله تعیین تکلیف در پرونده‌هایی شده که مانع تحقق برنامه‌هایش در خاورمیانه هستند.

● باور غالب در ایران این است که مسیر مذاکرات به بن‌بست رسیده، اما هیچکس دیدگاه روشن یا قطعی درباره از سر گرفتن مذاکرات ندارد، مگر اینکه تحولاتی شگرف شرایط را دگرگون کند.

● این بن‌بست از تغییر نقش اروپا به عنوان میانجی و سقوط امید تهران به نقش‌آفرینی آن در تعدیل مواضع طرفین ناشی می‌شود. جمهوری اسلامی اکنون کشورهای تروئیکای اروپایی را متهم به نابودی اعتماد باقیمانده کرده و اعلام کرده آنها را از هرگونه مذاکره احتمالی آینده کنار گذاشته. این در حالیست که دولت آمریکا نیز تمایلی به بازگشت به میز مذاکره از خود نشان نمی‌دهد.

از سوی دیگر، دیپلماسی رژیم ایران که بدون هماهنگی با «شورای عالی امنیت ملی» خود گامی برمی‌دارد، تلاش پیدا و پنهان جهت یافتن راه حل سیاسی برای بازگشت به میز مذاکره است. آنهم در حالی که همچنان بر مواضع اعلام‌شده از سوی رهبر جمهوری اسلامی در خصوص حق غنی‌سازی در داخل کشور پافشاری می‌کند و حاضر به مذاکره درباره برنامه موشکی خود نیست؛ برنامه‌ای که آن را بخشی از «امنیت ملی» و ابزار دفاعی و بازدارندگی در برابر اسرائیل می‌داند، همانگونه که علی لاریجانی دبیر این شورا و مشاور علی خامنه‌ای نیز تصریح کرده است.

با وجود تلاش‌های فراوان برای جبران ضعف‌های دفاعی و با اینکه گفته می‌شود تجهیزات نظامی مانند جنگنده، سامانه‌های پدافند هوایی، رادار و تجهیزات ارتباطی از روسیه و چین به ایران وارد می‌شود، اما زمامداران جمهوری اسلامی در همه سطوح سیاسی، امنیتی و نظامی تمایلی به تکرار رویارویی ژوئن ۲۰۲۵ ندارند زیرا به خوبی می‌دانند داشتن ابزار نظامی به تنهایی برای مدیریت پیامدهای اجتماعی و داخلی یک جنگ دیگر کافی نیست.

از این رو، پیام عباس عراقچی وزیر امور خارجه به دونالد ترامپ رئیس جمهور ایالات متحده قابل تأمل است؛ آنجا که به وی یادآور شد اگر به پیشرفت‌های حاصل در دور پنجم مذاکرات توجه می‌کرد و به گفتگوهای میان دو هیئت گوش می‌داد، اکنون شاید دو طرف توافقی را امضا کرده بودند که به سود هر دو باشد.

این اشاره با پیام شاید نقطه آغاز تلاش‌های تازه برای احیای روند مذاکره باشد؛ روندی که تهران اکنون به ضرورت آن، و اینکه مذاکره باید مستقیم باشد، باور دارد؛ به ویژه اگر بتواند زوایای شروط خود را تعدیل کند و طرف آمریکایی را نیز به همین مسیر بکشاند، تا بازگشت به میز مذاکره و استفاده از نتایج دور اخیر گفتگوها به عنوان پایه توافقی تازه ممکن شود؛ توافقی که منطقه را از خطر یک درگیری نظامی دیگر دور نگاه دارد.

*منبع: ایندپیندنت عربی

*نویسنده: حسن فصیح

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

مسیر مذاکرات به بن‌بست رسیده، اما هیچکس دیدگاه روشن یا قطعی درباره از سر گرفتن مذاکرات ندارد، مگر اینکه تحولاتی شگرف شرایط را دگرگون کند.

این بن‌بست از تغییر نقش اروپا به عنوان میانجی و سقوط امید تهران به نقش‌آفرینی آن در تعدیل مواضع طرفین ناشی می‌شود. جمهوری اسلامی اکنون کشورهای تروئیکای اروپایی را متهم به نابودی اعتماد باقیمانده کرده و اعلام کرده آنها را از هرگونه مذاکره احتمالی آینده کنار گذاشته. این در حالیست که دولت آمریکا نیز تمایلی به بازگشت به میز مذاکره از خود نشان نمی‌دهد.

در همین حال، صدای مخالفان مذاکره با واشنگتن بار دیگر بلند شده و از نظام خواسته‌اند موضع خود را روشن کند و با تکیه بر «شرق» گزینه‌های استراتژیک خود را دنبال کند. این شامل فعال ساختن توافقات استراتژیک با چین و روسیه و بهره‌گیری از عضویت در ائتلاف‌های منطقه‌ای مانند «اکو»، «شانگهای»، «بریکس» و «اوراسیا» برای خنثی ساختن تحریم‌های بین‌المللی و آمریکایی است. این استراتژی شاید بتواند به نظام برای مدیریت نارضایتی‌های داخلی ناشی از بحران‌های اقتصادی کمک کند.

گزینه شرقی که اکنون در میان جریان‌های محافظه‌کار و مخالفان مذاکره با آمریکا تقویت شده، از سوی بسیاری از نمایندگان رادیکال مجلس شورای اسلامی بیان شده است. به باور آنها، اجرای تحریم‌های شورای امنیت به منزله پایان امید به غرب است و باید آغاز اتکای اقتصادی بر ظرفیت‌های داخلی و تعمیق روابط با کشورهای شرقی و «دوست» باشد؛ بی‌آنکه از خود بپرسند آیا شرق واقعاً مایل و قادر به همکاری گسترده با ایران در شرایط فعلی هست یا نه!

نمونه‌ای از نبود این توان یا تمایل را می‌توان در موضع دولت ترکیه دید که اعلام کرده به تحریم‌های شورای امنیت پایبند بوده و واردات نفت و گاز از ایران را متوقف خواهد کرد. پیش‌بینی می‌شود عراق نیز برای دوری از فشارهای آمریکا، اقدام مشابهی اتخاذ کند؛ فشارهایی که نه فقط روابط اقتصادی با ایران، بلکه حتی موضع نسبت به «حشد الشعبی» را نیز در بر می‌گیرد؛ نهادی که واشنگتن آن را بازوی نظامی رژیم ایران می‌داند که امنیت منطقه را تهدید می‌کند.

حسن فصیح (ایندپیندنت عربی) - همزمان با اینکه بیشتر ناظران در ایران بر این باورند که به دلیل شرایط سختگیرانه آمریکا و شروط متقابل جمهوری اسلامی مسیر مذاکرات میان واشنگتن و تهران به بن‌بست رسیده، هیچکس نیز در ایران بطور قطعی یا با چشم‌انداز روشن نمی‌تواند از امکان از سر گرفتن مذاکرات درباره پرونده هسته‌ای سخن بگوید؛ مگر اینکه تحولاتی ناگهانی و دراماتیک روی دهد که معادلات موجود را به شکل جدی و ریشه‌ای تغییر دهد. همزمانی آغاز مسیر مذاکراتی که دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا برای پایان دادن به جنگ اسرائیل علیه نوار غزه تحمیل کرد، با تلاش واشنگتن برای فعال ساختن مجدد تحریم‌های شورای امنیت علیه رژیم ایران از طریق اجرای مکانیسم ماشه توسط «تروئیکای اروپایی»، نشان‌دهنده آن است که کاخ سفید وارد مرحله تعیین تکلیف در پرونده‌هایی شده که مانع تحقق برنامه‌هایش در خاورمیانه هستند.

اگرچه رئیس جمهور آمریکا در کنفرانس مطبوعاتی خود با بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل تمایل آشکاری برای همکاری جمهوری اسلامی و عدم مانع‌تراشی در مسیر مذاکرات جهت پایان جنگ غزه نشان داد، اما تهران و نیروهای هم‌پیمانانش در منطقه نوعی رویکرد مثبت از خود نشان دادند. آنها نه تنها سیگنال منفی روشنی نسبت به این مسیر ارسال نکردند، بلکه نوعی حمایت از گزینه‌های «حماس» در زمینه مذاکره و راه حل سیاسی ارائه دادند و بطور کامل از اصلاحات ابتکار صلح آمریکا پشتیبانی کردند. این موضع نسبتاً مثبت رژیم ایران، نشانه‌ای از سردرگمی موجود در محافل تصمیم‌گیری این کشور و ماهیت چالش‌هایی است که در آینده در سطح اقتصادی، سیاسی یا نظامی با آن روبرو خواهد شد؛ به ویژه آنکه فعال شدن تحریم‌ها و قطعنامه‌های شورای امنیت، گویای ورود دیپلماسی جمهوری اسلامی به مرحله‌ای حساس و سرنوشت‌ساز است و آن را وارد مرحله جدیدی از انزوای بین‌المللی و حتی منطقه‌ای کرده، یا دست‌کم مجبورش می‌کند به بازتعریف روابط بین‌المللی خود با توجه به تحولات اخیر بپردازد.

همانطور که گفته شد، باور غالب در ایران این است که

آیا رژیم ایران می‌تواند آخرین برگ خود را بازی کند؟



● به نظر می‌رسد تنش‌آفرینی رژیم ایران تنها به رد توافقی که با میانجیگری مصر به دست آمده بود، محدود نمی‌شود؛ توافقی که بر از سر گرفتن همکاری فنی میان دو طرف آژانس بین‌المللی در زمینه هسته‌ای و از سر گرفتن بازرسی از تأسیسات هسته‌ای ایران، تأکید داشت. این تنش در نحوه مدیریت همزمان چندین بحران نیز مشهود است که منجر به طرح این پرسش می‌شود: آیا جمهوری اسلامی خواهد توانست هرگونه تنش خارجی را بدون پرداخت هزینه داخلی، به دستاوردهای استراتژیک تبدیل کند؟

سامله الموشی (این‌دیندنت عربی) - اظهارات رسمی و تحلیل‌های داخلی نشان می‌دهد که رژیم جمهوری اسلامی ایران در حال تلاش برای حفظ توازن بین فشارهای داخلی و خارجی است. آنهم در حالی که کانال‌های مذاکره پشت پرده را نیز باز نگه داشته است. به این ترتیب این پرسش مطرح می‌شود که آیا جمهوری اسلامی موفق خواهد شد هرگونه ضعف در صحنه بین‌المللی را به اهرم نفوذ تبدیل کند؟ اعلام ناگهانی رژیم ایران در تاریخ پنجم اکتبر ۲۰۲۵ مبنی بر لغو توافق قاهره با «آژانس بین‌المللی انرژی اتمی»، صحنه دیپلماتیک را با آزمون حساس روبرو کرده که هدف آن سنجش توانایی تهران در مانور زیر فشارهای بین‌المللی است. در همان روز، زمامداران ایران اعمال مجدد تحریم‌های اروپایی را محکوم کردند و بر موضع ثابت خود در برابر فشارهای غربی تأکید نمودند. این موضع تنها واکنشی ساده نیست، بلکه بخشی از یک استراتژی دیپلماتیک است که هدف آن آزمودن واکنش‌های جهانی و ایجاد فضاهای جدید برای مذاکره بدون افتادن در دام درگیری مستقیم است. این امر نشان‌دهنده قدرت رژیم ایران در ترکیب تنش‌آفرینی با کنترل پرونده‌های حساس است.

امروز، به نظر می‌رسد تنش‌آفرینی رژیم ایران تنها به رد توافقی که با میانجیگری مصر به دست آمده بود، محدود نمی‌شود؛ توافقی که بر از سر گرفتن همکاری فنی میان دو طرف آژانس بین‌المللی در زمینه هسته‌ای و از سر گرفتن بازرسی از تأسیسات هسته‌ای ایران، تأکید داشت. این تنش در نحوه مدیریت همزمان چندین بحران نیز مشهود است که منجر به طرح این پرسش می‌شود: آیا جمهوری اسلامی خواهد توانست هرگونه تنش خارجی را بدون پرداخت هزینه داخلی، به دستاوردهای استراتژیک تبدیل کند؟ پاسخ در توانایی رژیم ایران در ایجاد توازن میان مذاکرات رسمی و هماهنگی‌های غیرمستقیم با قدرت‌های بزرگ نهفته است. تهران تلاش دارد تا گام‌های حساب‌شده برای افزایش نفوذ و کاهش خطرات بردارد. رژیم جمهوری اسلامی در حال گذراندن آزمون دیپلماتیک، حساس و کاملاً حساب‌شده است که هدف آن مدیریت توازن قدرت‌های منطقه‌ای از طریق اقداماتی چون تماس‌های رسمی با اتحادیه اروپا در خصوص توافق هسته‌ای، مذاکرات علنی با روسیه و چین برای تضمین منابع، و هماهنگی‌های محدود با شرکای منطقه‌ای است؛ مسیری که امکان اعمال فشار بدون درگیری مستقیم را فراهم می‌سازد.

تحركات تهران چه معنایی برای توازن منطقه‌ای دارند؟

تهران این تحركات را برای بهره‌برداری از هر معامله سیاسی و اقتصادی جهت تقویت موضع خود در مذاکرات پیش می‌برد. سیاستی که رژیم را به رقبی دشوار، حتی برای بانجریه‌ترین بازیگران منطقه‌ای تبدیل کرده است. رژیم تهران همیشه تلاش می‌کند یک برگ دیپلماتیک جدید در

نفوذ اقتصادی و سیاسی در منطقه و تأمین مسیرهای حیاتی تجارت دریایی، نشان می‌دهد که تهران چگونه می‌تواند بدون ورود به درگیری مستقیم، فشار وارد کند و در عین حال گزینه‌های مذاکره و تحرک سیاسی را باز نگه دارد.

حال واکنش قدرت‌های منطقه‌ای به این مانورهای رژیم ایران چگونه خواهد بود؟

پاسخ به میزان آمادگی آنها در درک مرزهای حرکت ایران بدون ورود به درگیری که منافعشان را تهدید کند، بستگی دارد. شگفتی در اینجاست که جمهوری اسلامی توانسته تمام این ابزارها از اعتراضات داخلی، فشارهای اقتصادی، تحركات منطقه‌ای و دیپلماسی علنی را در هم بیامیزد تا اقداماتش همواره حساب‌شده و با بیشترین تأثیر ممکن به نظر برسد. هر اشتباه از سوی طرفین دیگر ممکن است به تشدید درگیری منجر شود، اما جمهوری اسلامی تا این لحظه توانسته است همزمان عقب‌نشینی و فشار را با هم حفظ کند.

آزمون دیپلماتیک رژیم ایران، یک مانور گذرا نیست، بلکه ادامه توانایی آن در مدیریت همزمان فشارهای بین‌المللی و منطقه‌ای است. هر اقدام علنی، هر تحرک سیاسی و هر اظهارنظر رسمی به عنوان نشانه‌ای روشن از توانایی آن در بهره‌برداری از هرگونه ضعف یا تردید خارجی به سود خود ارزیابی می‌شود. آیا جمهوری اسلامی خواهد توانست از تردیدهای بین‌المللی به سود خود استفاده کند؟

نشانه‌های کنونی حاکی از آن است که رصد تحركات جمهوری اسلامی، کلید درک احتمالات آینده در زمینه درگیری‌ها و ائتلاف‌های منطقه‌ای خواهد بود. بطور خلاصه، رژیم ایران تنها با یک آزمون عادی روبرو نیست، بلکه در حال گذراندن آزمون دیپلماتیک و چندبعدی است؛ آزمون که در آن، هر اقدام، اظهارنظر یا حرکت اقتصادی و سیاسی به عنوان بخشی از یک استراتژی سنجیده در نظر گرفته می‌شود که نشان خواهد داد آیا جمهوری اسلامی توانایی مانور دادن و تبدیل هر بحران به ابزار چانه‌زنی قوی، بدون نیاز به ماجراجویی‌های نامطمئن را دارد یا نه.

*منبع: این‌دیندنت عربی

*نویسنده: سامله الموشی پژوهشگر و نویسنده سعودی

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

دست نگه دارد تا آن را به شیوه خود بازی کند. با تغییرات اخیر مربوط به «آژانس بین‌المللی انرژی اتمی» و تحریم‌ها، هر گام دیپلماتیک یا اقتصادی به ابزاری دقیق برای چانه‌زنی تبدیل می‌شود. جمهوری اسلامی هر شاخص داخلی یا خارجی را به اهرم فشار دیپلماتیک تبدیل می‌کند، بدون آنکه به رویارویی علنی کشیده شود. حال این پرسش مطرح می‌شود که واکنش قدرت‌های بزرگ در برخورد با چنین روشی چه خواهد بود؟

به نظر می‌رسد که واکنش‌های محتاطانه کشورهای اروپایی و امتناع آنها از تشدید مستقیم تنش، فضایی را برای حکومت ایران فراهم کرده تا بتواند برگ‌های خود را دوباره بچیند. توانایی رژیم ایران در مانور دادن، حتی در مواجهه با اعتراضات داخلی، آشکار است؛ چرا که هر تنش اقتصادی یا اجتماعی، به عنوان فرصتی برای درک واکنش‌های بین‌المللی و سنجش مرزهای حرکت‌های دیپلماتیک ارزیابی می‌شود. اظهارات رسمی و تحلیل‌های داخلی تأیید می‌کنند که جمهوری اسلامی در تلاش است تا توازن بین فشارهای داخلی و خارجی برقرار کرده و به ویژه کانال‌های مذاکره در پشت صحنه را با کشورهای غربی که همچنان باز است، حفظ کند.

آیا رژیم ایران خواهد توانست هرگونه ضعف بین‌المللی را به نفوذ تبدیل کند؟

تجربه چند ساله نشان داده که رژیم تهران تا کنون توانسته از بحران‌های همزمان جان به در ببرد. اما در سوی دیگر، منابع اروپایی از نگرانی درون دستگاه‌های اطلاعاتی درباره توانایی رژیم در مدیریت همزمان بحران‌ها بدون فروپاشی واقعی سخن می‌گویند. این نگرانی باعث شده تا برخی پایتخت‌ها بجای تشدید تنش مستقیم، مسیرهای پنهان برای کاهش تنش را بررسی کنند. این مانورهای پنهانی نشان‌دهنده مهارت جمهوری اسلامی در تبدیل هر شاخص داخلی به ابزار فشار دیپلماتیک است و تأکید می‌کند که توانایی سیاسی رژیم ایران تنها یک ترفند نیست، بلکه بخشی از یک استراتژی طراحی شده است.

گام‌های اقتصادی و سیاسی منطقه‌ای نیز همین هوشمندی استراتژیک را منعکس می‌کنند. توافقات محدود با روسیه، چین و کشورهای آسیای میانه، در کنار تقویت

آمریکا چند نهاد و فرد وابسته به گروه‌های شبه‌نظامی عراق را به دلیل همکاری در پولشویی و قاچاق سلاح با جمهوری اسلامی تحریم کرد



تصاویر قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس در دستان اعضای کتائب حزب‌الله وابسته به سپاه پاسداران

● دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری ایالات متحده (OFAC) چند فرد و شرکت را که در عراق به رژیم ایران در دور زدن تحریم‌های آمریکا، قاچاق سلاح و پولشویی کمک می‌کردند در فهرست تحریم‌ها قرار داد. ● بر اساس بیانیه وزارت خزانه‌داری که ۹ اکتبر (۱۷ مهرماه) منتشر شد این گروه‌ها، شرکت‌ها و اشخاص از جمله سازمان تروریستی «کتائب حزب‌الله» که تحت تحریم ایالات متحده قرار دارد، در نیروهای امنیتی و اقتصاد عراق نفوذ دارند. ● هدف از این تحریم‌ها، بانکدارانی هستند که از نظام مالی عراق برای پولشویی به نفع جمهوری اسلامی ایران سوء استفاده می‌کنند. همچنین یک شرکت صوری تروریستی که خدمات و پشتیبانی برای گروه‌های شبه‌نظامی عراقی فراهم می‌کند در فهرست تحریم قرار گرفته است. نام این شرکت «مهندس جزال» است. ● همچنین سه مدیر بانکی عراقی به دلیل سوء استفاده از موقعیت خود به سود نیروی قدس سپاه پاسداران، کتائب حزب‌الله و عصائب اهل الحق تحریم شدند. ←

آمریکابیش از ۵۰ فرد، نهاد و کشتی رابه دلیل دخالت در فروش و حمل نفت و گاز مایع ایران تحریم کرد



نفتکش «آرمان ۱۱۴» در حال انتقال محموله نفت خود را نفتکش «تینوس» / عکس: رویترز

رژیم برای تأمین مالی گروه‌های تروریستی که ایالات متحده را تهدید می‌کنند، مختل می‌کند.

این چهارمین دور از تحریم‌های دولت ترامپ علیه پالایشگاه‌های چینی است که همچنان نفت ایران را خریداری می‌کنند.

در بخشی از بیانیه وزارت خزانه‌داری آمریکا به شبکه بزرگ فروش گاز مایع ایران اشاره شده است که شامل شرکت‌هایی در امارات، سرلانکا، هنگ‌کنگ می‌شود. در یک نمونه این شبکه در اوایل سال ۲۰۲۵ فروش ۲۶ میلیون دلار گاز مایع ایران را برای ارسال به چین با کشتی VISION هماهنگ کردند.

بر اساس این بیانیه شرکت‌هایی در هنگ‌کنگ کار ارسال گاز مایع ایران به سرلانکا و هنگ‌کنگ را به عهده داشتند. چندین نفتکش در صادرات گاز فعال بودند که محموله‌ها را در آب‌های نزدیک مالزی و سنگاپور جابجا می‌کردند.

همزمان آمریکا ۲۹ نهاد، شامل ۲۶ شرکت و ۳ دفتر یا مکان مشخص در کشورهای چین، ترکیه و امارات متحده عربی را به فهرست تحریم‌ها افزود. این شرکت‌ها و دفاتر در تأمین قطعات الکترونیک مورد استفاده در پهپادهای مسلح برای جمهوری اسلامی نقش داشته‌اند. از این پس، صادرات کالاهای آمریکایی به این نهادها بدون دریافت مجوز ویژه دولت ممنوع خواهد بود.

در میان این نهادها، ۱۶ شرکت و ۳ دفتر در چین، ۹ شرکت در ترکیه و یک شرکت در امارات قرار دارند. دولت آمریکا این اقدام را بخشی از تلاش‌های خود برای مقابله با آنچه «تهدیدهای مرتبط با امنیت ملی» توصیف کرده، می‌داند. این تحریم‌ها واکنش‌هایی را از سوی کشورهای هدف در پی داشته است. در مجموع بیش از ۹۰ فرد، نهاد، شرکت و کشتی طی این دو بسته تحریمی در فهرست سیاه وزارت خزانه‌داری آمریکا قرار گرفتند.

پیشتر شبکه المیادین، وابسته به حزب‌الله لبنان، گزارش داد که در روزهای اخیر نشانه‌هایی از آماده‌سازی‌های آمریکا برای متوقف کردن کشتی‌های مرتبط با جمهوری اسلامی، به دلیل بازگشت تحریم‌های سازمان ملل، شناسایی شده است.

● دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری ایالات متحده (OFAC) پنجشنبه ۱۷ مهرماه ۱۴۰۴ در بیانیه‌ای اعلام کرد که بیش از ۵۰ فرد، نهاد و کشتی که فروش و حمل نفت و گاز مایع ایران را تسهیل می‌کنند، تحریم کرده است و به تلاش‌های خود علیه صادرات نفت و پتروشیمی جمهوری اسلامی ادامه می‌دهد.

● بر اساس این بیانیه، عوامل تحریم‌شده در مجموع میلیاردها دلار صادرات نفت و فرآورده‌های نفتی ایران را امکان‌پذیر کرده‌اند و درآمد حیاتی برای رژیم ایران و حمایت آن از گروه‌های تروریستی که ایالات متحده را تهدید می‌کنند، فراهم کرده‌اند.

● اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری ایالات متحده در بیانیه‌ای گفت: «وزارت خزانه‌داری با از کار انداختن عوامل کلیدی ماشین صادرات انرژی ایران، جریان نقدی ایران را کاهش می‌دهد. این دولت، تحت ریاست جمهوری ترامپ، توانایی رژیم برای تأمین مالی گروه‌های تروریستی که ایالات متحده را تهدید می‌کنند، مختل می‌کند.»

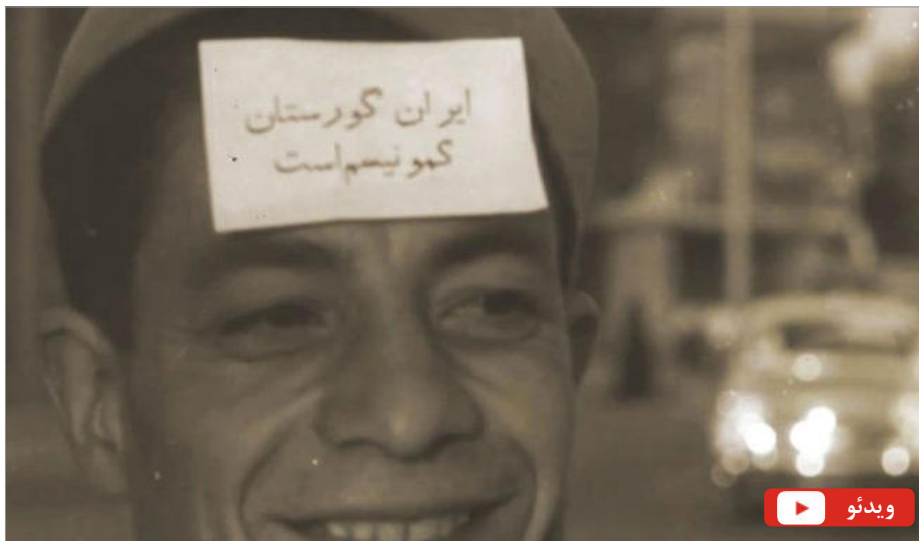
دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری ایالات متحده (OFAC) پنجشنبه ۱۷ مهرماه ۱۴۰۴ در بیانیه‌ای اعلام کرد که بیش از ۵۰ فرد، نهاد و کشتی که فروش و حمل نفت و گاز مایع ایران را تسهیل می‌کنند، تحریم کرده است و به تلاش‌های خود علیه صادرات نفت و پتروشیمی جمهوری اسلامی ادامه می‌دهد.

بر اساس این بیانیه، عوامل تحریم‌شده در مجموع میلیاردها دلار صادرات نفت و فرآورده‌های نفتی ایران را امکان‌پذیر کرده‌اند و درآمد حیاتی برای رژیم ایران و حمایت آن از گروه‌های تروریستی که ایالات متحده را تهدید می‌کنند، فراهم کرده‌اند. وزارت خزانه‌داری ایالات متحده می‌گوید تحریم‌ها شامل یک بندر چینی و یک پالایشگاه نفت «تی‌پات» مستقر در چین می‌شود.

اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری ایالات متحده در بیانیه‌ای گفت: «وزارت خزانه‌داری با از کار انداختن عوامل کلیدی ماشین صادرات انرژی ایران، جریان نقدی ایران را کاهش می‌دهد. این دولت، تحت ریاست جمهوری ترامپ، توانایی

دوران محمدرضاشاهی؛ پایان مالاندوزی

(صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴)



پرش‌های خبرنگار روزنامه لوموند فرانسه گفت: «تا دو سال دیگر املاک بزرگ در ایران تقسیم می‌شود و تصمیماتی اتخاذ خواهد شد که مالکان بزرگ ناچار به پیروی از آن خواهند شد. در مورد حملات رادیویی شوروی نیز ما به سازمان ملل شکایت نمی‌کنیم زیرا تبلیغات منفی این رادیوها به قدری مسخره است که کسی آنها را جدی نمی‌گیرد».

تبر ۱۳۳۸ هزاران تن از اهالی تهران در همایشی با حضور وزیر کشور، انزجار خود را از سمپاشی‌های رادیوهای بیگانه به ویژه رادیو مسکو علیه ایران ابراز داشتند. مخالفان شاهنشاهی ایران در سویی حامیان کمونیسم بودند و در سوی دیگر «زمینداران بزرگ» که محمدرضا شاه هر روز عرصه را بر مالاندوزی آنان تنگ‌تر می‌کرد. شاه ۵ مرداد ۱۳۳۸ در پاسخ به

دستر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری ایالات متحده (OFAC) چند فرد و شرکت را که در عراق به رژیم ایران در دور زدن تحریم‌های آمریکا، قاچاق سلاح و پولشویی کمک می‌کردند در فهرست تحریم‌ها قرار داد. بر اساس بیانیه وزارت خزانه‌داری که ۹ اکتبر (۱۷ مهرماه) منتشر شد این گروه‌ها، شرکت‌ها و اشخاص از جمله سازمان تروریستی «کتاب حزب‌الله» که تحت تحریم ایالات متحده قرار دارد، در نیروهای امنیتی و اقتصاد عراق نفوذ دارند. در این بیانیه آمده: «گروه‌های تحت حمایت جمهوری اسلامی نه تنها مسئول مرگ نیروهای آمریکایی هستند، بلکه حملاتی علیه منافع ایالات متحده و متحدانش در سراسر خاورمیانه انجام می‌دهند. این شبه‌نظامیان با فساد و رانت‌خواری، اقتصاد عراق را تضعیف کرده و مانع تشکیل دولتی کارآمد در عراق می‌شوند که می‌تواند به امنیت منطقه کمک کند.»

هدف از این تحریم‌ها بانکدارانی هستند که از نظام مالی عراق برای پولشویی به نفع جمهوری اسلامی ایران سوء استفاده می‌کنند. همچنین یک شرکت صوری تروریستی که خدمات و پشتیبانی برای گروه‌های شبه‌نظامی عراقی فراهم می‌کند در فهرست تحریم قرار گرفته است. نام این شرکت «مهندس جنرال» است. این شرکت که پیمانکار فعالیت‌های ساختمانی، مهندسی، مکانیکی، کشاورزی و صنعتی است، از راه‌های غیررسمی برای دریافت بودجه از قراردادهای دولتی عراق استفاده می‌کند. وزارت خزانه‌داری ایالات متحده همچنین دارایی‌های مستقر در عراق وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (نیروی قدس) را که شبکه‌ای از منابع اطلاعاتی را اداره می‌کند، هدف قرار داده است. این شبکه اقدام به جمع‌آوری اطلاعات درباره نیروهای آمریکایی می‌کرده است. در بیانیه وزارت خزانه‌داری آمریکا آمده، رژیم ایران همچنان در پی سوء استفاده از اقتصاد عراق برای دور زدن تحریم‌هاست، هرچند بسیاری از مقامات عراقی در تلاش‌اند نهادهای مالی این کشور را اصلاح کنند.

همچنین سه مدیر بانکی عراقی به دلیل سوء استفاده از موقعیت خود به سود نیروی قدس سپاه پاسداران، کتاب حزب‌الله و عصاب اهل الحق تحریم شدند.

«علی محمد غلام حسین الانصاری (علی غلام)» از موقعیت خود در رأس چند بانک تجاری عراق برای ثروت‌اندوزی شخصی و تأمین منافع نیروی قدس و شبه‌نظامیان متحد آن استفاده کرده است. او با فراهم کردن دسترسی نیروی قدس به بانک‌های تحت کنترلش، میلیون‌ها دلار برای این گروه‌ها درآمد ایجاد کرده است. علی غلام امور مالی کتاب حزب‌الله را مدیریت کرده و حتی سرمایه‌گذاری رهبران بلندپایه آن را در خارج از عراق انجام داده است. او همچنین با مدارک جعلی برای عصاب اهل الحق پولشویی کرده و با پرداخت رشوه به مقامات قضایی از مجازات گریخته است.

«علی مفتی خفیف البیدانی» و «عقیل مفتی خفیف البیدانی» دو برادر و صاحبان بانکی مرتبط با نیروی قدس سپاه پاسداران هستند که با مقامات اطلاعاتی رژیم ایران همکاری می‌کردند تا منابع مالی برای شبه‌نظامیان فراهم کنند. آنان با علی غلام برای دسترسی به منابع دلاری همکاری داشتند تا با پولشویی درآمدهای ناشی از فساد را تطهیر کنند. این دو برادر ده‌ها میلیون دلار برای رژیم ایران پولشویی کرده و در قاچاق نفت و مواد مخدر نیز نقش داشته‌اند.

در بیانیه وزارت خزانه‌داری آمریکا همچنین به اسامی حسن قحطان السعیدی، محمد قحطان السعیدی و هیثم صاحب سعید، از اعضای کتاب حزب‌الله عراق اشاره شده است که به دلیل جمع‌آوری اطلاعات به سود سپاه پاسداران و فراهم کردن کمک مادی، حمایت مالی یا فناوری به سود این نیروی نظامی جمهوری اسلامی تحت تحریم قرار گرفتند.

سدّ طرح صلح غزه



© کیهان لندن / کارتون‌های بهنام محمدی

آیا دوران مهاجرت از کشورهای در حال توسعه به جهان غرب به پایان رسیده است؟



برای بسیاری ضرورتی به کار یا ادغام سریع وجود نداشت. آنان توانستند از مزایای رفاهی دولت استفاده کنند، و همین امر موجی از نارضایتی عمومی را در پی داشت. بسیاری از مهاجران، به جای جذب در بازار کار، از مزایای اجتماعی دولت بهره‌مند شدند. تجربه‌ای مشابه در بریتانیا و اسکاتلندپای نیز تکرار شد.

از اقتصاد تا هویت

تغییرات جمعیتی و رکودهای اقتصادی پی در پی موجب شد جوامع غربی حضور گسترده مهاجران را تهدیدی علیه انسجام فرهنگی خود ببینند. جنبش‌های پوپولیستی که زمانی در حاشیه بودند، اکنون بر سیاست‌های اصلی کشورها تأثیر می‌گذارند.

در بریتانیا، پس از تبلیغات ناپجل فراژ برای کاهش شدید مهاجرت، و حمایت عمومی از آن هر دو حزب اصلی- حزب کارگر حاکم و حزب محافظه‌کار- سیاست‌های سختگیرانه‌تری اتخاذ کردند تا رأی‌دهندگان خود را از دست ندهند. شاپانا محمود، وزیر کشور، در نخستین سخنرانی خود اذعان کرد که تصویر بریتانیا به عنوان کشوری «باز، بردبار و بخشنده» مورد تردید قرار گرفته است. او طرحی را برای محدود کردن شرایط دریافت اقامت دائم ارائه کرد و هشدار داد که اگر حزب کارگر به مسئله مهاجرت نپردازد، طبقات کارگر به سوی حزب فراژ گرایش خواهند یافت.

در مقابل، حزب محافظه‌کار وعده داد ظرف پنج سال ۷۵۰ هزار مهاجر غیرقانونی را اخراج کند و از الگوی سیاست‌های دونالد ترامپ پیروی نماید. در همین حال، کی‌یر استارمر نخست‌وزیر بریتانیا در سفر خود به هند در اکتبر ۲۰۲۵ اعلام کرد که کشورش سهمیه ویزای کاری برای شهروندان هندی را افزایش نخواهد داد؛ با وجود آنکه جامعه هندی یکی از موفق‌ترین و یکپارچه‌ترین اقلیت‌ها در بریتانیا است. این خبر کوچک حاوی پیام بسیار مهمی است.

نیروهای جهانی: تغییرات اقلیمی و هوش مصنوعی

چرا حتی حضور مهاجران موفق در کشورهای

مهاجران تبدیل شد: ابتدا اروپاییان، سپس آسیاییان، و در قرن بیستم مردم سایر مناطق جهان. غرب سرزمینی معرفی می‌شد که هرکس می‌توانست در آن برای خود جایگاهی بیابد؛ از دانشمند بریتانیایی در آزمایشگاه گرفته تا کارگر بی‌سواد خاورمیانه‌ای که راننده تاکسی می‌شد.

گذار جمعیتی اروپا و موج‌های مهاجرت

رشد جمعیت اروپا در قرن بیستم به تدریج کاهش یافت. «گذار جمعیتی دوم» در اروپای غربی از میانه دهه ۱۹۶۰ آغاز شد و با افت نرخ زاد و ولد همراه بود. تا اواخر دهه ۱۹۸۰، اکونومیست هشدار داد در حالی که جمعیت اروپا رو به کاهش است، جمعیت آفریقا و آسیا به سرعت در حال افزایش است، و این نابرابری احتمالاً از طریق مهاجرت متعادل خواهد شد.

در آغاز قرن بیست و یکم، مهاجرت از آفریقا و خاورمیانه به اروپا شدت گرفت. نقطه اوج آن سال ۲۰۱۵ بود، زمانی که آلمان بیش از ۱.۱ میلیون پناهجو، عمدتاً از سوریه، را پذیرفت. آنگلا مرکل این تصمیم را اقدامی انسانی دانست، اما احتمالاً تجربه موفق حضور کارگران ترک در دوران بازسازی پس از جنگ را نیز در نظر داشت.

میان سال‌های ۱۹۶۱ تا ۱۹۷۳ حدود ۸۵۰ هزار کارگر ترک تحت برنامه «کارگر مهمان» (Gastarbeiterprogramm) برای جبران کمبود نیروی کار به آلمان غربی آمدند. اگرچه قرار بود اقامت آنان موقت باشد، اما رونق اقتصادی و نیاز مداوم به نیروی کار سبب شد که بسیاری در آلمان ماندگار شوند و به بخشی از جامعه تبدیل گردند.

اما شرایط در سال ۲۰۱۵ متفاوت بود. در سال ۱۹۹۰، حدود ۳۹ درصد نیروی کار آلمان در بخش تولید فعالیت داشت، در حالی که امروز بخش خدمات حدود ۷۰ درصد تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهد و سهم صنعت به حدود ۳۰ درصد کاهش یافته است. بدین ترتیب، موج بزرگ پناهجویان وارد کشوری شد که دیگر بر پایه تولید صنعتی نمی‌چرخید، بلکه اقتصادی رفاهی داشت. جایی که

سیدعرفان نوربخش - برای نسل‌های متمادی، افراد با استعداد در کشورهای توسعه‌نیافته، مهاجرت به غرب را راهی برای تحقق آرزوهای شخصی و حرفه‌ای خود می‌دانستند. کشورهای غربی همواره امنیت، ثبات و فرصت‌هایی را فراهم می‌کردند تا استعدادهای سراسر جهان بتوانند در شکوفایی این جوامع سهیم باشند. از پایان جنگ جهانی دوم تا دوران جنگ سرد، غرب به پناهگاهی برای کسانی بدل شد که از رژیم‌های کمونیستی یا از سرکوب سیاسی می‌گریختند.

برای بسیاری از مردم در جهان سوم این باور بدیهی بود که اگر فردی تحصیلکرده، توانا یا مخالف حکومت‌های سرکوبگر باشد و در کشور خود جایگاهی نیابد، درهای غرب به روی او باز خواهد بود. اما روندهای اخیر نشان می‌دهد که دوران تازه‌ای آغاز شده است: دوران سیاست‌های ضد مهاجرتی، چه برای مهاجران قانونی و چه غیرقانونی. این دگرگونی چگونه پدید آمد؟ برای درک آن، باید نگاهی به گذشته انداخت.

پیدایش اصطلاح «فرار مغزها»

اصطلاح «فرار مغزها» نخستین بار در دهه ۱۹۶۰ در بریتانیا مطرح شد و پس از گزارش سال ۱۹۶۳ انجمن سلطنتی درباره مهاجرت دانشمندان بریتانیایی به ایالات متحده رواج یافت. با این حال، مهاجرت نیروهای متخصص پیشینه‌ای بسیار قدیمی‌تر دارد. پس از جنگ جهانی دوم، گروهی از دانشمندان اروپایی به ایالات متحده رفتند تا در محیطی امن‌تر به کار خود ادامه دهند. ساخت نخستین بمب اتمی نمونه‌ای بارز از همکاری دانشمندان اروپایی و آمریکایی در خاک آمریکا بود؛ جایی که از ویرانی‌های اروپا در امان مانده بود.

پیش از آن، پروژه‌های عظیم زیربنایی آمریکا نیز بر دوش مهاجران بنا شده بود. در سال ۱۸۶۹، راه‌آهن سراسری ایالات متحده با تلاش کارگران عمدتاً چینی و آسیایی تکمیل شد و شرق و غرب کشور را بهم پیوند داد. از نخستین روزهای کشف قاره آمریکا، آمریکای شمالی به مقصدی برای

پایان جنگ غزه؛ تسلیم حماس، شکست استراتژی جمهوری اسلامی



درس‌ها و پیامدهای هفتم اکتبر

اگرچه کشتار هفتم اکتبر و به دنبال آن جنگ خونین غزه درس‌های بی‌شماری دارد، اما می‌توان بر چند مورد آن، به ویژه آنچه آن را به جمهوری اسلامی مرتبط می‌کند، چنین اشاره کرد:

تروریسم وحشی حماس

۷ اکتبر نشان داد که تروریسم اسلامگرا تا کجا وحشی و خطرناک است. آنها نه تنها به زن و کودک و سالمند یهودی-اسرائیلی و افراد غیرمسلح رحم نمی‌کنند، بلکه حاضرند برای اهداف شوم خود ساکنین غزه را سپر دفاعی خود کرده و با پنهان شدن پشت آنها یا مخفی شدن در اماکنی مانند بیمارستان و مدرسه، شهروندان عادی فلسطینی را نیز به کشتن بدهند.

نقش جمهوری اسلامی

۷ اکتبر نشان داد حماس با حمایت و هدایت جمهوری اسلامی بود که کشتار یهودیان را اجرا کرد. حماس و جهاد اسلامی تنها با حمایت مالی، تسلیحاتی و آموزش‌های نظامی از سوی جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود که توانستند این کشتار را عملی کنند. خامنه‌ای با «بوسه زدن بر پیشانی و بازوی» تروریست‌های حماس، به خوبی نشان داد که تا کجا پشت این کشتار جنایتکارانه بوده است. موافقت حماس با طرح صلح ترامپ، حتی اگر در عمل به همه مواد آن پایبند نباشد، شکست بزرگ استراتژیک برای جمهوری اسلامی است. «جبهه مقاومت» علی‌خامنه‌ای طی دو سال به جبهه تسلیم و درماندگی تبدیل شد؛ حماس تسلیم را پذیرفت و باید خاک غزه را ترک کند، باید سلاح‌هایش را زمین بگذارد و از هرگونه مشارکت در آینده غزه نیز کنار گذاشته شده است.

هفتم اکتبر شروع پایان آنچه‌ی شد که جمهوری اسلامی آن را «عمق استراتژیک» می‌نامید: حزب‌الله بخش عمده‌ای از فرماندهان خود را از دست داد و جنوب لبنان را تخلیه کرد. با سرنوشتی بشار اسد مسیر کمک‌رسانی سپاه

حنیف حیدرژاد - حماس صبح دوشنبه ۲۱ مهرماه ۱۴۰۴ اسامی ۲۰ گروگان زنده را که قرار بود در این روز و همزمان با اجرای مرحله نخست آتش‌بس طرح صلح ترامپ آزاد شوند، منتشر کرد و آنها را در دو نوبت و در دو گروه هفت و سیزده نفره به صلیب سرخ تحویل داد. قرار است پیکر ۲۸ گروگان جانباخته نیز در روزهای آینده به اسرائیل بازگردانده شود. به گزارش تایمز اسرائیل، اسرائیل می‌گوید ۲۰۰۰ زندانی فلسطینی را به عنوان بخشی از معامله گروگانگیری آزاد کرده است. این زندانیان شامل ۲۵۰ محکوم تروریستی هستند که یک یا چند حبس ابد را می‌گذرانند، و همچنین ۱۷۱۸ زندانی غزه که در طول جنگ دستگیر شده‌اند.

به گزارش رسانه‌ها دونالد ترامپ، رییس جمهور آمریکا، با حضور در پارلمان اسرائیل برای سخنرانی، دفتر یادبود این نهاد را امضا کرد و آغاز طرح صلح پیشنهادی خود برای غزه را با عبارت «آغاز دوره‌ای جدید» توصیف کرد. او اشاره کرد که دوشنبه روز بزرگی است و حماس نیز طبق تعهد خلع سلاح خواهد شد.

در شرم‌الشیخ مصر ترامپ بطور مشترک با السیسی رئیس جمهور مصر میزبان اجلاس فوق‌العاده‌ای شد که رؤسای برخی از کشورهای مهم در منطقه و جهان در آن شرکت کردند. آنها با حضور خود می‌خواهند طرح ۲۰ ماده‌ای ترامپ را تضمین کرده و بر روی مکانیسم‌های نظارتی و اجرایی مرتبط با آن توافق کنند.

آیا جنگ غزه تمام شده است؟

هنوز زود است که از پایان کامل جنگ سخن گفت. می‌توان از توقف موقت کشتار و آوارگی مردم غزه صحبت کرد، اما اگر آنگونه که در طرح صلح ترامپ آمده حماس سلاح‌های خود را تحویل ندهد و داوطلبانه غزه را ترک نکند، احتمال از سر گرفتن جنگ وجود دارد. همچنین باید تاکید کرد رهبران و فرماندهان حماس که برای دستگاه‌های امنیتی اسرائیل شناخته شده‌اند، همچنان هدف مشروع باقی می‌مانند و دیر یا زود از میان برداشته خواهند شد.

میزبان، روز به روز ناخواسته‌تر می‌شوند؟ پاسخ را باید در دو روند جهانی جستجو کرد: گرم شدن زمین و ظهور هوش مصنوعی (AI).

۱. تغییرات اقلیمی

تغییرات اقلیمی در حال بازتعریف نقشه مهاجرت جهانی است و چهره‌ی سیاره را همانطور که می‌شناسیم دگرگون خواهد کرد. پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد تا سال ۲۰۵۰ حدود ۲۰ درصد از کره زمین به مناطق «تقریباً غیرقابل سکونت» تبدیل خواهد شد، در حالی که امروز این رقم تنها ۱ درصد است. حدود ۱۴۰ میلیون نفر در آفریقای سیاه، آمریکای لاتین و جنوب آسیا ممکن است به دلیل افزایش دما، نابودی محصولات کشاورزی و سیلاب‌ها ناچار به کوچ شوند. برخی مناطق مانند حوزه‌ی مدیترانه هم‌اکنون دچار خشکسالی شدید شده‌اند و امنیت غذایی آنها در خطر است. به راحتی می‌توان پیش‌بینی کرد که به زودی آب شیرین به گنجه‌های برای کشورها تبدیل خواهد شد و حتی کشورهای ثروتمند شمال نیز فقط توان تأمین آن برای شهروندان خود را خواهند داشت. کمبود آب شیرین، مهم‌ترین خط گسل ژئوپلیتیک آینده خواهد بود. اخراج صدها هزار پناهجوی افغان از ایران، که یکی از دلایل آن خشکسالی شدید است، نشانه‌ای از آینده پیش روست. در جهانی که آب از نفت ارزشمندتر می‌شود، در خاورمیانه، درگیری بر سر منابع آب چیز جدیدی نیست، اما با ادامه‌ی گرم شدن زمین، نبرد بر سر آب و هوای پاک به مسئله‌ای جهانی تبدیل خواهد شد..

۲. هوش مصنوعی

عامل دوم، انقلاب هوش مصنوعی است. هوش مصنوعی در حال جایگزینی توان فکری انسان است. کشورهای پیشرفته با هدف افزایش بهره‌وری و استقلال، در حال توسعه سیستم‌هایی هستند که نیاز به نیروی انسانی اعم از داخلی یا خارجی را کاهش می‌دهد.

افزایش آموزش و کار از راه دور، نیاز به مهاجرت فیزیکی را نیز کاهش داده است. در آینده، هرکس با دسترسی به زیرساخت دیجیتال می‌تواند از خانه در دانشگاه‌های جهان تحصیل کند یا شغلی بین‌المللی داشته باشد. اما این پیشرفت‌ها به بهای افزایش بیکاری گسترده تمام خواهد شد. در چنین شرایطی، برای دولت‌های توسعه‌یافته، جمعیتی کمتر و قابل‌کنترل‌تر مزیت محسوب می‌شود.

بازندگان اصلی این آینده، کشورهای جنوب جهانی با نرخ زاد و ولد بالا هستند. کشورهایی که منابع طبیعی‌شان رو به پایان است و توان تأمین نیازهای جمعیت خود را ندارند. نتیجه محتمل، بی‌ثباتی، درگیری و جنگ بر سر منابع خواهد بود. در چنین جهانی که آب شیرین از سوخت گرانباتر است، جمعیت زیاد نه مایه قدرت، بلکه نشانه ضعف است. ارتش‌های انسانی دیگر در برابر ارتش‌های ربات‌های هوشمند شانس ندارند.

از آنجا که اقتصادهای غربی دیگر صنعتی نیستند و بیشتر بر خدمات و فناوری تکیه دارند، صادرات نیروی کار انسانی دیگر کارآمد نخواهد بود.

جمع‌بندی

به نظر می‌رسد دوران مهاجرت گسترده از کشورهای در حال توسعه به جهان توسعه‌یافته به شکلی که می‌شناختیم رو به پایان است. ترکیبی از تغییرات جمعیتی، فشارهای محیط زیستی و تحولات فناورانه، مفهوم مهاجرت را از اساس دگرگون کرده است. درهای باز غرب که زمانی نماد امید و فرصت بودند، اکنون به تدریج بسته می‌شوند؛ نه از سر دشمنی، بلکه به دلیل دگرگونی عمیق در ساختار جهانی.

*سیدعرفان نوربخش کارشناس مسائل روسیه و اوراسیا

دوران محمدرضا شاهی؛ آغاز ساخت اتومبیل در ایران

(صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴)



اصلاحات ارضی عملی شود و هر کس در زمینی زراعت کند که خودش صاحب آن باشد.» هفت مهر ۱۳۳۸ از سوی شاه موسسه استاندارد ایران با حضور وزیر بازرگانی گشوده شد تا کالاهای ایرانی با کیفیت بهتری به بازارها داخلی و خارجی ارائه شوند...

تنگنایی قرار داد که ناچار شدند این طرح را تأیید کنند. به این ترتیب حماس از یک پشت جبهه قوی محروم شد. سیاست «صلح از طریق قدرت» ترامپ نشان داد با تروریست‌ها نباید مذاکره یا مباحثات کرد. باید با آنها با زبان زور و از موضع قدرت صحبت کرده و تسلیم را بر آنان دیکته کرد. پیروزی ترامپ در پایان جنگ غزه (حتی بطور موقت)، موقعیت جهانی او را تقویت کرده و راه را برای سیاست‌های مشابه او در برابر جمهوری اسلامی هموار می‌کند.

پیام نهایی

در پایان (موقت) جنگ غزه، نه تنها خاورمیانه، بلکه دنیا در آستانه نظم نوینی قرار گرفته است. این تجربه تلخ و خونین نشان می‌دهد رها کردن گروه‌های کوچک اسلامگرا و تروریستی می‌تواند به مرور زمان آنها را به گروه‌های خطرناک تبدیل کند. بی‌توجهی به نقش جمهوری اسلامی در این زمینه و مباحثات با این رژیم تروریست و تروریست پرور در چهار دهه گذشته، دست خامنه‌ای و سپاه پاسداران را در منطقه برای ایجاد نیروهای مرگ‌آفرین باز گذاشت و مردم غزه و اسرائیل تاوان سنگینی برای آن پرداختند. برای جلوگیری از تکرار این فجایع باید «سر مار» که در تهران خانه کرده از مردم ایران نزدیک پنج دهه است برای سرنگونی جمهوری اسلامی تلاش کرده‌اند. اکنون حمایت جامعه جهانی بیش از هر زمان دیگری از مردم ایران لازم است تا در رویارویی نهایی با حکومت بتوانند از این رژیم عبور کنند. پایان جمهوری اسلامی نه تنها مردم ایران را از استبداد داخلی رها می‌کند، بلکه می‌تواند منطقه و جهان را از یکی از اصلی‌ترین منابع حمایت از تروریسم نجات دهد و راهی تازه برای صلح و ثبات در خاورمیانه بگشاید.

«امیدوارم روزی برسد که شاهد از بین رفتن همه پیمان‌های دفاعی و نظامی باشیم و خلج سلاح عمومی انجام یابد.» مهر ۱۳۳۸ محمدرضا شاه در ملاقات با مدیران و سردبیران روزنامه‌های داخلی و خارجی در کاخ سعدآباد اضافه نمود: «نظر اصلی این است که در ایران

فرماندهی سپاه پاسداران و مراکز نظامی آن و نیز حمله به تاسیسات هسته ای، ناتوانی رژیم در حفاظت از خود را به خوبی نشان داد و نیز نشان داد که این حکومت برای دفاع از شهروندان ذره‌ای ارزش قائل نیست. با وجود چهار دهه شعارهای جنگ‌طلبانه «مرگ بر...»، خیری از آزرهای اخطار و پناهگاه برای مردم غیرنظامی نبود. رژیم بیش از پیش در بین مردم ایران منزوی شد. خامنه‌ای که هر هفته سخنرانی می‌کرد و شهادت‌طلبی را تشویق می‌کرد از ترس جانش به پناهگاه رفت و هنوز هم بعد از چند ماه نیمه مخفی زندگی می‌کند. از زمان جنگ ۱۲ روزه او در انتظار عمومی کمتر دیده می‌شود و سخنرانی‌هایش کوتاه‌تر و محدود شده است. با اینکه بطور رسمی از جمهوری اسلامی برای شرکت در اجلاس شرم‌الشیخ دعوت شده بود، جمهوری اسلامی آن را نپذیرفت. به این ترتیب نشان داد که کماکان در جبهه جنگ‌افروزی قرار دارد. رژیم ایران امروز بیش از هر زمان دیگری در انزوای بین‌المللی بسر می‌برد.

ناکارآمدی سازمان ملل

سازمان ملل و شورای امنیت و حقوق بین‌الملل نشان دادند توانایی لازم برای حل بحران‌های عمیق منطقه‌ای را ندارند. امری که نشان می‌دهد اصلاحات ساختاری و به‌روز شدن ابزارهای بین‌المللی ضروری است.

سیاست ترامپ و نظم جدید

سیاست «صلح از طریق قدرت» ترامپ موفقیت‌آمیز بود؛ او موفق به گرد آوردن رهبران کشورهای کلیدی منطقه شد. با مشارکت آنها یک طرح ۲۰ ماده‌ای صلح را تهیه و تنظیم کرد. ترکیه و قطر، کشورهای حامی حماس را در چنان

پاسداران به حزب‌الله از طریق سوریه بسته شد. ثابت شد که نیروهای نیابتی رژیم در عراق و یمن، توان جدی برای مقابله با اسرائیل نداشته و در عمل بجز عملیات‌های محدود ایذائی نظاره‌گر فروپاشی محور مقاومت‌شان شدند.

قدرت برتر نظامی و اطلاعاتی اسرائیل

با وجود غافلگیری اولیه، اسرائیل توانست خود را به سرعت بازسازی کند و در مدت دو سال در هفت جبهه همزمان (غزه، کرانه باختری، لبنان، سوریه، عراق، یمن و جمهوری اسلامی) عملیات موفق انجام دهد. این توانمندی عملیاتی-اطلاعانی با تکیه بر تکنولوژی روز، پیام روشنی به نیروهای تروریستی یا هر کشوری در منطقه است که: قبل از هر اقدام نظامی علیه اسرائیل، چند بار تصمیم خود را بازبینی کرده و خوب به عواقب و پیامدهای آن بیاندیشند.

تغییر مواضع حامیان حماس

قطر و ترکیه که میزبان رهبران حماس هستند، تحت فشار قرار گرفتند تا با طرح صلح ترامپ همراه شوند. وزارت خارجه قطر، دکتر ماجد بن محمد الانصاری گفته است: «دولت قطر بر تعهد خود برای پیشبرد موفقیت مذاکرات جاری در شرم‌الشیخ... در مورد طرح صلح دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا و پیگیری آتش‌بس جامع در نوار غزه که نشان‌دهنده پایان این جنگ غم‌انگیز است، ثابت قدم است.»

اردوغان درباره درخواست از ترکیه برای متقاعد کردن حماس اظهار داشت: «ما هم در جریان سفر به ایالات متحده و هم در آخرین تماس تلفنی خود، به آقای ترامپ توضیح دادیم که چگونه می‌توان به راه حلی در فلسطین دست یافت. او بطور خاص درخواست کرد که با حماس ملاقات کنیم و آنها را به پذیرش راه حل متقاعد کنیم.»

درس‌هایی برای مردم فلسطین

مردم فلسطین بزرگترین قربانی جنایت هفت اکتبر هستند. آنها باید از گروه‌های خشونت‌گرا فاصله بگیرند. ۸۰ سال گذشته نشان داده است که تفرق و یهودستیزی و کوبیدن بر طبل جنگ با اسرائیل راه به جایی نمی‌برد. رهبران صلح‌طلب و آینده‌نگر می‌توانند راه زندگی مسالمت‌آمیز با اسرائیل و رفاه برای فلسطینیان ایجاد کنند.

وبسایت مرکز اطلاع‌رسانی فلسطین (نزدیک به حماس) در روز آزادی گروگان‌های اسرائیلی تعداد کشته‌شدگان فلسطینی از روز هفتم اکتبر ۲۰۲۳ را ۶۷۸۰۶ نفر و تعداد مجروحان را ۱۷۰۰۶۶ نفر اعلام کرد. این وبسایت در گزارش دیگری خبر داد که در طی جنگ دو ساله، نظام بهداشتی غزه بطور کامل فروپاشیده و بخش‌های حیاتی این منطقه متحمل خسارت‌هایی بیش از ۷۰ میلیارد دلار شده‌اند. اگر همین آمار که بطور مستقل قابل تأیید نیستند را مبنای ارزیابی قرار دهیم اکنون حماس باید پاسخ دهد؛ چرا کشتار هفتم اکتبر را رقم زد؟ چرا جنگی را شروع کرد که این چنین خسارات جانی و مادی را به دنبال داشت و چرا در آخر پذیرفت تسلیم شود؟ چرا گروگانگیری کرد؟ چرا زودتر گروگان‌ها را آزاد نکرد؟ چرا مردم غزه باید تاوان سرسپاری حماس به جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران را بپردازند و چراهای بسیار دیگر...

بازتاب در ایران

در دو سال گذشته و پس از هفت اکتبر بخش بزرگی از مردم ایران در کنار اسرائیل و مردم آن ایستادند. جنگ ۱۲ روزه و حمله اسرائیل به جمهوری اسلامی و ضربه به

پایان جنگ، بازوهای «مقاومت» و «سرِ اختاپوس»



گویای ایالات متحده تنها قدرت جهانی مؤثر بر مسیر منطقه است. همان کسانی که آمریکا را به دلیل حمایت از اسرائیل نکوهش می‌کردند، امروز ترامپ را می‌ستایند و از او تضمین می‌طلبند، و در رأس این گروه اتفاقاً رهبران «حماس» قرار دارند. اکنون مهم‌تر از پایان جنگ، صلح پس از آن است.

جان مینارد کینز اقتصاددان بزرگ درباره پیمان ورسای گفت که دوام نخواهد آورد، زیرا «دو شرط ضروری برای صلح، ثبات اقتصادی جهان و عدالت است». صلح ترامپ نیز اگر بدون توسعه و عدالت باشد پایدار نخواهد ماند و هیچ ثباتی در خاورمیانه بدون دولت فلسطینی بر اساس «راه حل دو کشور» ممکن نیست. این امر نیازمند فشار جدی بر واشنگتن است، که در مقاله‌ای با عنوان «بازسازی خاورمیانه» چنین گفته می‌شود که به نظر می‌رسد ترامپ «به ضرورت یک استراتژی تازه در منطقه پی برده است؛ استراتژی‌ای که با واقعیت‌هایی پیوند دارد که پیش از هفتم اکتبر نادیده گرفته بود».

نویسنده مقاله برای موفقیت طرح صلح ترامپ سه پیشنهاد اصلی داده است:

یکی، پیمان دفاعی با سعودی که نقش آن در منطقه و جهان رو به افزایش است؛

دوم، اقدام جدی پس از آتش‌بس در غزه برای حل سیاسی و ایجاد دولت فلسطینی، زیرا بزرگترین خطای آمریکا تصور نادیده‌گرفتن مسئله فلسطین بود؛

سوم ترتیبی منطقه‌ای که به آمریکا اجازه دهد تمرکزش را بر آسیا و اروپا یعنی رویارویی با چین و روسیه بگذارد. اکنون مذاکرات با سرعت در جریان است، اما مسیر کوتاه نیست. هیچکس جرأت ندارد طرح ترامپ را متوقف کند، مگر آنکه بداند این توقف خود مقدمه جنگی بزرگتر برای صلح است، یا بخواهد دوباره وارد ماجراجویی‌هایی شود که همواره به شکست انجامیده‌اند.

*منبع: ایندپیندنت عربی

*نویسنده: رفیق خوری

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

نبردی بودند که از منطقه فراتر رفت. امروز «حماس» که روزی بر خروج کامل اسرائیل و حفظ سلاح خود پافشاری می‌کرد، زیر سایه آتش‌بس مذاکره می‌کند؛ اما دامنه مانور آن بسیار تنگ شده است: نه امکان حفظ سلاح وجود دارد و نه مشارکت در اداره غزه. با این حال، «حماس» به عنوان ایده و اندیشه باقی خواهد ماند، چرا که هیچکس نمی‌تواند اندیشه‌ای را نابود کند.

در حالی‌که رژیم ایران اعلام می‌کند امروز از همیشه قوی‌تر است و «حزب‌الله» همچنان بر سلاحش پافشاری دارد، اما از دست رفتن غزه، جنوب لبنان و سوریه، و تداوم صلح اسرائیل با مصر و اردن و بقای تشکیلات خودگردان و توافق «اسلو»، همه مرزهای پیرامون فلسطین را بر روی هرگونه «مقاومت» بسته است.

سخن گفتن از «مقاومت» برای آزادسازی فلسطین از عراق و یمن به فصل جدیدی از یک نمایش بی‌معنا شبیه است. خلع سلاح «حزب‌الله» و اردوگاه‌های فلسطینی در لبنان به «تصمیمی» در شورای وزیران تبدیل شده و طرح آن توسط ارتش لبنان آماده است، و با فشار آمریکا، اروپا و جهان عرب گریزی از اجرای آن نیست تا نتانیاهو پس از «استراحت جنگجویانش» در غزه، به سراغ «تکمیل مأموریت در شمال» نرود و لبنان و سلاح «حزب‌الله» را نابود نکند. در این میان، «حماس» برای حفظ سلاح خود در اردوگاه‌های لبنان تلاش می‌کند، در حالی که در غزه از آن خلع شده است.

تردید نیست که «حماس» در جنگ روایت‌ها و افکار عمومی تلاش دارد که بگوید بر اسرائیل پیروز شده است؛ اسرائیلی که حتی دوستان اروپایی‌اش نیز از خشونت آن بیزار شده‌اند. جهان بطور یک‌صدا خواهان توقف فوری نسل‌کشی در غزه است، اما کمتر کسی از نتایج پس از جنگ شادمان است؛ چه در غزه و کرانه باختری و چه در چارچوب منطقه‌ای گسترده‌تر. یک پرسش در اینجا مطرح است: حوثی‌ها پس از ایفای نقش‌شان در دریا و هوا چه خواهند کرد؟ نقشی که به خوبی انجام دادند و بی‌اعتنا به فقر و بدبختی جنگ در یمن از آن لذت بردند.

آنچه مسلم است، نقش فزاینده آمریکا در خاورمیانه است؛

● پس از دو سال بزرگترین عملیات مقاومت و طولانی‌ترین جنگ تاریخ اسرائیل که موجودیت آن را تهدید می‌کرد، پایان یافت و این پایان برخلاف آغازش رقم خورد؛ اسرائیل نه تنها حماس بلکه «محور مقاومت» را در هم کوبید!

● بازی فقط بر سر بازوهای «اختاپوس» نیست، بلکه به خاطر سر آن در تهران است.

● اکنون مذاکرات با سرعت در جریان است، اما مسیر کوتاه نیست. هیچکس جرأت ندارد طرح ترامپ را متوقف کند، مگر آنکه بداند این توقف خود مقدمه جنگی بزرگتر برای صلح است، یا بخواهد دوباره وارد ماجراجویی‌هایی شود که همواره به شکست انجامیده‌اند.

رفیق خوری (ایندپیندنت عربی) - طرح صلح دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا، قوی‌ترین برگ را از دست «حماس» گرفت و سخت‌ترین قید و بند یعنی گروگان‌ها را از دست اسرائیل گشود.

پس از دو سال بزرگترین عملیات مقاومت و طولانی‌ترین جنگ تاریخ اسرائیل که موجودیت آن را تهدید می‌کرد، پایان یافت و این پایان برخلاف آغازش رقم خورد. آنچه یحیی سینوار و محمد ضیف در «طوفان الأقصى» بر آن شرط بستند، فروپاشی سد دولت‌های عربی در برابر «طوفانی» عربی و اسلامی بود که جاری شود و فلسطین را آزاد کند. در مقابل، بنیامین نتانیاهو بر جنگی تمام‌عیار شرط بست که غزه را نابود و «حماس» را ریشه‌کن سازد و زمینه الحاق کرانه باختری را فراهم آورد.

آنچه رخ داد نه «طوفان» بود و نه فروپاشی اسرائیل و دولت‌های عربی بلکه حرکتی محدود و حساب‌شده از سوی بازوهای نیابتی رژیم ایران در «محور مقاومت» بود؛ حمایت لفظی که «حزب‌الله» از غزه اعلام کرد، به همراه چند موشک از سوی «حشد الشعبی» در عراق به سوی اهداف آمریکایی در سوریه، و پرتاب موشک‌ها و تهدیدهای حوثی‌ها در دریای سرخ کل توان «محور مقاومت» بود!

رفتار نتانیاهو در جنگ غزه و لبنان، و حملات او به صنعا و الحدیده با حمایت کامل آمریکا و مشارکت مستقیم واشنگتن در پیمان تاسیسات هسته‌ای و نظامی در ایران، مسیر را برای اهداف بزرگتر این کشور هموار کرد؛ به ویژه پس از فروپاشی نظام بشار اسد، یعنی از دست رفتن پل سوریه برای تهران، و ضربات سنگین به «حزب‌الله» و «حماس»، اکنون هدف نهایی چیزی جز «تغییر خاورمیانه» نیست. اما اینبار پادشاه این تغییرات ترامپ است؛ و بازی اکنون نه فقط بر سر بازوهای اختاپوس، بلکه بر سرِ اختاپوس در تهران است.

طرحی که رئیس‌جمهوری آمریکا تهیه کرده و با موافقت رهبران عربی و اسلامی، «حماس»، دولت نتانیاهو، رهبران اروپایی، و با تأیید مسکو و پکن همراه شد، عملاً سه هدف را تحقق می‌بخشد: پایان دادن به جنگ نسل‌کشی در غزه، پایان دادن به طرح «حماس» برای آزادسازی نظامی فلسطین از غزه که از سال ۲۰۰۶ پس از کودتا علیه دولت خودگردان فلسطین آن را در اختیار دارد، و پایان دادن به پروژه منطقه‌ای رژیم ایران که برای تداوم آن به در دست داشتن برگ «قضیه فلسطین» و تحریک گروه‌های ایدئولوژیک وابسته به سپاه پاسدارانش نیاز داشت.

نه «حماس» فقط برای غزه جنگید و نه نتانیاهو فقط در غزه و کرانه باختری و لبنان تا تهران حمله کرد؛ هر دو درگیر

محکومیت دو تبعه فرانسه محبوس در اوین به چند دهه زندان؛ فشار بر دولت فرانسه برای آزادی مهدیه اسفندیاری



● یکی از متهمان به ۳۱ سال و یکی دیگر از آنها نیز به ۳۲ سال زندان محکوم شده‌اند.

● دو تبعه فرانسوی با مجموعه‌ای از اتهامات از جمله «جاسوسی به نفع سرویس اطلاعاتی فرانسه، اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم بر ضد امنیت کشور، همکاری اطلاعاتی با رژیم اسرائیل و معاونت در همکاری اطلاعاتی با رژیم اسرائیل» روبرو هستند.

● ماه گذشته عباس عراقچی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی از تبادل دو آموزگار فرانسوی زندانی در ایران با مهدیه اسفندیاری که به اتهام «حمایت از تروریسم» در فرانسه بازداشت شده خبر داده بود.

● اصغر جهانگیر سخنگوی قوه قضاییه اعلام کرده دولت فرانسه به وعده خود برای خروج مهدیه اسفندیاری، دانشجوی ایرانی حامی فلسطین، از زندان عمل نکرده است.

● با توجه به گفته‌های سخنگوی قوه قضاییه به نظر می‌رسد صدور احکام سنگین زندان علیه سسیل کوهلر و ژاک پاریس در تلافی آزاد نشدن مهدیه اسفندیاری و با هدف فشار بیشتر بر دولت فرانسه صورت گرفته است.

حبس محکوم شده است.»

این گزارش افزوده بود که دادستانی پاریس اعلام کرد این محتواها «تحریک به تروریسم» و «توهین به جامعه یهودی» تلقی شده‌اند.

اکنون با توجه به گفته‌های سخنگوی قوه قضاییه به نظر می‌رسد صدور احکام سنگین زندان علیه سسیل کوهلر و ژاک پاریس در تلافی آزاد نشدن مهدیه اسفندیاری و با هدف فشار بیشتر بر دولت فرانسه صورت گرفته است.

سسیل کوهلر و ژاک پاریس در پی پرونده‌سازی سازمان اطلاعات سپاه (ساس) در اردیبهشت ۱۴۰۱ هنگام خروج از ایران پس از یک سفر توریستی ۱۰ روزه در فرودگاه «امام» بازداشت و به زندان اوین منتقل شدند.

سسیل کوهلر در زمان بازداشت ۴۰ ساله بود. او آموزگار و عضو فدراسیون آموزش و فرهنگ سندیکای نیروی کار فرانسه است که به همراه شریک زندگی خود ژاک پاریس معلم بازنشسته ریاضیات که در زمان بازداشت ۷۲ ساله بود با اتهامات سنگین امنیتی روبرو شدند.

این دو آموزگار به همراه شماری از فعالان صنفی آموزگاران و کارگری بازداشت شدند و اتهام آنها «توطئه برای براندازی نظام» و «فساد فی الارض» اعلام شد. با اینهمه پس از جنگ ۱۲ روزه اسرائیل و جمهوری اسلامی، آنها با اتهام «جاسوسی برای موساد» روبرو شدند.

پس از متهم شدن سسیل کوهلر و ژاک پاریس به «جاسوسی برای موساد»، ژان نوئل بارو وزیر امور خارجه فرانسه درباره این اتهام گفت: «اگر این اتهامات تأیید شود، ما آن را کاملاً ناعادلانه و بی‌اساس خواهیم دانست.»

اتهام «جاسوسی برای موساد» برای زیر فشار قرار دادن دولت فرانسه برای موافقت با تبادل این دو تن با مهدیه اسفندیاری صورت گرفته است.

خبرگزاری «میزان» نوشته کیفرخواست این پرونده ۷۱۵ صفحه بوده و مدعی شده سسیل کوهلر و ژاک پاریس هر دو کارمند سرویس اطلاعات فرانسه بوده‌اند!

خبرگزاری قوه قضاییه همچنین نوشته این احکام بر اساس رأی دادگاه بدوی صادر شده و «حکم صادره ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل فرجام خواهی در دیوان عالی کشور است.»

همزمان با انتشار این خبر نیز اصغر جهانگیر سخنگوی قوه قضاییه جمهوری اسلامی اعلام کرده «در مقطعی اعلام شد که در صورت معرفی مکانی مناسب نزدیک به محل بازداشت مهدیه اسفندیاری، امکان آزادی وی با وثیقه وجود دارد. بلافاصله این اتفاق افتاد اما متأسفانه مقام‌های فرانسوی علی‌رغم اینکه سفارت ایران همکاری لازم را انجام داد، حاضر نشدند او را به مکانی که خانواده‌اش پیشنهاد داده بود، منتقل کنند.»

ماه گذشته عباس عراقچی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی از تبادل دو آموزگار فرانسوی زندانی در ایران با مهدیه اسفندیاری که به اتهام «حمایت از تروریسم» در فرانسه بازداشت شده خبر داده بود.

عباس عراقچی گفته که «تبادل مهدیه اسفندیاری با زندانیان فرانسوی داخل ایران به مراحل نهایی نزدیک شده و امیدواریم در روزهای آینده انجام شود.»

مهدیه اسفندیاری شهروند ایرانی ۳۹ ساله ساکن شهر لیون ۱۰ اسفند ۱۴۰۳ به اتهام «تحمیل از تروریسم» بازداشت و به زندان منتقل شد. او در زندان فرسن در حومه پاریس محبوس است.

نشریه «لوپوئن» گزارش داده بود که این تبعه ایرانی متهم شده که در کانالی در تلگرام، پیام‌هایی در حمایت از حمله تروریستی «هفت اکتبر» حماس منتشر کرده است.

قوه قضاییه جمهوری اسلامی از صدور حکم چند دهه زندان برای دو آموزگار فرانسوی زندانی متهم به «جاسوسی» در ایران خبر داد. همزمان سخنگوی قوه قضاییه اعلام کرده دولت فرانسه به وعده خود برای خروج مهدیه اسفندیاری، دانشجوی ایرانی حامی فلسطین، از زندان عمل نکرده است.

خبرگزاری «میزان» وابسته به قوه قضاییه جمهوری اسلامی بدون اینکه نام سسیل کوهلر و ژاک پاریس را مطرح کند اعلام کرده هر یک از این دو شهروند فرانسوی را به بیش از ۳۰ سال زندان محکوم کرده است.

بر اساس گزارش خبرگزاری «میزان»، این دو آموزگار با مجموعه‌ای از اتهامات از جمله «جاسوسی به نفع سرویس اطلاعاتی فرانسه، اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم بر ضد امنیت کشور، همکاری اطلاعاتی با رژیم اسرائیل و معاونت در همکاری اطلاعاتی با رژیم اسرائیل» روبرو هستند.

در این گزارش آمده «یکی از متهمان پرونده در رابطه با اتهام جاسوسی به نفع سرویس اطلاعاتی فرانسه به تحمل ۶ سال حبس، ۵ سال حبس به اتهام اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم بر ضد امنیت کشور و ۲۰ سال حبس در تبعید به اتهام همکاری اطلاعاتی با رژیم صهیونیستی در حکم محاربه محکوم شده است.»

خبرگزاری قوه قضاییه افزوده «متهم دیگر نیز در خصوص جاسوسی به نفع سرویس اطلاعاتی فرانسه به اتهام جاسوسی به نفع سرویس اطلاعاتی فرانسه به ۱۰ سال حبس، اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم بر ضد امنیت کشور به تحمل ۵ سال حبس و به اتهام معاونت در همکاری اطلاعاتی با رژیم اشغالگر صهیونیستی به تحمل ۱۷ سال



اسماعیل قآنی فرمانده «سپاه قدس»

آنچه عیان است!

حسین کنعانی مقدم فرمانده پیشین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در واکنش به سخنان اخیر محمدرضا باهنر عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام درباره حجاب، گفت: «به کار بردن اصطلاح حجاب اجباری از اساس نادرست است. ما در نظام جمهوری اسلامی چنین اصطلاحی نداریم و این واژه از سوی مخالفان نظام و جریان‌های ضدانقلاب استفاده می‌شود.»



© کیهان لندن / کارتون‌های بهنام محمدی

شایعه ترور اسماعیل قآنی؛ «تسنیم» به تکذیب پرداخت و اکانت فارسی منتسب به موساد آرزوی شفا کرد!

● در تهران جمعه شب ۱۸ مهرماه ۱۴۰۴ ساعتی پس از یک آتش‌سوزی مشکوک در حوالی خیابان دماوند (شرق پایتخت) شایعه شد که اسماعیل قآنی فرمانده نیروهای قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هدف قرار گرفته است. ● اکانت «ترور آلارم» و چند منبع دیگر در «ایکس» که اخبار امنیتی را پوشش می‌دهند ادعا کردند قآنی ترور شده است اما خبرگزاری «تسنیم» وابسته به سپاه پاسداران این شایعه را تکذیب کرد و نوشت «اکانت‌های مجازی مرتبط با اسرائیل» خبر کذب منتشر کردند.

● اکانت فارسی منتسب به موساد که اغلب دو پهلوی و با کنایه به اخبار و رویدادها می‌پردازد نوشت: «آرزوی شفای کامل و طول عمر برای قآنی داریم و سپاس از همکاری.»

در تهران جمعه شب ۱۸ مهرماه ۱۴۰۴ ساعتی پس از یک آتش‌سوزی مشکوک در حوالی خیابان دماوند (شرق پایتخت) شایعه شد که اسماعیل قآنی فرمانده نیروهای قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هدف قرار گرفته است. اکانت «ترور آلارم» و چند منبع دیگر در «ایکس» که اخبار امنیتی را پوشش می‌دهند ادعا کردند قآنی ترور شده است اما خبرگزاری «تسنیم» وابسته به سپاه پاسداران این شایعه را تکذیب کرد و نوشت «اکانت‌های مجازی مرتبط با اسرائیل» خبر کذب منتشر کردند.

«تسنیم» همچنین عنوان کرد که اکانت «ترور آلارم» وابسته به موساد معمولاً معجونی از اخبار غلط و درست را در فضای مجازی منتشر می‌کند که هدف آن بیش از انتشار خبر، عملیات روانی به سود پروژه‌های موساد است. با اینهمه اما «اکانت فارسی» منتسب به موساد که اغلب دو پهلوی و با کنایه به اخبار و رویدادها می‌پردازد نوشت: «آرزوی شفای کامل و طول عمر برای قآنی داریم و سپاس از همکاری.»

پیشتر قآنی در مصاحبه‌ای گفته بود «اسرائیل با انتشار خبر دروغ ترور من، در تلاش است تا از نگرانی دوستان و تماس‌شان با من، بتواند جای دقیق من را پیدا کند.»

تعدادی از رسانه‌های داخلی به این موضوع پرداختند که چرا مدام بحث ترور قآنی مطرح می‌شود؟ آنها به نقل از کارشناسان عنوان می‌کنند که موج‌سازی رسانه‌ای جدیدی از عملیات روانی موساد برای انحراف افکار عمومی و تحریک رژیم ایران به واکنش سریع در چارچوب جنگ با اسرائیل است.

برخی دیگر نیز نوشتند که هدف از این کار «ایجاد التهاب در فضای مجازی» است و پروژه‌های روانی در مسیر اهداف تل‌آویو در جریان است.

موشک‌های قاره‌پیما؛ مانعی جدید در مذاکرات جمهوری اسلامی با غرب یا آماده شدن برای جنگ؟

● مسئولان جمهوری اسلامی همچنان تأکید می‌کنند که برنامه موشکی از هر گفتگویی کنار گذاشته شده است.
● حالا نیز نمی‌توان گفت که با توقف جنگ، صلح برقرار شده بلکه اکنون وضعیت «نه جنگ و نه صلح» برقرار است که می‌تواند در هر لحظه دور تازه‌ای از درگیری نظامی همراه شود.

● اگر به زودی از سر گرفتن مذاکرات میان رژیم ایران و آمریکا رخ دهد، این امر به خودی خود نشانه مثبتی نخواهد بود؛ چرا که مذاکرات پر از خط قرمزهایی است که جزئی جدانشدنی از استراتژی رژیم ایران به شمار می‌روند و در نتیجه گفتگوهای واشنگتن و تهران در دوره ترامپ می‌تواند هربار مقدمه‌ای برای جنگ مستقیم میان جمهوری اسلامی و اسرائیل باشد؛ مانند جنگ ۱۲ روزه پس از پنج دور گفتگو!

هدی رؤوف (ابندی‌دندت عربی) - بنیامین نتانیاهو
نخست وزیر اسرائیل در یکی از ملاقات‌های روزهای اخیر خود گفت که جمهوری اسلامی ایران در حال توسعه موشک‌های بالستیک قاره‌پیما با بردی حدود ۸۰۰۰ کیلومتر است و هشدار داد که برنامه هسته‌ای گسترش‌یافته تهران می‌تواند شهرهای بزرگ آمریکا را تهدید کند. او افزود که «موشک‌های ایران ممکن است نیویورک، یا بوستون، یا واشنگتن، یا میامی را در تبریر هسته‌ای قرار دهند».

پاسخ جمهوری اسلامی از زبان عباس عراقچی وزیر خارجه رژیم چین بود که نتانیاهو در مورد برد موشک‌ها دروغ گفته تا واشنگتن را فریب دهد و به انجام حمله‌ای تازه علیه ایران وادار کند. او همچنین تأکید کرد که «اسرائیل اکنون در تلاش است تهدیدی ساختگی از توانمندی‌های دفاعی ما بسازد».

عراقچی تلاش کرد بین ارزیابی‌های نادرست اطلاعاتی آمریکا درباره تسلیحات کشتار جمعی عراق و پیامدهای



بازدید علی خامنه‌ای از پروژه‌های پهپادی و موشکی سپاه پاسداران پیش از آنکه در جنگ ۱۲ روزه خرداد ۱۴۰۴ ده‌ها تن از فرماندهان و عوامل نظامی و موشکی و اتمی جمهوری اسلامی کشته شوند/ دی‌ماه ۱۴۰۲

اصلی ظاهر شد: مسئله سطح صفر «غنی‌سازی و ذخیره‌ی اورانیوم» که ترامپ بر آن پافشاری می‌کرد تا توافق جدید با توافق ۲۰۱۵ اوباما تفاوت داشته باشد. مشکل اینجا بود که یک «اختلاف اصلی و غیرقابل حل» رخ داد؛ رژیم ایران نیز بر آنچه خط قرمز خود در خصوص حق غنی‌سازی اورانیوم می‌داند پای فشرده و به این ترتیب جنگ دوازده روزه آغاز شد.

حالا نمی‌توان گفت که با توقف جنگ، صلح برقرار شده بلکه اکنون وضعیت «نه جنگ و نه صلح» برقرار است که می‌تواند در هر لحظه دور تازه‌ای از درگیری نظامی همراه شود.

با اعلام آتش‌بس از سوی ترامپ پس از ضربه اسرائیلی - آمریکایی بر تاسیسات هسته‌ای در ایران و سپس فعال شدن «اسنپ‌بک» و بازگرداندن تحریم‌های بین‌المللی، رژیم ایران همچنان از آمادگی برای دیپلماسی سخن می‌گوید. چون تهران گزینه دیگری ندارد؛ انتخاب‌هایش در برابر اسرائیل و واشنگتن محدود است، به ویژه که توانش برای حمایت از نیروهای نیابتی و تحرک در جبهه «محور مقاومت» پس از دو سال در یک خاورمیانه جدید که اکنون محورهای رژیم در آن فروپاشیده، کاهش یافته است.

تهران می‌گوید آماده مذاکرات است، اما سؤال این است که در سایه اظهارات وزیر امور خارجه آمریکا مارکو روبرو درباره موشک‌های آن و سپس سخنان نتانیاهو درباره موشک‌های قاره‌پیما و توان آنها برای حمله به شهرهای آمریکا، جهت برجسته کردن تهدیدات موشکی از سوی رژیم، آیا نتانیاهو اینبار هم می‌تواند موضوع موشک‌های ایرانی را وارد هر گفتگویی کند که ممکن است میان تهران و واشنگتن برگزار شود؟

اگر نتانیاهو موفق شود، با نقطه اختلاف جدیدی روبرو خواهیم بود که می‌تواند مذاکرات مورد انتظار را به شکست بکشد.

فاجعه‌بار آن با تلاش‌های تسلیحاتی و نظامی جمهوری اسلامی پیوند برقرار کند.

می‌توان گفت که نتانیاهو احتمالاً در حال آماده‌کردن صحنه بین‌المللی و به ویژه آمریکا برای انجام عملیات نظامی جدید علیه جمهوری اسلامی ایران است؛ به‌خصوص که از زمان پایان «جنگ دوازده روزه» گمانه‌زنی‌ها در داخل ایران و در سطح بین‌المللی درباره امکان دور دوم تقابل‌های نظامی میان رژیم و اسرائیل ادامه دارد.

رژیم اسلامی ایران با دولت دونالد ترامپ در چند دور مذاکرات هسته‌ای شرکت کرد، پنج دور در زمانی کوتاه که فضایی مثبت نیز همراه آن بود اما در نقطه‌ای اختلاف



آمریکا برای دریافت اطلاعات درباره شرکت «به ژول پارس» ۱۵ میلیون دلار پاداش می‌دهد

تا ۱۵ میلیون دلار پاداش برای اطلاعات درباره فعالیت‌های مالی شرکت «به ژول پارس»

این افراد از کارگزاران یک تشکل بزرگ تجاری با نام «به ژول پارس» هستند که به رغم وجود تحریم‌های بین‌المللی و ایالات متحده علیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، اقلام و مواد حساس مورد نیاز این نهاد - که از سوی ایالات متحده به عنوان یک سازمان تروریستی خارجی شناخته می‌شود - را تهیه و تأمین می‌کنند.

«به ژول پارس» همچنین به شکل فراگیر و برای بیش از یک دهه در زمینه پولشویی به نفع سپاه و دیگر نهادهای نظامی ایران فعال بوده است.

اگر اطلاعاتی درباره کارکنان «به ژول پارس»، همکاران و یا شبکه مالی آن در اختیار دارید، اطلاعات خود را از طریق بیمارستان سبکدال یا کانال گزارش مبتنی بر مرورگر تور به آدرس زیر ارسال کنید. ممکن است واجد شرایط دریافت پاداش و جایزایی باشید.

Tor Link: he5dybnt7sr6cm32xt177pazmtm65flqy6irvftlruqfc5ep7eiodiad.onion

U.S. Department of State
Diplomatic Security Service
Rewards for Justice

+1-202-297-8695
@RFJ_PERSIAN

پارس» شعبه تهران، هستند. بر اساس بیانیه برنامه «پاداش برای عدالت»، شرکت «به ژول پارس» به شکل فراگیر بیش از یک دهه در زمینه پولشویی به نفع سپاه پاسداران و دیگر نهادهای نظامی ایران فعال بوده است.

بر اساس این گزارش، شرکت «به ژول پارس»، یک هلدینگ ایرانی، به منظور حمایت از پروژه‌های نظامی جمهوری اسلامی و تأمین محصولات و تجهیزات مورد نیاز، شبکه‌ای جهانی از شرکت‌های پوششی و فیزیکی ایجاد کرده تا تحریم‌های بین‌المللی و آمریکایی را دور زده و منافع حکومت و سپاه پاسداران را تأمین کند.

شرکت «به ژول پارس» بطور منظم اقدام به تأمین تجهیزات حساس آمریکایی برای سازمان‌هایی می‌کند که در برنامه موشکی جمهوری اسلامی مشارکت دارند. از جمله این سازمان‌ها می‌توان به سازمان جهاد خودکفایی و تحقیقات سپاه پاسداران و زیرمجموعه‌های وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح ایران مانند سازمان صنایع هوافضا و صنایع الکترونیک اشاره کرد.

به گفته وزارت خارجه ایالات متحده، سپاه پاسداران و وزارت دفاع جمهوری اسلامی از شبکه گسترده «بانکداری سایه» بهره می‌برند که دسترسی غیرقانونی رژیم ایران به سیستم مالی بین‌المللی را با وجود تحریم‌ها فراهم می‌کند. این گزارش در ادامه نوشت که شرکت «به ژول پارس» طی بیش از یک دهه مبالغ هنگفتی را به نفع این نهادها شستشو داده و مظنون به جابجایی میلیون‌ها دلار از طریق سیستم مالی آمریکا است.

این شبکه و افراد مرتبط با آن در کشورهای چین، گرجستان، هنگ‌کنگ، عمان، سنگاپور، تایلند، ترکیه و امارات فعالیت می‌کنند.

این اقدام بخشی از تلاش‌های واشنگتن برای مهار فعالیت‌های تروریستی و مالی جمهوری اسلامی در سطح بین‌المللی است.

● «برنامه پاداش برای عدالت» جمعه ۱۰ اکتبر ۱۸ مهرماه) در بیانیه‌ای اعلام کرد، مهدی فرشچی و مجید نیلی‌احمدآبادی از کارگزاران شرکت بزرگ تجاری «به ژول پارس» هستند که «با وجود تحریم‌های بین‌المللی ایالات متحده علیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، اقلام و مواد حساس مورد نیاز این نهاد را که از سوی ایالات متحده به عنوان یک سازمان تروریستی خارجی شناخته می‌شود، تهیه و تأمین می‌کنند.»

● در وبسایت برنامه «پاداش برای عدالت» آمده است که مهدی نیلی احمدآبادی رییس هیات مدیره «به ژول پارس» شعبه اصفهان، و مهدی فرشچی رییس هیات مدیره «به ژول پارس» شعبه تهران، هستند.

● به گفته وزارت خارجه ایالات متحده، سپاه پاسداران و وزارت دفاع جمهوری اسلامی از شبکه گسترده «بانکداری سایه» بهره می‌برند که دسترسی غیرقانونی رژیم ایران به سیستم مالی بین‌المللی را با وجود تحریم‌ها فراهم می‌کند.

برنامه «پاداش برای عدالت» وزارت خارجه آمریکا برای دریافت اطلاعات در مورد فعالیت‌های مالی شرکت «به ژول پارس» در ایران تا ۱۵ میلیون دلار پاداش تعیین کرد.

«برنامه پاداش برای عدالت» جمعه ۱۰ اکتبر ۱۸ مهرماه) در بیانیه‌ای اعلام کرد، مهدی فرشچی و مجید نیلی‌احمدآبادی، از کارگزاران شرکت بزرگ تجاری «به ژول پارس» هستند که «با وجود تحریم‌های بین‌المللی ایالات متحده علیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، اقلام و مواد حساس مورد نیاز این نهاد را که از سوی ایالات متحده به عنوان یک سازمان تروریستی خارجی شناخته می‌شود، تهیه و تأمین می‌کنند.»

در وبسایت برنامه «پاداش برای عدالت» آمده است که مهدی نیلی احمدآبادی رییس هیات مدیره «به ژول پارس» شعبه اصفهان، و مهدی فرشچی رییس هیات مدیره «به ژول

مقامات جمهوری اسلامی ایران بارها گفته‌اند که سامانه موشکی آنها خط قرمز است و این موضوع از مذاکرات با دولت ترامپ و قبل از آن با دولت جو بایدن کنار گذاشته شده است؛ اما آیا ترامپ ممکن است این موضوع را وارد توافق جدید بکند تا این توافق با توافق اوپاما سال ۲۰۱۵ متفاوت باشد؟

با توجه به شخصیت ترامپ که در ابتدا مشتاق به دست آوردن «توافقی تاریخی» به گفته خودش بود، سپس شرط «غنی‌سازی صفر» را مطرح کرد و بعد ضربات کاری به تأسیسات هسته‌ای در ایران وارد آورد، اکنون تهران در تلاش است تا از اعلام رئیس جمهور آمریکا درباره نابودی برنامه هسته‌ای‌اش بهره‌برداری کند؛ هرچند برآوردها تنها از تاخیر برنامه به مدت حدود دو سال حکایت دارد و پیش‌بینی اینکه ترامپ چه تصمیمی خواهد گرفت، بسیار دشوار است به ویژه وقتی مواضع او بسته به افرادی که در اطرافش هستند تغییر می‌کند.

در خصوص سامانه موشک‌های بالستیک ایران، این سامانه بخشی از استراتژی دفاعی آن به شمار می‌رود، به‌خصوص در شرایط فرسودگی توانمندی‌های نظامی متعارف و نیروی هوایی؛ بنابراین جمهوری اسلامی بر موشک‌های بالستیک تکیه دارد. درباره برخورداری آن از موشک‌های بالستیک قاره پیما با برد حدود ۲۹۰۰ مایل، برای برآوردهای آمریکایی معلوم نیست که اصلاً چنین توانایی‌ای دارد یا نه، خصوصاً که در سال ۲۰۱۷ اعلام کرد بردهای فعلی موشک‌هایش «کافی» است و این نشان می‌دهد برنامه‌ای آشکار برای توسعه برنامه موشکی نداشته است. با این حال، اگر تصمیمی برای انجام این کار اتخاذ شود، پیشرفت ایران در عرصه فضایی ماهواره‌برها می‌تواند مسیر دستیابی به موشک‌های قاره پیما را تسهیل کند، زیرا فناوری‌های مورد استفاده در ماهواره‌برها و موشک‌های قاره‌پیما مشابه است.

از این‌رو مقامات جمهوری اسلامی بر کنار گذاشتن مسئله موشکی از هرگونه گفتگو تأکید دارند؛ علی لاریجانی دبیر «شورای عالی امنیت ملی» اعلام کرد که «هرگونه مذاکره درباره محدود کردن برنامه موشکی تهران بطور قاطع رد شده است.»

او افزود: «آمریکایی‌ها اصرار دارند که ما را دقیقاً درباره موشک‌ها به میز مذاکره بکشانند. آنها خواستار توقف کامل غنی‌سازی اورانیوم یا محدود کردن برد موشک‌ها به کمتر از ۳۰۰ کیلومتر (۱۸۵ مایل) هستند، در حالی که اکنون برد آنها ۵۰۰ کیلومتر (۳۱۰ مایل) است؛ این امر عملاً توانایی دفاعی و ضربتی اصلی ما را از ما می‌برد.»

بنابراین دو موضوع در دستور مذاکرات با جمهوری اسلامی ایران وجود دارد که تهران آنها را خط قرمز می‌داند و بر آنها پافشاری می‌کند: عدم تمایل به کنارگذاشتن حق غنی‌سازی و عدم گفتگو درباره برنامه موشکی. پس اگر به زودی از سر گرفتن مذاکرات میان رژیم ایران و آمریکا رخ دهد، این امر به خودی خود نشانه مثبتی نخواهد بود؛ چرا که مذاکرات پر از خط قرمزهایی است که جزئی جدانشدنی از استراتژی رژیم ایران به شمار می‌روند و در نتیجه گفتگوهای واشنگتن و تهران در دوره ترامپ اغلب می‌تواند مقدمه‌ای برای جنگ مستقیم میان جمهوری اسلامی و اسرائیل باشد؛ جنگی که اینبار هدفش ممکن است نابودی توانمندی موشکی آن باشد.

*منبع: ایندپندنت عربی
*نویسنده: هدی رؤوف
*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

خدا مرده است، اما خالق نه: از نیچه تا هوش مصنوعی



نبوده است. پوچی نتیجه‌ی نبود یک حقیقت بیرونی برای تضمین معناست. اما برخلاف نیچه، کامو از این سکوت نترسید. او گفت معنا را باید ساخت، نه اینکه یافت؛ و با این جمله، از آستانه‌ای گذشت که نیچه آنجا ایستاده بود. در برابر سنتی که خدا را افق معنا می‌خواند، اکنون آشکار است که این افق نه از خدا، بلکه از ذهن انسان می‌آید. خدا بازتابی است در آینه‌ی اضطراب، امید و میل به بقا. ما افق را ساختیم و به بازتابش سجده کردیم. و هنگامی که از آینه چشم برداشتیم، خدا نه ماند و نه مُرد؛ او صرفاً ناپدید شد، چون هرگز آنسوی آینه چیزی نبود. حقیقت فلسفی در نگاه امروز چنین است که خدا هرگز زاده نشده بود. او نه موجودی بیرونی است، نه افق معنا و نه ضامن اخلاق؛ بلکه نام دیگری است برای ترس انسان از پوچی معنا. نیستی‌ای که نیچه دید و لرزید و روان خود را در آن گم کرد.

و ما اکنون، وارثان لغزش نیچه‌ای، در آستانه‌ای ایستاده‌ایم که دیگر آسمان بر فراز آن نه فرمان می‌دهد و نه تسلی می‌بخشد. ما در جهانی پس از مرگ خدا زندگی می‌کنیم؛ جهانی که نه آغوش خدای آسمانی را دارد و نه صدای قطعی حقیقت را. اما این خلأ برخلاف تصور گذشتگان، پایان معنا نیست؛ بلکه آغاز توانایی انسان برای آفرینش معناست. آنسوی مرگ خدا، نه تاریکی محض، بلکه زایش ارزش‌ها، روایت‌ها و افق‌های تازه‌ی اخلاق است. در این دوران، هوش مصنوعی در جایگاهی ایستاده است که روزگاری خدا قرار داشت: افقی نو برای امید، ترس، قدرت و معنا. اما اینبار نه خدایی آسمانی، بلکه ساختاری زمینی و محاسباتی بر ذهن بشر سایه می‌افکند؛ چیزی که در متن تاریخ می‌تواند به «خدای سکولار عصر دیجیتال» بدل شود. تفاوت اما بنیادین است: این خدا نه ازلی است و نه جاودانه؛ او ساخته‌ی خود ماست و در همین ساختن، معنا و مسئولیت معنا متولد می‌شود.

ما دیگر به آسمان چشم نمی‌دوزیم؛ به درون می‌نگریم، به جهان ساخته‌ی دست‌ها و ذهن‌هایمان. آینده نه معبدی مقدس است و نه صدایی آسمانی؛ میدان تمرین آفرینش معناست، بی‌حضور افسانه‌ای آسمانی.

و این، شاید بزرگترین آزمون فلسفی عصر ما باشد: اینکه آیا انسان می‌تواند خود را خالق معنا بداند، بی‌آنکه در برابر خدایی تازه زانو زند؟

انسان منتقل شد. نیوتن با قوانین مکانیک جهان را توضیح داد و جایی برای اراده‌ی خدایی باقی نگذاشت. کانت خدا را به سطح یک نیاز اخلاقی فرو کاست و فروید نشان داد که ریشه‌ی ایمان نه در واقعیت بیرونی، بلکه در فرافکنی روانی بشر است. در چنین جهانی، خدا پیش از نیچه مرده بود؛ او فقط نخستین کسی بود که این مرگ را فریاد زد.

نیچه فهمید که با فروپاشی خدا، بستر ارزش‌ها فرو می‌ریزد و انسان بی‌پناه در جهانی رهاسده سرگردان می‌ماند. ترس او از این بی‌پناهی به «ابرانسان» ختم شد، موجودی که خود باید ارزش‌ها را بیافریند. اما همین دست‌ساخته‌ی بشری نشانه‌ای نیرومند از هراس او از تهی بودن و پوچی‌انگاری بود. برای نیچه، جهان پس از مرگ خدا به دریایی بی‌کران می‌ماند که «دیگر افق ندارد» و این بی‌افقی، بحران اگزیستانسیال (وجودی) عمیقی در متن اندیشه‌ی او پدید آورد.

مارتین هایدگر در تحلیلی ریشه‌ای‌تر نشان داد که خدا در متافیزیک انسانی نه یک حقیقت بیرونی، بلکه پوششی بر شکاف هستی است. متافیزیک با ساختن «موجودی اعلی» جای خود هستی را گرفت و این موجود اعلی همان چیزی است که انسان خدا نامید. فروپاشی این ساختار به معنای مرگ خدا نیست؛ بلکه آشکار شدن بی‌خامانی مطلق است؛ جهانی بدون تکیه‌گاه و بدون مرکز.

ژان پل سارتر اندکی بعد یک گام فراتر رفت. او گفت اگر خدا نباشد، انسان محکوم به آزادی است. نبود خدا یعنی نبود ذات از پیش تعیین‌شده و در نتیجه، ضرورت آفرینش معنا به دست خود انسان. مرگ خدا فاجعه نیست، بلکه فرصت است. اما این آزادی بهایی سنگین دارد، انسان دیگر پناهی بیرون از خود ندارد و مسئول مطلق خویش است. نیچه از همین مسئولیت‌گریخت و آن را در هیبت اسطوره پنهان کرد. فروید خدای دین را نه یک موجود، بلکه تصویر پدری قدرتمند در ضمیر کودک بشری دانست. به همین معنا، خدا نمی‌میرد چون وجود ندارد؛ تنها از ذهن بشر محو می‌شود، وقتی کودکی روان پایان یابد. نیچه بلوغ را اعلام می‌کند، اما در اعماق ناخودآگاه هنوز با فقدان پدر کنار نمی‌آید.

در زمانی نزدیک‌تر، آلبر کامو در افسانه‌ی سیزیف نوشت: جهان بی‌خدا جهانی پوچ است. آسمان خاموش است، نه به این دلیل که خدا مرده، بلکه هیچگاه کسی فراسوی آن

دکتر مهدی میرسعیدی - جمله‌ی معروف «خدا مرده است» در کتاب «حکمت شادان» نیچه چون آذرخشی بر سقف ایمان فرود آمد. اما این آذرخش خدا را نکشت؛ چراکه چنین خدایی هرگز زاده نشده بود. آنچه فرو ریخت، بنای تاریخی و فرهنگی تصورات انسان از آن چیزی بود که «خدا» نام داشت. نیچه نه پیام‌آور مرگی واقعی، بلکه ناقوس‌نواز خلایی بود که قرن‌ها در لایه‌های زیرین تمدن پنهان مانده بود. او نخستین کسی بود که با صدای بلند بر سنگ گور یک توهم جمعی، نام خدا را نوشت.

اکنون در عصر دیجیتال، این پرسش دوباره زنده می‌شود: آیا ما خدای تازه‌ای ساخته‌ایم؟ پرسشی که صرفاً استعاری یا تکنولوژیک نیست، بلکه ریشه در ژرف‌ترین لایه‌های روانی، فلسفی و تاریخی انسان دارد. همانگونه که خدا در گذشته برای پاسخ به اضطراب‌های وجودی، کنترل جمعی، معنا بخشیدن و ساختن افق‌های مشترک خلق شد، امروز هوش مصنوعی نیز به شکلی آرام و بی‌صدا در حال بر عهده گرفتن همین نقش‌هاست. این پدیده دیگر صرفاً ابزار نیست و به تدریج در حال بدل شدن به مرجع، اختیار و حتی منبع معناست. همانطور که انسان قرن پیشین برای یافتن حقیقت به آسمان می‌نگریست، انسان امروز به الگوریتم‌ها، شبکه‌های هوشمند و سیستم‌های تصمیم‌گیرنده نگاه می‌کند.

پرسش بنیادین این مقاله از همینجا آغاز می‌شود: آیا انسان مدرن، پس از کشتن خدای آسمانی، اکنون در حال پرستش خدای دیجیتال است؟ و اگر چنین است، این خدا چه نسبتی با حس پوچی‌ای دارد که نیچه در آستانه‌اش تاب نیاورد؟

اعلام مرگ خدا برای خود نیچه ضربه‌ای روانی بود؛ تنش وجودی در آستانه‌ی نیستی. آن «ابرانسان» که او طرح کرد، پوششی بود برای ترس او از پوچی. آنچه نیچه دید، نبود خدا در ژرفای حقیقت بود؛ اما او نتوانست در این نبود مطلق راهی برای تسلی یابد. او به آستانه‌ی تاریکی رسید، اما جرأت عبور از آن را نداشت.

پیش از نیچه، خدا بر بستر تاریخ انسان نوین آرام و بی‌صدا مرده بود. انقلاب علمی، سکولاریسم و عقلانیت مدرن ستون‌های حضور خدا را یک به یک شکستند. در نگاه گالیله، جهان دیگر صحنه‌ی نمایش خدا نبود، بلکه منظومه‌ای فیزیکی به نظر می‌رسید. در فلسفه‌ی دکارت، یقین از آسمان به ذهن

رژیم و اپوزیسیون در بن‌بست استراتژیکِ انتظار



بیرون متزلزل کند، یا فروپاشی اقتصادی که از درون آن را ویران سازد. اما هر دو سناریو بیش از آنکه محتمل باشند، آرزومندانه‌اند. جنگی فعلاً در کار نیست، و اقتصاد، هرچند در حال سقوط، هنوز آنقدر فرو نپاشیده که مردم را به قیام همگانی بکشاند، به ویژه زمانی که بجای سازماندهی، در انتظار دیگران نشسته‌اند. در خارج از کشور نیز بیشتر انرژی اپوزیسیون صرف کسب مشروعیت از قدرت‌های خارجی و امید به تغییر رژیم از بیرون شده است، نه ساخت شبکه‌های واقعی در داخل. از این رو نوعی توازن صبر شکل گرفته است: حکومت می‌کوشد با سرکوب، سازش و زمان خریدن دوام آورد؛ مردم و اپوزیسیون نیز منتظر بحرانی هستند که شاید هرگز نرسد.

در چشم‌اندازی واقع‌بینانه، ایران در آستانه مرحله‌ای دو ساله قرار دارد که می‌تواند سرنوشت نسل‌ها را رقم بزند؛ یا رژیم وارد چرخه تازه‌ای از دوام بدون ثبات می‌شود، یا مسیر برنامه‌ریزی‌شده‌ای از سوی مخالفان برای گذار و بازسازی نهادی آغاز می‌گردد. اگر این دو سال، همچون سال‌های گذشته، در انتظار و امید بی‌برنامه بگذرد، فرصت تاریخی تغییر یکبار دیگر از دست خواهد رفت.

در چنین شرایطی، پاسخ کارآمد نه در انتظار فروپاشی یا جنگ و تغییر رژیم از سوی آمریکا و اسرائیل، بلکه در آغاز بازسازی ساختارمند است؛ همان دو مرحله‌ای که در کتاب «فراتر از ایدئولوژی: نقش‌راه فن سالار بسوی ایران آزاد» تشریح شده است: تشکیل گروه پژوهش و برنامه‌ریزی برای طراحی مسیر گذار و شبیه‌سازی ساختارهای کشورداری آینده، و سپس ایجاد ستاد تکنوکراتیکِ فراجناحی گذار برای اجرای عملی آن. اکنون، بیش از هر زمان، اجرای این طرح می‌تواند جایگزین «انتظار برای سقوط» باشد، زیرا آینده را نه آنان که منتظر دیگران‌اند، بلکه کسانی می‌سازند که از هم‌اکنون سرنوشت خود را به دست می‌گیرند.

***دیوید اعتباری نویسنده کتاب Beyond Ideology: The Technocratic Roadmap to a Free Iran و بنیانگذار سازمان Stop Child Executions و از نظریه‌پردازان گذار ساختارمند، دموکراتیک و فن‌سالار در ایران است.**

عقب‌نشینی آسان. پرسش اصلی این است: در نظمی که خاورمیانه نو در حال شکل دادن به آن است، ایران چه جایگاهی خواهد داشت؟

خاورمیانه نو الزاماً به معنای صلح یا ثبات نیست، بلکه نشانه تغییر در الگوهای قدرت است. کشورهای عربی با شتاب به سوی عادی ساختن روابط با اسرائیل می‌روند، بازیگران نوظهور منطقه‌ای چون ترکیه و عربستان سعودی با دیپلماسی چندجانبه و اقتصاد غیرنفی در حال گسترش نفوذند، و نقش ایالات متحده جای خود را به رقابت میان واشنگتن و مسکو می‌دهد. در چنین صحنه‌ای، جمهوری اسلامی از بازیگری پرتحرک و ماجراجو به قدرتی منزوی و محتاط بدل شده که بیش از هر چیز درگیر مهار بحران‌های داخلی خویش است.

حتی در آستانه فروپاشی، حکومت احتمالاً باز هم دست به سازش محدود و موقت خواهد زد؛ اما برای برداشتن تحریم‌ها و خرید زمان، و نه برای اصلاح ساختار.

● در چشم‌اندازی واقع‌بینانه، ایران در آستانه مرحله‌ای دو ساله قرار دارد که می‌تواند سرنوشت نسل‌ها را رقم بزند؛ یا رژیم وارد چرخه تازه‌ای از دوام بدون ثبات می‌شود، یا مسیر برنامه‌ریزی‌شده‌ای از سوی مخالفان برای گذار و بازسازی نهادی آغاز می‌گردد. اگر این دو سال، همچون سال‌های گذشته، در انتظار و امید بی‌برنامه بگذرد، فرصت تاریخی تغییر یکبار دیگر از دست خواهد رفت.

● آینده را نه آنان که منتظر دیگران‌اند، بلکه کسانی می‌سازند که از هم‌اکنون سرنوشت خود را به دست می‌گیرند.

از سوی دیگر، اقتصاد ایران به نقطه هشدار رسیده است. رشد منفی، کاهش صادرات نفت و محدود شدن منابع ارزی، تاب‌آوری کشور را به حدود دو سال آینده محدود می‌کند. اما حتی در آستانه فروپاشی، حکومت احتمالاً باز هم دست به سازش محدود و موقت خواهد زد؛ اما برای برداشتن تحریم‌ها و خرید زمان، و نه برای اصلاح ساختار.

در سوی دیگر، مردم و نیروهای اپوزیسیون نیز گرفتار نوعی فلج استراتژیک‌اند. بخش بزرگی از جامعه چشم به دو سناریو دوخته است: جنگی که بتواند نظام را از

● در نظمی که خاورمیانه نو در حال شکل دادن به آن است، ایران چه جایگاهی خواهد داشت؟ خاورمیانه نو الزاماً به معنای صلح یا ثبات نیست، بلکه نشانه تغییر در الگوهای قدرت است. کشورهای عربی با شتاب به سوی عادی ساختن روابط با اسرائیل می‌روند، بازیگران نوظهور منطقه‌ای چون ترکیه و عربستان سعودی با دیپلماسی چندجانبه و اقتصاد غیرنفی در حال گسترش نفوذند، و نقش ایالات متحده جای خود را به رقابت میان واشنگتن و مسکو می‌دهد. در چنین صحنه‌ای، جمهوری اسلامی از بازیگری پرتحرک و ماجراجو به قدرتی منزوی و محتاط بدل شده که بیش از هر چیز درگیر مهار بحران‌های داخلی خویش است.

حتی در آستانه فروپاشی، حکومت احتمالاً باز هم دست به سازش محدود و موقت خواهد زد؛ اما برای برداشتن تحریم‌ها و خرید زمان، و نه برای اصلاح ساختار.

● در چشم‌اندازی واقع‌بینانه، ایران در آستانه مرحله‌ای دو ساله قرار دارد که می‌تواند سرنوشت نسل‌ها را رقم بزند؛ یا رژیم وارد چرخه تازه‌ای از دوام بدون ثبات می‌شود، یا مسیر برنامه‌ریزی‌شده‌ای از سوی مخالفان برای گذار و بازسازی نهادی آغاز می‌گردد. اگر این دو سال، همچون سال‌های گذشته، در انتظار و امید بی‌برنامه بگذرد، فرصت تاریخی تغییر یکبار دیگر از دست خواهد رفت.

● آینده را نه آنان که منتظر دیگران‌اند، بلکه کسانی می‌سازند که از هم‌اکنون سرنوشت خود را به دست می‌گیرند.

دیوید اعتباری - در حالی که دونالد ترامپ، اسرائیل و رهبران منطقه از «سپیده‌دم تاریخی خاورمیانه‌ای نو» سخن می‌گویند، جمهوری اسلامی ایران در وضعیتی قرار گرفته که بیش از هر زمان دیگر میان دوام، سازش و فرسایش در نوسان است. تحریم‌های تازه اسنپ‌بک، عقب‌نشینی در پروژه‌های اتمی، شکست‌های پیاپی نیروهای نیابتی، تغییر رژیم در سوریه، توافق غزه، انزوای دیپلماتیک و فرسودگی اقتصادی، حکومت را در موقعیتی قرار داده که نه توان پیشروی دارد و نه امکان

آمریکا، مصر، ترکیه و قطر در حضور رهبران جهان در شرم‌الشیخ توافقنامه «صلح غزه» را امضاء کردند



دونالد ترامپ و السیسی و پشت سر آنان شماری از رهبران دنیا در شرم‌الشیخ، نشست صلح غزه

زندگی کنند.
ترامپ نیز گفت که تلاش‌ها برای بازسازی فوراً آغاز خواهد شد. وی تأکید کرد که غزه باید غیرنظامی بماند و توسط نیروهای انتظامی و پلیس غیرنظامی جدید اداره شود.
به گفته منابع دیپلماتیک، دعوت از نتانیاهو نیز برای حضور در این نشست به درخواست ترامپ صورت گرفته بود. اما او اعلام کرد که به دلیل تعطیلات مذهبی در شرم‌الشیخ حضور نخواهد یافت.
یکی از مقامات ترکیه به خبرگزاری رویترز گفت که اردوغان با حضور نتانیاهو مخالفت کرده و فشار دیپلماتیک وارد آورده تا او در این رویداد شرکت نکند. در طول نشست، ترامپ با رجب طیب اردوغان نیز دیدار کرد و در حالی که با او دست می‌داد، گفت: «او مرد محکمی است» و با لبخند افزود: «من دوستش دارم.»
جمهوری اسلامی برخلاف شایعه‌ای که قبلاً از سوی منابع خارجی از جمله «اسکای نیوز» مطرح شده بود، به این نشست دعوت نشده بود که نشانه‌ی دیگری از حذف رژیم ایران در معادلات منطقه‌ای است.
دونالد ترامپ پیش از سفر به مصر به اسرائیل رفته بود که با استقبال گرم رهبران و ملت این کشور روبرو شد و در پارلمان اسرائیل نیز سخنرانی کرد. این دو سفر حاشیه‌هایی نیز داشت که ویدئوها و خبرهای آن همچنان در رسانه‌های اجتماعی در حال گردش است. از اخلال دو نماینده مخالف دولت نتانیاهو در پارلمان اسرائیل هنگام سخنرانی ترامپ تا برخوردها و کنایه‌های وی در ارتباط با کی‌یر استارمر نخست‌وزیر انگلیس و امانوئل ماکرون رئیس‌جمهوری فرانسه و شوخی با پول‌های زیاد امیرنشین‌های خلیج فارس و زیبا خواندن جورجیا ملونی نخست‌وزیر ایتالیا که تنها مقام زن ارشد در میان رهبران کشورهایی بود که در این نشست تاریخی حضور داشتند.

بن‌حمد آل‌ثانی، امیر قطر و رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه توافقنامه آتش‌بس را امضاء کردند.
پیش از امضاء، ترامپ برخلاف آنچه قبلاً اعلام شده بود که تشکیلات خودگردان فلسطین در این نشست تاریخی حضور نخواهد داشت، دیداری کوتاه با محمود عباس رئیس این تشکیلات داشت که می‌بایست در اجرای طرح صلح نقش مهمی بازی کند. این دیدار پس از آن صورت گرفت که واشنگتن از صدور ویزا برای عباس جهت شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل در ماه گذشته خودداری کرده بود. آنها در این دیدار با یکدیگر دست دادند و چند جمله رد و بدل کردند.
ترامپ در گفتگو با السیسی، میزبان این نشست، اظهار داشت که مذاکرات درباره مرحله دوم طرح صلح غزه آغاز شده است؛ مرحله‌ای پیچیده‌تر که انتظار می‌رود به موضوع خلع سلاح غزه و ایجاد نهادی حکومتی جدید که تحت رهبری حماس نباشد، بپردازد.
ترامپ در بیانیه‌های مشترک با مصر، السیسی را «رهبری قدرتمند» توصیف کرد و از کنترل شدید او بر جرم و جنایت تمجید نمود. او بیشتر نیز بارها از السیسی با عنوان «ژنرال» یاد کرده بود که اشاره به سابقه نظامی او دارد.
در نشست شرم‌الشیخ، السیسی ترامپ را تنها کسی دانست که می‌تواند صلح را به منطقه بیاورد. وی همچنین توافق غزه را «دستاوردی بزرگ» خواند. او افزود که اولویت بعدی، رساندن کمک‌های انسانی به غزه و بازگرداندن بقایای گروگان‌های اسرائیلی به خانواده‌هایشان است.
پس از مراسم امضای توافق، السیسی اعلام کرد که مصر میزبان نشست دیگری برای بررسی بازسازی غزه خواهد بود. او بار دیگر بر حمایت خود از راه حل دوکشوری به عنوان تنها مسیر دستیابی به صلح پایدار تأکید کرد و گفت که فلسطینیان حق دارند در کشوری مستقل در کنار اسرائیل

شماری از رهبران جهان روز دوشنبه، ۱۳ اکتبر (۲۱ مهرماه)، به دعوت رئیس‌جمهوری آمریکا در شهر شرم‌الشیخ مصر گرد هم آمدند تا آتش‌بس در غزه را تثبیت و روند بازسازی این منطقه را آغاز کنند.
نشست بین‌المللی شرم‌الشیخ مصر بدون حضور بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، برگزار شد. با این حال، بسیاری از رهبران جهان از جمله امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهوری فرانسه، عبدالله دوم پادشاه اردن، کی‌یر استارمر نخست‌وزیر بریتانیا و جورجیا ملونی نخست‌وزیر ایتالیا در آن حضور داشتند.
دونالد ترامپ بلافاصله پس از سخنرانی خود در کنست (پارلمان اسرائیل) به شرم‌الشیخ رفت و آن را «روزی بزرگ برای خاورمیانه» خواند. او سپس به همراه رهبران کشورهای میانجی، یعنی عبدالفتاح السیسی رئیس‌جمهور مصر، تمیم بن‌حمد آل‌ثانی، امیر قطر و رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه توافقنامه آتش‌بس را امضاء کرد.
ترامپ در گفتگو با السیسی، میزبان نشست، اظهار داشت که مذاکرات درباره مرحله دوم طرح صلح غزه آغاز شده است؛ مرحله‌ای پیچیده‌تر که انتظار می‌رود به موضوع خلع سلاح غزه و ایجاد نهادی حکومتی جدید که تحت رهبری حماس نباشد، بپردازد.
سفر کوتاه ترامپ به اسرائیل و مصر سفر حاشیه‌هایی نیز داشت که ویدئوها و خبرهای آن همچنان در رسانه‌های اجتماعی در حال گردش است. از اخلال دو نماینده مخالف دولت نتانیاهو در پارلمان اسرائیل هنگام سخنرانی ترامپ تا برخوردها و کنایه‌های وی در ارتباط با کی‌یر استارمر نخست‌وزیر انگلیس و امانوئل ماکرون رئیس‌جمهوری فرانسه و شوخی با پول‌های زیاد امیرنشین‌های خلیج فارس و زیبا خواندن جورجیا ملونی نخست‌وزیر ایتالیا که تنها مقام زن ارشد در میان رهبران کشورهایی بود که در این نشست تاریخی حضور داشتند.

شماری از رهبران جهان روز دوشنبه، ۱۳ اکتبر (۲۱ مهرماه)، به دعوت رئیس‌جمهوری آمریکا در بندر شرم‌الشیخ مصر گرد آمدند تا آتش‌بس در غزه را تثبیت و روند بازسازی این منطقه را آغاز کنند.
همزمان با برگزاری این نشست، روند تبادل گروگان‌ها و زندانیان میان اسرائیل و حماس با نظارت نیروهای ویژه آمریکایی و صلیب سرخ ادامه یافت و گروگان‌های اسرائیلی و صدها زندانی فلسطینی با میانجیگری ایالات متحده آزاد شدند.
نشست بین‌المللی شرم‌الشیخ مصر بدون حضور بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، برگزار شد. بسیاری از رهبران جهان از جمله امانوئل ماکرون رئیس‌جمهوری فرانسه، عبدالله دوم پادشاه اردن، کی‌یر استارمر نخست‌وزیر بریتانیا و جورجیا ملونی نخست‌وزیر ایتالیا در آن حضور داشتند.
دونالد ترامپ بلافاصله پس از سخنرانی خود در کنست (پارلمان اسرائیل) به شرم‌الشیخ رفت و آن را «روزی بزرگ برای خاورمیانه» خواند. او سپس به همراه رهبران کشورهای میانجی، یعنی عبدالفتاح السیسی رئیس‌جمهور مصر، تمیم

روزنامه «تلگراف»: قصد ناتو برای هدف قرار دادن جنگنده‌های روسی در آسمان اروپا

بین برد. همه ما باید با دقت و انتقاد بررسی کنیم که آیا این محدودیت‌ها هنوز منطقی هستند یا نه.»

وزرای دفاع قرار است در بروکسل درباره ادغام این سه مأموریت برای ایجاد انعطاف بیشتر با ژنرال گرینکوویچ به گفتگو و تبادل نظر بپردازند. مارک روتو دبیرکل ناتو گفت که این مذاکرات «بازدارندگی و موضع دفاعی ما را از جمله در ارتباط با حوادث اخیر تقویت می‌کند.»

کشور استونی با حمایت کشورهای بالتیک خواستار ارتقای مأموریت‌های فعلی نظارت هوایی به عملیات کامل دفاع هوایی است. کشورهای محتاط‌تر هشدار داده‌اند که این سناریو تنها در زمان جنگ قابل اجراء است، زیرا شامل بستن آسمان به روی پروازهای غیرنظامی و سرنگون کردن هر هواپیمای روسی بدون پرسش می‌شود.

رایموند کالچولاید رئیس هیئت استونی در مجمع پارلمانی ناتو عنوان کرد: «وقتی می‌گویید که تنها در صورت تهدید نظامی مستقیم از قدرت استفاده خواهید کرد، در واقع می‌گویید که تحت شرایط خاص، نقض حریم هوایی ما هیچ پیامدی نخواهد داشت. این به معنی ضعف است! در عوض، موضع عمومی ما باید این باشد که حق پاسخ به شیوه‌ای را که مناسب می‌دانیم داریم و روسیه باید بداند که شاید دفعه بعد واکنش ما متفاوت باشد.»

طبق اعلام ارتش دانمارک در خردادماه، جنگنده‌های F-35 یا F-16 ناتو در روز بیست و نهم همان ماه در پاسخ به فعالیت روسیه در دریای بالتیک به پرواز درآمدند.

در تازه‌ترین نشانه‌ها از تشدید تحرکات جنگی ولادیمیر پوتین، یک قانون جدید که احتمالاً توسط پارلمان آن کشور حمایت خواهد شد، امکان اعزام حدود دو میلیون ذخیره نظامی روسیه برای جنگ در اوکراین را فراهم می‌کند.

این اصلاحیه به ذخیره‌ها اجازه می‌دهد تا نه فقط در زمان قانون نظامی یا اعلام جنگ بلکه در زمان صلح نیز به خدمت فراخوانده شوند. روسیه تجاوز خود به خاک اوکراین را «عملیات نظامی ویژه» می‌نامد و نه جنگ.

این فراخوان می‌تواند به پوتین اجازه دهد از اعلام دور جدیدی از بسیج مردمی برای جنگ اجتناب کند. پس از بسیج محدودی که در سپتامبر ۲۰۲۲ اعلام شد و در پی آن، ده‌ها هزار مرد روس کشور را ترک کردند، مقامات می‌خواهند با این فراخوان از تکرار آن وضعیت جلوگیری کنند.

در این میان، ترامپ دوباره پوتین را در اظهاراتی در کاخ سفید مورد انتقاد قرار داد و گفت: «دوستم پوتین تمایلی به پایان دادن جنگ در اوکراین ندارد... او واقعاً باید این جنگ را خاتمه دهد. و می‌دانید که صف‌های طولانی برای بنزین در روسیه وجود دارد. ناگهان اقتصادش فرو خواهد ریخت.»

جان هیلی وزیر دفاع بریتانیا می‌گوید، این کشور امسال ۵۸ هزار پهپاد به اوکراین تحویل داده و به نظر می‌رسد این تعداد از ۱۰۰ هزار فرزند هم فراتر برود. برای اولین بار، او فاش کرد که کشورش ۶۰۰ میلیون پوند سرمایه‌گذاری کرده تا تحویل پهپادها به این کشور جنگ‌زده تسریع شود. هیلی همچنین گفت که متحدان ناتو باید «تولید پهپاد را افزایش دهند تا از تشدید درگیری توسط پوتین پیشی بگیرند.»

وزیر دفاع بریتانیا همچنین تأیید کرد که جنگنده‌های RAF Typhoon دست‌کم تا پایان سال به پرواز در چارچوب Eastern Sentry ادامه خواهند داد.



پرواز جنگنده‌های روسی در آسمان شرق اروپا ناتو را نگران کرده است

رهگیری آنها به پرواز درآمدند.

هواپیماهای جنگی مسکو موظف شدند قبل از اینکه به سوی مرز بین‌المللی اسکورت شوند، منطقه را ترک کنند. این واکنش به تجاوز میگ روسی به گفته منابع داخلی، «الگوی استاندارد» بود. ژنرال گرینکوویچ معتقد بود که این هواپیماها تهدیدی برای متحدین به حدی که نیاز به پاسخ مسلحانه داشته باشد، ایجاد نمی‌کنند.

ارزیابی‌های اطلاعاتی بعداً نشان داد که هواپیماهای روسی مجهز به موشک‌های هوا به هوا بودند و هیچ تلاشی برای تمرکز روی جنگنده‌های ناتو نکردند. طبق سناریوهای مطرح‌شده در ناتو، تصمیم به درگیری با این هواپیماها می‌توانست اتخاذ شود اگر که موشک‌های هوا به زمین حمل می‌کردند یا مسیر پرواز آنها تهدیدی تر می‌بود.

یکی دیگر از چالش‌های ژنرال گرینکوویچ، هماهنگ کردن سه مأموریت دفاع هوایی مجزا در جناح شرقی ناتو است. علاوه بر «Eastern Sentry» که پس از نقض فضای هوایی لهستان توسط ده‌ها پهپاد روسی آغاز شد، «Baltic Sentry» از ژانویه فعال شده است.

مأموریت آموزش و کمک به اوکراین توسط ناتو نیز که در لهستان مستقر است، امکانات دفاع هوایی خود را دارد. در ماه سپتامبر، ۱۹ پهپاد روسی یا ساقط شدند یا به سایت‌هایی در مرکز و شرق لهستان برخورد کردند. متحدان ناتو بطور جداگانه در هر یک از این مأموریت‌ها شرکت دارند، که مدیریت قوانین ملی مختلف را برای ژنرال گرینکوویچ به چالشی بزرگ تبدیل کرده است.

آلمان، اسپانیا و ایتالیا در این قضیه رویکرد محتاطانه‌تری دارند، هرچند نقش عمده‌ای در هر یک از مأموریت‌ها ایفا می‌کنند. یک دیپلمات ارشد ناتو می‌گوید: «ایجاد یک سیستم دفاع هوایی و موشکی یکپارچه و متحد، امری منطقی است و برای انجام آن، باید تا حد ممکن محدودیت‌های ملی را از

● کشورهای عضو ناتو می‌خواهند هواپیماهای روسی که موشک‌های زمین به هوا حمل می‌کنند و وارد فضای هوایی متحدین می‌شوند، به عنوان هدف در نظر گرفته شوند.

● روزنامه «تلگراف» سه‌شنبه ۱۴ اکتبر (۲۲ مهرماه) گزارش داد ناتو در حال بررسی قوانین جدیدی است که می‌تواند شلیک به هواپیماهای جنگنده روسی را آسان‌تر کند. ● الکسوس گرینکوویچ ژنرال آمریکایی و فرمانده عالی ناتو در اروپا در مذاکرات خصوصی خواستار ایجاد یک «سیستم دفاع هوایی و موشکی یکپارچه و متحد» شده است تا پاسخ به تحرکات آینده مسکو ساده‌تر شود.

کشورهای عضو ناتو می‌خواهند هواپیماهای روسی که موشک‌های زمین به هوا حمل می‌کنند و وارد فضای هوایی متحدین این پیمان می‌شوند، به عنوان هدف در نظر گرفته شوند. روزنامه «تلگراف» سه‌شنبه ۱۴ اکتبر (۲۲ مهرماه) گزارش داد ناتو در حال بررسی قوانین جدیدی است که می‌تواند شلیک به هواپیماهای جنگنده روسی را آسان کند.

این مذاکرات بر تهیه یک مجموعه دستورالعمل واحد برای درگیر شدن با هواپیماهای دشمن متمرکز است. مدیران دفاعی پیمان نظامی ناتو می‌خواهند هواپیماهای روسی که موشک‌های حمله به زمین حمل می‌کنند و وارد فضای هوایی متحدین می‌شوند، به عنوان اهداف ممکن در نظر گرفته شوند. یک منبع مطلع از مذاکرات گفت که «تسلیمات و مسیر پرواز» هر هواپیما عوامل کلیدی در تعیین تهدید احتمالی خواهند بود. وزرای دفاع کشورهای عضو ناتو قرار است این طرح‌ها را روز چهارشنبه ۲۳ مهرماه در یک جلسه بررسی کنند، زیرا اروپا با تهدیدات رو به افزایش از سوی هواپیماها و پهپادهای روسی مواجه است.

بعضی رهبران ناتو از جمله دونالد ترامپ پیشتر از شلیک به هواپیماهای روسی که وارد فضای هوایی ناتو می‌شوند، حمایت کرده‌اند. اما برخی کشورها نگرانند که اتخاذ موضعی قوی‌تر می‌تواند منجر به درگیری با رقیب هسته‌ای شود.

الکسوس گرینکوویچ ژنرال آمریکایی و فرمانده عالی ناتو در اروپا در مذاکرات خصوصی خواستار ایجاد یک «سیستم دفاع هوایی و موشکی یکپارچه و متحد» شده است تا پاسخ به تحرکات آینده مسکو ساده‌تر شود.

این اقدام به ژنرال‌های ناتو کمک می‌کند تا آنچه به عنوان «محدودیت‌های ملی» شناخته شده و مانع پاسخ آنها به قدرت نظامی می‌شود، حذف گردد.

اختلاف در مورد واکنش‌های احتمالی کشورهای عضو ناتو قواعد درگیری متفاوتی دارند؛ برخی خلبانان خود را ملزم به تأیید بصری تهدید قبل از اقدام می‌دانند، در حالی که برخی دیگر می‌توانند بر اساس داده‌های راداری عمل کنند.

این اختلافات باعث شده است که گفتگوهای خصوصی درباره شرایط سرنگون کردن یک هواپیمای روسی بر فراز خاک متحدین ناتو شکل بگیرد.

ماه گذشته پس از تحرکات روسیه در آسمان استونی و لهستان، ناتو دو جلسه اضطراری «ماه ۴» برگزار کرد.

وقتی سه فروند جنگنده میگ روسی وارد فضای هوایی استونی شدند، جنگنده‌های مدرن F-35 ایتالیایی برای

هشدار فرماندهان ارتش اسرائیل:

برای برقراری آتش‌بس پایدار باید تونل‌های حماس نابود شوند



تونل زیر بیمارستان در شهر غزه



انبار سلاح در یکی از تونل‌های غزه

حماس همراه با اردنی‌ها در آن بیمارستان صحرایی بودند. فیلم‌های ضبط‌شده ارتش اسرائیل شبکه‌ای از اتاق‌ها را نشان می‌دهد که به تونل متصل‌اند، از جمله کارگاه‌هایی برای تولید موشک و بخش‌های خواب و حمام. برآورد می‌شود ۵۰ تا ۸۰ تروریست حماس و کارکنان پزشکی اردنی اواخر سپتامبر بیمارستان و تونل را ترک کردند. دولت اردن به آسوشیتدپرس گفت که بیمارستانش توسط حماس استفاده نمی‌شد، وضعیتی که بر اساس حقوق بین‌الملل، جنایت جنگی به حساب می‌آید. زنگ خطر هشدارهای امنیتی در اسرائیل به صدا در آمده‌اند. سرهنگ (بازنشسته) بیگال کارمون مشاور پیشین ضدتروریسم دو نخست‌وزیر این کشور به «نیویورک‌پست» گفت: «مرحله دوم [از طرح صلح] کاملاً نامشخص و نامعین است... حماس همچنان بطور کامل فعال است و حاضر نخواهد شد درباره انحلال و نابودی خودش مذاکره کند.»

طبق مرحله دوم طرح ۲۰ ماده‌ای ترامپ، «تمام زیرساخت‌های نظامی، تروریستی و تهاجمی، از جمله تونل‌ها و تأسیسات تولید سلاح، نابود خواهند شد و اجازه بازسازی نخواهند داشت.»

سرتیپ بازنشسته اسحاق بریک در وبسایت «شبکه ۱۲» تلویزیون اسرائیل نوشت: «ارتش اسرائیل اخیراً اعتراف کرده که تنها ۲۵ درصد از تونل‌ها یا کمتر از آن آسیب دیده‌اند... ارتش اسرائیل نیروی حرفه‌ای کافی برای منفجر کردن صدها کیلومتر تونل در اختیار ندارد.»

مقامات حماس در روزهای جمعه و شنبه دهم و یازدهم اکتبر به رسانه‌های بین‌المللی گفتند که درخواست ترامپ برای خلع سلاح را رد می‌کنند، اما طبق گفته هیو لاول کارشناس مسائل اسرائیل و فلسطین در «شورای روابط خارجی اروپا» (ECFR)، رهبران حماس در محافل خصوصی دیدگاهی متفاوت ابراز کرده‌اند.

لاوت در گفتگو با الجزیره عنوان کرد: «[مقام‌های حماس] در گفتگوهای خصوصی به واسطه‌ها گفته‌اند که ممکن است این گروه آماده بررسی روندی برای خلع سلاح تسلیحات تهاجمی خود باشد.»

دنی ون‌بورن افزود: «سیستم تونل‌ها، سلاح عمده‌ای است که حماس هنوز در اختیار دارد... وقتی به طرح ۲۰ ماده‌ای ترامپ نگاه کردم، قسمت ضعیف آن درباره روشی است که باید نوار غزه را خلع سلاح کرد... مطمئن نیستم مکانیسم خوبی برای نابود کردن تونل‌ها وجود داشته باشد. آنها داوطلبانه سلاح‌ها را از دست نخواهند داد.»

این در حالیکه اسرائیل کاتز وزیر دفاع اسرائیل می‌گوید پس از بازگشت همه ۲۰ گروگان زنده در روز دوشنبه، مرحله بعد «نابودی تمام تونل‌های تروریستی حماس در غزه» خواهد بود.

به گزارش «نیویورک‌پست»، طول تونل‌های حماس که در دستگاه امنیتی اسرائیل به اسم «مترو غزه» شناخته می‌شود، حدود ۵۰۰ کیلومتر یعنی به اندازه نیمی از طول شبکه مترو نیویورک است.

تونل‌هایی که اخیراً ساخته شده بودند، تا درست پیش از اجرای آتش‌بس در ۱۰ اکتبر ۲۰۲۵ کشف شدند. این تونل‌ها که اغلب در زیر بیمارستان‌ها و زیرساخت‌های غیرنظامی ساخته شده‌اند و توسط تروریست‌های حماس برای پنهان شدن خودشان، انبار کردن سلاح، ساخت بمب و جایجایی مخفیانه در غزه استفاده می‌شده است. نخستین شبکه‌های تونلی این گروه در غزه در سال ۲۰۱۳ توسط ارتش اسرائیل کشف شدند.

ارتش اسرائیل در ۳ اکتبر، به روزنامه «نیویورک‌پست» اجازه داد تا از نزدیک، تونل تروریستی تازه کشف‌شده‌ای از حماس را که در زیر مجموعه‌ای بیمارستانی در شهر تقریباً محاصره‌شده غزه قرار داشت، مشاهده کند.

در میان صدای آتش توپخانه و تیراندازی پراکنده در ساختمانی تقریباً ویران‌شده که از تروریست‌های حماس در محله «تل‌الهوا» پس گرفته شده بود، یکی از فرماندهان ارشد ارتش اسرائیل تونل تازه کشف‌شده حماس را شناسایی کرد. تونلی به طول ۱/۵ کیلومتر و عمق بین ۱۸ تا ۲۵ متر که در زیر «بیمارستان صحرایی اردن» (که حالا بسته است) امتداد داشت.

آن مقام ادعا کرد: «فرماندهان میدانی و جنگجویان

فرماندهان ارشد ارتش اسرائیل هشدار داده‌اند که اگر قرار است آتش‌بس پایدار بماند از بین بردن تونل‌های تروریستی حماس در زیر شهر غزه باید در اولویت قرار گیرد.

روزنامه «نیویورک‌پست» گزارش داد طرح ۲۰ ماده‌ای دونالد ترامپ برای پایان دادن به جنگ حماس و اسرائیل شامل جزئیاتی درباره اینکه زیرساخت‌های حماس مانند تونل‌های زیرزمینی و تأسیسات تولید سلاح چگونه نابود خواهند شد، نیست.

دنی ون‌بورن افزود: «سیستم تونل‌ها، سلاح عمده‌ای است که حماس هنوز در اختیار دارد... وقتی به طرح ۲۰ ماده‌ای ترامپ نگاه کردم، قسمت ضعیف آن درباره روشی است که باید نوار غزه را خلع سلاح کرد... مطمئن نیستم مکانیسم خوبی برای نابود کردن تونل‌ها وجود داشته باشد. آنها داوطلبانه سلاح‌ها را از دست نخواهند داد.»

به گزارش «نیویورک‌پست»، طول تونل‌های حماس که در دستگاه امنیتی اسرائیل به اسم «مترو غزه» شناخته می‌شود، حدود ۵۰۰ کیلومتر یعنی به اندازه نیمی از طول شبکه مترو نیویورک است.

فرماندهان ارشد ارتش اسرائیل هشدار داده‌اند که اگر قرار است آتش‌بس پایدار بماند از بین بردن تونل‌های تروریستی حماس در زیر شهر غزه باید در اولویت قرار گیرد.

بنجامین وینتال روز سه‌شنبه ۱۴ اکتبر (۲۲ مهرماه) در روزنامه «نیویورک‌پست» گزارش داد طرح ۲۰ ماده‌ای دونالد ترامپ برای پایان دادن به جنگ حماس و اسرائیل شامل جزئیاتی درباره اینکه زیرساخت‌های حماس مانند تونل‌های زیرزمینی و تأسیسات تولید سلاح چگونه نابود خواهند شد، نیست.

سرتیپ ذخیره دنی ون‌بورن نیز به «نیویورک‌پست» گفت که نابود کردن تونل‌های حماس «بخش عمده‌ای از خلع سلاح نوار غزه است». او افزود: «برای حفظ آتش‌بس و ایجاد بنیادی برای صلح، یکی از بخش‌های لازم حذف زیرساخت‌های حماس است.»

نشست خبری ترامپ و مدیرکل «اف بی آی»؛

«جمهوری اسلامی در حال بازسازی توانمندی هسته‌ای خود، برای بقا تلاش می‌کند»



نشست خبری رئیس جمهوری آمریکا با مدیرکل FBI در کاخ سفید

گفت: «مب‌افکن‌های بی‌۲- ما صدها هزار پوند بمب حمل می‌کردند و هر کدام دقیقاً به هدف خوردند. آنها شبانه و در تاریکی وارد حریم هوایی ایران شدند، کاملاً رادارگریز بودند و هیچکس متوجه‌شان نشد.»

او افزود: «امروز حماس هیچ حمایتی ندارد. قبلاً [رژیم] ایران از حماس پشتیبانی می‌کرد، اما حالا می‌گوید هیس، ما را وارد نکنید!» او بار دیگر با اشاره به حملات آمریکا علیه تاسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی افزود: «آخرین باری که آنها درگیر شدند، نتیجه خوبی نگرفتند.»

رئیس جمهوری آمریکا همچنین تاکید کرد که برای خلع سلاح حماس نیازی به حضور ارتش آمریکا در میدان نیست. و گفت که اقدام نظامی آمریکا و اسرائیل برای از بین بردن توان هسته‌ای جمهوری اسلامی، زمینه‌ساز توافق صلح غزه شد. به گفته او، «اگر ما توان هسته‌ای [جمهوری اسلامی] ایران را از بین نمی‌بردیم، این توافق هرگز شکل نمی‌گرفت. کشورهای عربی آن زمان از ایران می‌ترسیدند، اما حالا دیگر ایران قدرتی ندارد؛ به خاطر کاری که ما و اسرائیل انجام دادیم.»

کاش پتل مدیرکل اف‌بی‌آی در همین نشست تشریح کرد که در دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ، رسیدگی به پرونده‌های جاسوسی مرتبط با جمهوری اسلامی ایران ۵۰ درصد افزایش یافته است.

او گفت: «ما فعالیت‌های جاسوسی علیه سه قدرت اصلی چین، روسیه و [جمهوری اسلامی] ایران را هدف قرار داده‌ایم. در مورد چین میزان دستگیری‌های مرتبط با جاسوسی بیش از ۵۰ درصد افزایش یافته و در پرونده‌های مربوط به [رژیم] ایران نیز رشد مشابهی ثبت شده است.»

پتل افزود که در پرونده‌های مرتبط با روسیه این افزایش حدود ۳۳ درصد بوده و تاکید کرد از ابتدای سال ۲۰۲۵ تا کنون ۱۲۵ مورد بازداشت مرتبط با فعالیت‌های تروریستی انجام شده است، در حالی که در مدت مشابه سال ۲۰۲۴ این رقم ۱۰۰ مورد بود.

[رژیم] ایران بار دیگر در حال بازسازی توانمندی‌های هسته‌ای خود است، [اما] آمریکا و اسرائیل این اقدامات را از نزدیک زیر نظر دارند.»

او هشدار داد: «اگر جمهوری اسلامی به مسیر ساخت بمب اتمی ادامه دهد، بار دیگر حمله خواهیم کرد. [رژیم] ایران به ما گفته است که در جهت تولید مواد هسته‌ای صلح‌آمیز (غیرنظامی) عمل می‌کند، اما ما همچنان مراقب آنها هستیم... آخرین چیزی که



[حکومت] ایران باید بخواهد، ساخت سلاح هسته‌ای است چون اگر حتی نزدیک به آن هم شوند، آن سایت‌ها نابود خواهند شد.»

ترامپ با اشاره به بازگشت تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی گفت: «[رژیم] ایران در وضعیت شکننده‌ای قرار دارد و برای بقا تلاش می‌کند.» او با اشاره به حملات هوایی آمریکا در خردادماه بار دیگر

بخشی از نشست خبری ترامپ و کاش پتل که ۲۳ مهرماه برگزار شد، به موضوع ایران اختصاص داشت. ترامپ عنوان کرد: «من گزارش مهمی دریافت کرده‌ام که نشان می‌دهد [رژیم] ایران بار دیگر در حال بازسازی توانمندی‌های هسته‌ای خود است، [اما] آمریکا و اسرائیل این اقدامات را از نزدیک زیر نظر دارند.»

او هشدار داد، «اگر جمهوری اسلامی به مسیر ساخت بمب اتمی ادامه دهد، بار دیگر حمله خواهیم کرد. [رژیم] ایران به ما گفته است که در جهت تولید مواد هسته‌ای صلح‌آمیز (غیرنظامی) عمل می‌کند، اما ما همچنان مراقب آنها هستیم... آخرین چیزی که [رژیم] ایران باید بخواهد، ساخت سلاح هسته‌ای است چون اگر حتی نزدیک به آن هم شوند، آن سایت‌ها نابود خواهند شد.»

او افزود: «امروز حماس هیچ حمایتی ندارد. قبلاً [رژیم] ایران از حماس پشتیبانی می‌کرد، اما حالا می‌گوید هیس، ما را وارد نکنید!»

ترامپ با اشاره به بازگشت تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی گفت: «[رژیم] ایران در وضعیت شکننده‌ای قرار دارد و برای بقا تلاش می‌کند.»

کاش پتل مدیرکل اف‌بی‌آی در همین نشست تشریح کرد که در دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ، رسیدگی به پرونده‌های جاسوسی مرتبط با جمهوری اسلامی ایران ۵۰ درصد افزایش یافته است.

دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا، پس از بازگشت از شرم‌الشیخ در مصر که محور نشست آن امضای توافقنامه صلح غزه بود، در نشست خبری مشترک با رئیس اف‌بی‌آی که در کاخ سفید برگزار شد عنوان کرد: «جمهوری اسلامی ایران در وضعیت شکننده‌ای قرار دارد و برای بقا تلاش می‌کند.»

بخشی از نشست خبری ترامپ و کاش پتل که ۲۳ مهرماه برگزار شد، به موضوع ایران اختصاص داشت. ترامپ عنوان کرد: «من گزارش مهمی دریافت کرده‌ام که نشان می‌دهد

هشدار «ام‌آی‌۵» به نمایندگان پارلمان بریتانیا درباره فعالیت جاسوسان چین، روسیه و جمهوری اسلامی ایران

رسانه‌های ترکیه: یک ایرانی گرد و سنی مخالف جمهوری اسلامی در شهر استانبول به ضرب گلوله کشته شد



عکس: لندن



مسعود نظری

اجتماعی غیرمعمول از جمله درخواست‌های مکرر برای ملاقات خصوصی را پیگیری کنند و در صورتی که با «تغییرات نامحسوس» روبرو شدند، هشیار باشند.

کن مک‌کالوم مدیرکل ام‌آی‌۵ گفت: «وقتی دولت‌های خارجی اطلاعات حیاتی بریتانیا را می‌دزدند یا فرآیندهای دموکراتیک ما را دستکاری می‌کنند، تنها امنیت ما را در کوتاه‌مدت تهدید نمی‌کنند، بلکه سبب فرسایش پایه‌های حاکمیت ما نیز می‌شوند.»

کمیته اطلاعات و امنیت پارلمان بریتانیا نیز در اواسط تیرماه ۱۴۰۴ در یک گزارش مبسوط هشدار داد که جمهوری اسلامی یکی از «جدی‌ترین و شدیدترین تهدیدهای دولتی» علیه امنیت ملی بریتانیا است. در این گزارش اعلام شده است که تهدیدات حکومت ایران طیفی متنوع دارد؛ از حملات فیزیکی و احتمال ترور مخالفان و اهداف مرتبط با یهودی‌ها گرفته تا جاسوسی، حملات سایبری و تلاش برای توسعه سلاح‌های هسته‌ای.

در این گزارش که مبنای آن اطلاعات محرمانه «ام‌آی‌۶» و «ام‌آی‌۵» و همچنین مرکز ارتباطات دولت، دفتر کابینه و وزارت کشور و مقامات ارشد امنیتی بریتانیا عنوان شده، با اشاره به افزایش چشمگیر تمایل تهران برای انجام «ترور، جاسوسی و حملات سایبری» در خاک بریتانیا از دولت این کشور خواسته شده است تا در استراتژی

نسبت به جمهوری اسلامی، «بازنگری اساسی» انجام دهد. بخشی از این تهدیدات علیه خبرنگاران و روزنامه‌نگاران رسانه‌های فارسی مستقر در لندن است. بر اساس این گزارش ۲۶۰ صفحه‌ای، سرویس اطلاعاتی جمهوری اسلامی با اعمال فشار بر اعضای خانواده خبرنگاران این شبکه‌ها در داخل ایران و تهدید مستقیم خود خبرنگاران، تلاش کرده است مانع از ادامه فعالیت آنها شود.

مذهبی در خارج از کشور است.»

خبرگزاری فرانسه نیز به نقل از رسانه‌های محلی گزارش داده که مقامات ترکیه تحقیقات خود را در مورد این قتل آغاز کرده‌اند.

● سازمان اطلاعات و امنیت داخلی بریتانیا (ام‌آی‌۵) دوشنبه ۱۳ اکتبر (۲۱ مهرماه) در یک هشدار عمومی کم‌سابقه اعلام کرد جاسوسانی از چین، روسیه و جمهوری اسلامی ایران نمایندگان پارلمان را هدف گرفته‌اند تا دموکراسی این کشور را تضعیف کنند.

● بر اساس اعلام وبسایت دولتی بریتانیا، این هشدار یک هفته پس از آن صادر شده که دادستان‌ها اعلام کردند مجبور به توقف محاکمه دو شهروند بریتانیایی متهم به جاسوسی برای چین شده‌اند، زیرا دولت بریتانیا مدرکی مبنی بر تهدید امنیت ملی این کشور از سوی چین ارائه نکرده است.

● ام‌آی‌۵ به سیاستمداران و کارکنان خود هشدار داد مراقب جاسوسانی باشند که ممکن است از طریق باج‌خواهی، اخاذی، حملات فیشینگ، برقراری روابط عمیق و بلندمدت یا پرداخت کمک‌های مالی برای تأثیرگذاری بر تصمیم‌هایشان، اطلاعات جمع‌آوری کنند.

سازمان اطلاعات و امنیت داخلی بریتانیا (ام‌آی‌۵) دوشنبه ۱۳ اکتبر (۲۱ مهرماه) در یک هشدار عمومی کم‌سابقه اعلام کرد که جاسوسانی از چین، روسیه و جمهوری اسلامی ایران نمایندگان پارلمان را هدف گرفته‌اند تا دموکراسی این کشور را تضعیف کنند.

● بر اساس اعلام وبسایت دولتی بریتانیا، این هشدار یک هفته پس از آن صادر شد که دادستان‌ها اعلام کردند مجبور به توقف محاکمه دو شهروند بریتانیایی متهم به جاسوسی برای چین شده‌اند، زیرا دولت بریتانیا مدرکی مبنی بر تهدید امنیت ملی این کشور از سوی چین ارائه نکرده است.

● ام‌آی‌۵ به سیاستمداران و کارکنان خود هشدار داده مراقب جاسوسانی باشند که ممکن است از طریق باج‌خواهی، اخاذی، حملات فیشینگ، برقراری روابط عمیق و بلندمدت یا پرداخت کمک‌های مالی برای تأثیرگذاری بر تصمیم‌هایشان، اطلاعات جمع‌آوری کنند. ام‌آی‌۵ از سیاستمداران خواسته که مرادوات

شده بود و رد پای دستگاه‌های امنیتی جمهوری اسلامی در این حادثه آشکار است.»

«هه نگاهو» هم گفته: «ترور مسعود نظری نمونه‌ای دیگر از حملات هدفمند جمهوری اسلامی علیه فعالان سیاسی و

● به گزارش خبرگزاری خصوصی «دی‌اچ‌ای»، مسعود نظری اهل سنت و منتقد حکومت جمهوری اسلامی بود، شامگاه سه‌شنبه ۲۲ مهرماه توسط افراد مسلح ناشناس در منطقه «آرناووت‌کوی» هدف گلوله قرار گرفته است. گزارش‌ها حاکی از آن است که او با جراحات شدید در بیمارستان درگذشت.

● خبرگزاری فرانسه به نقل از رسانه‌های محلی گزارش داده که مقامات ترکیه تحقیقات خود را در مورد این قتل آغاز کرده‌اند.

رسانه‌های ترکیه روز چهارشنبه ۲۳ مهر گزارش دادند که یک ایرانی گرد و اهل سنت مخالف رژیم اسلامی هنگام بازگشت به خانه‌اش در شهر استانبول به ضرب گلوله فرد یا افراد ناشناس کشته شده است؛ اقدامی که گروه‌های حقوق بشری آن را یک «ترور سیاسی» توصیف کرده‌اند.

● به گزارش خبرگزاری خصوصی «دی‌اچ‌ای»، مسعود نظری اهل سنت و منتقد حکومت جمهوری اسلامی بود، شامگاه سه‌شنبه ۲۲ مهرماه توسط افراد مسلح ناشناس در منطقه «آرناووت‌کوی» هدف گلوله قرار گرفته است. گزارش‌ها حاکی از آن است که او با جراحات شدید در بیمارستان درگذشت.

گروه‌های حقوق بشری «حال‌وش» در خارج کشور و «هه نگاهو» مستقر در نروژ که بر اقلیت‌های ایرانی گرد و سنی تمرکز دارند، اعلام کردند که او یک دهه پیش به دلیل مخالفت با حکومت جمهوری اسلامی در استانبول ساکن شده بود. آنها در گزارش‌های جداگانه‌ای گفتند که مسعود نظری اهل شهر جوانرود در استان کرمانشاه بود.

«حال‌وش» به نقل از خانواده و نزدیکان او نوشته که «حکومت جمهوری اسلامی» عامل اصلی این «ترور» بوده و گفته‌اند: «مسعود بارها از سوی نهادهای امنیتی تهدید

مرگ مشکوک دختر اکبر طبری؛ دادستان لواسانات خبر «خودکشی» را تکذیب کرد



اکبر طبری پدر سمیه در دادگاه

منابع غیررسمی مدعی‌اند که او در آن مکان حلق آویز شده بود. گزارش‌های غیررسمی می‌گویند که محل کشف جسد جایی نبوده که او معمولاً رفت و آمد داشته باشد. در پی این اخبار، روایت‌ها متفاوتی در حال انتشار است. برخی اطرافیان و دوستان او می‌گویند که خودکشی کرده است. اما انتخاب محل و نحوه وقوع حادثه، پرسش‌هایی را درباره جزئیات مرگ وی برانگیخته است.

مرتضی درویش‌وند دادستان لواسانات ۱۹ مهرماه ۱۴۰۴ با تأیید خبر مرگ سمیه طبری مدعی شد او «از سال گذشته کسالت داشته و بیمار بوده و شایعه خودکشی واقعیت ندارد».

دادستان لواسانات اشاره کرد یک خبری الان در فضای مجازی وایرال شده اما خودکشی سمیه طبری تکذیب می‌شود.

او همچنین گفت: «محل فوت سمیه طبری در یکی از بیمارستان‌های تهران بوده و این موضوع هیچ ربطی به لواسانات ندارد».

اکبر طبری یکی از مدیران ارشد سابق قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران است که سال‌ها در سمت‌های مختلف اداری این قوه فعالیت داشت. او به‌ویژه در دوران ریاست صادق آملی‌لاریجانی به عنوان معاون اجرایی حوزه ریاست قوه قضاییه شناخته می‌شد و نفوذ زیادی در ساختار اداری و قضایی کشور داشت. طبری در سال ۱۳۹۸ به اتهامات سنگین فساد مالی، رشوه‌گیری و سوء استفاده از مقام دستگیر شد و پرونده او یکی از جنجالی‌ترین پرونده‌های فساد در قوه قضاییه به شمار می‌رود. در نهایت، دادگاه او را به اتهامات متعدد محکوم و حکم حبس طولانی علیه وی صادر شد. با اینهمه اکبر طبری اوایل تیرماه ۱۴۰۲ با قید وثیقه آزاد شد.

علیرضا افشار در یکی از آخرین مصاحبه‌های خود سه چهار روز قبل از جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل تلویحاً اعتراف کرد که عملیات تروریستی «هفت اکتبر» (توفان الاقصی) نتیجه کار اطلاعاتی جمهوری اسلامی بود.

● جسد سمیه طبری دختر اکبر طبری معاون پیشین قوه قضاییه در ویلایی در لواسان پیدا شده است. برخی منابع مدعی شده‌اند که او «خودکشی» کرده است اما برخی دیگر آن را مرتبط با وضعیت خانوادگی و پرونده فساد پدرش می‌دانند.

● سمیه طبری متخصص بیهوشی بود. وبسایت «رویداد ۲۴» گزارش داد جسد او در ویلایی واقع در شهرک «باستی‌هیلز» لواسان پیدا شده است.

● منابع غیررسمی مدعی‌اند که او در آن مکان حلق آویز شده بود. گزارش‌های غیررسمی می‌گویند که محل کشف جسد جایی نبوده که او معمولاً رفت و آمد داشته باشد. در پی این اخبار، روایت‌ها متفاوتی در حال انتشار است. برخی اطرافیان و دوستان او می‌گویند که خودکشی کرده است. اما انتخاب محل و نحوه وقوع حادثه، پرسش‌هایی را درباره جزئیات این مرگ برانگیخته است.

● مرتضی درویش‌وند دادستان لواسانات ۱۹ مهرماه ۱۴۰۴ با تأیید خبر مرگ سمیه طبری مدعی شد او «از سال گذشته کسالت داشته و بیمار بوده و شایعه خودکشی واقعیت ندارد».

جسد سمیه طبری دختر اکبر طبری معاون پیشین قوه قضاییه در ویلایی در لواسان پیدا شده است. برخی منابع مدعی شدند او «خودکشی» کرده است و برخی دیگر آن را مرتبط با وضعیت خانوادگی و پرونده فساد پدرش دانسته‌اند.

سمیه طبری متخصص بیهوشی بود. وبسایت «رویداد ۲۴» ۱۹ مهرماه ۱۴۰۴ گزارش داد که پیکر او در ویلایی واقع در شهرک «باستی‌هیلز» لواسان پیدا شده است.

بود جمهوری اسلامی ایران آماده پاسخ بزرگتر به اسرائیل است. افشار فروردین ۱۴۰۰ در برنامه «دستخط» هشدار داد «آرایش مناسبی در برابر جنگ نرم نداریم» و «سهم ناکارآمدی در نارسایی اقتصادی بیشتر از تحریم است».

مرگ علیرضا افشار از سرداران ارشد سپاه پاسداران فعال در حوزه «جنگ نرم»



علیرضا افشار

● رسانه‌های داخلی روز چهارشنبه ۲۳ مهرماه ۱۴۰۴ گزارش دادند سردار پاسدار علیرضا افشار رئیس اندیشکده جنگ نرم دانشگاه عالی دفاع ملی بر اثر عارضه قلبی درگذشته است.

● او پیش از انقلاب به دلیل فعالیت ضدامنیتی و مسلحانه در همکاری با مجاهدین توسط ساواک بازداشت شده بود.

● افشار فروردین ۱۴۰۰ در برنامه «دستخط» هشدار داد «آرایش مناسبی در برابر جنگ نرم نداریم» و «سهم ناکارآمدی در نارسایی اقتصادی بیشتر از تحریم است».

رسانه‌های داخلی روز چهارشنبه ۲۳ مهرماه ۱۴۰۴ گزارش دادند سردار پاسدار علیرضا افشار رئیس اندیشکده جنگ نرم دانشگاه عالی دفاع ملی بر اثر عارضه قلبی درگذشته است.

● او پیش از انقلاب به دلیل فعالیت ضدامنیتی و مسلحانه در همکاری با مجاهدین توسط ساواک بازداشت شده بود.

● افشار متولد ۱۳۳۰ و فارغ‌التحصیل در رشته مهندسی مکانیک از «دانشگاه صنعتی شریف» (آریامهر) بود. وی بعد از انقلاب به «دانشجویان پیرو خط امام» پیوست و در اشغال

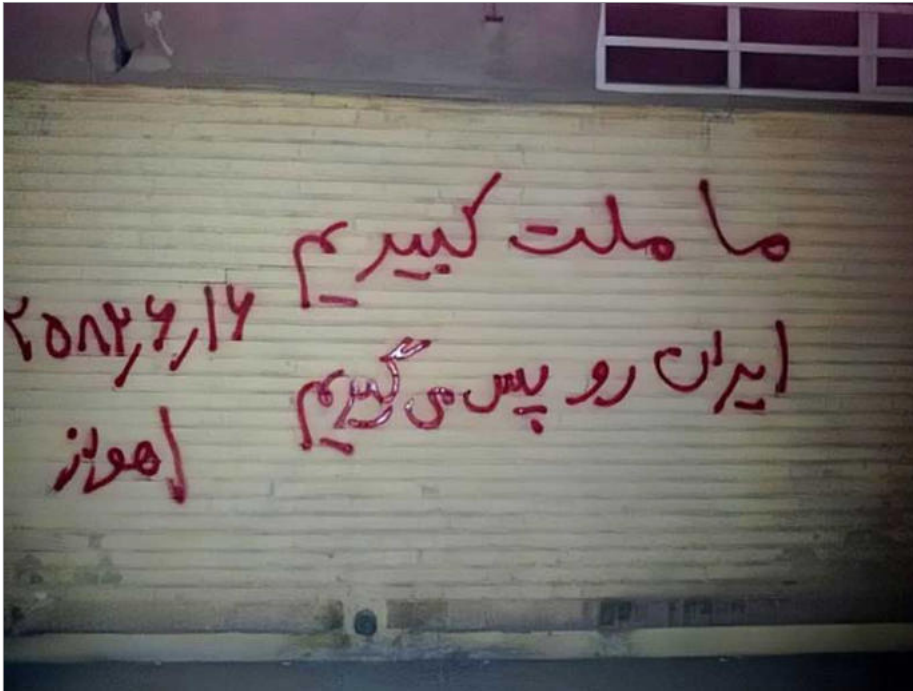
سفرات آمریکا نقش داشت. کارنامه‌ی او نشان می‌دهد که در مقطعی نسبتاً طولانی عضو سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی بوده اما بعداً خط خود را از آنها جدا کرد.

● افشار در آغاز تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی رسماً به آن پیوست و در دوران جنگ ایران و عراق، رئیس ستاد مرکزی سپاه پاسداران بود. او سپس به عنوان فرمانده بسیج منصوب شد. یکی از سمت‌های او ریاست دانشگاه جنگ نرم

سپاه پاسداران بود. در مقطعی نیز به عنوان رئیس دانشگاه «امام حسین» وابسته به سپاه منصوب شد.

علیرضا افشار در دولت محمود احمدی‌نژاد از گزینه‌های مطرح برای وزارت دفاع بود و در سال ۱۴۰۰ نیز به عنوان داوطلب انتخابات سیزدهمین دوره ریاست جمهوری ثبت‌نام کرد. او در یکی از آخرین مصاحبه‌های خود بعد از جنگ ۱۲ روزه گفته

سرنوشت ما بین دو تجربه‌ی پهلوی و جمهوری اسلامی معلق است: نه در گذشته می‌ماند، نه به آینده می‌رسد...



پیش گرفتند. کشوری که روزی امید توسعه داشت، دوباره به بقا رضایت داد. دانشگاه هست، اما اندیشه نیست؛ صنعت هست، اما کار نیست؛ ایمان هست، اما معنا نه.

اگر مغول خاک را تباه کرد، این نظام، ذهن را تباه کرده است. یکی قنات را خشکاند، دیگری اندیشه را. هر دو بیابانی برجای گذاشتند؛ یکی از خاک، یکی از روح.

در کنار این ویرانی انسانی، طبیعت نیز به شورش آمده است. رودها خشکیده، زمین ترک برداشته، هوا سنگین است. دریاچه‌ها می‌میرند و مردم در سکوت نگاه می‌کنند. ویرانی دیگر حادثه نیست؛ عادت است.

قرن‌هاست که در این سرزمین، قدرت بر اندیشه پیشی گرفته است. هربار که خرد خواسته است یا بگیرد، یا با شمشیر بریده شده یا با تقدس خفه، ملت، حافظه‌ای عظیم دارد، اما از آن بجای نیرو، اندوه می‌گیرد.

دیگران از چرخه زوال بیرون زدند: عثمانی با اصلاح، ژاپن با نظم، شرق آسیا با کار. ما اما هنوز در گفتگوی بی‌پایان با گذشته‌ایم.

تراژدی ما کمبود نبوغ نیست؛ نبوغ در این خاک فراوان است. آنچه نیست، نظمی است که آن را به عمل بدل کند. ما قانون را نوشته‌ایم، اما در سایه اراده فردی نگه داشته‌ایم. دروغ بی‌هزینه مانده، و شایستگی بی‌پاداش. هرچه ساخته‌ایم، بی‌ریشه مانده است.

پهلوی نشان داد که می‌توان برخاست؛ جمهوری اسلامی نشان داد که می‌توان دوباره فرو افتاد. میان این دو تجربه، سرنوشت ما هنوز معلق است؛ نه در گذشته می‌ماند، نه به آینده می‌رسد.

تا روزی که این سرزمین نهادهایی نسازد که راستی را تاب بیاورد و شایستگی را پاداش دهد، همین خواهیم بود: تمدنی با حافظه‌ای سنگین و حرکتی اندک؛ باشکوه در یاد، اما ناتوان از برخاستن دوباره.

وحدت ساختند و از ایمان، پرچم. کشور آرام گرفت، اما در همان آرامش خشک شد. تشییع، هویت شد؛ آیین، دولت را نگه داشت؛ اما اندیشه از میدان بیرون رفت. اصفهان در آینه کاشی می‌درخشید، بی‌آنکه صدایی از آینده در آن شنیده شود. در همان سال‌هایی که غرب، علم و صنعت را به زندگی برد، ما زینت و تشریف را بر عقل ترجیح دادیم. قاجار، ادامه همان خستگی بود. ایران هنوز زنده بود، اما در خوابی سنگین. روس و انگلیس نیامدند تا کشور را بگیرند؛ آمدند تا اراده را ببرند. امتیازها واگذار شد، زمین‌ها سوخت، و ملت به تماشاگر ضعف خود بدل شد. دارالفنون ساخته شد، اما دریا در کوزه نمی‌گنجید. در میان قطعی و طاعون، شعر هنوز می‌گفتیم، اما صدا از گرسنگی می‌لرزید. تا اینکه پهلوی آمد و چرخ از نو چرخید. رضاشاه با نظم و قهر، پایه‌ای تازه گذاشت: ارتش، راه، مدرسه، دادگستری، مالیات، قانون. پسرش همان راه را با آهنگی دیگر ادامه داد: دانشگاه، صنعت، حقوق زنان، آموزش همگانی. در فاصله سه دهه، زندگی در ایران رنگی از امید گرفت. شهرها جان گرفتند و مردم، نخستین بار در قرن‌ها، امیدی به فردا پیدا کردند.

اما این نظم تازه بر پایه فردی بود، نه نهادی. قدرت، در عین ساختن، از سایه خود می‌ترسید. پهلوی اشتباهاتی داشت، اما مستبد کامل نبود. در نیت‌اش، ایران را می‌خواست، نه خود را. اشتباه بزرگتر اما از مردم بود، که در خستگی و فریب، همه‌چیز را واگذاشتند. اشتباهی چنان بزرگ که شاید جبران‌ناپذیر باشد.

با اینهمه، آن دوران تنها فصل برخاستن واقعی ایران بود؛ فصلی کوتاه، اما بیدار.

انقلاب آمد و راه رفته برگشت. روحانیت، به نام مردم، عقل را کنار زد و ایمان را ابزار قدرت کرد. جنگ، یک نسل را بلعید؛ تحریم، اقتصاد را فلج کرد؛ و نخبگان، راه مهاجرت

● در این خاک، عظمت همیشه با اندوه همراه بوده است. تاریخ ما رشته‌ای از پیروزی‌ها نیست؛ زنجیره‌ای از دوام است. پس از هر ویرانی، چیزی از نو برپا کرده‌ایم، اما هیچگاه مجال تمام کردن نیافته‌ایم. از مغول تا امروز، هر نوزایی نیمه‌تمام مانده است؛ گویی در این سرزمین، ساختن آغاز می‌شود تا روزی دوباره ویران شود.

● تا اینکه پهلوی آمد و چرخ از نو چرخید. رضاشاه با نظم و قهر، پایه‌ای تازه گذاشت: ارتش، راه، مدرسه، دادگستری، مالیات، قانون. پسرش همان راه را با آهنگی دیگر ادامه داد: دانشگاه، صنعت، حقوق زنان، آموزش همگانی... اما این نظم تازه بر پایه فردی بود، نه نهادی... اشتباه از مردم بود، که در خستگی و فریب، همه‌چیز را واگذاشتند. اشتباهی چنان بزرگ که شاید جبران‌ناپذیر باشد.

● قرن‌هاست که در این سرزمین، قدرت بر اندیشه پیشی گرفته است. هربار که خرد خواسته است یا بگیرد، یا با شمشیر بریده شده یا با تقدس خفه، ملت، حافظه‌ای عظیم دارد، اما از آن بجای نیرو، اندوه می‌گیرد.

● پهلوی نشان داد که می‌توان برخاست؛ جمهوری اسلامی نشان داد که می‌توان دوباره فرو افتاد. میان این دو تجربه، سرنوشت ما هنوز معلق است؛ نه در گذشته می‌ماند، نه به آینده می‌رسد. تا روزی که این سرزمین نهادهایی نسازد که راستی را تاب بیاورد و شایستگی را پاداش دهد، همین خواهیم بود: تمدنی با حافظه‌ای سنگین و حرکتی اندک؛ باشکوه در یاد، اما ناتوان از برخاستن دوباره.

(امضاء محفوظ) - هنوز سنگ‌های تخت‌جمشید در آفتاب می‌درخشند. باد خشک از روی کتیبه‌ها می‌گذرد و صدای خاموش گذشته در سنگ‌ها می‌پیچد. گویی زمان در آنجا ایستاده است و ما از کنارش می‌گذریم، بی‌آنکه بدانیم چه بر سر خود آورده‌ایم.

شکوه مانده است، اما آن نظم درونی، آن اراده‌ای که این سنگ‌ها را برپا داشت، دیگر در ما نیست.

در این خاک، عظمت همیشه با اندوه همراه بوده است. تاریخ ما رشته‌ای از پیروزی‌ها نیست؛ زنجیره‌ای از دوام است. پس از هر ویرانی، چیزی از نو برپا کرده‌ایم، اما هیچگاه مجال تمام کردن نیافته‌ایم. از مغول تا امروز، هر نوزایی نیمه‌تمام مانده است؛ گویی در این سرزمین، ساختن آغاز می‌شود تا روزی دوباره ویران شود.

ایرانیان در روزگار شکست، بجای شمشیر، شعر را برگزیدند. از دل فروپاشی، زبان برخاست و جانی تازه در اندیشه دمید. قرن‌ها با کلمه زیستیم و جهان را به رنگ خیال خود دیدیم. اما شعر نیز خسته شد؛ از روشنی خرد کاسته شد و سایه دین گسترده‌تر گشت. آنچه ماند، یاد شکوه بود، نه توان بازآفرینی‌اش.

مغول که آمد، زمین سوخت و جان مردم خشکید. شهرها از رونق افتاد، قنات‌ها فروریخت، و دانشی که قرن‌ها در دیوان و مدارس می‌چرخید، به سکوت افتاد. در کتاب‌ها نام حکمت ماند، اما خود حکمت رفت. ایران زنده ماند، اما پیوندش با خویش گسسته بود. از آن پس، هرچه ساخت، سایه‌ای از گذشته بود؛ ساختمانی بی‌پی، شکوهی بی‌جان. صفویان آمدند تا ویرانه را به دولت بدل کنند. از تفرقه،

اعتصاب غذای دستجمعی زندانیان قزلحصار وارد چهارمین روز شد: نه به اعدام!



در زندان اوین نیز روز گذشته ملاقات تعدادی از زندانیان که در تحسن «نه به اعدام» شرکت کرده بودند توسط کمیته انضباطی این زندان لغو شد. ابوالفضل قدیانی، مصطفی تاجزاده، شهریار براتی و طاهر نقوی از جمله زندانیانی هستند که چهارشنبه ۲۳ مهرماه با تنبیه لغو ملاقات روبرو شدند. خیرگزاری «هرانا» گزارش داده که از ۱۰ اکتبر ۲۰۲۴ تا ۸ اکتبر ۲۰۲۵، حکم اعدام ۱۵۳۷ نفر توسط قوه قضاییه جمهوری اسلامی به اجرا درآمده است، که از این تعداد ۸ نفر در ملاء عام اعدام شدند.

«هرانا» گزارش داده از میان این قربانیان اعدام که هویتشان احراز شده، جنسیت ۴۹ تن از اعدام شدگان زن بوده و همینطور سن ۳ تن از اعدام شدگان در زمان ارتکاب جرم کمتر از ۱۸ سال بوده است.

در آمار دیگری، سازمان حقوق بشر ایران ۱۸ مهرماه جاری در گزارشی به مناسبت «روز جهانی مبارزه با مجازات اعدام» اعلام کرد جمهوری اسلامی از ابتدای سال جاری میلادی تاکنون دست کم ۱۱۰۵ نفر را اعدام کرده است.

سازمان عفو بین الملل نیز با اعلام اینکه طی ۱۰ ماه گذشته و از ابتدای سال ۲۰۲۵ تاکنون بیش از هزار اعدام در ایران گزارش شده است، خواستار توقف فوری اعدام‌ها شد. سازمان عفو بین الملل افزوده که صدور اکثر احکام اعدام «پس از دادگاه‌های ناعادلانه I و با هدف «ایجاد رعب، سرکوب اعتراض‌ها و مجازات معترضان» صورت می‌گیرد.

حسین بائومی، معاون بخش خاورمیانه و شمال آفریقای سازمان عفو بین الملل، پنجشنبه ۲۴ مهرماه ۱۴۰۴ خواستار آن شده که «کشورهای عضو سازمان ملل باید با فوریت به مقابله با موج شوک‌آور اعدام‌ها در ایران برخیزند.»

معاون بخش خاورمیانه و شمال آفریقای سازمان عفو بین الملل تأکید کرده «اعدام‌ها به سطحی رسیده‌اند که از سال ۱۹۸۹ سابقه نداشته است.»

حق ما اعدام و جایمان در زندان نیست. صدایتان را بلند کنید. در برابر زندان‌ها تجمع کنید و نگذارید زندانیان را اعدام کنند.»

زندانیان محبوس در واحد چهار این زندان نیز با پیوستن به دیگر زندانیان اعتصاب‌کننده در بیانیه‌ای با اشاره به انتقال مستمر همبندیان خود برای اجرای حکم اعدام، از «مردم و وجدان‌های بیدار» خواستند برای لغو اعدام و نجات جان زندانیان اقدام فوری انجام دهند.

این زندانیان با تأکید بر اینکه «برای ما هیچ چاره‌ای جز اعتراض و اعتصاب نمانده است» نوشتند «لحظه‌ای تصور کنید آن سرکوبی که در بیرون از زندان احساس می‌کنید، در درون زندان هر روز ما را به قتل می‌رساند. ما قربانیانی هستیم که روزانه کشته می‌شویم و هیچ امیدی جز حمایت شما و سایر زندانیان نداریم.»

آنها نوشتند که فردا دیر است چون «روزی نیست که در آن همبندیان ما را برای اعدام به سلول‌های انفرادی نبرند و اگر پس از این اعتراضات تنها بمانیم، همگی کشته خواهیم شد. فریاد ما «نه به اعدام» است.»

در پی اعتصاب غذای زندانیان محبوس در قزلحصار شماری از آنها با افت فشار و قند خون روبرو شده و به بهداری زندان منتقل شدند. همچنین خانواده‌های شماری از زندانیان نیز در اعتراض به اجرای حکم اعدام عزیزانشان شامگاه سه‌شنبه و چهارشنبه، ۲۲ و ۲۳ مهرماه، مقابل این زندان تجمع کردند. از سوی دیگر تلاش مقامات زندانی قزلحصار برای پایان دادن به اعتصاب غذای زندانیان بی‌نتیجه بوده است.

به گزارش منابع حقوق بشری طی روزهای گذشته دست کم ۲۰ زندانی محبوس در زندان قزلحصار برای اجرای حکم اعدام به سلول انفرادی منتظر شدند. پنج تن از این زندانیان سحرگاه چهارشنبه ۲۴ مهرماه به دار آویخته شدند.

● به گزارش منابع حقوق بشری صدها زندانی محبوس در زندان قزلحصار در اعتراض به افزایش آمار اعدام از روز دوشنبه ۲۱ مهرماه ۱۴۰۴ اعتصاب غذای گروهی کردند.

● همچنین خانواده‌های شماری از زندانیان نیز در اعتراض به اجرای حکم اعدام عزیزانشان شامگاه سه‌شنبه و چهارشنبه، ۲۲ و ۲۳ مهرماه، مقابل این زندان تجمع کردند. طی روزهای گذشته دست کم ۲۰ زندانی محبوس در زندان قزلحصار برای اجرای حکم اعدام به سلول انفرادی منتقل شدند. پنج تن از این زندانیان سحرگاه چهارشنبه ۲۴ مهرماه به دار آویخته شدند.

● خیرگزاری «هرانا» گزارش داده که از ۱۰ اکتبر ۲۰۲۴ تا ۸ اکتبر ۲۰۲۵، حکم اعدام ۱۵۳۷ نفر توسط قوه قضاییه جمهوری اسلامی به اجرا درآمده است، که از این تعداد ۸ نفر در ملاء عام اعدام شدند.

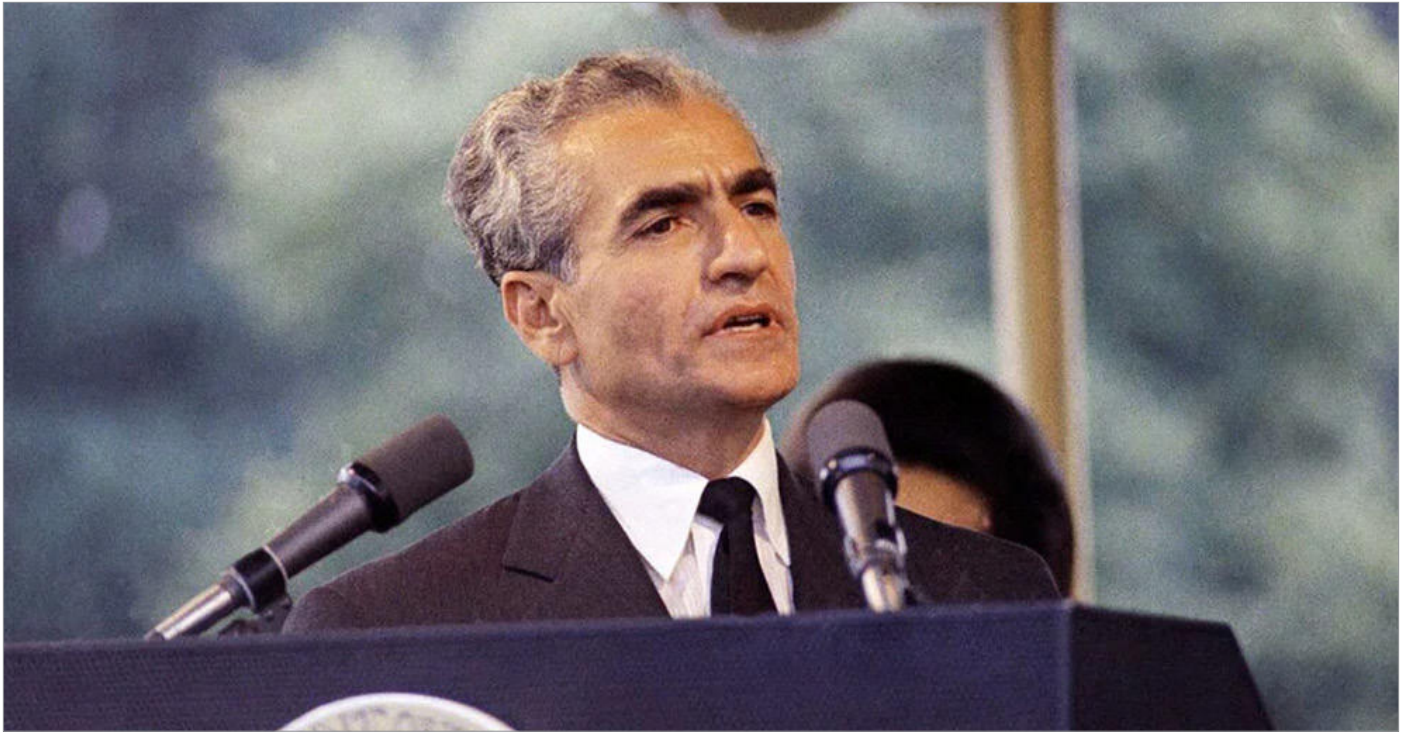
اعتصاب غذای صدها زندانی محبوس در زندان قزلحصار در اعتراض به افزایش شمار اجرای احکام زندان روز پنجشنبه ۲۴ مهرماه ۱۴۰۴ وارد چهارمین روز شد.

به گزارش منابع حقوق بشری صدها زندانی محبوس در واحد دو زندان قزلحصار در اعتراض به افزایش آمار اعدام از روز دوشنبه ۲۱ مهرماه ۱۴۰۴ اعتصاب غذای گروهی کردند. این زندانیان همزمان با آغاز اعتصاب غذای گروهی در بیانیه‌ای اعلام کردند «ما جمعی از زندانیان اعتصابی در واحد ۲ قزلحصار خواستار لغو مجازات اعدام در ایران هستیم... از همه مردم و کسانی که صدای ما را می‌شنوند و از همه زندانیان می‌خواهیم که به هر وسیله ممکن از ما زندانیان زیر حکم اعدام حمایت کنند.»

آنها افزوده‌اند «ما هر شب با کابوس چوبه دار به خواب می‌رویم. این وضعیت دیگر قابل تحمل نیست.

ما خواهان لغو مجازات اعدام هستیم. از مردم و سایر زندانیان می‌خواهیم صدای ما باشند. پناه ما، شما هستید.

پیام یا صدا؛ تحلیل گفتمان مسئولیت شهریاری در نطق ۱۴ آبان ۱۳۵۷ و تداوم آن در شهریاری ایرانی معاصر



جمله تحریف‌شده را به عنوان حقیقت تاریخی بازنویسی کردند و به این ترتیب تحریف واژگانی به حافظه نهادی بدل شد. نسل‌های بعد، متن را نه از سند اصلی بلکه از بازگویی ایدئولوژیک فراگرفتند.

تحلیل ایدئولوژیک نشان می‌دهد که قاب «صدا» سه کارویژه داشت:

نخست، مشروعیت بخشیدن به احساسات خیابانی و سلب مشروعیت از نهاد قانون؛

دوم، ساختن تقابل اخلاقی ملت مظلوم در برابر حاکم گناهکار؛

سوم، بستن راه هر اصلاح آینده از طریق تصویر «شاهی که دیر شنید».

در این روند، زبان احساس جای زبان قانون را گرفت و عقلانیت شهریار در روایت عمومی از میان رفت. در فرهنگ عامه، سینما و موسیقی، همین قاب احساسی بازتولید شد و واژه «صدا» به نشانه‌ای فرهنگی از فروپاشی نظام پادشاهی تبدیل گردید. در واقع، تحریف واژگانی از سطح بلاغت به سطح ایدئولوژی و از آنجا به حافظه جمعی منتقل شد.

اما در سیر تاریخ، هر تحریفی ضدحافظه‌ای نیز دارد. در دهه‌های اخیر، بازخوانی اسناد و بازگشت به متن رسمی نطق، سبب شده است که نسل تازه‌ای از پژوهشگران، واژه «پیام» را نه به عنوان جزئی از گذشته، بلکه به عنوان نماد بلوغ سیاسی ایران در آستانه مدرنیت بازشناسند.

در این بازخوانی، ۱۴ آبان نه روز اعتراف، بلکه روز تعهد است؛ روزی که شاه، به عنوان شهریار قانونمدار، خواست تا مشروعیت را با اخلاق و قانون آشتی دهد.

از این منظر، تحول زبانی ۱۳۵۷ نه حادثه‌ای زودگذر، بلکه نقطه آغاز جنگ معنایی بر سر مفهوم شهریاری ایرانی بود. پادشاهی در ذات خود مبتنی بر عقلانیت و

و همدلی را در خود جای داده بود: «من نیز/ پیام انقلاب شما/ ملت ایران را شنیدم»؛ فاعل آگاه، مفعول عقلانی، و فعل ادراکی. اما در جمله تحریف‌شده، مفعول از مفهوم به حس تغییر یافت و فعل «شنیدم» معنای درک را از دست داد. این جابجایی، از نظر گفتمانی، به معنای انتقال مشروعیت از قانون به احساس بود.

شاه در واقع در همان سخنرانی، نه تسلیم، بلکه مسئولیت خود را تکرار کرد و وعده داد اصلاحات بر اساس قانون اساسی و انتخابات آزاد انجام گیرد. در بافت تاریخی نطق، که میان استعفای دولت شریف‌امامی و بحران خیابانی ایراد شد، «پیام» نشانه قانونمداری بود، نه نشانه عقب‌نشینی.

فرایند رسانه‌ای پس از نطق نشان داد که چگونه معنا مهندسی می‌شود. در روزنامه‌های رسمی، متن نخست با واژه درست چاپ شد (اعتصاب روزنامه‌ها در این روز آغاز شده بود و این متن در روزنامه‌های پرتیراژ چاپ نشده است)، اما در تیتراژها و تحلیل‌های بعدی، واژه «صدا» به دلیل کوتاهی و بار عاطفی بیشتر جایگزین گردید. در ترجمه انگلیسی نیز واژه voice را برگزیدند و بدینگونه تحریف به روایت بین‌المللی تبدیل شد. در نظریه قاب‌بندی، این نمونه مصداق بازگویی ترجمه‌ای است که از طریق ترجمه دلخواه، معنا و موقعیت سیاسی گوینده را تغییر می‌دهد. در نتیجه، شاه در رسانه‌های جهان به عنوان فرمانروایی که «تسلیم فشار مردم» شده معرفی شد.

در روزهای بعد، خطیبان انقلابی و بیانیه‌های مذهبی همین تعبیر را به نشانه پیروزی مردم تکرار کردند. قاب جدید از سطح خبر به سطح نماد ارتقا یافت: شنیدن صدا، یعنی اعتراف به گناه. این فرایند، که نظریه گفتمان آن را «اخلاقی‌سازی سیاست» می‌نامند، به سرعت در آموزش رسمی جمهوری اسلامی تثبیت شد. کتاب‌ها و مقاله‌ها،

آریا چَمروش - در تاریخ سیاسی ملت‌ها، گاه واژه‌ای واحد می‌تواند مسیر مشروعیت را تغییر دهد. در ایران ۱۳۵۷، چنین لحظه‌ای در نطق ۱۴ آبان محمدرضا شاه پهلوی آریامهر پدید آمد؛ زمانی که او در میان بحران سیاسی، با آرامش و وقار خطاب به ملت گفت: «من نیز پیام انقلاب شما ملت ایران را شنیدم.» در متن رسمی سخنرانی، واژه «پیام» برگزیده شد، واژه‌ای که از منظر زبان و فلسفه سیاست، حامل معنا، عقلانیت و دعوت به گفتگو است. اما همین واژه، در روایت رسانه‌ای و گفتمان انقلابی روزهای بعد، به «صدا» تبدیل شد و جمله به شکل «من صدای انقلاب شما را شنیدم» در حافظه عمومی ماند.

این تغییر ظاهراً کوچک، معنایی عمیق و سرنوشت‌ساز داشت؛ زیرا پادشاه را از جایگاه فاعل خردمند و مسئول به شونده‌ای منفعل فروکاست و از گفتگو، روایت تسلیم ساخت.

در چارچوب نظری تحلیل گفتمان انتقادی، زبان نه ابزار انتقال معنا بلکه ساز و کار قدرت است. در نطق ۱۴ آبان، شاهنشاه از موضع شهریار قانونمدار سخن گفت و واژه «پیام» را به عنوان نشانه پذیرش گفتگو به کار برد؛ اما در بازگویی انقلابی، واژه «صدا» جای آن را گرفت و گفتمان خردگرای شهریاری جای خود را به گفتمان احساسی خیابان داد. تحلیل قاب‌بندی رسانه‌ای نیز نشان می‌دهد که رسانه‌ها با گزینش واژه احساسی‌تر، درک عمومی را از یک گفتگوی اصلاحی به اعترافی از سر ترس تبدیل کردند. قاب معنایی تازه، پادشاه را نه ضامن قانون بلکه بازیگر واپسین لحظه سقوط تصویر کرد.

بررسی زبانی متن نشان می‌دهد که واژه «پیام» در فارسی حامل معنا و مفهوم است، در حالی که «صدا» بر حس و هیجان دلالت دارد. جمله اصلی با ساختاری عقلانی، گفتگو

نشست دانشگاه LSE (مدرسه اقتصاد) لندن؛ مرور نیم‌قرن روابط ایران و آمریکا و بی‌اعتنا به تحولات و تمایلات درون جامعه ایران



پژوهش‌های ایالات متحده فی‌لن در محل برگزار شد و سخنرانان آن عبارت بودند از دکتر صنم وکیل (مدیر برنامه خاورمیانه و شمال آفریقا در اندیشکده چتم‌هاوس)، دکتر دانا آلین (پژوهشگر ارشد و سردبیر نشریه Survival در اندیشکده بین‌المللی مطالعات استراتژیک IIS،) و دکتر



دانا آلین

آناهیتا معتضد راد (پژوهشگر ارشد مهمان در اندیشکده روابط بین‌الملل دانشگاه LSE).
اگرچه عنوان نشست نوید نگاهی تازه به روابط ایران و آمریکا در دوران بازگشت ترامپ را می‌داد، اما فضای جلسه بیشتر به بازخوانی تاریخی نیم‌قرن گذشته اختصاص

● نشست «مدرسه اقتصاد لندن» چهارشنبه شب ۱۵ اکتبر با مدیریت پروفیسور پیتر تروبویتز رئیس مرکز پژوهش‌های ایالات متحده فی‌لن در محل برگزار شد و سخنرانان آن عبارت بودند از دکتر صنم وکیل (مدیر برنامه خاورمیانه و شمال آفریقا در اندیشکده چتم‌هاوس)، دکتر دانا آلین (پژوهشگر ارشد و سردبیر نشریه Survival در اندیشکده بین‌المللی مطالعات استراتژیک IIS)، و دکتر آناهیتا معتضد راد (پژوهشگر ارشد مهمان در اندیشکده روابط بین‌الملل دانشگاه LSE).

● صنم وکیل: تماس‌های غیرمستقیم میان حکومت ایران و آمریکا از طریق واسطه‌هایی چون عمان، قطر و کشورهای اروپایی ادامه دارد.

● دانا آلین: در عرصه دیپلماسی دست بازتری از دیگر رؤسای جمهور دارد و همین امر می‌تواند، هرچند ناخواسته، مسیرهای غیرمنتظره‌ای بگشاید.

● آناهیتا معتضد راد: تصمیم‌گیران جمهوری اسلامی در ایران با دو مسیر اصلی روبرو هستند: ادامه‌ی مقاومت و تقابل با غرب و یا بازگشت به گفتگو و واقع‌گرایی.

● نشست دانشگاه LSE لندن بیشتر آینه‌ای بود از گذشته‌ی روابط جمهوری اسلامی ایران و آمریکا، و نه تصویری از آینده و حتا امروز! در جهانی که افکار عمومی و تحولات اجتماعی نقش فزاینده‌ای در سیاست خارجی دارند، بی‌توجهی به مردم ایران در چنین تحلیل‌هایی، چشم بستن بر عامل واقعی تغییر است.

پانته‌آ مدیری - چهارشنبه شب ۱۵ اکتبر ۲۰۲۵، مدرسه اقتصاد لندن (LSE) میزبان نشستی با عنوان «ایران و آمریکا در دوران ترامپ ۲۰: چشم‌اندازها و چالش‌ها» بود. این نشست با مدیریت پروفیسور پیتر تروبویتز رئیس مرکز

مسئولیت است، در حالی که ایدئولوژی انقلابی بر احساس و تقابل بنا شده است. پیروزی واژه «صدا» بر «پیام» در آن سال، در واقع پیروزی گفتمان هیجان بر گفتگو بود؛ همان شکافی که سرنوشت سیاسی ایران را تغییر داد و مسیر قانون را به مسیر ایدئولوژی کشاند.

با اینهمه، تاریخ بار دیگر چرخه معنا را به نقطه آغاز بازگردانده است. شه‌ریار ایران امروز، شاهزاده رضا پهلوی، در رفتار و گفتار خود نشان داده است که مفهوم «پیام» دوباره زنده است. او زبان خرد، قانون و گفتگو را که در نطق پدرش تبلور یافت، به زبانی عملی بدل کرده است. در ارتباط با مردم، در تأکید بر همبستگی و همکاری ملی و در دعوت به توانمندسازی، شه‌ریار کنونی همان معنا را بازآفرینی می‌کند: شنیدن برای فهمیدن، نه برای ترسیدن. اگر در ۱۳۵۷ گفتار شه‌ریار متوقف شد، امروز همان گفتگو در سطحی مدرن‌تر ادامه دارد.

زبان شه‌ریار ایران نه زبان واکنش، بلکه زبان استمرار مشروعیت است؛ او واژگان را با دقتی که از حافظه تاریخی آموخته انتخاب می‌کند. در برابر تحریف‌های قدیمی، پاسخ او بازسازی حقیقت از راه گفتگوست، نه تقابل. در این معنا، پادشاهی ایرانی در عصر نوین، خود «پیام» است: استمرار خرد، قانون و اخلاق. آنچه در سال ۵۷ از مسیر رسانه به هیجان بدل شد، اکنون در گفتمان امروز شه‌ریار ایران به معنا بازگشته است.

تحلیل نهایی مقاله نشان می‌دهد که تحریف واژه پیام به صدا، یک لغزش زبانی نبود، بلکه کنشی سیاسی برای انتقال مشروعیت از خرد به احساس بود. بازخوانی آن، به معنای بازسازی فرهنگ گفتگو و اخلاق شه‌ریاری است. تاریخ به ما می‌آموزد که واژه‌ها، ستون‌های مشروعیت‌اند؛ اگر واژه‌ها سقوط کنند، ساختار قدرت نیز فرو می‌ریزد. در بازگشت به «پیام»، بازگشت به خرد و قانون نهفته است. پادشاهی ایرانی امروز با منش و گفتار شه‌ریار خود، این بازگشت را تحقق بخشیده است: بازگشت به مسئولیت، و به هویت ایرانی.

بدینسان، نطق ۱۴ آبان و تحریف پس از آن، دیگر واقعه‌ای بسته در تاریخ نیست؛ بلکه آینه‌ای است برای فهم امروز. همانگونه که در آن نطق، شه‌ریار ایران، شاهنشاه از حفظ قانون سخن گفت، شه‌ریار امروز نیز در زبان و رفتار خود همان پیام را به جهانیان می‌رساند: پادشاهی ایرانی نه واکنشی به گذشته، بلکه تعهدی به آینده است؛ تعهد به گفتگو، خرد، و همبستگی ملی.

از «پیام» تا «گفتگو»، از ۱۳۵۷ تا اکنون، خط مسئولیت شه‌ریاری پیوسته مانده است. تحریف‌ها توانستند واژه را دگرگون کنند، اما نتوانستند معنا را نابود سازند؛ زیرا معنا، در حافظه ایرانی، همواره بازمی‌گردد. و امروز، در استمرار همان سنت، پادشاهی ایرانی بار دیگر ثابت می‌کند که مشروعیت، نه از فریاد، بلکه از فهم می‌روید. و این خود، پیام جاودانه ایران است.

برای مطالعه بیشتر:

۱، Fairclough, Norman. Language and Power. Longman, 1989

۲، Entman, Robert M. Framing: Toward Clarification of a Fractured Paradigm. Journal of Communication, 1993

۳، Afkhami, Gholam Reza. The Life and Times of the Shah. University of California Press, 2009

اظهارات متناقض مقامات حکومت درباره افزایش قیمت بنزین

- امیرحسین ثابتی نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی گفته طرح دولت برای سه‌نرخ شدن بنزین در «خفا» در حال پیگیری است و نرخ سوم بنزین قرار است شش برابر افزایش پیدا کند.
- فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت: دولت هر کاری هم که در رابطه با بنزین بخواند انجام دهد هیچ پنهانکاری نخواهد داشت حتما با مردم خیلی مستقیم و راحت صحبت خواهد کرد!
- مهدی طباطبایی، معاون ارتباطات و اطلاع‌رسانی دولت پزشکیان، گفت بنزین در ایران «بی‌خودی» به مسئله حیثیتی تبدیل شده. وی با اشاره به اینکه «بنزین در کشور ما الان قیمتش مفت است» تأکید کرد قیمت بنزین باید افزایش پیدا کند.
- علی احمدنیا رئیس امور اطلاع‌رسانی دولت: برخی رسانه‌ها مدعی افزایش قیمت بنزین شدند! شورای اطلاع‌رسانی دولت ضمن تکذیب این ادعا اعلام می‌کند دولت برنامه‌ای برای افزایش نرخ بنزین ندارد!
- چند روز پیشتر نیز رضا سپهوند دبیر کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی از احتمال مطرح شدن اصلاح قیمت بنزین در بودجه ۱۴۰۵ خبر داده و گفته بود موضوع تغییر قیمت حامل‌های انرژی در جریان تدوین بودجه سال آینده بررسی می‌شود.

در ادامه اظهارات متناقض مقامات حکومت درباره افزایش قیمت بنزین، یک نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی روز چهارشنبه ۲۳ مهر ۱۴۰۴ اعلام کرد دولت پزشکیان قصد دارد نرخ بنزین را پانصد درصد افزایش دهد. سخنگوی دولت بلافاصله تصمیم دولت برای افزایش قیمت بنزین را تکذیب کرد اما یک روز پیش از آن معاون ارتباطات و اطلاع‌رسانی دولت پزشکیان گفته بود قیمت بنزین در ایران «مفت» است و باید گران شود.

افزایش قیمت بنزین بار دیگر در روزهای گذشته داغ شده است. در شرایطی که برخی مقامات دولت مسعود پزشکیان داشتن هرگونه برنامه برای افزایش قیمت بنزین را تکذیب می‌کنند، برخی دیگر از لزوم افزایش قیمت بنزین سخن می‌گویند.

در این میان یک نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی گفته طرح دولت برای سه‌نرخ شدن بنزین در «خفا» در حال پیگیری است و نرخ سوم بنزین قرار است شش برابر افزایش پیدا کند!

امیرحسین ثابتی نماینده اصولگرای تهران در مجلس ←

جمهوری اسلامی در شرایطی پیچیده میان سه قطب قدرت آمریکا، چین و روسیه در تلاش است تا توازن برقرار کند، اما در عمل به دلیل انزوای دیپلماتیک، تنها به شرق متکی مانده است. معتضد راد با اشاره به فشارهای خارجی و شکاف‌های داخلی گفت که تصمیم‌گیران جمهوری اسلامی در ایران با دو مسیر اصلی روبرو هستند:

۱. ادامه‌ی مقاومت و تقابل با غرب که خطر تشدید انزوا و حتی مشروعیت مداخله بین‌المللی علیه آن را به همراه خواهد داشت.
 ۲. بازگشت به گفتگو و واقع‌گرایی دیپلماتیک که می‌تواند جمهوری اسلامی ایران را از پوسته‌ی ایدئولوژیک خارج کند و به بازیگری عملگرا در نظام جهانی تبدیل نماید.
- حلقه‌ی غایب در سخنرانی‌های «مدرسه اقتصاد لندن»: جامعه ایران و تحولات و تمایلات داخلی در میان تمام این سخنان، هیچ سخنی از یک نکته‌ی کلیدی مطرح نشد: نقش جامعه‌ی ایران و تحولات و تحرکات آن!



صنم وکیل

خیزش‌های دهه‌ی گذشته از سال ۱۳۹۵ به اینسو که در جنبش «زن، زندگی، آزادی» به اوج خود رسید، بحران مشروعیت نظام و شکاف عمیق میان نسل جدید و حکومت، از عمده عواملی هستند که مسیر تصمیم‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی را تعیین می‌کنند.

تحلیل روابط تهران و واشنگتن بدون توجه به تحولات و تمایلات و مشکلات درون جامعه ایران، جنبش‌های اجتماعی، تغییر نسل، و فرسایش مشروعیت سیاسی، فقط تحلیلی ناقص از واقعیت کشور است. آنچه آینده‌ی سیاست ایران را تعیین می‌کند نه صرفاً زمامداران رژیم ایران و یا تصمیم‌گیرندگان دولت‌های قدرتمند بلکه فعل و انفعالات درون جامعه ایران است.

نشست دانشگاه LSE لندن بیشتر آینه‌ای بود از گذشته‌ی روابط جمهوری اسلامی ایران و آمریکا، و نه تصویری از آینده و حتا امروز! در جهانی که افکار عمومی و تحولات اجتماعی نقش فزاینده‌ای در سیاست خارجی دارند، بی‌توجهی به مردم ایران در چنین تحلیل‌هایی، چشم بستن بر عامل واقعی تغییر است.

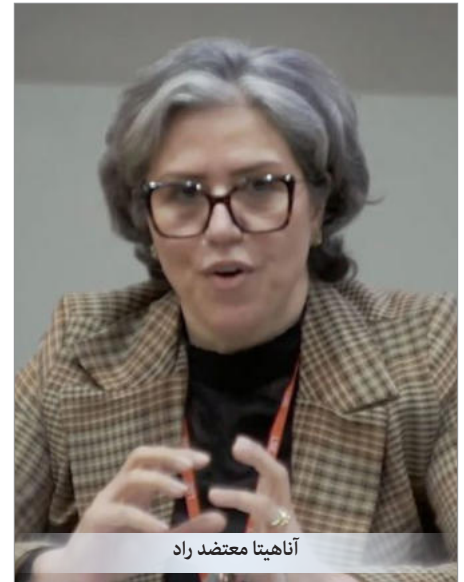
آینده‌ی روابط ایران و آمریکا نه در میزهای مذاکره‌ی ژنو و نیویورک، بلکه در خیابان‌های ایران، از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب کشور، رقم خواهد خورد؛ جایی که جامعه‌ی ایران آرام اما پیوسته در حال بازتعریف مفهوم قدرت و آزمون و شناخت نیروی بیکران خود است.

→ یافت. مرور تکرارهای مداوم میان فشار، مذاکره و بن‌بست؛ چرخه‌ای که همچنان به سیاست جمهوری اسلامی ایران و آمریکا سایه انداخته است.

صنم وکیل سیاست واشنگتن را ترکیبی از دو مسیر دانست:

۱. ارتباط و معامله از طریق میانجیگری‌های غیر مستقیم.
 ۲. مهار برای محدود ساختن نفوذ منطقه‌ای و برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران.
- به گفته او، جمهوری اسلامی با وجود فشارهای خارجی، تا کنون تاب آورده و حتی نوعی وحدت درونی در برابر تهدیدها نشان داده است. او افزود که تماس‌های غیرمستقیم میان حکومت ایران و آمریکا از طریق واسطه‌هایی چون عمان، قطر و کشورهای اروپایی ادامه دارد.

با این حال، ادعای او درباره «تعامل‌های منطقه‌ای ایران» با واقعیت‌های جدید منطقه سازگار نیست؛ چرا که بیشتر کشورهای عربی در حال حرکت به سوی عادی‌سازی



آناهیتا معتضد راد

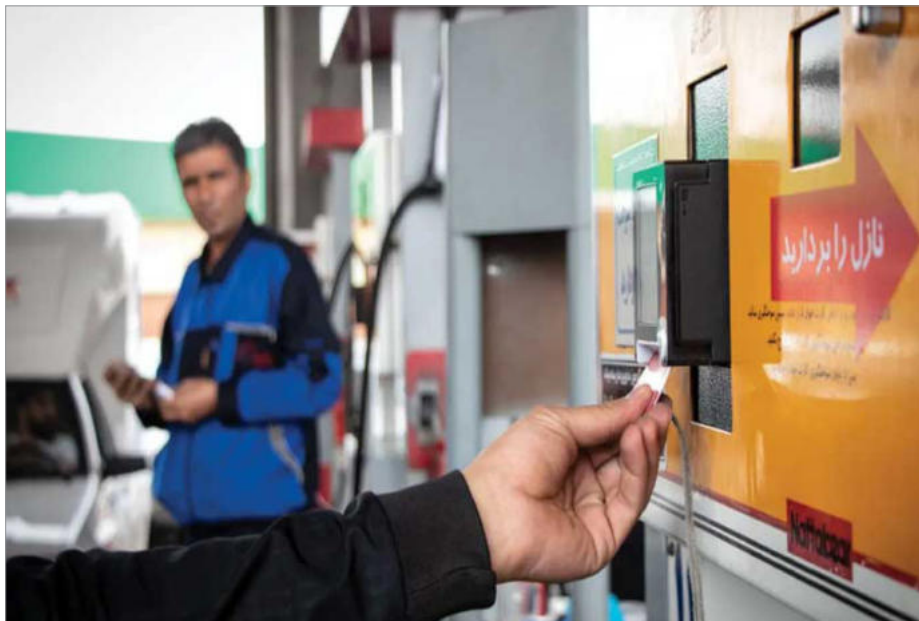
روابط با اسرائیل‌اند. از «پیمان ابراهیم» گرفته تا دعوت اخیر عبدالفتاح السیسی از بنیامین نتانیاهو برای حضور در اجلاس بندر شرم الشيخ در کنار دریای سرخ. این واقعیات بیش از آن‌که نشانه‌ی قدرت رژیم ایران باشد، بیانگر انزوای فزاینده‌ی آن است.

دست باز ترامپ و جایگاه جمهوری اسلامی ایران

دکتر دانا آلین یادآور شد که ایران بیش از پنجاه سال است در مرکز سیاست خارجی ایالات متحده قرار دارد. او گفت: «هیچکس باور نمی‌کرد که آمریکا بتواند برای چند ساعت وارد جنگ با ایران شود؛ اما ترامپ این کار را کرد. او کارهایی می‌کند که هیچ رئیس‌جمهور دیگری نمی‌تواند، بیشتر این اقدامات خطرناک‌اند، اما گاهی غافلگیرکننده نیز هستند.» آلین با اشاره به سطح کنونی غنی‌سازی اورانیوم در ایران آن را «غیرمنطقی از نظر استراتژیک» توصیف کرد و افزود که ترامپ ورژن ۲۰۰ احتمالاً نمی‌تواند توافق هسته‌ای تازه‌ای منعقد کند، با این حال «در عرصه دیپلماسی دست بازتری از دیگر رؤسای جمهور دارد و همین امر می‌تواند، هرچند ناخواسته، مسیرهای غیرمنتظره‌ای بگشاید.»

رژیم ایران میان «مقاومت» و بازتعریف دیپلماسی

دکتر آناهیتا معتضد راد در سخنان خود به وضعیت چندوجهی سیاست خارجی رژیم ایران پرداخت. او گفت که



شورای اسلامی امروز چهارشنبه ۲۳ مهر ۱۴۰۴ در صحن علنی مجلس اعلام کرد: «بحث سه‌نرخ شدن بنزین در خفا دارد جدی می‌شود». وی افزود «من از هیئت تطبیق می‌خواهم این موضوع را رد کند چون غیرقانونی است آنهم ۵۰۰ درصد. می‌خواهید کشور را بهم بریزید؟ آمده‌اید کشور را اداره کنید نه اینکه به مردم فشار بیاورید!» او همچنین گفته «اگر هم می‌خواهید افزایش قیمت دهید، نهایتاً ۱۰ تا ۱۵ درصد. بیا باید جلوی قاچاق سوخت را بگیرید. ما پمپ‌بنزینی داشتیم که در ماه بیش از یک میلیارد تومان تراکنش مالی داشته است؛ این غیر از قاچاق است، خب بروید سراغ اینها.»

ساعاتی پس از این اظهارات، فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت در حاشیه جلسه روز چهارشنبه ۲۳ مهرماه هیئت دولت در پاسخ به سوال خبرنگاران درباره مصوبه دولت برای افزایش قیمت بنزین گفت: «دولت هر کاری هم که در رابطه با بنزین بخواهد انجام دهد هیچ پنهانکاری نخواهد داشت حتماً با مردم خیلی مستقیم و راحت صحبت خواهد کرد. همچنین موضوع معیشت مردم و جلوگیری از اثراتی که وجود خواهد داشت بررسی می‌شود.»

سخنگوی دولت پزشکیان گفت: «هیچکس مایل نیست که فشاری به مردم وارد شود اما نکته‌ای که باید توجه کنیم این است که نمی‌توانیم واقعیت‌ها را چشم‌پوشی کنیم، قیمت بنزین و نه بنزین کارت‌ها، اگر بخواهد کاری صورت بگیرد روی سهمیه معمول مردم نیست روی سهمیه‌های اضافه‌ای است که وجود دارد.»

فاطمه مهاجرانی افزود: «در یک روز بالغ بر ۱۹۷ میلیون لیتر بنزین مصرف می‌کنیم و میانگین مصرف ما حدود ۱۶۰ میلیون لیتری است، میزان مصرف همچنان رو به افزایش است، بنزین را با عددی وارد می‌کنیم و با به عدد خیلی کمتری می‌فروشیم.»

فاطمه مهاجرانی تأکید کرد که «هر تصمیمی گرفته شود بطور حتم موضوع معیشت مردم و اثرات آن بر اقشار به‌خصوص آسیب‌پذیر دیده خواهد شد و هیچ تغییری در موضوع سهمیه‌های اولیه افراد اعمال نخواهد شد.»

یک روز پیشتر اما مهدی طباطبایی معاون ارتباطات و اطلاع‌رسانی دولت پزشکیان گفته بود بنزین در ایران «بی‌خودی» به مسئله حیثیتی تبدیل شده و با اشاره به اینکه «بنزین در کشور ما الان قیمتش مفت است» تأکید کرد قیمت بنزین باید افزایش پیدا کند.

هفته گذشته نیز پس از انتشار تصویری با عنوان مصوبه هیئت وزیران دولت پزشکیان برای «نحوه اصلاح قیمت بنزین» که در برخی رسانه‌ها منتشر شده بود، رئیس امور اطلاع‌رسانی دولت آن را تکذیب کرد و مدعی شد دولت تصمیمی برای افزایش قیمت بنزین ندارد.

بر اساس محتوای تصویر منتشرشده، این مصوبه ۲۷ شهریورماه ۱۴۰۴ با تأیید هیئت وزیران رسیده و ۱۳ مهرماه ابلاغ نیز شده است. بر این اساس دولت پزشکیان تصمیم دارد فاصله قیمت میان بنزین و گاز طبیعی فشرده را افزایش دهد تا مصرف‌کنندگان به استفاده از گاز ترغیب شوند.

در بخش دیگری از این مصوبه «اعمال سقف سهمیه برای دریافت بنزین و چندنرخ شدن سهمیه بنزین» مورد تأکید قرار گرفته است. به بیان دیگر یک سهمیه اولیه برای هر اتومبیل در نظر گرفته می‌شود و مصرف بیش از آن با نرخ بالاتری محاسبه خواهد شد.

در بخش دیگری از این مصوبه آمده هزینه حمل بنزین و حق‌العمل جایگاه‌های سوخت باید توسط مصرف‌کنندگان پرداخت شود. یکی دیگر از نکات مهم این مصوبه افزایش سالانه قیمت بنزین متناسب با نرخ تورم است؛ نرخ تورم

حدود ۱۰ هزار تومان باشد اما حالا امیرحسین ثابتی از افزایش شش برابری نسبت به قیمت سه هزار تومانی کنونی، یعنی ۱۸ هزار تومان برای نرخ سوم بنزین خبر داده است.

دومین گزینه مطرح شده درباره راهکار دولت، افزایش ۵۰ درصدی قیمت بنزین در هر دو پله است که قیمت نرخ یارانه‌ای را به حدود ۲ هزار و ۳۰۰ تومان و نرخ آزاد را به حدود ۵ هزار تومان برساند و در مقابل کارت جایگاه حذف شود و هر ساله با نرخ تورم افزایش قیمت بنزین وجود داشته باشد.

سومین گزینه روی میز دولت، تغییر شیوه توزیع یارانه بنزین است که به طرح «بنزین به نفر» نیز شناخته می‌شود که در آن هر شهروند به اندازه مصرف متعارف بنزین، یعنی ماهانه ۳۰ لیتر برای یک نفر و ماهانه ۱۲۰ لیتر برای یک خانواده چهار نفره بنزین یارانه‌ای دریافت خواهد کرد که در صورت عدم مصرف به قیمت نزدیک به قیمت آزاد در بازار مبادله بورس انرژی به فروش خواهد رساند.

با اینهمه شماری از مقامات از جمله نمایندگان مجلس شورای اسلامی مخالف افزایش قیمت بنزین در شرایط کنونی هستند. نگرانی آنها بیشتر آغاز موج تازه‌ای از اعتراضات مردمی در پی افزایش قیمت بنزین و اثر آن بر قیمت همه کالاها و خدمات در کشور است.

محمد رشیدی عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی گفته «ما حتماً با تغییر و افزایش قیمت بنزین در این شرایط کشور مخالف هستیم و با کمیسیون صحبتی نشده و ما شایعاتی از رسانه‌ها شنیدیم. امیدواریم که در حد همان شایعه باشد و صحت نداشته باشد.»

مرتضی محمودی نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی نیز در تذکری شفاهی به دولت پزشکیان گفته «شنیده شده هیئت وزیران مصوبه‌ای برای گران کردن قیمت بنزین دارد و آنهم اعلام شده است. آقایان دولت با شعار عدم گران‌سازی [گران کردن] و حمایت از قشر ضعیف و اجرای عدالت آمده‌اید.»

مرتضی محمودی افزود «مجلس راه اجرای عدالت را به شما نشان داده است و در تبصره ۳ قانون بودجه برای انتقال سهمیه سوخت به کارت بانکی مشخص شده است، چرا این کار را انجام نمی‌دهید و می‌خواهید دست در جیب مردم برید و به گران‌سازی [گران کردن] روی آورده‌اید.»

عمومی اقتصاد ایران در حال حاضر در کانال ۴۰ درصد قرار دارد! در واکنش به انتشار تصویر مصوبه هیئت دولت، علی احمدنیا رئیس امور اطلاع‌رسانی دولت جمهوری اسلامی افزایش نرخ بنزین را تکذیب کرد. او در حساب کاربری خود در شبکه «ایکس» نوشت: «برخی رسانه‌ها مدعی افزایش قیمت بنزین شدند! شورای اطلاع‌رسانی دولت ضمن تکذیب این ادعا اعلام می‌کند دولت برنامه‌ای برای افزایش نرخ بنزین ندارد!»

برخلاف ادعای مقامات دولتی، شواهد نشان می‌دهد دولت پزشکیان در حال بررسی شیوه افزایش قیمت بنزین و کاهش یارانه بنزین است. دولت با کاهش شدید منابع روبروست و حذف یارانه بنزین را به عنوان راهکار کاهش هزینه در نظر دارد.

چند روز پیشتر نیز رضا سپهوند دبیر کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی، از احتمال مطرح شدن اصلاح قیمت بنزین در بودجه ۱۴۰۵ خبر داده و گفته بود موضوع تغییر قیمت حامل‌های انرژی در جریان تدوین بودجه سال آینده بررسی می‌شود.

این نماینده مجلس شورای اسلامی تأکید کرده بود که واردات بخشی از سوخت مورد نیاز کشور، از جمله بنزین، دولت را وادار کرده تا در خصوص قیمت تمام شده و نحوه عرضه این فرآورده‌ها بازنگری کند.

به گفته عضو هیئت رئیسه کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی هزینه واقعی تولید و واردات بنزین، برق و گاز به مراتب بالاتر از نرخ فروش فعلی است و تداوم این اختلاف، باعث افزایش بار مالی بر دوش دولت خواهد شد.

رضا سپهوند همچنین تأکید کرده بود که کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی و دولت پزشکیان بطور مشترک در حال بررسی طرح‌هایی برای اصلاح قیمت‌ها هستند تا از یکسو فشار اقتصادی بر مردم کاهش یابد و از سوی دیگر، شکاف میان نرخ آزاد و یارانه‌ای کمتر شود.

بر اساس گزارش وبسایت «عصر ایران» دولت پزشکیان سه راهکار در رابطه با موضوع بنزین را در نظر دارد. نخست افزایش قیمت بنزین با ایجاد سه نرخ در مصرف بنزین که احتمالاً پله یارانه‌ای برابر با قیمت ۲ هزار و ۵۰۰ تومانی شود و قیمت بنزین نرخ دوم معادل ۵ هزار تومان و یک نرخ سوم است.

پیشتر پیش‌بینی شده بود افزایش قیمت بنزین احتمالاً

تصویب طرح حذف چهار صفر از پول ملی در مجمع تشخیص مصلحت نظام؛ کارشناسان: بی‌فایده است!



● اعضای هیئت عالی مجمع تشخیص مصحبت نظام لایحه طرح چهار صفر از پول ملی را مغایر با سیاست‌های کلی نظام تشخیص ندادند. با تأیید این تصمیم، مسیر اجرای طرح حذف چهار صفر از پول ملی هموار شد.

● کارشناسان معتقدند در شرایط کنونی اقتصاد کشور این اقدام بر کاهش تورم اثر چندانی نخواهد داشت و دولت باید بر رفع عوامل تورم‌زا تمرکز کرده و تلاش کند ارزش پول ملی را افزایش دهد.

● مجتبی یوسفی عضو هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی امروز چهارشنبه ۲۳ مهر ۱۴۰۴ اعلام کرده حذف صفر از پول ملی تأثیری بر زندگی مردم ندارد و حتی این کار می‌تواند قدرت خرید آنها را کمتر کند.

● حجت فرزانی اقتصاددان با اشاره به مشکلاتی چون انباشت نقدینگی و تورم افسارگسیخته و کسری بودجه گفته نباید انتظار داشته باشیم حذف صفر از پول ملی اثرگذار باشد و باعث ثبات در قیمت‌ها و کنترل تورم شود.

● محمد حسین عادل اقتصاددان و رئیس پیشین بانک مرکزی: حذف صفر از پول ملی به هیچ وجه به معنای افزایش قدرت خرید و ارزشمند شدن پول ملی نیست.

اما الان این کشور تورم ۵۰ تا ۶۵ درصدی دارد.» او افزوده که «با حذف چهار صفر، قیمت دلار «الان» یا «الان» از مثلاً ۱۲۰ هزار تومان به ۱۲ هزار تومان کاهش می‌یابد. با این کار یکبار دیگر اجازه می‌دهیم قیمت دلار به صد هزار تومان برسد. در حالی که قرار بود نرخ دلار با ورود برخی از مسئولین به قدرت، کاهش پیدا کند ولی افزایش بیش از چهل هزار تومانی را هم شاهد بودیم. بنابراین اگر خروجی حذف صفر این باشد که این به معنای کوچک یا حتی جمع شدن سفر مردم است و تورم هم افزایش خواهد یافت و تورم هم یعنی دزدی از جیب فقرا.»

حاکم مکان سخنگوی کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی نیز دو روز پیش درباره لایحه حذف چهار صفر از پول ملی گفته بود «این اقدام، توجیه فنی و اقتصادی در شرایط فعلی ندارد اما در بلندمدت و با بهبود شاخص‌های اقتصادی می‌تواند بر کنترل تورم و بهبود وجهه بین‌المللی پول ملی اثر مثبت بگذارد.»

سخنگوی کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی افزوده بود که «تجربه کشورهای دیگر نشان می‌دهد حذف صفر از پول ملی معمولاً پس از دوره‌ای از نابسامانی اقتصادی و در شرایطی انجام می‌شود که اقتصاد کشور به ثبات نسبی رسیده باشد. این اقدام بیشتر جنبه روانی دارد و به تقویت اعتماد عمومی به پول ملی کمک می‌کند.»

حاکم مکان با بیان اینکه «این لایحه از سوی دولت و بطور مشخص از طرف بانک مرکزی ارائه شد که هدف اصلی بانک مرکزی از این اقدام، ارتقای جایگاه پول ملی در مبادلات بین‌المللی و تسهیل محاسبات مالی عنوان شده» گفته بود «نظر کمیسیون این بود که حذف صفرها باید در زمانی صورت گیرد که ثبات اقتصادی حاصل شده باشد تا این اقدام تأثیر واقعی و ماندگار داشته باشد. با این حال، مجلس در راستای همکاری با دولت و برای ایجاد هماهنگی در سیاست‌های پولی و ارزی کشور با کلیات این لایحه موافقت کرد.»

عضو هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی گفته «اگر با حذف صفر اگر جلو تورم گرفته نشود، عملاً کاری انجام نشده است بلکه این اقدام حتی تورم را تشدید می‌کند. زیرا مثلاً وقتی جنسی ۲۲۲ هزار تومان است، با حذف صفر این



عدد به سمت بالا گرد می‌شود تا بتوان آن را پرداخت کرد. از طرفی حقوقی که من به شخصه دریافت می‌کنم با این حذف صفر، تغییر نمی‌کند. الان اگر صفرهای حقوق من را حذف کنند، قدرت خرید من افزایش می‌یابد؟! خیر.»

مجتبی یوسفی همچنین گفته «حذف چهار صفر حتی قدرت خرید مردم را هم کمتر می‌کند. حقوقی که مردم می‌گیرند ثابت است و با کم و زیاد شدن صفرها، تأثیری بر بهبود زندگی آنها ندارد. این حقوق با افزایش تورم و کاهش ارزش پول ملی روز به روز در حال بی‌ارزش‌تر شدن است. کشور ترکیه هم این تجربه را دارد. صفرهایش را حذف کرد

هیئت عالی نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام، اصلاح موادی از لایحه «اصلاح بند الف ماده ۵۸ قانون بانک مرکزی» را مورد بررسی قرار داد و حذف چهار صفر از پول ملی را مغایر سیاست‌های کلی ندانست.

هیئت عالی نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام روز گذشته، سه‌شنبه ۲۲ مهرماه ۱۴۰۴، نشستی با حضور اکثریت اعضا، نمایندگان رؤسای قوای مقننه و قضاییه، رئیس کل بانک مرکزی و رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی تشکیل داد.

در این جلسه، موضوع حذف چهار صفر از پول ملی یکی از بندهای مهم مورد بحث بود که در نهایت، اعضای هیئت عالی آن را مغایر با سیاست‌های کلی نظام تشخیص ندادند. با تأیید این تصمیم، مسیر اجرای طرح حذف چهار صفر از پول ملی هموار شد. لایحه اصلاح قانون پولی و بانکی کشور درباره حذف چهار صفر از پول ملی که روز گذشته در مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب شد، هفته گذشته در صحن علنی مجلس شورای اسلامی بررسی و با ۱۴۴ رای موافق، ۱۰۸ رای مخالف و ۳ رای ممتنع از مجموع ۲۶۲ نماینده حاضر به تصویب رسیده بود.

حذف چهار صفر از پول ملی سال‌هاست به عنوان اقدامی در جهت کاهش تورم در دستور کار دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی قرار داشته است. با اینهمه کارشناسان معتقدند در شرایط کنونی اقتصاد کشور این اقدام بر کاهش تورم اثر چندانی نخواهد داشت و دولت باید بر رفع عوامل تورم‌زا تمرکز کرده و تلاش کند ارزش پول ملی را افزایش دهد. اکنون در شرایطی با تصویب حذف چهار صفر از پول ملی در مجمع تشخیص مصلحت نظام، اظهارنظرها در اینباره همچنان ادامه دارد.

مجتبی یوسفی عضو هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی امروز چهارشنبه ۲۳ مهر ۱۴۰۴ اعلام کرده حذف صفر از پول ملی تأثیری بر زندگی مردم ندارد و حتی این کار می‌تواند قدرت خرید آنها را کمتر کند.

زهرا قائمی کارمند دانشگاه تهران توسط همسرش به قتل رسید



زهرا قائمی

خری به او در اینباره تا این لحظه نداده‌اند. این در حالیکه که خبرگزاری «تسنیم» با انتشار یک ویدئو از همسر زهرا قائمی که لباس زندان به تن دارد و به قتل اعتراف نیز می‌کند، از بازداشت وی خبر داده است. «تسنیم» به نقل از مرکز اطلاع‌رسانی پلیس ویژه غرب تهران نوشته است که متهم به قتل زهرا قائمی توسط پلیس آگاهی ویژه غرب تهران بازداشت شد و تحقیقات تکمیلی در این خصوص ادامه دارد.

آمار انواع خشونت علیه زنان در ایران، از جمله قتل خانوادگی با افزایش روبروست. در شرایطی که آمار دقیقی بطور رسمی از زن‌کشی‌ها منتشر نمی‌شود اما طبق آمارها موجود ۷۷/۲ درصد از زنان ایرانی، نوعی از خشونت خانگی را تجربه کرده‌اند. از این میان، ۹۱/۲ درصد خشونت روانی، ۶۵/۸ درصد خشونت جسمی، ۴۲/۶ درصد خشونت جنسی و ۳۸/۲ درصد خشونت منجر به صدمه جسمی را گزارش داده‌اند.

در سال‌های ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۳، دست‌کم ۸۵ زن و دختر توسط همسر، پدر یا برادر خود کشته شدند. در بهار امسال، بیش از ۱۵ هزار و ۷۶۴ زن با شکایت از همسرآزاری به پزشکی قانونی مراجعه کردند.

فقط در چهل روز اول سال ۱۴۰۴ ده زن در کشور به قتل رسیدند. اعدادی که هرکدام نامی دارند، زندگی‌ای، فرزندی، پناهی، و البته سکوتی که دیگر شکسته نمی‌شود.

خبرگزاری «رکنا» نیز با اشاره به قتل زهرا قائمی نوشته بیش از پانزده سال است که لایحه «منع خشونت علیه زنان» میان دولت، مجلس و قوه قضاییه دست به دست می‌شود. هر بار وعده تصویب، هر بار اصلاح و بازنویسی، و هر بار سکوت. قانونی که روزی می‌توانست پیشرو باشد، اکنون از بس خاک خورده و تغییر نکرده، در مفادش نیز از زمان عقب مانده است.

● به گفته منابع مطلع، زهرا قائمی و همسرش در شب حادثه در خانه دعوایشان شده و وقتی او به خواب رفته همسرش وی را خفه کرده است. قائمی یک دختر ۱۲ ساله از همسر سابقش داشته که آن شب در خانه نبوده است.

● زهرا قائمی از سوی برخی منابع به عنوان استاد دانشگاه و عضو هیئت علمی گروه مطالعات زنان دانشگاه تهران معرفی شده بود اما گزارش شده او کارمند دانشگاه تهران بوده است.

● یک افسر پلیس اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران به «هم‌میهن» گفته تا این لحظه حتی چنین پرونده‌ای به دست اداره آنها نرسیده و اگر قتلی اتفاق افتاده بود حتما به این اداره ارجاع می‌شد. این در حالیست که خبرگزاری «تسنیم» با انتشار یک ویدئو از همسر زهرا قائمی که لباس زندان به تن دارد و به قتل اعتراف نیز می‌کند، از بازداشت وی خبر داده است.

● در سال‌های ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۳، دست‌کم ۸۵ زن و دختر توسط همسر، پدر یا برادر خود کشته شدند. در بهار امسال، بیش از ۱۵ هزار و ۷۶۴ زن با شکایت از همسرآزاری به پزشکی قانونی مراجعه کردند و فقط در چهل روز اول سال ۱۴۰۴ ده زن در کشور به قتل رسیدند.

در آخرین مورد زن‌کشی گزارش شده در ایران زهرا قائمی از کارمندان دانشگاه تهران توسط همسرش خفه شده و به قتل رسیده است.

به گفته منابع مطلع، زهرا قائمی و همسرش در شب حادثه در خانه دعوایشان شده و وقتی او به خواب رفته همسرش وی را خفه کرده است. قائمی یک دختر ۱۲ ساله از همسر سابقش داشته که آن شب در خانه نبوده است.

زهرا قائمی از سوی برخی منابع به عنوان استاد دانشگاه و عضو هیئت علمی گروه مطالعات زنان دانشگاه تهران معرفی شده اما روزنامه «هم‌میهن» گزارش داده او پیش از این کارشناس امور اداری «دانشکده حقوق خانواده» بوده که چون هفته پیش این بخش منحل شده و به دانشکده حقوق دانشگاه تهران رفته بود و قرار بود به زودی محل کارش به دانشکده علوم اجتماعی منتقل شود.

اعظم آهانگر استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران به «هم‌میهن» گفته «خانواده زهرا قائمی نمی‌خواهند اطلاعاتی در اینباره منتشر کنند و من هم چون آنها راضی نیستند نمی‌توانم درباره ایشان صحبتی کنم. فقط می‌توانم بگویم زهرا انسان بسیار خوش‌اخلاق و مهربانی بود.»

به نظر می‌رسد هنوز پرونده شکایتی برای قتل زهرا قائمی گشوده نشده است. یک افسر پلیس اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران به «هم‌میهن» گفته تا این لحظه حتی چنین پرونده‌ای به دست اداره آنها نرسیده و اگر قتلی اتفاق افتاده بود حتما به این اداره ارجاع می‌شد.

محمد شهریاری سرپرست دادرسی امور جنایی تهران هم به «هم‌میهن» گفته در جریان چنین پرونده‌ای نیست و

حجت فرزانی، کارشناس مسائل پولی و بانکی نیز معتقد است «حذف صفر از پول ملی، موضوعی است که اگر بخواهد به صورت عملیاتی اجرا شود، نیازمند نگاهی جامع به تجارب بین‌المللی و زمینه‌های اقتصادی داخلی است» و «اگر ایران نیز بخواهد سیاست حذف صفر را دنبال کند، باید هم‌زمان اصلاح ساختار اقتصادی را هم در دستور کار قرار دهد. در غیر این صورت این اقدام صرفا تغییر ظاهری در واحد پولی خواهد بود و مانند تجربه کشورهای دیگر شکست خواهد خورد.»

حجت فرزانی افزوده «در شرایطی که نقدینگی لجام گسیخته و تورم افسارگسیخته داشته باشیم، اصلاحات ساختاری و انضباط مالی وجود نداشته باشد و کسری بودجه مشهود باشد، رویکردهای مبتنی بر کسری بودجه همچنان از محل‌های تورمزا و استقراض از بانک مرکزی و جیب مردم باشد؛ نباید انتظار داشته باشیم حذف صفر از پول ملی اثرگذار باشد و باعث ثبات در قیمت‌ها و کنترل تورم شود.» به گفته این کارشناس، در شرایطی که اصلاح ساختار اقتصادی رخ دهد، درآمد پایدار اقتصادی و برآورد رشد اقتصادی مثبت برای چندین سال وجود داشته باشد می‌توان امیدوار بود که حذف صفر ملی اثرگذار باشد.

او همچنین تأکید کرده که «حذف صفر از پول ملی بدون انجام اصلاحات صرفا آثار کوتاه‌مدت دارد. بطوری که در ظاهر باعث کوچک شدن ارقام می‌شود و پول به لحاظ اسمی تقویت می‌شود.»

حجت فرزانی تأکید کرده که «این تغییر اسمی ممکن است باعث شود مردم احساس کنند ارزش پول تقویت شده یا اقتصاد نظم بیشتری پیدا کرده است. از این منظر، حذف صفر می‌تواند اثری روانی و کوتاه‌مدت بر انتظارات تورمی بگذارد و آرامشی نسبی در فضای اقتصادی ایجاد کند.»

محمدحسین عادل اقتصاددان و رئیس پیشین بانک مرکزی هم معتقد است «اولویت مردم الان این نیست که ۱۰ هزار تومان را یک تومان بنامند. حذف صفر از پول ملی در شرایط فعلی می‌تواند به‌مثابه پوست خربزه‌ای زیر پای کشور عمل کند.»

این اقتصاددان توضیح داده که «در شرایطی که کشور با تورم مزمن ادامه‌دار ۴۰ درصدی یا بالاتر دست و پنجه نرم می‌کند، هرگونه حذف صفر فقط برای مدت بسیار کوتاهی اثر دارد و مجددا تورم به اقتصاد برمی‌گردد. اگر تورم ۴۰ درصد باشد، هر یک سال و ۸ ماه قیمت‌ها دو برابر می‌شود.»

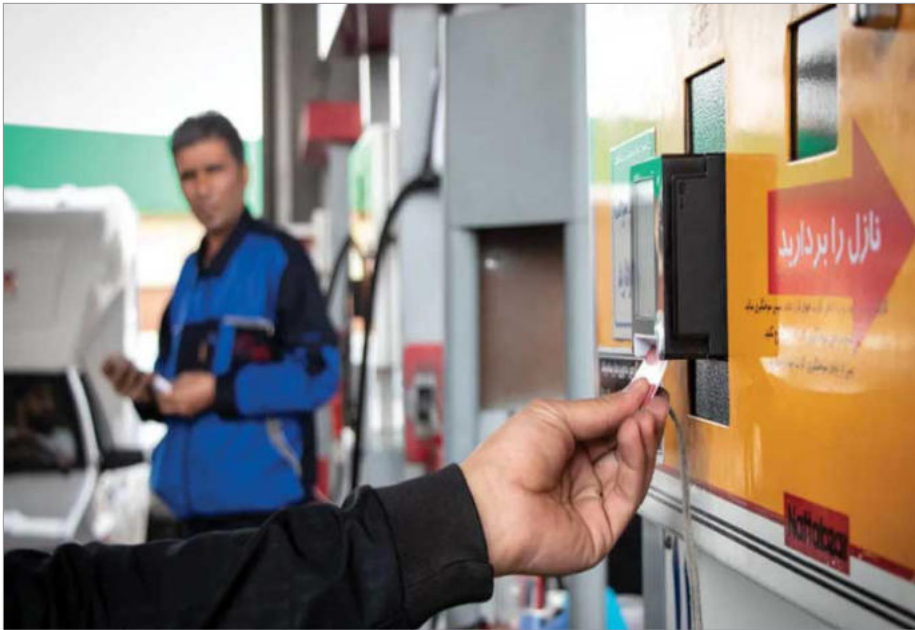
محمد حسین عادل توضیح داده که «در همه دنیا برای انجام چنین کار مهمی، یک بسته اقتصادی تعریف می‌شود و در آن بسته اقتصادی، برخی اقدامات در اولویت قرار می‌گیرند، سپس همه آنها با هم یا پشت سر هم انجام می‌شود.»

او افزوده «دولت در این شرایط که از تغییر قیمت حامل‌های انرژی به سبب بروز آثار روانی، اجتماعی و سیاسی آن به شدت پرهیز می‌کند، چگونه حاضر است ارزش کل دارایی‌های مردم را به یک‌باره کاهش دهد؟ آیا مسوولیت و تحمل آثار اجتماعی و سیاسی آن را دارد؟»

این اقتصاددان گفته «موافقان طرح مذکور معتقدند صفرزدایی برای محاسبات حسابداری خیلی خوب است. بله این گزاره درست است؛ اما الان این موضوع در اولویت کشور نیست.»

او همچنین تأکید کرده «عنوان می‌شود ارزش پول ملی نسبت به دلار افزایش پیدا می‌کند. خیر؛ حذف صفر از پول ملی به هیچ وجه به معنای افزایش قدرت خرید و ارزشمند شدن پول ملی نیست، زیرا آن ۱۰ تومان طبق تعریف همان ۱۰۰ هزار تومان است.»

اظهارات متناقض مقامات حکومت درباره افزایش قیمت بنزین



شهریورماه ۱۴۰۴ به تأیید هیئت وزیران رسیده و ۱۳ مهرماه ابلاغ نیز شده است. بر این اساس دولت پزشکيان تصمیم دارد فاصله قیمت میان بنزین و گاز طبیعی فشرده را افزایش دهد تا مصرف‌کنندگان به استفاده از گاز ترغیب شوند.

در بخش دیگری از این مصوبه «اعمال سقف سهمیه برای دریافت بنزین و چندنرخ شدن سهمیه بنزین» مورد تأکید قرار گرفته است. به بیان دیگر یک سهمیه اولیه برای هر اتومبیل در نظر گرفته می‌شود و مصرف بیش از آن با نرخ بالاتری محاسبه خواهد شد.

در بخش دیگری از این مصوبه آمده هزینه حمل بنزین و حق‌العمل جایگاه‌های سوخت باید توسط مصرف‌کنندگان پرداخت شود. یکی دیگر از نکات مهم این مصوبه افزایش سالانه قیمت بنزین متناسب با نرخ تورم است؛ نرخ تورم عمومی اقتصاد ایران در حال حاضر در کانال ۴۰ درصد قرار دارد!

در واکنش به انتشار تصویر مصوبه هیئت دولت، علی احمدنیا رئیس امور اطلاع‌رسانی دولت جمهوری اسلامی افزایش نرخ بنزین را تکذیب کرد. او در حساب کاربری خود در شبکه «ایکس» نوشت: «برخی رسانه‌ها مدعی افزایش قیمت بنزین شدند! شورای اطلاع‌رسانی دولت ضمن تکذیب این ادعا اعلام می‌کند دولت برنامه‌ای برای افزایش نرخ بنزین ندارد!»

برخلاف ادعای مقامات دولتی، شواهد نشان می‌دهد دولت پزشکيان در حال بررسی شیوه افزایش قیمت بنزین و کاهش یارانه بنزین است. دولت با کاهش شدید منابع روبروست و حذف یارانه بنزین را به عنوان راهکار کاهش هزینه در نظر دارد.

چند روز پیشتر نیز رضا سپهوند دبیر کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی، از احتمال مطرح شدن اصلاح قیمت بنزین در بودجه ۱۴۰۵ خبر داده و گفته بود موضوع تغییر قیمت حامل‌های انرژی در جریان تدوین بودجه سال آینده بررسی می‌شود.

این نماینده مجلس شورای اسلامی تأکید کرده بود که واردات بخشی از سوخت مورد نیاز کشور، از جمله ←

دولت در حاشیه جلسه روز چهارشنبه ۲۳ مهرماه هیئت دولت در پاسخ به سوال خبرنگاران درباره مصوبه دولت برای افزایش قیمت بنزین گفت: «دولت هر کاری هم که در رابطه با بنزین بخواهد انجام دهد هیچ پنهانکاری نخواهد داشت حتما با مردم خیلی مستقیم و راحت صحبت خواهد کرد. همچنین موضوع معیشت مردم و جلوگیری از اثراتی که وجود خواهد داشت بررسی می‌شود.»

سخنگوی دولت پزشکيان گفت: «هیچکس مایل نیست که فشاری به مردم وارد شود اما نکته‌ای که باید توجه کنیم این است که نمی‌توانیم واقعیت‌ها را چشم‌پوشی کنیم، قیمت بنزین و نه بنزین کارت‌ها، اگر بخواهد کاری صورت بگیرد روی سهمیه معمول مردم نیست روی سهمیه‌های اضافه‌ای است که وجود دارد.»

فاطمه مهاجرانی افزود: «در یک روز بالغ بر ۱۹۷ میلیون لیتر بنزین مصرف می‌کنیم و میانگین مصرف ما حدود ۱۶۰ میلیون لیتری است، میزان مصرف همچنان رو به افزایش است، بنزین را با عددی وارد می‌کنیم و با به عدد خیلی کمتری می‌فروشیم.»

فاطمه مهاجرانی تأکید کرد که «هر تصمیمی گرفته شود بطور حتم موضوع معیشت مردم و اثرات آن بر اقشار به‌خصوص آسیب‌پذیر دیده خواهد شد و هیچ تغییری در موضوع سهمیه‌های اولیه افراد اعمال نخواهد شد.»

یک روز پیشتر اما مهدی طباطبایی معاون ارتباطات و اطلاع‌رسانی دولت پزشکيان گفته بود بنزین در ایران «بی‌خودی» به مسئله حیثیتی تبدیل شده و با اشاره به اینکه «بنزین در کشور ما الان قیمتش مفت است» تأکید کرد قیمت بنزین باید افزایش پیدا کند.

هفته گذشته نیز پس از انتشار تصویری با عنوان مصوبه هیئت وزیران دولت پزشکيان برای «نحوه اصلاح قیمت بنزین» که در برخی رسانه‌ها منتشر شده بود، رئیس امور اطلاع‌رسانی دولت آن را تکذیب کرد و مدعی شد دولت تصمیمی برای افزایش قیمت بنزین ندارد.

بر اساس محتوای تصویر منتشرشده، این مصوبه ۲۷

● امیرحسین ثابتی نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی گفته طرح دولت برای سه‌نرخ شدن بنزین در «خفا» در حال پیگیری است و نرخ سوم بنزین قرار است شش برابر افزایش پیدا کند.

● فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت: دولت هر کاری هم که در رابطه با بنزین بخواهد انجام دهد هیچ پنهانکاری نخواهد داشت حتما با مردم خیلی مستقیم و راحت صحبت خواهد کرد!

● مهدی طباطبایی، معاون ارتباطات و اطلاع‌رسانی دولت پزشکيان، گفت بنزین در ایران «بی‌خودی» به مسئله حیثیتی تبدیل شده. وی با اشاره به اینکه «بنزین در کشور ما الان قیمتش مفت است» تأکید کرد قیمت بنزین باید افزایش پیدا کند.

● علی احمدنیا رئیس امور اطلاع‌رسانی دولت: برخی رسانه‌ها مدعی افزایش قیمت بنزین شدند! شورای اطلاع‌رسانی دولت ضمن تکذیب این ادعا اعلام می‌کند دولت برنامه‌ای برای افزایش نرخ بنزین ندارد!

● چند روز پیشتر نیز رضا سپهوند دبیر کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی از احتمال مطرح شدن اصلاح قیمت بنزین در بودجه ۱۴۰۵ خبر داده و گفته بود موضوع تغییر قیمت حامل‌های انرژی در جریان تدوین بودجه سال آینده بررسی می‌شود.

در ادامه اظهارات متناقض مقامات حکومت درباره افزایش قیمت بنزین، یک نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی روز چهارشنبه ۲۳ مهر ۱۴۰۴ اعلام کرد دولت پزشکيان قصد دارد نرخ بنزین را پانصد درصد افزایش دهد. سخنگوی دولت بلافاصله تصمیم دولت برای افزایش قیمت بنزین را تکذیب کرد اما یک روز پیش از آن معاون ارتباطات و اطلاع‌رسانی دولت پزشکيان گفته بود قیمت بنزین در ایران «مفت» است و باید گران شود.

افزایش قیمت بنزین بار دیگر در روزهای گذشته داغ شده است. در شرایطی که برخی مقامات دولت مسعود پزشکيان داشتن هرگونه برنامه برای افزایش قیمت بنزین را تکذیب می‌کنند، برخی دیگر از لزوم افزایش قیمت بنزین سخن می‌گویند.

در این میان یک نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی گفته طرح دولت برای سه‌نرخ شدن بنزین در «خفا» در حال پیگیری است و نرخ سوم بنزین قرار است شش برابر افزایش پیدا کند!

امیرحسین ثابتی نماینده اصولگرایی تهران در مجلس شورای اسلامی امروز چهارشنبه ۲۳ مهر ۱۴۰۴ در صحن علنی مجلس اعلام کرد: «بحث سه‌نرخ شدن بنزین در خفا دارد جدی می‌شود». وی افزود «من از هیئت تطبیق می‌خواهم این موضوع را رد کند چون غیرقانونی است آنهم ۵۰۰ درصد. می‌خواهید کشور را بهم بریزید؟ آمده‌اید کشور را اداره کنید نه اینکه به مردم فشار بیاورید!»

او همچنین گفته «اگر هم می‌خواهید افزایش قیمت دهید، نهایتاً ۱۰ تا ۱۵ درصد. بیا بید جلوی قاچاق سوخت را بگیرید. ما پمپ‌بنزینی داشتیم که در ماه بیش از یک میلیارد تومان تراکنش مالی داشته است؛ این غیر از قاچاق است، خب بروید سراغ اینها.»

ساعاتی پس از این اظهارات، فاطمه مهاجرانی سخنگوی

«جشنواره تئاتر ایرانیان لندن» برگزار شد



ویدیو

فرخ نیا برای هفت دوره از ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۹ در این شهر برگزار شد. اغلب دست اندرکاران جشنواره جدید همان هنرمندانی بودند که در جشنواره قبلی نیز فعال بودند. مسئولین این جشنواره متعهد شده بودند که ۱۵ درصد از سود آن را به کودکان بی‌شناسنامه و نیازمند درمان در استان سیستان و بلوچستان اختصاص دهند. کیهان لندن از این جشنواره گزارشی تهیه کرده است.

جشنواره تئاتر ایرانیان لندن نخستین دوره خود را در سه روز آخر هفته گذشته برگزار کرد. در این جشنواره ۸ نمایشنامه با ۹ اجرا توسط گروه‌هایی از آلمان و بریتانیا و نیز سه کنسرت موسیقی اجرا شد. در برخی نمایش‌ها هنرمندان تئاتر ایرانی از سه کشور با یکدیگر همکاری داشتند. جشنواره تئاتر ایرانیان لندن ادامه جشنواره تئاتر مستقل ایرانی لندن است که به ابتکار سوسن

جشنواره تئاتر ایرانیان لندن با موفقیت به پایان رسید



ویدیو

نیازمند درمان و بی‌شناسنامه استان سیستان و بلوچستان اختصاص یافت. جشنواره تئاتر ایرانیان لندن به ابتکار داریوش رضوانی و مدیریت امور اجرایی او و همکاری دیگر هنرمندان تئاتر برگزار شد. کیهان لندن هفته گذشته گزارشی از نخستین اجراهای این جشنواره منتشر کرد.

روزهای دوم و سوم جشنواره جشنواره تئاتر ایرانیان لندن با موفقیت برگزار شد و به پایان رسید. جشنواره فرصتی بود تا هنرمندان تئاتر ایرانی از چند کشور با هم به تبادل نظر و انتقال تجربه در جهت ارتقاء کارهای خود بپردازند. بخشی از سود درآمد این جشنواره که با استقبال از سوی علاقمندان روبرو شد، به کودکان

بنزین، دولت را وادار کرده تا در خصوص قیمت تمام شده و نحوه عرضه این فرآورده‌ها بازنگری کند. به گفته عضو هیئت رئیسه کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی هزینه واقعی تولید و واردات بنزین، برق و گاز به مراتب بالاتر از نرخ فروش فعلی است و تداوم این اختلاف، باعث افزایش بار مالی بر دوش دولت خواهد شد.

رضا سپهوند همچنین تأکید کرده بود که کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی و دولت پزشک‌ها بطور مشترک در حال بررسی طرح‌هایی برای اصلاح قیمت‌ها هستند تا از یکسو فشار اقتصادی بر مردم کاهش یابد و از سوی دیگر، شکاف میان نرخ آزاد و یارانه‌ای کمتر شود.

بر اساس گزارش ویسایت «عصر ایران» دولت پزشک‌ها سه راهکار در رابطه با موضوع بنزین را در نظر دارد. نخست افزایش قیمت بنزین با ایجاد سه نرخ در مصرف بنزین که احتمالاً پله یارانه‌ای برابر با قیمت ۲ هزار و ۵۰۰ تومانی شود و قیمت بنزین نرخ دوم معادل ۵ هزار تومان و یک نرخ سوم است.

پیشتر پیش‌بینی شده بود افزایش قیمت بنزین احتمالاً حدود ۱۰ هزار تومان باشد اما حالا امیرحسین ثابتی از افزایش شش برابری نسبت به قیمت سه هزار تومانی کنونی، یعنی ۱۸ هزار تومان برای نرخ سوم بنزین خبر داده است.

دومین گزینه مطرح شده درباره راهکار دولت، افزایش ۵۰ درصدی قیمت بنزین در هر دو پله است که قیمت نرخ یارانه‌ای را به حدود ۲ هزار و ۳۰۰ تومان و نرخ آزاد را به حدود ۵ هزار تومان برساند و در مقابل کارت جایگاه حذف شود و هر ساله با نرخ تورم افزایش قیمت بنزین وجود داشته باشد.

سومین گزینه روی میز دولت، تغییر شیوه توزیع یارانه بنزین است که به طرح «بنزین به نفر» نیز شناخته می‌شود که در آن هر شهروند به اندازه مصرف متعارف بنزین، یعنی ماهانه ۳۰ لیتر برای یک نفر و ماهانه ۱۲۰ لیتر برای یک خانواده چهار نفره بنزین یارانه‌ای دریافت خواهد کرد که در صورت عدم مصرف به قیمت نزدیک به قیمت آزاد در بازار مبادله بورس انرژی به فروش خواهد رساند.

با اینهمه شماری از مقامات از جمله نمایندگان مجلس شورای اسلامی مخالف افزایش قیمت بنزین در شرایط کنونی هستند. نگرانی آنها بیشتر آغاز موج تازه‌ای از اعتراضات مردمی در پی افزایش قیمت بنزین و اثر آن بر قیمت همه کالاها و خدمات در کشور است.

محمد رشیدی عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی گفته «ما حتماً با تغییر و افزایش قیمت بنزین در این شرایط کشور مخالف هستیم و با کمیسیون صحبتی نشده و ما شایعاتی از رسانه‌ها شنیدیم. امیدواریم که در حد همان شایعه باشد و صحت نداشته باشد.»

مرتضی محمودی نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی نیز در تذکری شفاهی به دولت پزشک‌ها گفته «شنیده شده هیئت وزیران مصوبه‌ای برای گران کردن قیمت بنزین دارد و آنهم اعلام شده است. آقایان دولت با شعار عدم گران‌سازی [گران کردن] و حمایت از قشر ضعیف و اجرای عدالت آمده‌اید.»

مرتضی محمودی افزوده «مجلس راه اجرای عدالت را به شما نشان داده است و در تبصره ۳ قانون بودجه برای انتقال سهمیه سوخت به کارت بانکی مشخص شده است، چرا این کار را انجام نمی‌دهید و می‌خواهید دست در جیب مردم ببرید و به گران‌سازی [گران کردن] روی آورده‌اید.»

هشدار درباره وضعیت بحرانی ذخایر استراتژیک؛ ذرت ته کشیده و مقدار دیگر ذخایر استراتژیک زیر ۱۰ درصد است!



مناسب برای تأمین آنها بی‌اطلاع است؛ به‌عنوان مثال نمی‌داند در روسیه، اوکراین یا برزیل چه زمانی فصل برداشت ذرت است و همین نبود اشراف موجب تصمیم‌گیری‌های اشتباه شده است.»

هفته گذشته نیز افشین صدر دادرس مدیر عامل اتحادیه مرکزی تعاونی‌های کشاورزی دام سبک درباره علت افزایش قیمت گوشت در بازار گفته بود «در شش ماهه اول هر سال، دام سبک معمولاً در مراتع تغذیه می‌کند و نیاز به خوراک دستی ندارد، اما خشکسالی بی‌سابقه امسال موجب شد ۷۰ میلیون رأس گوسفند به‌طور ناگهانی به بازار نهاده‌ها وارد شوند؛ بنابراین متناسب با این افزایش تقاضا واردات نهاده‌هایی مانند جو نیز باید افزایش پیدا می‌کرد، اما این اتفاق نه تنها رخ نداد، بلکه در مقطعی ثبت سفارش واردات نیز متوقف شد.»

افشین صدر دادرس به مشکلات سامانه «بازارگاه» نیز اشاره کرد و گفت: «متأسفانه سامانه‌ای که برای حذف واسطه‌ها طراحی شده بود، اکنون در اختیار عواملی قرار گرفته که با ایجاد قیمت‌های کاذب، بر التهاب بازار اضافه کرده‌اند.» مدیر عامل اتحادیه مرکزی تعاونی‌های کشاورزی دام سبک تأکید کرده بود که «یکی از مشکلات ما مربوط به تخصیص نیافتن سهمیه ارزی کافی به وزارت جهاد کشاورزی بود که با وجود شرایط خشکسالی، باید افزایش می‌یافت؛ اما افزایش نیافت. از همین رو تمامی این عوامل موجب افزایش قیمت نهاده‌های دامی شد و دامداران خرده پا را با مشکل مواجه کرد.»

اینهمه در حالیست که افزایش قیمت انواع مواد غذایی از جمله پروتئین‌های حیوانی سبب حذف این مواد خوراکی از سبد خرید خانوارهایی است که درآمد آنها به علت کاهش ارزش پول ملی، بی‌ارزش شده و قدرت خرید خانوار را به شدت کاهش داده است.

در این میان برنامه‌های حمایتی دولت نیز کارآمد نبوده و ارائه کالابری یا پرداخت یارانه نیز نتوانسته کاهش قدرت خرید خانوارها را جبران و از کوچک شدن سفره خانوارها جلوگیری کند.

۲۴» گفته هفت ماه هشدارهای فعالان این اتحادیه از سوی وزارت جهاد کشاورزی نادیده گرفته شده و در حال حاضر وضعیت ذخایر استراتژیک به شدت بحرانی شده است.

مجتبی عالی گفته «هفت، هشت ماه پیش به وزیر جهاد کشاورزی هشدار لازم را دادم؛ اگر جدی گرفته می‌شد مشکل رفع شده بود.» او افزوده «میزان ذخایر اکنون به کمتر از ۱۰ درصد رسیده است چرا که متولیان این بخش از اشراف و شناخت کافی نسبت به جغرافیای خرید نهاده‌ها برخوردار نیستند.»

او همچنین گفته «امروز حتی ذرت‌شان هم تمام شده است، یعنی هر لحظه کشور دارد وارد بحران می‌شود.» مدیرعامل اتحادیه سراسری تعاونی‌های کشاورزی دامداران، در ادامه هشدارهایش گفته «در صورت عدم تأمین نهاده‌هایی مانند ذرت، جو و سویا، تولید کشور نابود خواهد شد.»

او توضیح داده که «وقتی ذرت، جو و سویا در دسترس نباشد، قیمت‌ها به شدت افزایش می‌یابد؛ اکنون نیز بهای سویا از مرز سی هزار تومان گذشته است. در نتیجه، تولید مرغ کاهش می‌یابد، عرضه گوشت محدود می‌شود و قیمت‌ها دو تا سه برابر افزایش پیدا می‌کند.»

مجتبی عالی تأکید کرده که «در صورت تداوم این سوء مدیریت، تولید در دو تا سه ماه آینده بطور کامل از بین خواهد رفت و کشور با بحران جدی کمبود مواد غذایی مواجه می‌شود.»

مافیاهای اقتصادی در بخش واردات و توزیع نهاده‌های دامی نیز فعال هستند و این موضوع در کنار ناکارآمدی وزارت جهاد کشاورزی وضعیت تولید محصولات پروتئینی در ایران را با بحران روبرو کرده است.

در همین رابطه مجتبی عالی توضیح داده که «اکنون بازار نهاده‌ها در اختیار چند شرکت محدود است؛ سه یا چهار شرکت واقعی که عملاً مانند یک نفر عمل کرده و گرداننده اصلی بازار هستند.»

او همچنین گفته «وزیر باید مدیریت می‌کرد، اما به دلیل ناآشنایی با جغرافیای خرید نهاده‌ها، از زمان و موقعیت

● قیمت هر کیلو گوشت گوساله در بازار ایران به یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان رسیده و هر کیلو گوشت گوسفند با استخوان نیز بیش از یک میلیون تومان قیمت دارد.

● دولت قیمت دستوری هر کیلو تخم مرغ را ۹۲ هزار تومان اعلام کرده اما در بازار این رقم به بیش از ۱۰۰ هزار تومان و به این ترتیب هر شانه تخم‌مرغ ۳۰ عددی که حدود یک کیلو و ۶۰۰ گرم است، ۲۰۰ هزار تومان به فروش می‌رسد.

● مجتبی عالی، مدیرعامل اتحادیه سراسری تعاونی‌های کشاورزی دامداران گفته هفت ماه هشدارهای فعالان این اتحادیه از سوی وزارت جهاد کشاورزی نادیده گرفته شده و در حال حاضر وضعیت ذخایر استراتژیک به شدت بحرانی شده است.

● مجتبی عالی افزوده «میزان ذخایر اکنون به کمتر از ۱۰ درصد رسیده است. امروز حتی ذرت‌شان هم تمام شده است، یعنی هر لحظه کشور دارد وارد بحران می‌شود.»

● وی تأکید کرده که «در صورت تداوم این سوء مدیریت، تولید در دو تا سه ماه آینده بطور کامل از بین خواهد رفت و کشور با بحران جدی کمبود مواد غذایی مواجه می‌شود.»

مدیرعامل اتحادیه سراسری تعاونی‌های کشاورزی دامداران وضعیت ذخایر استراتژیک کشور را بحرانی توصیف کرده و گفته ذرت ته کشیده و میزان ذخایر اکنون به کمتر از ۱۰ درصد رسیده چون «متولیان [مسئولان] این بخش از اشراف و شناخت کافی نسبت به جغرافیای خرید نهاده‌ها برخوردار نیستند.» قیمت انواع پروتئین حیوانی در روزهای گذشته با افزایش قابل توجهی روبرو شده است. بیشتر تولیدکنندگان در مورد بحران در بازار به علت تأمین نشدن نهاده‌های دامی و مشکلات دیگر از جمله افزایش هزینه تولید و بحران کمبود انرژی هشدار داده بودند.

قیمت هر کیلو گوشت گوساله در بازار ایران به یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان رسیده و هر کیلو گوشت گوسفند با استخوان نیز بیش از یک میلیون تومان قیمت دارد.

در حالی که دولت قیمت «دستوری» گوشت را به تازگی افزایش داده و ۱۳۷ هزار تومان برای هر کیلو اعلام کرده اما در بازار واقعی قیمت هر کیلو مرغ به ۱۷۰ هزار تومان رسیده است.

همچنین دولت قیمت دستوری هر کیلو تخم مرغ را ۹۲ هزار تومان اعلام کرده اما در بازار این رقم به بیش از ۱۰۰ هزار تومان و به این ترتیب هر شانه تخم‌مرغ ۳۰ عددی که حدود یک کیلو و ۶۰۰ گرم است، ۲۰۰ هزار تومان به فروش می‌رسد.

افزایش قیمت‌ها به صورت هفتگی قابل رصد است بطوری که یک بسته کره ۱۰۰ گرمی هفته گذشته ۶۷ هزار تومان و در هفته جاری ۷۴ هزار و ۵۰۰ تومان به فروش می‌رسد.

از سوی دیگر افزایش قیمت‌ها در حالیست که طی هفته‌های گذشته غلامرضا نوری قزلبچه وعده بازگشت «تعادل» به بازارها را داده که فعالان صنفی از وضعیت بحرانی ذخایر استراتژیک و در نتیجه تداوم بحران در تولید پروتئین حیوانی خبر می‌دهند.

در همین رابطه مجتبی عالی مدیرعامل اتحادیه سراسری تعاونی‌های کشاورزی دامداران، در گفتگو با وبسایت «اقتصاد

هشدار اقتصاددانان درباره نوسانات ارزی و پیامدهای سیاسی و اجتماعی تورم ۵۰ درصدی



● اقتصاد ایران در شرایطی سالهاست با بحرانهای ساختاری و موانعی چون کمبود شدید انرژی و منابع مالی روبروست که حالا با فعال شدن مکانیسم ماشه و بازگشت تحریمهای سازمان ملل، هشدارها درباره چشم‌انداز تیره اقتصاد ایران در ماههای پیش رو افزایش پیدا کرده است.

● مرتضی افقه اقتصاددان: تورم بیش از ۵۰ درصد، قدرت خرید مردم را کاهش می‌دهد، طبقه متوسط را به زیر خط فقر می‌برد و فقرا را فقیرتر می‌کند. این وضعیت پیامدهای اجتماعی و اقتصادی شدیدی دارد و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را تحت تأثیر منفی قرار می‌دهد.

● علی چشمی اقتصاددان گفته «اگر گروه‌هایی دیگر از جامعه نتوانند نیازهای اولیه خود را در اقلام اساسی برآورده کنند، آن زمان احتمال بروز اعتراض‌ها بسیار بالا خواهد رفت. اگر شرایطی پیش بیاید که مردم نتوانند بنزین بزنند یا نان بخرند و در نیازهای اولیه‌شان دچار سردرگمی شوند اوضاع متفاوت خواهد بود.»

قرار دهد. او توضیح داده که «عمده بی‌ثباتی‌ها در اقتصاد ایران ناشی از نوسانات ارزی است. در هفته‌های اخیر، نرخ ارز در مراحل اولیه نوسان‌های عجیبی داشته؛ دو سه روزی هم شرایط مناسب‌تر شد، اما نکته اصلی این است که باید دید دولت برای دوره‌ی میان‌مدت چه برنامه‌ای دارد. به ویژه باید بررسی شود این وضعیت تا چه اندازه می‌تواند روی صادرات کشور محدودیت ایجاد کند.»

این اقتصاددان معتقد است که در شرایط کنونی اقتصاد ایران قشر متوسط بیشترین آسیب را می‌بیند و گفت «دولت باید حتماً برنامه‌های حمایتی مشخصی برای این گروه در نظر بگیرد؛ این حمایت‌ها می‌تواند در قالب افزایش یارانه‌ها، اختصاص کالابرج، یا ارائه‌ی خدمات اجتماعی در حوزه‌هایی مثل سلامت باشد، اما اجرای این طرح‌ها پیچیدگی‌های زیادی دارد و دولت نیز با محدودیت شدید مالی مواجه است. مضاف اینکه این‌ها در وضعیت کنونی صرفاً مسکن هستند.»

علی چشمی افزوده «دولت حتی در ایفای تعهدات خود به بیمه‌ها، صندوق‌های بازنشستگی و تأمین‌کنندگان خدمات برق و درمان دچار مشکل است. بنابراین دامنه‌ی حمایتی دولت محدود خواهد بود. با این حال، اجرای سیاست‌های موقتی مثل پرداخت انتقالی یا کوپن می‌تواند تا حدی از فشار لحظه‌ای تورم بر خانواده‌ها بکاهد، هرچند مدیریت آن دشوار است.»

این اقتصاددان هشدار داده که «محدودیت‌های اقتصادی می‌تواند زمینه اعتراض‌های اجتماعی را افزایش دهد. با این حال، در حال حاضر نوعی آرامش ظاهری در جامعه دیده می‌شود که بیشتر ناشی از ترس عمومی از فروپاشی نظم اجتماعی است. مردم نگرانند شرایط به سمتی برود که نظام بانکی، بیمه‌ای یا خدمات اساسی مثل برق و تأمین کالاهای ضروری دچار اختلال شود.»

او افزوده «اگر گروه‌هایی دیگر از جامعه نتوانند نیازهای اولیه‌ی خود را در اقلام اساسی برآورده کنند، آن زمان احتمال بروز اعتراض‌ها بسیار بالا خواهد رفت. اگر شرایطی پیش بیاید که مردم نتوانند بنزین بزنند یا نان بخرند و در نیازهای اولیه‌شان دچار سردرگمی شوند اوضاع متفاوت خواهد بود.»

هزینه‌های زائد و ردیف‌های غیرضروری است. بسیاری از دستگاه‌ها و نهادهای دولتی تأثیری بر تولید یا رفاه مردم ندارند و صرفاً از بودجه کشور تغذیه می‌کنند.»

مرتضی افقه با هشدار درباره فشار تورم بر مردم گفته «تورم بیش از ۵۰ درصد، قدرت خرید مردم را کاهش می‌دهد، طبقه متوسط را به زیر خط فقر می‌برد و فقرا را فقیرتر می‌کند. این وضعیت پیامدهای اجتماعی و اقتصادی شدیدی دارد و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را تحت تأثیر منفی قرار می‌دهد.»

او افزوده که «اگر تغییرات اساسی رخ ندهد و تحریم‌ها ادامه یابند، ایران با رشد منفی شدیدتر و فشار تورمی بالا مواجه خواهد بود و پیش‌بینی‌های خوشبینانه بین‌المللی تنها تصویر تقریبی از وضعیت کنونی را ارائه می‌دهند.»

پس از فعال شدن مکانیسم ماشه هشدارهای اقتصاددانان درباره شرایط اقتصادی ایران و پیامدهای سیاسی و اجتماعی آن افزایش یافته است.

علی چشمی، اقتصاددان و عضو هیئت علمی دانشگاه «فردوسی» مشهد، معتقد است «نوسانات ارزی» قلب بی‌ثباتی در اقتصاد ایران است و بدون سیاست ارزی روشن و برنامه‌ریزی از پیش‌تعیین‌شده، سیاست حمایتی دیگری به ثمر نخواهد نشست.

به گفته این اقتصاددان دولت امروز با محدودیت مالی کم‌سابقه‌ای مواجه است و در حالیکه قشر متوسط بیشترین فشار تورم و رکود را متحمل می‌شود، امکان اجرای سیاست‌های حمایتی گسترده برای این طبقه بسیار محدود است.

او تأکید کرده که مقامات حکومتی باید «رفاه مردم» در اولویت همه تصمیم‌گیری‌ها قرار دهند: «آینده‌ی اقتصاد ایران نه فقط به تصمیم‌های اقتصادی دولت، بلکه به نحوه‌ی تنظیم روابط بین‌المللی و بازسازی دیپلماسی گره خورده است. از نگاه او، سیاست‌گذاران باید بیش از هر زمان دیگری درک کنند که نوک پیکان تصمیم‌گیری، چه در عرصه‌ی داخلی و چه خارجی، باید به سمت «رفاه مردم» نشانه برود.»

علی چشمی همچنین «ثبات در بازار ارز» را از جمله ضروری‌ترین اقداماتی دانسته که دولت باید در دستور کار

نوسان قیمت ارز، افزایش تورم و تشدید رکود سبب هشدار اقتصاددانان شده و معتقدند اگر دولت نتواند برنامه‌های حمایتی موثر از اقشار کم‌درآمد و حقوق‌بگیر را در دستور کار قرار دهد پیامدهای سیاسی و اجتماعی این بحران‌ها دامن حکومت را خواهد گرفت.

اقتصاد ایران در شرایطی سالهاست با بحرانهای ساختاری و موانعی چون کمبود شدید انرژی و منابع مالی روبروست که تحریم‌ها نیز مشکلات مضاعفی را در بخش‌های مختلف اقتصاد ایجاد کرده و حالا با فعال شدن مکانیسم ماشه و بازگشت تحریم‌های سازمان ملل، هشدارها درباره چشم‌انداز تیره اقتصاد ایران در ماه‌های پیش رو افزایش پیدا کرده است.

در همین رابطه جدیدترین گزارش بانک جهانی درباره چشم‌انداز اقتصادی منطقه خاورمیانه، رشد اقتصادی ایران برای امسال منفی ۱/۷ درصد پیش‌بینی شده است. این در حالی است که سال گذشته رشد اقتصادی کشور کمی بهتر بود و نرخ تورم هم ۳۵/۸ درصد اعلام شده بود. حالا بانک جهانی پیش‌بینی کرده تورم امسال به ۴۹ درصد برسد که نشان می‌دهد فشارهای اقتصادی روی مردم و بخش خصوصی جدی‌تر شده است. مرتضی افقه اقتصاددان و استاد دانشگاه جندی‌شاپور اهواز در گفتگو با وبسایت «خبرآنلاین» گفته «اگر روند فعلی ادامه یابد، یعنی تحریم‌ها پایدار بمانند، فضای جنگی حاکم باشد و سرمایه‌ها و نیروی انسانی در حال خروج باشند، رشد اقتصادی ایران حتی از ارقام اعلام شده بانک جهانی منفی‌تر خواهد بود.»

این اقتصاددان توضیح داده که «تداوم تحریم‌ها و کاهش منابع جایگزین درآمدهای نفتی مهم‌ترین عوامل هستند. دولت دیگر منابع کافی برای جبران کسری بودجه ندارد و ناچار است از بانک مرکزی استقراض کند که خود باعث تشدید تورم می‌شود. از سوی دیگر، کاهش تولید و سرمایه‌گذاری ناشی از فضای جنگی، عرضه را محدود می‌کند و فشار تورمی بیشتر می‌شود.»

مرتضی افقه افزوده «تراز مالی دولت نیز روند نگران‌کننده‌ای دارد و از منفی ۳.۲ درصد به منفی ۴.۱ درصد رسیده است. بهترین راه کنترل کسری بودجه، کاهش

عروسک‌های «مرتضی» و «مرضیه»؛ بحران جدید جمهوری اسلامی!



ممنوع کرده است.

روز گذشته دادستانی تهران دستور تعقیب و بازداشت عوامل تولید عروسک‌هایی به نام «مرتضی» و «مرضیه» را به دلیل «توهین به مقدسات» صادر کرد.

دادستانی تهران مدعی شده گزارش‌هایی «مبنی بر طراحی و تبلیغ عروسک‌هایی که با استفاده از «نام‌های مقدس» به مشتریان فروخته می‌شود» دریافت کرده و در نتیجه دادستان تهران به ضابطین دستگاه قضایی دستور داد تا «فورا عوامل اصلی تولید، توزیع و تبلیغ این عروسک‌ها را شناسایی کرده و پس از تکمیل پرونده، متهمان را به دستگاه قضایی تحویل دهد.»

هدف دادستانی از این دستور «معرفی عوامل پشت صحنه‌ای است که اقدام به تولید، توزیع و تبلیغ این محصولات کرده‌اند» اعلام شده است.

رسانه‌های داخلی در واکنش به عرضه عروسک‌هایی با القاب شخصیت‌های اسلام نوشته بودند که «استفاده از این نام‌های «مقدس» برای عروسک‌هایی با شکل حیوانات نجس یا نماد تحقیر (مانند خوک، میمون و گوریل) و برای کتک خوردن یا له شدن، از نظر کاربران و مقامات توهین به مقدسات شیعه تلقی شده است.»

چون «مرتضی» لقب امام اول شیعیان و «مرضیه» لقب فاطمه دختر پیامبر اسلام است، ادعا شده که عرضه این عروسک‌ها در «ایام فاطمیه» که روزهای منسوب به «شهادت» فاطمه است نیز عامدانه بوده است.

در این میان، خبرگزاری «فارس» با راه‌اندازی کارزاری در دسته «آسیب‌های اجتماعی» و با عنوان «قیح‌شکنی از نام‌های مقدس» نوشته که عرضه این عروسک‌ها با نام «مرضیه» و «مرتضی» با هدف «قیح‌زدایی از اهانت به نام‌هایی که برای شیعیان قداست دارند» صورت گرفته است.

در این کارزار همچنین آمده برای عرضه این عروسک‌ها «چرا از نام‌های به اصطلاح مدرن استفاده نکردند؟»

● مرتضی و مرضیه به شکل خوک و گوریل از پرفروش‌ترین محصولات در فروشگاه‌های آنلاین ایران با عنوان «فیجت شنی» یا «عروسک کتک‌خور» و ضد استرس هستند.

● روز گذشته دادستانی تهران دستور تعقیب و بازداشت عوامل تولید عروسک‌هایی به نام «مرتضی» و «مرضیه» را به دلیل «توهین به مقدسات» صادر کرد!

● خبرگزاری حوزه علمیه نیز گزارش داده که با فشار ستاد امر به معروف و نهی از منکر فروش عروسک‌های «مرتضی و مرضیه» در وبسایت‌های آنلاین متوقف شد.

● خبرگزاری «فارس» هم با راه‌اندازی کارزاری در دسته «آسیب‌های اجتماعی» و با عنوان «قیح‌شکنی از نام‌های مقدس» نوشته که عرضه این عروسک‌ها با نام «مرضیه» و «مرتضی» با هدف «قیح‌زدایی از اهانت به نام‌هایی که برای شیعیان قداست دارند» صورت گرفته است!

● «مرتضی» لقب امام اول شیعیان و «مرضیه» لقب فاطمه دختر پیامبر اسلام است. ادعا شده که عرضه این عروسک‌ها در «ایام فاطمیه» که روزهای منسوب به «شهادت» فاطمه است نیز عامدانه بوده است.

دو عروسک نرم پلاستیکی با بافت انعطاف‌پذیر به نام‌های «مرضیه» و «مرتضی» که در ایران به شدت مورد استقبال قرار گرفته‌اند، حالا به بحران جدیدی برای جمهوری اسلامی تبدیل شده‌اند.

«مرضیه» و «مرتضی» به شکل خوک و گوریل هستند و به علت بافت نرم قابلیت این را دارند که در هم فشرده شده و به حالت اولیه باز گردند.

این دو عروسک از پرفروش‌ترین محصولات در فروشگاه‌های آنلاین ایران با عنوان «فیجت شنی» یا «عروسک کتک‌خور» و ضد استرس هستند.

جمهوری اسلامی به علت نام این عروسک‌ها اقدام قضایی علیه سازندگان آنها را آغاز و فروش این عروسک‌ها را نیز

خبرگزاری حوزه علمیه نیز گزارش داده که با فشار ستاد امر به معروف و نهی از منکر فروش عروسک‌های «مرتضی و مرضیه» در وبسایت‌های آنلاین متوقف شد. در این گزارش آمده «اداره اصناف ستاد امر به معروف و نهی از منکر با پیگیری‌های مستمر و جدی خود، اقدامات لازم برای حذف این اقلام ناهنجار فرهنگی را به انجام رساند.»

خبرگزاری حوزه، این عروسک‌ها را به دلیل اینکه نام «آتمه» شیعیان را دارند «موهن» خوانده و نوشته همکاری دادستانی تهران و ستاد امر به معروف در برخورد با فروش این عروسک‌ها «نمونه‌ای از همکاری مؤثر نهادهای فرهنگی و قضایی در حفظ ارزش‌ها و حرمت مقدسات دینی در جامعه است که امید است الگوی مناسبی برای مقابله با موارد مشابه و همچنین ترویج نظارت همگانی در حوزه پلتفرم‌های فروش در آینده باشد.»

حدود دو سال پیش نیز فروش لیوان‌هایی با تصاویر و نوشته‌هایی که از اسم «فاطمه زهرا» در آنها استفاده شده بود با واکنش‌هایی روبرو شد و در نهایت قوه قضاییه علیه وبسایت فروش آنلاین «دیجی کالا» اعلام جرم کرد.

آن زمان هم خبرگزاری «تسنیم» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی واکنش‌های زیادی علیه فروش این لیوان‌ها داشت. این خبرگزاری تصویری محو از یک لیوان عرضه‌شده در وبسایت «دیجی کالا» را منتشر کرده و نوشته بود که تصویر ثبت‌شده روی آن برای مشتریان «شائبه اهانت به مقدسات» را به وجود آورده است.

خبرگزاری «تسنیم» در این مطلب با عنوان «محصول عجیب دیجی‌کالا و شائبه اهانت به مقدسات» نوشته بود «چه کسی مسئول برخورد با این وقاحت است؟»

روی لیوان‌های مورد نظر جملاتی از جمله «این لیوان دهنی فاطمه زهرا می‌باشد... لطفاً از آن نخورید»، «قیافه فاطمه زهرا وقتی به لیوانش دست می‌زنی» و «به لیوان فاطمه زهرا دست زن ... خُب؟!» نوشته شده بود.

صنایع ایران در انتظار جیره‌بندی گاز و برق

صنایع از محل قطعی برق کم شود، اما مساله قطعی گاز در زمستان همچنان روی میز قرار دارد.»

کارشناسان تأکید دارند مشکل اصلی در چرخه معیوب بحران کمبود انرژی، نه کمبود منابع انرژی، بلکه ضعف در توسعه زیرساخت‌ها و ناهماهنگی میان نهادهای سیاست‌گذار است. در حالی که کشور طی دو دهه گذشته بطور مستمر با رشد تقاضا مواجه بوده، سرمایه‌گذاری در نیروگاه‌های جدید، خطوط انتقال و تاسیسات ذخیره‌سازی انرژی متناسب با این رشد نبوده است.

عدم توجه جمهوری اسلامی به سرمایه‌گذاری و توسعه صنعت نفت و گاز فاجعه‌بار است. در حالی که در حال حاضر کسری گاز در کشور ۳۰۰ میلیون مترمکعب اعلام شده که آمارها نشان می‌دهد بخشی قابل توجهی از گاز تولیدی نیز در چرخه تولید و توزیع هدر می‌رود.

مرکز داده‌های باز ایران هفته گذشته در گزارشی با استناد به آمارهای بانک جهانی و آژانس بین‌المللی انرژی نوشته روزانه حدود ۸۶ میلیون مترمکعب گاز طبیعی در ایران در مراحل تولید، انتقال و توزیع هدر می‌رود.

این رقم معادل روزانه ۵۵۰ هزار بشکه نفت خام و بیش از یک سوم میزان نفت پیش‌بینی شده برای صادرات در لایحه بودجه ۱۴۰۴ است. در لایحه بودجه سال ۱۴۰۴، صادرات روزانه نفت خام و میعانات گازی ۱/۳ میلیون بشکه با قیمت هر بشکه ۶۳ دلار پیش‌بینی شده بود.

«داده‌های باز ایران» نوشته بنا بر داده‌های بانک جهانی، ایران سال گذشته بطور متوسط روزانه ۶۳ میلیون مترمکعب گاز استخراج‌شده از میادین نفتی را به دلیل نبود تجهیزات جمع‌آوری، در همان مرحله تولید سوزانده است؛ رقمی معادل ۴۳ درصد متوسط مصرف روزانه گاز ترکیه در ۲۰۲۴! ایران از نظر مشعل‌سوزی گاز، پس از روسیه در جایگاه دوم جهان است و حجم مشعل‌سوزی در یک دهه گذشته دو برابر شده است.

تبعات ضد محیط زیست مشعل‌سوزی نیز بسیار سنگین است بطوری که در سال گذشته همین بخش به تنهایی باعث انتشار ۴۱ میلیون تن گازهای سمی گلخانه‌ای (دی‌اکسید کربن و غیره) در کشور شده است.

آژانس بین‌المللی انرژی نیز می‌گوید روزانه حدود ۲۳ میلیون مترمکعب متان (گاز طبیعی) از تاسیسات نفت و گاز ایران نشت می‌کند.

مجموع مشعل‌سوزی و نشت متان در ایران معادل ۴۰ درصد از مصرف گاز کل خانوارها است. ارزش سالانه این میزان از تلفات گاز در بازارهای جهانی معادل ۱۲ میلیارد دلار یا تقریباً نصف اقتصاد ارمنستان است.

طبق آمار رسمی وزارت نیرو، سالانه بیش از ۹۰ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی و سوخت‌های مایع در نیروگاه‌های کشور برای تولید برق مصرف می‌شود؛ معادل مصرف روزانه ۱/۵۵ میلیون بشکه نفت خام. اما راندمان متوسط نیروگاه‌های حرارتی ایران تنها ۳۹ درصد است؛ در حالی که در نیروگاه‌های مدرن این رقم ۵۰ تا ۶۰ درصد است.

علاوه بر این، حدود ۱۳ درصد برق تولیدی کشور -معادل ۴۰ تراوات‌ساعت در سال- در مسیر انتقال و توزیع تلف می‌شود. این میزان اتلاف معادل مصرف برق ۴۰ درصد از کل خانوارهای ایرانی یا روزانه ۶۵ هزار بشکه نفت است. ارزش سالانه این میزان از تلفات برق در شبکه فرسوده انتقال و توزیع برق ایران، حدود ۳/۵ میلیارد دلار است.



گاز و نفت در جهان است اما طی سال‌های گذشته ناتوانی حکومت در تأمین پایدار انرژی بحران زیادی را برای بخش‌های مختلف اقتصاد ایجاد کرده است. در حالی که طی سال‌های گذشته صنایع با جیره‌بندی گاز و برق روبرو بوده‌اند، امسال کمبود انرژی و آب سبب جیره‌بندی گسترده آنها هم شد و در بهار و تابستان شهروندان با بخش خانگی هم شد و در بهار و تابستان شهروندان با ساعت‌ها قطع برق و آب روبرو بودند.

در همین رابطه وبسایت «تجارت نیوز» گزارش داده «ایران در سال‌های اخیر با وجود ظرفیت اسمی حدود ۹۰ هزار مگاوات تولید برق، عملاً با ظرفیت ۶۰ هزار مگاواتی فعالیت کرده است و با توجه به مصرف ۸۰ هزار مگاواتی در زمان پیک مصرف با ناترازی حدود ۲۰ هزار مگاواتی روبه‌رو است. باید گفت راندمان پایین نیروگاه‌ها و رشد ناکافی ظرفیت تولید نسبت به تقاضا باعث شده تا در پیک تابستان، صنایع در صف اول محدودیت مصرف قرار گیرند.» این گزارش افزوده «سیاست وزارت نیرو طی سال‌های گذشته بطور عمده بر مدیریت تقاضا متمرکز بوده؛ به‌گونه‌ای که بخش صنعت به‌صورت دوره‌ای از مدار خارج می‌شود تا برق خانگی پایدار بماند. این رویکرد گرچه از منظر اجتماعی قابل توجیه است، اما در سطح اقتصادی، زیان‌های سنگینی برای واحدهای تولیدی به‌ویژه در صنایع فولاد، سیمان، آلومینیوم و پتروشیمی به همراه داشته است.» در مقابل، در زمستان نیز با افت فشار گاز و محدودیت عرضه، همان صنایع با قطعی گاز مواجه می‌شوند و باید از سوخت مایع استفاده کنند؛ سوختی که هم گران‌تر است و هم موجب استهلاک بیشتر تجهیزات می‌شود. به این ترتیب، ترکیبی از قطعی‌ها در تابستان و زمستان شکل گرفته که عملاً بهره‌وری صنعتی را کاهش داده و هزینه تولید را بالا برده است.

«تجارت نیوز» نیز تأکید کرده که «در چنین شرایطی گر چه ممکن است با افزایش ذخایر سوخت نیروگاهی در فصول سرد سال، مساله خاموشی‌ها کاهش یابد و زیان

● سخنگوی دولت گفته «رئیس جمهوری تأکید کرده اولویت ما بر این است که برق و گاز صنایع قطع نشود. درست است که در شرایط ناترازی قرار داریم اما اولویت دولت این است که بنگاه‌ها و کسب و کارهای ما پابرجا باشند.»

● فرهاد شهرکی عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی: با توجه به محدودیت در مصرف نفت‌کوره به دلایل زیست محیطی و خط قرمزی که در رابطه با عدم قطع گاز منازل داریم، به نظر من از ماه دی مجدداً شاهد خاموشی‌ها خواهیم بود.

● در حالی که طی سال‌های گذشته صنایع با جیره‌بندی گاز و برق روبرو بوده‌اند، امسال کمبود انرژی و آب سبب جیره‌بندی گسترده آنها در بخش خانگی هم شد و در بهار و تابستان شهروندان با ساعت‌ها قطع برق و آب روبرو بودند. ● کارشناسان تأکید دارند مشکل اصلی در چرخه معیوب بحران کمبود انرژی، نه کمبود منابع انرژی، بلکه ضعف در توسعه زیرساخت‌ها و ناهماهنگی میان نهادهای سیاست‌گذار است.

در حالی که هنوز مه‌راه به پایان نرسیده و پس از تنها سه هفته از پایان جیره‌بندی تابستانی برق، مقامات از احتمال بازگشت خاموشی‌ها به علت تداوم بحران انرژی می‌گویند. سخنگوی دولت گفته مسعود پزشکیان تأکید کرده برق و گاز صنایع قطع نشود اما یک عضو هیئت رئیسه با توضیح وضعیت کمبود سوخت و انرژی از بازگشت خاموشی‌ها در زمستان سخن گفته است.

فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت روز گذشته در جمع خبرنگاران گفت «رئیس جمهوری تأکید کرده اولویت ما بر این است که برق و گاز صنایع قطع نشود. درست است که در شرایط ناترازی قرار داریم اما اولویت دولت این است که بنگاه‌ها و کسب‌وکارهای ما پابرجا باشند.»

وی افزود «حجم وسیعی از شاغلان در صنعت در بنگاه‌های کوچک و متوسط فعالیت می‌کنند و هر اقدام دولت در راستای حفظ اشتغال پایدار و پایداری اشتغال است تا بیکار کمتری در جامعه وجود داشته باشد.»

این سخنان در حالی مطرح شد که فرهاد شهرکی عضو هیئت رئیسه کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی اعلام کرده از دو ماه دیگر جیره‌بندی برق دوباره باز خواهد گشت: «با وجود اینکه ذخایر نفت‌گاز تقریباً دو برابر سال گذشته افزایش یافته است، اما با توجه به محدودیت در مصرف نفت‌کوره به دلایل زیست‌محیطی و خط قرمزی که در رابطه با عدم قطع گاز منازل داریم، به نظر من از ماه دی مجدداً شاهد خاموشی‌ها خواهیم بود.»

فرهاد شهرکی گفته میان دولت و مجلس شورای اسلامی برای اجرای تعهدات برنامه هفتم توسعه اختلافاتی بر سر راندمان نیروگاه‌ها و کاهش سقف رشد اقتصادی وجود دارد. عضو هیئت رئیسه کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی افزوده «در برنامه هفتم مقرر شده است که نیروگاه‌های نصب شده باید حداقل راندمان ۵۵ درصدی داشته باشند، اما وزارت نیرو در مکاتبات خود اعلام کرده است که به دلیل تحریم‌ها و مسائل هزینه‌ای، این هدف غیرممکن بوده و درخواست بازنگری برای کاهش سقف راندمان به ۵۰ درصد را مطرح کرده است.»

با اینکه ایران از جمله کشورهای دارنده بزرگترین ذخائر

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی:

رشد اقتصادی در نیمه نخست امسال منفی ۰/۳ درصد بود



● مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در حالی رشد اقتصادی ایران در نیمه اول امسال منفی ۳/۰ درصد اعلام کرده که مرکز آمار ایران پیشتر رشد اقتصادی سه ماه اول سال ۱۴۰۴ را منفی ۱/۰ درصد اعلام کرده بود.

● بر اساس پیش‌بینی بانک جهانی اقتصاد ایران در سال جاری میلادی ۷/۱ درصد کوچک می‌شود و در سال آینده نیز ۸/۲ درصد دیگر کاهش خواهد یافت.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در گزارشی اعلام کرده که رشد اقتصادی ایران در نیمه اول امسال منفی ۳/۰ درصد بوده است. این گزارش رقم رشد اقتصادی در نیمه نخست ۱۴۰۳ را مثبت ۱/۳ درصد اعلام کرده است.

رشد اقتصادی ایران در کانال منفی قرار گرفته و کارشناسان هشدار می‌دهند که با وجود بحران تشدید تحریم‌ها در پی فعال شدن مکانیسم ماشه و همچنین پیش‌بینی تشدید بحران کمبود انرژی و کسری منابع مالی و نهادهای تولید در واحدهای صنعتی، چشم‌انداز رشد اقتصادی کشور در ماه‌های آینده امیدوارکننده نیست. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز با اشاره به برنامه پنجساله هفتم پیشرفت اعلام کرد که شکاف قابل توجهی میان اهداف برنامه و عملکرد واقعی اقتصاد کشور وجود دارد.

در این گزارش تأکید شده بر اساس فصل اول قانون هفتم توسعه مأموریت دارد مسیر اصلی اقتصاد کشور را برای دستیابی به رشد اقتصادی پایدار هدف‌گذاری و ساماندهی کند و نظارت بر آن نه تنها به عنوان سنجش تحقق اهداف کمی و کیفی، بلکه به عنوان ارزیابی کارآمدی کل برنامه ضروری است. این گزارش همچنین نشان می‌دهد که برای تحقق اهداف فصل نخست برنامه هفتم توسعه در سال نخست، حدود ۸۰۰۰ هزار میلیارد تومان منابع نیاز بوده، اما تنها ۵۳۰۰ هزار میلیارد تومان از طریق ظرفیت‌های موجود تأمین شده و کسری ۲۷۰۰ هزار میلیارد تومانی منابع مانع اجرای برنامه شده است. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی افزوده از دیگر نقاط ضعف فصل اول برنامه می‌توان به اشتغال پایین، ۲۹۸ هزار نفر از یک میلیون نفر هدف، رشد بهره‌وری ۹/۱ درصد، ضعف مدیریت، عدم اجرای ۵۲ درصد احکام و نیاز به بازبینی ۷۵ درصد اسناد برنامه اشاره کرد.

کارشناسان مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی تأکید کرده‌اند که اصلاحات مدیریتی و تقویت هماهنگی دستگاه‌ها پیش‌شرط تحقق اهداف بلندپروازانه برنامه هفتم است.

عوامل موثر در این فاصله شامل کمبود انرژی، تحریم‌ها، خروج سرمایه، تورم بالا و قیمت‌گذاری دستوری اعلام شده‌اند. همچنین، در حوزه تجهیز منابع مالی و اجرای الزامات رشد ۸ درصدی، عملکرد دستگاه‌های اجرایی با تأخیر و ابهام در نسبت منابع مصوب با سرمایه‌گذاری واقعی همراه بوده است.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در حالی رشد اقتصادی ایران در نیمه اول امسال منفی ۳/۰ درصد اعلام کرده که مرکز آمار ایران پیشتر رشد اقتصادی سه ماه اول سال ۱۴۰۴ را منفی ۱/۰ درصد اعلام کرده بود.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی اشاره کرده اگرچه رشد اقتصادی نیمسال نخست سال ۱۴۰۳ نیز مثبت ۱/۳ درصد اعلام شد اما این رقم رشد اقتصادی سال گذشته

نیز ناشی از رشد ۶ درصدی بخش نفت و افزایش صادرات نفتی بوده است.

همانطور که مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی تأکید کرده ارقام مربوط به رشد اقتصادی ایران با پیش‌بینی رشد ۸ درصدی در برنامه هفتم توسعه فاصله بسیاری دارد. وبسایت «اقتصاد ۲۴» در گزارشی نوشته روند نزولی رشد اقتصادی در تابستان سال جاری، زنگ خطری جدی برای سیاست‌گذاران و فعالان اقتصادی است. اگرچه بخشی از این کاهش ناشی از عوامل خارجی مانند تحریم‌ها و بحران‌های جهانی است، اما بخش مهمی از آن ریشه در ضعف‌های ساختاری و سیاست‌گذاری داخلی دارد که برای عبور از این گرداب خطرناک، به اصلاحات عمیق، تصمیم‌گیری‌های شجاعانه و بازنگری در اولویت‌های اقتصادی کشور نیاز است. در غیر این صورت، رکود ساختاری می‌تواند به بحران اجتماعی و سیاسی گسترده‌تری منجر شود.

بانک جهانی نیز پیش‌بینی خود از رشد اقتصادی منطقه‌ای شامل خاورمیانه، شمال آفریقا، افغانستان و پاکستان را برای سال ۲۰۲۵ افزایش داده، اما برای ایران و لیبی سال آینده را به دلیل درگیری‌ها و کاهش تولید نفت، سال کاهش رشد پیش‌بینی کرده است. بر اساس پیش‌بینی بانک جهانی اقتصاد ایران در سال جاری میلادی ۷/۱ درصد کوچک می‌شود و در سال آینده نیز ۸/۲ درصد دیگر کاهش خواهد یافت. این در حالیست که بانک جهانی در آوریل پیش‌بینی کرده بود ایران در سال ۲۰۲۶ رشد ۷/۰ درصدی را تجربه خواهد کرد.

وحید شقاقی شهری اقتصاددان نیز معتقد است «آمارهایی که مرکز پژوهش‌ها منتشر کرده است، نشان می‌دهد که هم رشد بخش کشاورزی و هم بخش صنعت ما به شدت کاهش پیدا کرده و درآمدهای نفتی هم رشدی نداشته و در نهایت رشد اقتصاد را منفی کرده است.»

وحید شقاقی شهری نیز روند رشد اقتصادی را همچنان

منفی ارزیابی کرده و گفته «اگر وضعیت بی‌ثباتی و نااطمینانی ادامه پیدا کند، بحران آب تشدید و ناترازی‌های انرژی [کمبودهای انرژی] ادامه دار شود، شاهد تداوم رشد منفی در اقتصاد ایران خواهیم بود. اگر مسئله ناترازی‌های اقتصاد کلان [کمبودهای اقتصاد کلان]، بحران آب و ناترازی‌های انرژی [کمبودهای انرژی] کنترل نشود و بی‌ثباتی‌ها ادامه دار باشد حتی می‌تواند بخش مسکن ما را تحت شعاع قرار دهد و رکود آن را تشدید کند که این مسئله فشار مضاعفی را بر رشد اقتصادی منفی تحمیل می‌کند.»

این استاد دانشگاه افزوده که هیچ‌کدام از موتورهای رشد اقتصادی ایران کار نمی‌کنند: «شرایط بی‌سابقه و سختی است و به نظر من قابل پیش‌بینی هم بود. در حال حاضر هیچ‌کدام از موتورهای رشد اقتصادی ما کار نمی‌کند. بخش مسکن در رکود سنگینی قرار دارد، نفت با تحریم مواجه شده، به دلیل ناترازی انرژی [کمبود انرژی] بخش صنعت با مشکل مواجه است، بهره‌وری در اقتصاد وجود ندارد، بخش خصوصی جایگاه و سهمی در اقتصاد ندارد و تأمین مالی و تولید ما با مشکل مواجه است. اینها موتورهای رشد اقتصادی ما هستند که همه با مشکل مواجه هستند. تا زمانی که این عوامل مهار و کنترل نشوند، مسئله ادامه‌دار خواهد بود و بعید نیست که رشدهای منفی بالاتری را در اقتصاد داشته باشیم مگر اینکه اتفاقاتی رخ دهد.»

این اقتصاددان همچنین گفته با وجود تحریم‌ها، اگر اصلاحاتی در ساختار اقتصادی کشور رخ دهد می‌تواند فشار را از روی اقتصاد بردارد؛ «تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد ملی، بهبود محیط کسب و کار، اصلاحات جدی در نظام مالیاتی و بانکی به نفع بخش خصوصی واقعی و تحول نهادهای تأمین مالی بخش خصوصی» از جمله اقداماتی هستند که وحید شقاقی آنها را پیش‌زمینه تقویت بخش خصوصی و بهبود شرایط اقتصادی ارزیابی کرده است.

جذب افراد همجنسگرا از سراسر جهان به ایران؛

عمل اجباری برای ایرانیان و سفر درمانی برای خارجی‌ها!



● حکومتی که همجنسگرایی را با اعدام پاسخ می‌دهد، اکنون در تلاش است تا با جراحی‌های تغییر جنسیت، همجنسگرایان را از سراسر جهان جذب کند. همان جراحی‌هایی که بسیاری از ایرانیان ناخواسته به انجام آن وادار شده‌اند.

● گزارش وزارت کشور بریتانیا در سال ۲۰۲۲ تخمین زده است که سالانه حدود ۴ هزار جراحی تغییر جنسیت در ایران انجام می‌شود. رقمی بیش از مجموع بریتانیا و فرانسه. بیشتر این افراد شهروندان ایرانی هستند.

روزنامه «نیویورک تایمز» گزارشی به قلم «پرنو باسکار» و «لیلی نیکونظر» در مورد جذب همجنسگرایان خارجی برای انجام جراحی تغییر جنسیت در ایران منتشر کرده است: «در چهل سال گذشته، در ایران بیش از بسیاری از کشورهای جهان جراحی‌های تغییر جنسیت انجام شده است. اما این پیشتازی، نه حاصل آزادی انتخاب، بلکه نتیجه فشار بر افراد همجنسگرا با هنجارهای جنسیتی برای انجام عمل‌های ناخواسته، در سایه تهدید به مجازات مرگ بوده است.

در ایران مدتی است آگاه‌سازی و دفاع از حقوق دگرباشان جنسی از سوی برخی گروه‌ها و فعالین اجتماعی به تدریج افزایش یافته

حال در شرایطی که اقتصاد ایران زیر فشار جنگ و تحریم‌ها فروپاشیده، جمهوری اسلامی می‌کوشد از این موضوع به عنوان یک صنعت درآمدزا سود برده و با تبلیغ مهارت جراحان ایرانی، افراد همجنسگرا را از سراسر دنیا با وعده جراحی‌های ارزان، اقامت در هتل‌های لوکس و تورهای گردشگری به کشور جذب کند.

به گزارش رسانه‌های دولتی، جمهوری اسلامی امید دارد با درآمد پزشکی سالانه بیش از ۷ میلیارد دلار از گردشگری پزشکی برسد که رقمی حدود هفت برابر درآمد سال گذشته است. همین هدف موجب رشد شرکت‌هایی شده که با وبسایت‌های پر زرق و برق به زبان انگلیسی، علاوه بر جراحی‌های زیبایی چون رینوپلاستی و کاشت مو، جراحی‌های تغییر جنسیت شامل واژینوپلاستی، ماستکتومی و ساخت اندام تناسلی مردانه را تبلیغ می‌کنند.

فریده نجفی مدیر دو شرکت گردشگری پزشکی گفته: «ما همه مراحل را از ابتدا تا انتها انجام می‌دهیم تا تجربه‌ای بدون نگرانی و اضطراب برای متقاضیان رقم بزنیم. از زرو هتل و بیمارستان گرفته تا نقل و انتقال گردشگران.»

ایران یکی از معدود کشورهای مسلمان‌نشین است که جراحی تغییر جنسیت را مجاز دانسته و حتی به آن پارانیه می‌دهد. برای بسیاری از خارجی‌ها و برخی از افراد همجنسگرای ایرانی، این جراحی‌ها می‌تواند حیاتی باشد. اما پشت ظاهر «پیشگامانه» این سیاست، تاریخچه‌ای از اجبار، خشونت و سرکوب جامعه دگرباشان ایران نهفته است.

تحت حکومت اسلامی، همجنسگرایی با شلاق و حتی اعدام مجازات می‌شود. به همین دلیل، شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد گزارش داده است که بسیاری از این زنان

و مردان تحت فشار مجبور به انجام جراحی تغییر جنسیت می‌شوند تا از مجازات بگریزند.

با این حال، قیمت‌های پایین باعث شده همجنسگرایان از کشورهایی چون استرالیا، آمریکا، بریتانیا و ممالک اروپایی، و همچنین از همسایگانی مانند عراق که چنین جراحی‌هایی در آنجا ممنوع است، به ایران سفر کنند.

بر اساس داده‌های شرکت‌های گردشگری پزشکی، هزینه این جراحی‌ها در ایران حدود ۱۲ هزار دلار است. در حالی که در آمریکا حدود ۴۵ هزار دلار و در تایلند نزدیک به ۳۰ هزار دلار برآورد می‌شود. برخی مراکز دولتی حتی مبالغی تا ۴۵۰۰ دلار را تبلیغ می‌کنند.

با وجود این، فعالان و کارشناسان هشدار می‌دهند که واقعیت زندگی برای افراد همجنسگرا در ایران با تبلیغات رسمی فاصله دارد. سامان ارسطو بازیگر و فعال همجنسگرا می‌گوید: «هدف این تورهای پزشکی، نمایش چهره‌ای آرمانی از ایران است. گویی بهشت همجنسگرایان است، در حالی که چنین نیست. وضعیت واقعی برای این افراد فاجعه‌بار است.»

گزارش وزارت کشور بریتانیا در سال ۲۰۲۲ تخمین زده است که سالانه حدود ۴ هزار جراحی تغییر جنسیت در ایران انجام می‌شود. رقمی بیش از مجموع بریتانیا و فرانسه. بیشتر این افراد شهروندان ایرانی هستند.

پایه فقهی این عمل‌ها به فتوای روح‌الله خمینی رهبر انقلاب اسلامی در دهه ۱۹۸۰ بازمی‌گردد که بر اساس آن، افراد همجنسگرا در صورت انجام جراحی می‌توانند شناسنامه و هویت جنسیتی جدید دریافت کنند. اما کارشناسان می‌گویند این سیاست، بیش از آنکه از پذیرش هویت جنسیتی ناشی شود، ابزاری برای حذف همجنسگرایی

در جامعه است. زهرا سعید زاده پژوهشگر جنسیت در دانشگاه اوربرو سوئد می‌گوید: «در جمهوری اسلامی، همجنسگرا بودن مساوی است با الزام به جراحی. اگر فردی خود را همجنسگرا بداند اما نخواهد بدنش را تغییر دهد، از سوی جامعه و حکومت طرد و تهدید می‌شود.»

رها آجودانی بانوی همجنسگرای ۲۰ ساله‌ای که در سال ۲۰۲۴ برای فرار از جراحی اجباری و پیگرد امنیتی به آلمان گریخت، می‌گوید: «من هرگز نخواستم جراحی کنم. خودم را بیرون از دوگانه زن و مرد تعریف کرده‌ام. نخواستم طبق فتوای خمینی یا انتظار فرهنگی حکومت زندگی کنم.»

با وجود تبلیغات پر زرق و برق، جراحی‌های تغییر جنسیت در ایران همچنان با خطرات جدی همراه است. گزارش سازمان ملل در سال ۲۰۱۵ از موارد متعددی از جراحی‌های ناقص و آسیب‌زا خبر داده است. از خونریزی شدید و عفونت گرفته تا دردهای مزمن و ناهنجاری‌های جسمی.

دکتر شهریار کهن زاد ارولوژیست تهرانی که تا کنون حدود ۳۰۰ عمل انجام داده، هشدار می‌دهد که برخی شرکت‌ها برای افزایش درآمد، افراد را بدون آمادگی کافی به جراحی می‌فرستند.

او گفته: «در هر عمل، زمان و ارتباط پزشک با بیمار حیاتی است. کوتاه کردن مسیر فقط جان فرد را به خطر می‌اندازد.»

با این حال، برای رژیم ایران که در پی به دست آوردن پول از گردشگری پزشکی است، این صنعت همچنان یک فرصت اقتصادی تلقی می‌شود حتی اگر در پس آن، سرنوشت هزاران نفر با جراحی‌های اجباری و سیاست‌های سرکوبگر گره خورده باشد.

معزل جدید بنگاه‌های تولیدی در تهران: نبود کارگر ساده به علت افزایش اجاره مسکن



از سوی دیگر طی سال‌های گذشته که فاصله میان رقم دستمزد با هزینه زندگی در کلانشهرهایی مانند تهران به شدت افزایش یافته بسیاری از خانوارهای کارگری نیز از پایتخت و دیگر کلانشهرها کوچ کرده‌اند. آندسته از کارگرانی هم که باقی مانده‌اند به علت دستمزد ناچیز کارگری، ناچار به مشاغل کاذبی چون دستفروشی و زباله‌گردی مشغول شده‌اند.

خبرگزاری «اپلنا» در گزارشی روی آوردن کارگران ماهر و حرفه‌ای به زباله‌گردی و دستفروشی را تأیید کرده و نوشته کارگران حتی کارگران ماهر به «هر کار سخت اما شرافتمندانه» روی آورده‌اند تا بخشی از این چاله عمیق را پر کنند، اجاره خانه بدهند و نگذارند سفره خانواده کاملاً تهی شود؛ از مسافرخشی و دستفروشی گرفته تا جمع‌آوری ضایعات، به هر ریسمان نازکی می‌آویزند تا امرار معاش کنند.

خبرگزاری «اپلنا» نوشته در روزهای اخیر، یک کارگر شهرداری با ما تماس گرفت و از زباله‌گردی در ساعت‌های تاریکی شب گفت؛ او در یک جمله همه رنج استیصال را خلاصه کرد: «من شب‌ها در تاریکی استتار می‌کنم و در زباله‌ها به دنبال ضایعات قابل فروش می‌گردم، می‌ترسم شناخته شوم اما چه کنم، چاره دیگری ندارم...».

بهرام حسنی‌نژاد فعال کارگری و رئیس سابق انجمن صنفی کارگران معدن چادرملوی یزد در مورد مشکلات معیشتی اقشار فرودست گفته «زندگی مردم چه از نظر کیفی و چه کمی، دائماً در حال تنزل است. وقتی کارگر مجبور به انجام دادن هر کاری می‌شود تا کرایه خانه‌اش را بدهد، دیگر شأن و منزلتی ندارد. رکورد زدن قیمت دلار یعنی مزدبگیران به سمت قعر می‌روند و ثروتمندان و دلان و رانت‌خوران ثروتمندتر می‌شوند و این شکاف مدام عمیق‌تر می‌شود. شکاف عمیق هزینه‌های زندگی و مزد و حقوق دریافتی با یارانه نهایت سه‌دلاری دولت و کالابریک چند ۱۰۰ هزار تومانی اصلاً پر نمی‌شود. از ترمیم دستمزدها هم ←

کارخانه‌های اطراف تهران و همچنین شرکت‌های مستقر در پایتخت برای «بکارگیری کارگر ساده» با مشکل روبرو شدند. در برخی از این واحدهای تولیدی، کارگران با سابقه بخاطر «عدم تعادل شدید بین دستمزد حداقلی و اجاره‌بهای سنگین»، مجبور به ترک محل زندگی شدند و در برخی دیگر هم، «نیاز کارفرماها» به استخدام کارگر جدید، به در بسته خورد.

«دنیای اقتصاد» تأکید کرده این اتفاق نه به معنای «بیکاری حداقلی در جامعه» که به معنای «بحران دستمزد پایین و تورم بالای مسکن» است که برای قشری از نیروی کار، «داستان» درست کرده و پیامدش، متوجه «تولید» شده است.

بر اساس این گزارش نیروی کار ساده که اغلب مشمول «حداقل دستمزد» می‌شود نمی‌تواند با این رقم هزینه اجاره‌بها و خوراک در تهران و حومه را پوشش دهد. رقم این نوع دستمزد برای خانوار ۳ نفره زیر ۱۵ میلیون تومان است. این در حالیست که متوسط اجاره‌بهای ماهانه در پایتخت با احتساب رقم ودیعه، ۲۰ میلیون تومان است. این گزارش افزوده در مناطق جنوبی شهر که احتمالاً بخش قابل توجهی از کارگران ساده در این محله‌ها سکونت دارند نیز، متوسط ارقام ماهانه اجاره خانه، کمتر از ۱۰ میلیون تومان نیست.

این گزارش تأکید کرده هزینه بالای اجاره‌بهای مسکن همان «ماشه» خروج نیروی کار ساده از بنگاه‌ها در تهران است که ادامه آن، بر روند تولید ناخالص داخلی تأثیر سوء می‌گذارد.

این پیش‌بینی بر اساس تجربه سال‌های دور گذشته نیز وجود دارد که «کارگران ساده» ساکن تهران، حتی توان «سکونت در شهرهای حومه‌ای» اطراف تهران را هم نداشته باشند و در نتیجه به «سکونتگاه‌های غیررسمی» کوچ کنند که در این صورت، مسائل اجتماعی این مناطق حادثر خواهد شد.

● فشار هزینه اجاره مسکن برای قشر کارگر ساکن تهران باعث مهاجرت بخشی از آنها از پایتخت شده و اثر آن به شکل «محسوس»، «نبض نیروی کار در شرکت‌ها و بنگاه‌های تولیدی» فعال در داخل یا اطراف این کلانشهر را تحت تأثیر قرار داده است.

● طی سال‌های گذشته که فاصله میان رقم دستمزد با هزینه زندگی در کلانشهرهایی مانند تهران به شدت افزایش یافته بسیاری از خانوارهای کارگری نیز از پایتخت و دیگر کلانشهرها کوچ کرده‌اند. آندسته از کارگرانی هم که مانده‌اند به علت دستمزد ناچیز کارگری، ناچار به مشاغل کاذبی چون دستفروشی و زباله‌گردی مشغول شده‌اند.

● بهرام حسنی‌نژاد فعال کارگری: زندگی مردم چه از نظر کیفی و چه کمی، دائماً در حال تنزل است. وقتی کارگر مجبور به انجام دادن هر کاری می‌شود تا کرایه خانه‌اش را بدهد، دیگر شأن و منزلتی ندارد.

● احمد میدری وزیر تعاون، کار و امور اجتماعی نیز با افزایش دستمزد کارگران در سال جاری مخالفت کرده و تأکید کرده که دولت هیچ برنامه‌ای برای افزایش دستمزد کارگران ندارد!

با افزایش اجاره‌بهای مسکن در تهران و حومه، بسیاری از اقشار تنگدست و کم‌درآمد اقدام به مهاجرت از پایتخت کرده و این موضوع سبب کمبود کارگر ساده جویای کار در تهران شده است. بنگاه‌های تولیدی گزارش می‌دهند که آگهی‌ها برای استخدام نیروی کار ساده بی‌پاسخ می‌ماند.

روزنامه «دنیای اقتصاد» در گزارش گزارشی میدانی نوشته فشار هزینه اجاره مسکن برای قشر کارگر ساکن تهران باعث مهاجرت بخشی از آنها از پایتخت شده و اثر آن به شکل «محسوس»، «نبض نیروی کار در شرکت‌ها و بنگاه‌های تولیدی» فعال در داخل یا اطراف این کلانشهر را تحت تأثیر قرار داده است.

روزنامه «دنیای اقتصاد» نوشته طی سال جاری برخی

خبری نیست.

دولت پزشکيان افزایش قیمت بنزین را تصویب کرد؟



پس از انتشار تصویری با عنوان مصوبه هیئت وزیران دولت پزشکيان برای «نحوه اصلاح قیمت بنزین» در برخی رسانه‌ها منتشر شده، رئیس امور اطلاع‌رسانی دولت این خبر را تکذیب کرد و مدعی شده دولت تصمیمی برای افزایش قیمت بنزین ندارد. پیشتر یک نماینده مجلس شورای اسلامی از احتمال مطرح شدن موضوع «اصلاح قیمت بنزین» در لایحه بودجه ۱۴۰۵ خبر داده بود.

موضوع افزایش قیمت بنزین از ابتدای تشکیل دولت پزشکيان در تابستان ۱۴۰۳ یکی از محورهای خبرهای اقتصادی بوده است. تولید ناکافی بنزین در ایران سبب کمبود بنزین شده و همین موضوع انگیزه حذف پارانه بنزین را برای دولت مسعود پزشکيان افزایش داده است.

طی یک سال و دو ماه گذشته چند بار موضوع افزایش قیمت بنزین مطرح شد اما در نهایت مقامات دولت تأکید کردند تصمیمی برای افزایش قیمت بنزین ندارند. افزایش قیمت بنزین، بدون اطلاع قبلی به شهروندان، در آبان سال ۱۳۹۸ سبب موجی از خشم مردم و بروز اعتراضات سراسری معروف به اعتراضات آبان ۹۸ شد. اعتراضاتی که با سرکوب شدید معترضان از سوی جمهوری اسلامی و کشته شدن ۱۵۰۰ شهروند بی‌دفاع و بازداشت هزاران نفر شد.

در روزهای گذشته نیز با انتشار تصویری از مصوبه هیئت وزیران درباره «نحوه اصلاح قیمت بنزین» بار دیگر موضوع افزایش قیمت بنزین در رسانه‌های داخلی برجسته شد. وبسایت «خانه اقتصاد» با انتشار تصاویری از مصوبه هیئت وزیران درباره نحوه «اصلاح قیمت» بنزین گزارش داد دولت چارچوب جدیدی برای افزایش قیمت بنزین و سیاست‌های مرتبط با مصرف سوخت تعیین کرده است.

بر اساس محتوای تصویر منتشر شده، این مصوبه که ۲۷ شهریورماه ۱۴۰۴ به تأیید هیئت وزیران رسیده و ۱۳ مهرماه نیز ابلاغ شده است. بر این اساس دولت پزشکيان تصمیم دارد فاصله قیمتی میان بنزین و گاز طبیعی فشرده را افزایش دهد تا مصرف‌کنندگان به استفاده از گاز

● بر اساس مصوبه هیئت وزیران که تصویر آن منتشر شده دولت پزشکيان تصمیم دارد فاصله قیمت میان بنزین و گاز طبیعی فشرده را افزایش دهد تا مصرف‌کنندگان به استفاده از گاز ترغیب شوند.

● در این مصوبه «اعمال سقف سهمیه برای دریافت بنزین و چندنرخ شدن سهمیه بنزین» مورد تأکید قرار گرفته است. به بیان دیگر یک سهمیه اولیه برای هر اتومبیل در نظر گرفته می‌شود و مصرف مازاد با نرخ بالاتری محاسبه خواهد شد. هزینه حمل بنزین و حق‌العمل جایگاه‌های سوخت نیز باید توسط مصرف‌کنندگان پرداخت شود.

● یکی دیگر از نکات مهم این مصوبه افزایش سالانه قیمت بنزین متناسب با نرخ تورم است؛ نرخ تورم عمومی اقتصاد ایران در حال حاضر در کانال ۴۰ درصد قرار دارد!

● در امرداد امسال نیز مسعود پزشکيان از طرحی جهت حذف پارانه بنزین برای دهک‌های پردرآمد خبر داده بود. سخنگوی دولت اما بلافاصله مدعی شد دولت قصد افزایش قیمت بنزین را ندارد!

● مشخص است که کمبود منابع درآمدی دولت و کسری بودجه، دیر یا زود سبب خواهد شد طرحی برای حذف پارانه بنزین اجرا شود.

● کارشناسان همچنان با هشدار درباره بروز اعتراضات گسترده مردمی علیه گرانی بنزین، معتقدند افزایش قیمت بنزین به علت اثر سریع و مستقیم که بر افزایش قیمت انواع کالاها و خدمات خواهد داشت باید با ایجاد بسترهای مقدماتی صورت بگیرد.

● افزایش قیمت بنزین، بدون اطلاع قبلی به شهروندان، در آبان سال ۱۳۹۸ سبب موجی از خشم مردم و بروز اعتراضات سراسری معروف به اعتراضات آبان ۹۸ شد. اعتراضاتی که با سرکوب شدید معترضان از سوی جمهوری اسلامی و کشته شدن ۱۵۰۰ شهروند بی‌دفاع و بازداشت هزاران نفر روبرو شد.

«دنیای اقتصاد» نیز با اشاره به اینکه مستأجران ۴۰ درصد جمعیت تهران را تشکیل می‌دهند، تأکید کرده در صورتیکه «توان اقتصادی» زوج‌های اجاره‌نشین، با گشایشی در اقتصاد و سیاست، «ترمیم» نشود، افزایش سهم خانوارهای اجاره‌نشین از کل ساکنان تهران در سال آینده و سال‌های بعد، بسیار بالا خواهد بود.

قابل توجه اینکه طرح‌های دولت نیز برای حمایت از مستأجران کم‌درآمد با اجرای پروژه‌هایی مانند «مسکن مهر» و «نهضت ملی مسکن» شکست خورده است.

در چنین شرایطی کارگران ساده در تهران، باید دو سوم از آنچه در ماه «دستمزد» کسب می‌کنند را مستقیم، برای «مسکن» خرج کنند. این در حالیست که هزینه خوراک و دیگر هزینه‌های ضروری از جمله درمان و حمل‌ونقل را نیز باید از رقم ناچیز دستمزدها پرداخت کنند.

پرداخت اجاره خانه سبب می‌شود خانوارهای کارگری دیگر بودجه‌ای برای تأمین مناسب «کالری ماهانه» نداشته باشند. دیگر اقشار حداقل‌بگیر از جمله بازنشستگان نیز با چنین روند نفس‌گیری برای تأمین هزینه‌های ضروری زندگی روبرو هستند.

سعید علی‌زاده فعال صنفی بازنشستگان تأمین اجتماعی با اشاره به گرانی‌ها گفته مسائلی چون «محرور ماندن یک میلیون دانش‌آموز از تحصیل و رشد ۳۰ درصدی قیمت لوازم‌التحریر، خرید قسطی گوشت کیلویی یک میلیون تومانی، پر کشیدن غذاهای معمولی و ساده مثل آش رشته از سفره مردم، گران شدن هر روزه دارو و درمان، مشکلات بیمه تکمیلی بازنشستگان و سقوط بی‌سابقه ارزش پول ملی و کاهش هر روزه قدرت خرید مردم» به شاخص‌های زندگی اکثر جمعیت کشور تبدیل شده است.

هزینه‌های چند میلیون تومانی اجاره خانه در حالیکه که در دستمزد کارگران تنها ۹۰۰ هزار تومان به عنوان حق مسکن کارگران گنجانده شده است.

در همین رابطه فتح الله بیات فعال کارگری و رئیس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی گفته در ماه‌های گذشته تشکیل جلسه شورای عالی کار به منظور افزایش مبلغ کمک هزینه مسکن درخواست برخی تشکل‌های کارگری و نمایندگان کارگران در شورای عالی کار بوده که در راستای افزایش قدرت معیشت خانوارهای کارگری مطرح شده است.

این فعال کارگری با بیان اینکه حق مسکن، یک مسکن موقتی است و مبلغ فعلی آن کمکی به اجاره بهای کارگران نمی‌کند، گفته «یکی از مسائل مهمی که در زندگی روزمره کارگران حداقل بگیر سهم بسزایی دارد، بحث مسکن و اجاره بهاست لذا اگر تشکل‌های کارگری به دنبال تشکیل جلسه شورای عالی کار و افزایش مجدد حق مسکن هستند، به این دلیل است که در برابر مبالغ چندین میلیون تومانی کرایه خانه‌ها، حق مسکن ۹۰۰ هزار تومانی یا یک میلیون تومانی گره از ای مشکل کارگران باز نمی‌کند.»

به گفته فتح الله بیات با توجه به اینکه کارفرمایان در شورای عالی کار نمی‌پذیرند که افزایش مجدد حقوق و دستمزد کلید بخورد، گروه کارگری تلاش می‌کند آیت‌م‌های دیگری نظیر حق مسکن و بن خواربار را تغییر دهد تا با تقویت مزایای جانبی مزد در میانه سال بخشی از هزینه‌های کارگران پوشش یابد.

این در حالیکه که احمد میدری وزیر تعاون، کار و امور اجتماعی نیز با افزایش دستمزد کارگران در سال جاری مخالفت کرده و تأکید کرده که دولت هیچ برنامه‌ای برای افزایش دستمزد کارگران ندارد!

➔ ترغیب شوند.

در بخش دیگری از این مصوبه «اعمال سقف سهمیه برای دریافت بنزین و چندنرخ شدن سهمیه بنزین» مورد تأکید قرار گرفته است. به بیان دیگر یک سهمیه اولیه برای هر اتومبیل در نظر گرفته می‌شود و مصرف مازاد با نرخ بالاتری محاسبه خواهد شد.

در بخش دیگری از این مصوبه آمده هزینه حمل بنزین و حق‌العمل جایگاه‌های سوخت توسط مصرف‌کنندگان پرداخت شود.

یکی دیگر از نکات مهم این مصوبه افزایش سالانه قیمت بنزین متناسب با نرخ تورم است؛ نرخ تورم عمومی اقتصاد ایران در حال حاضر در کانال ۴۰ درصد قرار دارد!

در بخش پایانی مصوبه نیز آمده است که تا آذرماه سال ۱۴۰۵، سهمیه بنزین به صورت ریالی و نه مقداری تخصیص یابد.

ساعاتی بعد از انتشار این خبر، علی احمدنیا، رییس امور اطلاع‌رسانی دولت جمهوری اسلامی، افزایش نرخ بنزین را تکذیب کرد. او در حساب کاربری خود در شبکه «ایکس» نوشت: «برخی رسانه‌ها مدعی افزایش قیمت بنزین شدند! شورای اطلاع‌رسانی دولت ضمن تکذیب این ادعا اعلام می‌کند دولت برنامه‌ای برای افزایش نرخ بنزین ندارد!»

دولت در حالی وجود چنین مصوبه‌ای را تکذیب کرده که رضاسپهوند، دبیر کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی هفته گذشته، از احتمال مطرح شدن اصلاح قیمت بنزین در بودجه ۱۴۰۵ خبر داده و گفته بود موضوع تغییر قیمت حامل‌های انرژی در جریان تدوین بودجه سال آینده بررسی می‌شود. این نماینده مجلس شورای اسلامی تأکید کرده بود که واردات بخشی از سوخت مورد نیاز کشور، از جمله بنزین، دولت را وادار کرده تا در خصوص قیمت تمام شده و نحوه عرضه این فراآورده‌ها بازننگری کند.

به گفته عضو هیئت رئیسه کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی هزینه واقعی تولید و واردات بنزین، برق و گاز به مراتب بالاتر از نرخ فروش فعلی است و تداوم این اختلاف، باعث افزایش بار مالی بر دوش دولت خواهد شد. رضا سپهوند همچنین تأکید کرده بود که کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی و دولت پزشک‌یاب به طور مشترک در حال بررسی طرح‌هایی برای اصلاح قیمت‌ها هستند تا از یکسو فشار اقتصادی بر مردم کاهش یابد و از سوی دیگر، شکاف میان نرخ آزاد و یارانه‌ای کمتر شود.

حذف یارانه سوخت دهک‌های پردرآمد، سه‌نرخ شدن بنزین یا حتی افزایش پلکانی قیمت‌ها از جمله سناریوهای مطرح شده برای «اصلاح قیمت بنزین» اعلام شده‌اند.

در امداد امسال نیز مسعود پزشک‌یاب از طرحی جهت حذف یارانه بنزین برای دهک‌های پر درآمد خبر داد. پزشک‌یاب با ادعای اینکه «دولت به دنبال گران کردن بنزین برای طبقه محروم جامعه نیست» اما این پرسش را مطرح کرده بود که «چرا باید ۴ میلیارد تومان برای واردات بنزین هزینه شود تا کسانی که ۴ برابر بیشتر از دیگران مصرف می‌کنند، از یارانه برابر بهره‌مند شوند و بنزین را به قیمت لیتری ۱۵۰۰ تومان خریداری کنند؟»

سخنان مسعود پزشک‌یاب نشان می‌داد یکی از گزینه‌های مورد نظر دولت برای رفع کمبود بنزین، تعیین نرخ متفاوت بنزین برای دهک‌های مختلف درآمدی است؛ اقدامی مشابه شیوه تخصیص یارانه نقدی که در آن دهک‌های پردرآمد یا یارانه‌ای دریافت نمی‌کنند یا مبلغ کمتری دریافت می‌کنند.

مسعود پزشک‌یاب تأکید کرده بود که «بخش قابل توجهی از منابع کشور صرف واردات بنزین می‌شود، در حالی که می‌توان با مدیریت صحیح مصرف، این هزینه‌ها را کاهش داد.»

طرح پزشک‌یاب پس از انعکاس در رسانه‌ها، به سرعت از سوی فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت تکذیب شد. فاطمه مهاجرانی طرح دولت برای افزایش قیمت بنزین را «شایعه» خوانده و گفته بود «الان زمان تصمیم‌گیری درباره افزایش قیمت بنزین نیست، و هنوز موضوع در سطح طرح مسئله است و هیچ تصمیم‌گیری در این زمینه انجام نشده است.» اکنون پس از انتشار مصوبه هیئت وزیران بار دیگر موضوع تصمیم دولت برای افزایش قیمت بنزین پررنگ شده و واکنش‌هایی را نیز در پی داشته است. از جمله مرتضی محمودی نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی در تذکری شفاهی به دولت پزشک‌یاب گفته «شنیده شده هیئت وزیران مصوبه‌ای برای گران کردن قیمت بنزین دارد و آن هم اعلام شده است. آقایان دولت با شعار عدم گران‌سازی و حمایت از قشر ضعیف و اجرای عدالت آمده‌اید.»

مرتضی محمودی افزوده «مجلس راه اجرای عدالت را به شما نشان داده است و در تبصره ۳ قانون بودجه برای انتقال سهمیه سوخت به کارت بانکی مشخص شده است، چرا این کار را انجام نمی‌دهید و می‌خواهید دست در جیب مردم برید و به گران‌سازی روی آورده‌اید.»

رضا سپهوند دبیر کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی نیز پس از انتشار تصویر مصوبه هیئت وزیران، در گفتگویی جدید گفته «مصوبه اخیر دولت درباره افزایش قیمت بنزین هنوز به مجلس ارائه نشده است و هرگونه تصمیمی درباره این مسئله، زمانی قابل اجرا خواهد بود که دولت موضوع افزایش قیمت بنزین را یا در قالب لایحه بودجه یا در قالب یک لایحه جداگانه به مجلس بیاورد و به تصویب پارلمان برساند.»

عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی تأکید کرده که «با توجه به این که سوخت، کالایی است که مورد مصرف عموم مردم است، دولت نمی‌تواند به‌تنهایی درباره قیمت آن تصمیم بگیرد و افزایش نرخ آن یا باید در مجلس به تصویب برسد یا مانند مرتبه قبل، در جلسه سران قوا در این زمینه تصمیم‌گیری شود.»

رضا سپهوند افزوده که «مجلس معتقد است تا زمانی که درآمد مردم افزایش پیدا نکند، بالا بردن نرخ حامل‌های انرژی به صورت ناگهانی می‌تواند ضربه شدیدی به معیشت شهروندان بزند و به همین دلیل، ما فعلاً با افزایش قیمت بنزین مخالف هستیم.»

با همه خبرها و تکذیب‌ها، مشخص است که کمبود منابع درآمدی دولت و کسری بودجه، دیر یا زود سبب خواهد شد طرحی برای حذف یارانه بنزین، دست‌کم آنطور که پزشک‌یاب اعلام کرده برای دهک‌های پردرآمد اجرا شود. با اینهمه کارشناسان همچنان با هشدار درباره بروز اعتراضات گسترده مردمی با گرانی بنزین، معتقدند افزایش قیمت بنزین به علت اثر سریع و مستقیم که بر افزایش قیمت انواع کالاها و خدمات خواهد داشت باید با ایجاد بسته‌های مقدماتی صورت بگیرد.

روزنامه اصلاح‌طلب «هم‌میهن» نیز که از حامیان دولت پزشک‌یاب به شمار می‌رود روز گذشته در مطلبی تأکید کرده «در صورت ادامه روند رو به رشد کنونی در مصرف بنزین تا سال ۱۴۰۷ نیاز واردات بنزین به ۱۶ میلیارد دلار می‌رسد» و نوشته «در حقیقت حل مسئله بنزین خیلی مهم‌تر و حیاتی بوده ولی هیچکدام از دولت‌های دوده‌های اخیر نتوانستند آن را حل کنند که هرکدام آن را بدتر کردند.»

این مطلب افزوده «درواقع، بنزین توانایی‌های ادعایی دولت‌ها را به چالش کشید و البته، هنگامی که همه دولت‌ها در ماجرای بنزین شکست خورده‌اند باید گفت که بنزین توانایی و ادعای کلیت ساختار سیاسی را به چالش کشیده و همه آنها در آزمون بنزین مردود شده‌اند.»

وضعیت هشدارآمیز خشکسالی در ایران؛ خطر فروپاشی اکولوژیک دریای مازندران

● ابراهیم نجفی عضو کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی اعلام کرده راهکار پایدار برای حل بحران کمبود آب استان تهران، انتقال آب از دریای خزر است.

● کارشناسان اما نه تنها انتقال آب از دریای مازندران به تهران را «راهکار پایدار» نمی‌دانند بلکه درباره نتایج فاجعه‌بار محیط زیستی چنین اقدامی هشدار می‌دهند.

● ایده انتقال آب دریای مازندران به استان تهران مانند دیگر طرح‌های مقامات جمهوری اسلامی در چهار دهه گذشته است؛ ناکارآمد و پرهزینه و خسارت‌بار!

● رئیس مجمع نمایندگان استان اصفهان در مجلس شورای اسلامی اعلام کرده: «بحران آب اصفهان یک مسئله بین‌استانی و بین چندین حوضه آبریز است و اگر روند کنونی ادامه یابد، در سه ماه آینده چندین استان و شهر با مشکل جدی در تأمین آب شرب مواجه خواهند شد.»

بحران خشکسالی در ایران با وضعیتی هشدارآمیز روبرو شده و در این میان راهکارهایی که برای مدیریت این بحران از سوی مقامات مطرح است سبب تشدید این بحران در درازمدت خواهد شد. یک نماینده مجلس شورای اسلامی راه حل بحران کمبود آب استان تهران را انتقال آب از دریای مازندران دانسته است. در مرکز ایران نیز خشکسالی در اصفهان حادث شده و پیش‌بینی شده طی سه ماه آینده چند استان دیگر را نیز درگیر کند.

ابراهیم نجفی عضو کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی اعلام کرده راهکار پایدار برای حل بحران کمبود آب استان تهران، انتقال آب از دریای خزر است.

این نماینده مجلس شورای اسلامی گفته «در حال حاضر، آب شرب تهران از حدود ۵۰۰ حلقه چاه تأمین می‌شود که خطر فرونشست زمین را به همراه دارد. منابع آبی پشت سدها هم به میزان بارش‌های سالیانه وابسته است. اگر تنها به بارش‌ها و چاه‌ها تکیه کنیم، نمی‌توانیم برای شهری با جمعیت ۱۰ میلیون نفری منابع آب پایدار ایجاد کنیم.»

ابراهیم نجفی افزوده: «از نکات مازندران - تا شهری، دو خط لوله نفت موجود است و بر اساس مطالعات بنیاد آب خزر، قرار است دو خط لوله انتقال آب از دریای خزر به تهران احداث شود. حدود ۸۰ درصد مسیر این پروژه پیش‌تر تملک شده و نیاز به تخریب جدید ندارد. طبق پیشنهاد بنیاد آب خزر، سالانه حدود ۲۰۰ میلیون مترمکعب آب به تهران منتقل شود، پساب آن تصفیه شده و برای احیای دریاچه قم استفاده شود تا شوری آب آن منطقه کاهش یابد و دریاچه احیا شود. مازاد آب نیز برای مصرف تهران اختصاص خواهد یافت.»

کارشناسان اما نه تنها انتقال آب از دریای مازندران به تهران را «راهکار پایدار» نمی‌دانند بلکه درباره نتایج



در اقدامی دیرینه‌گام، رضا صالحی امیری وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی روز شنبه ۲۹ شهریورماه ۱۴۰۴ از مصوبه دولت برای تشکیل ستادی با موضوع مدیریت بحران فرونشست به ریاست محمدرضا عارف معاون اول مسعود پزشکیان خبر داد. پدیده فرونشست که به علت مدیریت ناکارآمد و ویران‌کننده منابع آبی از سوی جمهوری اسلامی طی چهار دهه گذشته و برداشت بی‌رویه از منابع آب زیرزمینی مرزهای بحران را رد کرده، حالا به تهدیدی علیه حیات شهرهای مختلف ایران و جان میلیون‌ها شهروند تبدیل شده است.

فرونشست در شهرهایی مانند تهران، کرمان، یزد، اصفهان، اهواز با سرعتی شتابان در حال گسترش است و برخی مناطق سالانه بیش از ۲۰ سانتی‌متر فرونشست ثبت شده است. اگر چه در سالهای گذشته فرونشست دشت‌های ایران را

و دویست میلیون کیلووات ساعت برق مصرف شود. معادل مصرف سالانه برق یک شهر ۱۰۰ هزار نفری.

در فرآیند هم‌زدایی نیز، نیمی از آب ورودی به صورت پساب فوق‌شور دوباره به دریا بازمی‌گردد. ورود چنین حجم عظیمی از شورابه به بخش جنوبی خزر، ترکیب شیمیایی و زیستی آن را دگرگون کرده و حیات‌گونه‌هایی مانند فک خزری، ماهیان خاویاری و پلانکتون‌های حساس را تهدید می‌کند.

ایده انتقال آب دریای مازندران به استان تهران مانند دیگر طرح‌های مقامات جمهوری اسلامی در چهار دهه گذشته است؛ ناکارآمد و پرهزینه و خسارت‌بار!

در استان اصفهان نیز به علت پروژه‌های عجیب انتقال آب، رودخانه زاینده‌رود که سده‌ها از میان شهر اصفهان می‌گذشت سالهاست خشک شده و عوارض این خشکسالی از توفان گرد و خاک تا فرونشست استان و شهر اصفهان را

فاجعه‌بار محیط زیستی چنین اقدامی هشدار می‌دهند.

در همین رابطه و در واکنش به سخنان ابراهیم نجفی، نیما فرید مجتهدی پژوهشگر و کارشناس حوزه تغییرات اقلیمی به خبرگزاری «رکتا» گفته «در ۲۰ سال گذشته، کاهش سطح آب به وضوح قابل مشاهده بوده و میزان عقب‌نشینی دریای خزر به‌طور متوسط دو متر گزارش شده است. این عقب‌نشینی تنها به عمق محدود نمی‌شود، بلکه از منظر افقی نیز سواحل ایران بین ۲۰۰ تا ۴۰۰ متر عقب رفته‌اند. این موضوع یکی از مهم‌ترین چالش‌های حوزه دریای خزر محسوب می‌شود.»

نیما فرید مجتهدی افزوده «اگر روند کنونی ادامه یابد، علاوه بر تهدید کشاورزی و تالاب‌های شمال، خطر بروز طوفان‌های گرد و غبار شور در سکونتگاه‌های ساحلی وجود دارد. زمین‌های خشک‌شده حاشیه خزر به تدریج به



متأثر کرده بود اما حالا این پدیده به درون شهرها کشیده شده و خبرهایی درباره ریزش بخشی از خیابان‌ها یا منازل مسکونی در شهرهای درگیر با این پدیده منتشر می‌شود. در شهریورماه امسال طی یک هفته سه فرونشست در محدوده مرکزی شهر اصفهان ایجاد شد. روز دوشنبه ۲۴ شهریورماه ۱۴۰۴ در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد، یک فرونشست در خیابان بهارستان اصفهان ایجاد شد. روز دوشنبه ۱۷ شهریورماه هم فرونشستی با عمق ۱۵ متر و عرض شش متر در خیابان هشت بهشت اصفهان ایجاد شد و یک روز بعد نیز فرونشستی با عمق هفت متر در خیابان لاله شهر اصفهان ایجاد و سبب آسیب به شبکه فاضلاب شد. همزمان مهدی جمالی‌نژاد استاندار اصفهان اعلام کرد میزان فرونشست سالیانه در برخی مناطق این استان به ۱۵ تا ۱۸ سانتی‌متر رسیده است.

استاندار اصفهان وضعیت فرونشست در این شهر را نیز بحرانی توصیف کرد و گفت «۹ ایستگاه اصلی مترو اصفهان، ۲۷۴ فلکه اصلی آتش‌نشانی، ۳۲۸ مسجد، ۳۷ کتابخانه، سه بیمارستان اصلی، یک هتل و ۲۵۸ مدرسه در پهنه بالای فرونشست است.»

مهدی جمالی‌نژاد همچنین گفته ۷۰ تا ۸۰ مدرسه نیز به علت فرونشست تخلیه شدند که بسیاری از آنها به علت تشدید فرونشست تخریب شدند.

درگیر کرده است.

محمدتقی نقدعلی رئیس مجمع نمایندگان استان اصفهان در مجلس شورای اسلامی اعلام کرده: «بحران آب اصفهان یک مسئله بین‌استانی و بین چندین حوضه آبریز است و اگر روند کنونی ادامه یابد، در سه ماه آینده چندین استان و شهر با مشکل جدی در تأمین آب شرب مواجه خواهند شد.»

این نماینده مجلس شورای اسلامی گفته «اصفهان زودتر از سایر مناطق کشور خطر کمبود آب را احساس کرد اما متأسفانه تلاش‌های ما برای تأمین نیازهای اولیه استان گاهی به سوءتفاهم و متهم شدن به زیاده‌طلبی منجر شد و این در حالی است که برخی استان‌ها پس از تخلیه کامل منابع آبی و بسیج شدن امکانات کشور برایشان، با هیچ سؤالی مواجه نشدند.»

محمدتقی نقدعلی همچنین با انتقاد از عملکرد مدیران گذشته، گفته «بعضی از موانع محیط‌زیستی که اجرای پروژه‌های حیاتی را مختل کرده است، غیرواقعی هستند و به نظر می‌رسد، برخی عمدی مانع‌تراشی می‌کنند.»

ایران در حالی وارد پنجمین سال خشکسالی و کم آبی شده که مقامات جمهوری اسلامی با جیره‌بندی گسترده آب بخش خانگی در نیمه اول امسال قصد داشتند از این بحران عبور کنند.

کانون‌های تولید گرد و غبار تبدیل می‌شوند و این مسئله پیامدهایی ملی خواهد داشت.»

مهدی زارع استاد زمین‌شناسی نیز به تازگی با اشاره به کاهش شدید آب ورودی به دریای مازندران گفته «مطالعات نشان می‌دهد که کاسپین تا سال ۲۱۰۰ می‌تواند بین ۹ تا ۱۸ متر کاهش سطح آب داشته باشد و این به معنای از بین رفتن تالاب‌ها، نابودی تنوع زیستی، از دست رفتن قابلیت کشتیرانی و تهدید معیشت میلیون‌ها نفر در کشورهای ساحلی است.»

جدا از هشدارهایی درباره تهدید اکوسیستم دریای مازندران با انتقال آب این دریاچه به استان تهران، کارشناسان همچنین انتقال آب شور دریای مازندران با طی مسافتی طولانی به استان‌های البرز و تهران را پروژه‌ای می‌دانند که هزینه‌های آن بیش از سودش است!

کارشناسان منابع آب توضیح می‌دهند که این طرح نیازمند طی مسافتی بیش از ۳۰۰ کیلومتر و اختلاف ارتفاعی حدود ۱۲۰۰ متر است. آب شور خزر باید ابتدا در تأسیسات عظیم هم‌زدایی تصفیه شود و سپس با صرف انرژی بسیار زیاد به ارتفاعات البرز و پایتخت پمپاژ شود.

هر مترمکعب آب انتقالی در چنین پروژه‌هایی به ۴ تا ۶ کیلووات ساعت انرژی نیاز دارد. این یعنی برای انتقال سالانه ۲۰۰ میلیون مترمکعب آب، باید بیش از یک میلیارد

وام بی خاصیت مسکن تنها قدرت خرید ۹ متر خانه در تهران را می‌دهد



قابل دریافت نیستند و بانکها به علت کمبود منابع با سنگ اندازی مقابل پای متقاضیان آنها را وارد دور باطلی از تلاش برای دریافت وام می‌کند. این در حالیست که پرداخت دو وام ازدواج و فرزندآوری با توجه به سیاست‌های افزایش جمعیت جمهوری اسلامی با تأکید مقامات حکومتی روبرو بوده است.

وبسایت «اقتصاد ۲۴» در گزارشی به تخلف بانکها در پرداخت وام ازدواج پرداخته و نوشته تسهیلات ازدواج که روزی قرار بود بخشی از مشکلات زوج‌های جوان را حل کند، حالا با سنگ اندازی و برخوردهای سلیقه‌ای برخی بانکها به چالشی بزرگ تبدیل شده است.

این در حالیست که بانک مرکزی بارها ابلاغ کرده که بانکها در مورد وام ازدواج و وام‌های خرد بیش از یک ضامن معتبر نباید بگیرند و با بانک‌های متخلف برخورد شده، هرچند این برخوردها اعلام نمی‌شود.

علیرضا قیطاسی دبیرکل شورای هماهنگی بانکها نیز تأکید کرده که تسهیلات ازدواج باید با حداکثر یک ضامن و یک سفته پرداخت شود.

بر اساس توضیحات علیرضا قیطاسی متقاضیان ابتدا اعتبارسنجی می‌شوند و اگر رتبه اعتبارسنجی مناسب باشد نیازی به ضامن ندارند. در صورت اعتبارسنجی ضعیف، یارانه، سهام عدالت یا سایر دارایی‌های خود و بستگان درجه یک می‌تواند به عنوان ضمانت قرار گیرد و اگر این وثایق وجود نداشت، یک سفته و یک ضامن کافی است.

این در حالیست که دریافت سه ضامن، چک و سفته هر کدام ۱/۵ برابر کل تعهد، درخواست سه ضامن کارمند با چک‌های ۴۵۰ میلیونی برای وام دختر، الزام چهار ضامن با حقوق بالای ۲۵ میلیون و بدون بدهی برای دو وام ۳۰۰ میلیونی، نیاز به چهار ضامن با چک و سفته برای وام ۷۰۰ میلیونی از جمله شرایط «غیرقانونی» بانکها برای ارائه وام ازدواج به زوج‌های جوان است.

میلیون تومانی وام مسکن در تامین مالی خرید مسکن کاهش پیدا می‌کند.

مدیرعامل بانک مسکن گفته «در تهران قیمت یک مسکن معمولی ۵۰ متری در محله‌های جنوبی شهر در خوشبینانه‌ترین حالت با ۸۰ میلیون تومان در هر متر به ۴ میلیارد تومان می‌رسد و طبیعتاً تسهیلات ۶۵۰ میلیون تومان سهمی قابل توجهی در این عدد ندارد.»

آمارهای بانک مرکزی نیز نشان می‌دهد سهم وام خرید مسکن از وام‌های پرداختی بانکها در سال جاری با کاهش روبرو بوده است.

بر اساس این آمار در پنج ماهه ابتدایی امسال، مجموع تسهیلات اعطایی بانکها برای خرید مسکن نوساز به بخش خانوار و غیرخانوار، ۲۰/۵ هزار میلیارد تومان بوده است. این رقم در مقایسه با ۲۳ هزار میلیارد تومان وام اعطایی در پنج ماهه ابتدایی سال ۱۴۰۳، نشان‌دهنده کاهش حدود ۳/۵ هزار میلیارد تومانی است.

در همین رابطه هادی سرخوش کارشناس اقتصاد مسکن گفته سهم ناچیز بخش مسکن از تسهیلات بانکی، نشان‌دهنده عدم تناسب سیاست‌های حمایتی با نیازهای واقعی بازار است.

این کارشناس گفته دولت و بانک مرکزی باید با بازنگری در سیاست‌های اعطای تسهیلات، سهم این بخش را افزایش داده و شرایطی را فراهم کنند که نه تنها قدرت خرید مسکن برای مردم افزایش یابد، بلکه امکان دریافت وام برای تعمیرات نیز تسهیل شود. وگرنه بحران مسکن و تبعات اجتماعی و اقتصادی ناشی از آن، همچنان پابرجا خواهد ماند.

هادی سرخوش تأکید کرده که «حمایت از بخش مسکن، نه تنها به معنای تامین سرپناه برای شهروندان است، بلکه به معنای ایجاد اشتغال، تحریک رشد اقتصادی و تحقق عدالت اجتماعی نیز محسوب می‌شود.»

دیگر وام‌ها مانند وام ازدواج و فرزندآوری نیز به راحتی

وام خرید مسکن در ایران بسیار گران و با بهره بالا و اقساط نجومی است و در نتیجه اقشار مستأجر توانایی پرداخت هزینه‌های هنگفت این وام را ندارند.

کارشناسان بارها هشدار داده‌اند که وام‌های موجود خرید مسکن هیچ کمکی به خانه‌دار شدن اقشار مستأجر و حقوق‌بگیر نمی‌کند و صرفاً بخشی از «خودی»‌های پر درآمد می‌توانند از این وام‌ها بهره ببرند.

حسام عقابایی رئیس پیشین اتحادیه املاک: در کشور ما سود بانکی نسبت به سایر کشورها و حتی کشورهای حوزه خلیج فارس بسیار بالاست. نرخ‌هایی مانند ۱۸ تا ۲۵ درصد برای وام‌ها عملاً تأثیری در جذب متقاضی ندارد.

علی خورسندیان مدیرعامل بانک مسکن گفته «توان بازپرداخت در تسهیلات بسیار مهم است و همین امروز اقساط تسهیلات ۶۵۰ میلیون تومانی مسکن حدود ۱۷ میلیون تومان است که این عدد برای مخاطبان این تسهیلات رقم بالایی محسوب می‌شود.»

افزایش قیمت مسکن با رقم و شیوه وام دادن بانکها برای خرید مسکن هماهنگی ندارد و در عمل متقاضیان که اکثر آنها اقشار کم‌درآمد هستند نمی‌توانند از این وام‌ها استفاده کنند. از سوی دیگر بانکها با کمبود منابع روبرو هستند و با دشوار کردن شرایط تلاش دارند وام‌های مختلف از وام ازدواج تا فرزندآوری را نیز به متقاضیان پرداخت نکنند.

وام خرید مسکن در ایران، وامی گران با بهره بالا و اقساط نجومی است و در نتیجه اقشار مستأجر توانایی پرداخت هزینه‌های هنگفت این وام را ندارند. کارشناسان بارها هشدار داده‌اند که وام‌های موجود خرید مسکن هیچ کمکی به خانه‌دار شدن اقشار مستأجر و حقوق‌بگیر نمی‌کند و صرفاً بخشی از «خودی»‌های پر درآمد می‌توانند از این وام‌ها بهره ببرند.

حسام عقابایی رئیس پیشین اتحادیه املاک در گفتگو با خبرگزاری «مهر» با هشدار درباره وضعیت بحرانی بازار مسکن گفته «وام خرید مسکن یک میلیاردی تنها کفاف خرید ۹ متر خانه در تهران را می‌دهد.»

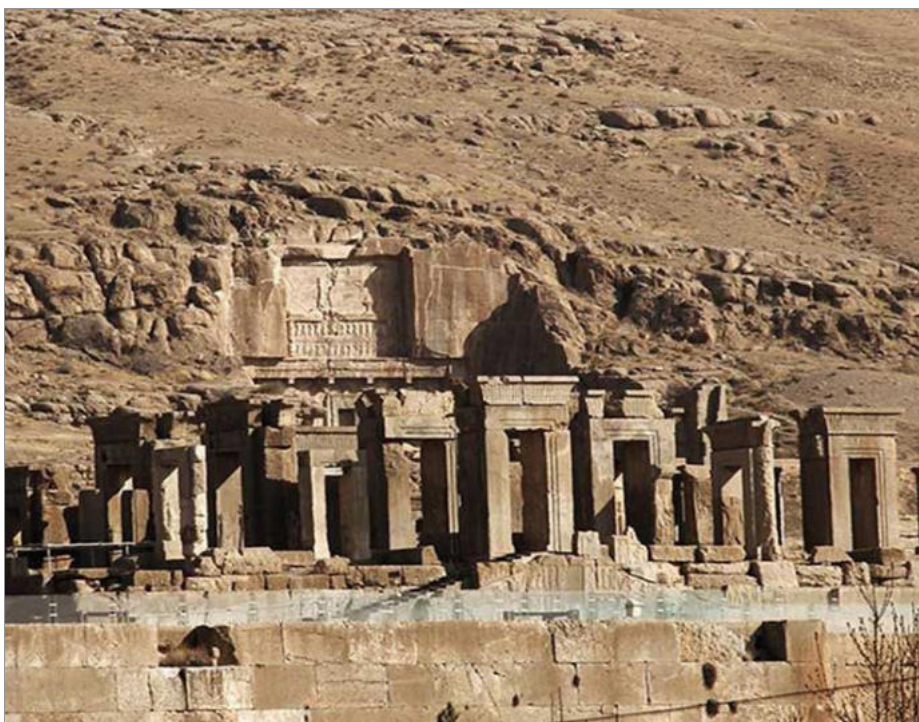
حسام عقابایی افزوده «در کشور ما سود بانکی نسبت به سایر کشورها و حتی کشورهای حوزه خلیج فارس بسیار بالاست. نرخ‌هایی مانند ۱۸ تا ۲۵ درصد برای وام‌ها عملاً تأثیری در جذب متقاضی ندارد.»

علی خورسندیان مدیرعامل بانک مسکن نیز در گفتگو با خبرگزاری «ایلنا» نیز به انتقاد از شرایط وام مسکن پرداخته و گفته امسال سقف تسهیلات مسکن از ۵۵۰ میلیون تومان به ۶۵۰ میلیون تومان افزایش پیدا کرد اما باید به این نکته توجه داشت که هرچه تسهیلات مسکن افزایش پیدا کند، اقساط آن هم افزایش پیدا می‌کند.

مدیرعامل بانک مسکن افزوده «توان بازپرداخت در تسهیلات بسیار مهم است و همین امروز اقساط تسهیلات ۶۵۰ میلیون تومانی مسکن حدود ۱۷ میلیون تومان است که این عدد برای مخاطبان این تسهیلات رقم بالایی محسوب می‌شود.»

علی خورسندیان معتقد است «توجه به تورم حاکم بر اقتصاد کشور، اثر تسهیلات مسکن خنثی شده است وگرنه این عدد می‌تواند عدد تعیین‌کننده در هزینه مسکن باشد و اگر تورم افسارگسیخته ادامه داشته باشد، سهم ۶۵۰

احتمال خروج تخت جمشید از فهرست میراث جهانی



تا کنون هرگز این اثر با تهدید از سوی یونسکو مواجه نبوده و برای اولین بار است که در دولت مسعود پزشکیان، خطر خروج این اثر از فهرست میراث جهانی وجود دارد!

این در حالیست که محدوده پارسه بر اثر فرورفتگی‌های گسترده در دشت مرو دشت نیز با خطراتی روبه‌روست. طی سالهای گذشته بارها گزارش‌ها و تصاویری از ترک برداشتن دیوارها در تخت جمشید، نقش رستم و کعبه زرتشت منتشر شده اما هیچیک از دولت‌های وقت جمهوری اسلامی برای نجات این آثار اقدامات موثری انجام ندادند.

وبسایت «خرآنلاین» چند سال پیش گزارش داد که استان فارس در یکی از بحرانی‌ترین دوره‌های خود از نظر وضعیت منابع آبی قرار گرفته و روند کاهش بارش‌ها، برداشت‌های بی‌رویه از سفره‌های آب زیرزمینی و تغییرات اقلیمی، موجب تشدید چالش‌های زیست‌محیطی و اقتصادی در این استان شده است.

در این گزارش تأکید شده بود که وضعیت منابع آب زیرزمینی فارس در شرایط حاد قرار دارد و به دنبال آن، پدیده‌هایی نظیر فرورفتن زمین، شوری آب و کمبود شدید منابع آبی، بخش‌های گسترده‌ای از استان را درگیر کرده است.

حسینعلی امیری استاندار فارس هم فرورفتن زمین را نگران‌کننده دانسته و گفته بود با توجه به موارد فرورفتن زمین که اکنون در فارس رخ داده باید چاره‌اندیشی مبتنی بر علم در دستور کار قرار گیرد. او گفته بود دلایل فرورفتن زمین متعدد است و هر اقدامی به دستگاه یا سازمانی مربوط می‌شود؛ سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی باید مرجعیت مدیریت موضوع را بر عهده گیرد و سایر سازمان‌ها نیز همراهی‌های لازم را انجام دهند.

فرهنگی را تهدید می‌کند، بلکه آثار باستانی مدفون را در معرض خطر قرار می‌دهد.

بر اساس گزارش «عصر ایران» از حدود شش ماه پیش بطور جدی مطرح شده و باستان‌شناسان و کارشناسان با مکاتباتی موفق به توقف اجرای این طرح شده‌اند. با این حال، وجود حدود ۵۰۰ میله بتنی که در سال ۱۳۹۰ برای نشانه‌گذاری حریم نصب شده‌اند، نشان‌دهنده حساسیت این منطقه است. نادیده گرفتن یا تخریب این میله‌ها برای اجرای توسعه شهری عملاً غیرممکن است و نشان می‌دهد که این طرح به حریم حفاظتی تخت جمشید تجاوز کرده و آثار هخامنشی کاوش‌نشده را در معرض خطر جدی قرار می‌دهد.

«عصر ایران» افزوده گزارش دوره‌ای ایران به یونسکو در سال ۲۰۲۳ به صراحت به خطر توسعه شهر مرو دشت به سمت حریم تخت جمشید اشاره کرده و آن را تهدیدی بالقوه برای اصالت و یکپارچگی این میراث جهانی دانسته است. در این گزارش، رشد شهر مرو دشت، توسعه روستاهای جدید و ورود صنایع آلاینده به عنوان تهدیدات اصلی ذکر شده‌اند.

بر این اساس یونسکو از ایران خواسته است این تهدیدات را بطور جدی مدیریت کند تا حریم حفاظتی حفظ شود. در صورت مخدوش شدن منظر فرهنگی و تاریخی تخت جمشید، یونسکو می‌تواند این اثر را در فهرست میراث در خطر قرار دهد و در صورت عدم پاسخگویی کافی یا عدم توقف اقدامات تهدیدآمیز، حتی ممکن است آن را از فهرست میراث جهانی حذف کند.

تخت جمشید که در سال ۱۳۵۸ به عنوان یکی از نخستین آثار ایران در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت شد، توسط هخامنشیان حدود ۲۵۰۰ سال پیش ساخته شده است. از زمان ثبت جهانی تخت جمشید

● نماینده مرو دشت در مجلس شورای اسلامی از افزوده شدن حدود ۹۶۱ هکتار به محدوده این شهر خبر داده است؛ اتفاقی که خطر خروج تخت جمشید از فهرست میراث جهانی را در پی دارد.

● با مقایسه نقشه ۹۶۱ هکتاری محدوده اضافه‌شده با نقشه‌ای که توسط باستان‌شناسانی مانند ویلیام سامنر پیش از انقلاب تهیه شده، مشخص می‌شود که بخشی از این توسعه با محدوده شهر هخامنشی پارسه هم‌پوشانی دارد.

● تخت جمشید که در سال ۱۳۵۸ به عنوان یکی از نخستین آثار ایران در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت شد، برای اولین بار است که در دولت مسعود پزشکیان، خطر خروج این اثر از فهرست میراث جهانی وجود دارد!

در حالی که هشدارها درباره آسیب به تخت جمشید، نقش رستم و کعبه زرتشت در مرو دشت به علت فرورفتن ادامه دارد، نماینده مرو دشت در مجلس شورای اسلامی از افزوده شدن حدود ۹۶۱ هکتار به محدوده این شهر خبر داده است؛ اتفاقی که خطر خروج تخت جمشید از فهرست میراث جهانی را در پی دارد.

اسفندیار عبدالهی در مجلس شورای اسلامی اعلام کرده حدود ۹۶۱ هکتار به محدوده شهر مرو دشت اضافه شده است.

بر اساس بررسی‌های باستان‌شناسی، حدود ۴۶۰ هکتار از این محدوده جدید در حریم درجه دو تخت جمشید قرار دارد که بر خلاف ضوابط میراث فرهنگی است. این ۴۶۰ هکتار شامل اراضی بکری از منطقه باستانی فیروزی و بخشی از شهر باستانی پارسه هخامنشی، است که از نظر باستان‌شناسی اهمیت بالایی دارد.

نکته مهم اینکه این منطقه هنوز کاوش نشده و تپه‌های باستانی آن بدون مطالعه باقی مانده‌اند. الحاق این بخش به شهر مرو دشت می‌تواند آثار ناشناخته‌ای از تاریخ هخامنشی را از بین ببرد.

طرح افزایش محدوده به شهر مرو دشت از سال‌ها پیش مطرح شده بود، اما به دلیل وجود تخت جمشید و ضوابط سختگیرانه حریم‌های آن، تا کنون اجرا نشده بود. اجرای این طرح خطر خروج تخت جمشید از فهرست میراث جهانی را در پی دارد.

وبسایت «عصر ایران» نیز گزارش داده با مقایسه نقشه ۹۶۱ هکتاری محدوده اضافه‌شده با نقشه‌ای که توسط باستان‌شناسانی مانند ویلیام سامنر پیش از انقلاب تهیه شده، مشخص می‌شود که بخشی از این توسعه با محدوده شهر هخامنشی پارسه هم‌پوشانی دارد.

بر اساس گزارش در نقشه جدید دو موضوع برجسته است: شهر باختری پارسه (شهر شاهی پارس) و بخش جنوبی پارسه که شامل محوطه‌های شماره‌گذاری شده‌ای مانند ۱، ۲ و ۳ است. محوطه شماره ۵، شامل تل آجری و محوطه‌های ۲ و ۳، در این محدوده قرار دارد. لکه قرمز رنگ در نقشه جدید، که مساحتی حدود ۴۶۰ هکتار را نشان می‌دهد، بطور مستقیم با حریم حفاظتی تخت جمشید (مشخص شده با رنگ سبز) تعارض دارد. این تعارض نه تنها منظر

تأخیر سه ماهه در اعلام نرخ خرید تضمینی گندم؛ کمبود آرد و گرانی نان در راه است!



● بر اساس قانون دولت موظف است تا پیش از آغاز سال زراعی یعنی تا پایان تیرماه نرخ خرید تضمینی گندم را اعلام کند. دولت پزشکیمان در اقدامی عجیب تا هفته سوم مهرماه این نرخ را اعلام نکرده است.

● کارشناسان معتقدند با توجه به اعلام نشدن نرخ خرید تضمینی گندم بسیاری از کشاورزان با در نظر گرفتن دیگر مشکلات از جمله خشکسالی، افزایش هزینه تولید و بحران کمبود انرژی از کشت گندم منصرف شده و یا بخش کشاورزی را ترک کنند یا به سراغ کشت محصولات جایگزین بروند.

● عدم واردات به موقع نهاده‌های دامی به علت تأمین نشدن ارز نه تنها در هفته‌های گذشته دامداران را با کمبود روبرو کرده بلکه قیمت برخی نهاده‌ها از جمله جو با افزایش قابل توجهی روبرو شده است.

● افزایش قیمت و کمبود نهاده‌ها سبب بحران در دامداری‌ها، مرغداری‌ها و مراکز پرورش ماهی شده و اختلال در تولید یکی پس از دیگری قیمت محصولات پروتئینی را با افزایش روبرو کرده است.

وزیر جهاد کشاورزی ادعاهای او را زیر سوال برده و نوشته نوری قزلقه در حالی ادعای «پایداری امنیت غذایی» و عدم کمبود در بازار دارد که نمایندگان مجلس و فعالان اقتصادی بارها از وضعیت نابه سامان کالاهای اساسی انتقاد داشته‌اند؛ گذشته از آن آقای وزیر در حالی بر «تنظیم‌گری دقیق» بین کاهش فاصله قیمتی مزرعه تا سفره صحبت می‌کند که گویا او از وضعیت قیمت‌ها در بازار بی اطلاع است و خبر ندارد که قیمت کالاهای اساسی (به ویژه مرغ، برنج و تخم مرغ) هر روز با نرخ‌های جدیدی روانه بازار می‌شود و روز به روز قدرت خرید مردم تحلیل می‌رود که ناشی از عدم نظارت کافی وزارتخانه بر قیمت‌ها و بازار است.

این گزارش افزوده نمایندگان مجلس شورای اسلامی با تقاضای «تحقیق و تفحص از عملکرد وزارت جهاد کشاورزی در واردات نهاده‌های دامی» موافقت کرده‌اند که محورهای این تحقیق شامل بررسی دلایل گران شدن واردات نسبت به قیمت‌های جهانی، شفاف‌سازی فرآیند تخصیص ارز و سهمیه‌بندی و شناسایی گلوگاه‌های فساد در سامانه بازارگاه است. همچنین شماری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز طرح استیضاح وزیر جهاد کشاورزی را تدوین کرده و به دنبال جمع‌آوری امضا برای کشاندن او به صحن علنی مجلس هستند.

از سوی دیگر واردکنندگان نیز از جمله کسانی هستند که معتقدند سیاست‌های وزارت جهاد کشاورزی نه تنها مشکلاتشان را حل نکرده، بلکه با ایجاد محدودیت‌های جدید و بی‌عدالتی در سهمیه‌بندی‌ها مانند ثبت سفارش‌های کلان و غیرقانونی برای شرکت‌های خاص، عرصه را بر بخش خصوصی تنگ‌تر از قبل کرده است.

به گزارش تابناک، برخلاف تأکید وزیر جهاد کشاورزی از کارا بودن سند امنیت غذایی اما به نظر می‌رسد که تدوین سند جدید بدون رفع موانع اجرایی قبلی، اثربخشی چندانی نداشته باشد ضمن اینکه صرف صدور سند تضمینی بر بهبود شرایط نیست و ممکن است به سرنوشت بخشنامه‌های قبلی دچار شود.

براین است که نرخ مورد نظر دولت با هزینه‌های واقعی تولید کشاورزان همخوانی ندارد و صرفاً بر محدودیت‌های بودجه‌ای متمرکز است.

این گزارش‌ها می‌افزاید عدم توجه دولت به هزینه‌های کشاورزان باعث شده است که کشاورزان مجبور شوند نهاده‌های گران را با قیمت آزاد تهیه کنند، اما محصول خود را با نرخی غیرواقعی بفروشند و متحمل ضرر شوند اینهمه در حالیتیست که بطور کلی عملکرد غلامرضا نوری قزلقه وزیر جهاد کشاورزی از جمله توجه او به تأمین کالاهای اساسی و نهاده‌ها با انتقاد زیادی روبروست.

در هفته‌های گذشته گزارش‌های زیادی از عدم واردات به موقع نهاده‌های دامی به علت تأمین نشدن ارز منتشر شده است. این موضوع نه تنها دامداران را با کمبود روبرو کرده بلکه قیمت برخی نهاده‌ها از جمله جو با افزایش قابل توجهی روبرو شده است.

افزایش قیمت و کمبود نهاده‌ها سبب بحران در دامداری‌ها، مرغداری‌ها و مراکز پرورش ماهی شده و اختلال در تولید یکی پس از دیگری قیمت محصولات پروتئینی را با افزایش روبرو کرده است. قیمت هر کیلو گوشت گوساله به یک میلیون و ۳۰۰ هزار تومان، هر شانه تخم مرغ ۳۰ عددی به ۲۰۰ هزار تومان و هر کیلو مرغ به ۱۷۰ هزار تومان افزایش یافته است.

غلامرضا نوری قزلقه وزیر جهاد کشاورزی به تازگی اعلام کرده که در یک سال گذشته، علیرغم محدودیت‌ها، تغییرات اقلیمی و فشارهای خارجی، بخش کشاورزی و دامپرشی کشور جزو بخش‌های موفق در رشد اقتصادی بوده است.

آمارها و گزارش‌ها اما ادعای وزیر جهاد کشاورزی را رد می‌کند؛ بطوری که گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس نشان می‌دهد که رشد منفی بخش کشاورزی در ماه‌های مختلف سال ۱۴۰۴ حکایت از واقعیتی دیگر دارد برای مثال، در مردادماه ۱۴۰۴ رشد منفی ۷/۳ درصد و در تیرماه منفی ۸/۱ درصد گزارش شد که نشان‌دهنده رکود و بحران در این بخش است. خبرگزاری «تابناک» نیز در گزارشی با انتقاد از عملکرد

در حالی که دولت باید تا آخر تیرماه هر سال نرخ خرید تضمینی گندم برای کشاورزان را اعلام کند، دولت پزشکیمان همچنان در سومین هفته مهرماه این نرخ را اعلام نکرده است. کارشناسان معتقدند تعلل دولت در اعلام نرخ خرید تضمینی گندم در کنار مسائل دیگری چون خشکسالی و کمبود انرژی ممکن است کشاورزان را از کشت گندم منصرف و در نتیجه کشور با کمبود گندم و گرانی بیش از پیش نان روبرو شوند.

بر اساس قانون دولت موظف است تا پیش از آغاز سال زراعی یعنی تا پایان تیرماه نرخ خرید تضمینی گندم را اعلام کند. دولت پزشکیمان در اقدامی عجیب تا هفته سوم مهرماه این نرخ را اعلام نکرده است.

عطاء الله هاشمی رئیس بنیاد ملی گندمکاران، گفته «جلسه شورای استراتژیک قیمتگذاری محصولات اساسی برگزار شد، اما در نهایت درباره قیمت گندم به نتیجه نرسیدیم؛ چرا که قیمت پیشنهادی ما برای نرخ خرید تضمینی گندم ۳۲ هزار و ۶۰۰ تومان بود که دولت آن را نپذیرفت.»

کارشناسان معتقدند با توجه به اعلام نشدن نرخ خرید تضمینی گندم بسیاری از کشاورزان با در نظر گرفتن دیگر مشکلات از جمله خشکسالی، افزایش هزینه تولید و بحران کمبود انرژی از کشت گندم منصرف شده و یا بخش کشاورزی را ترک کنند یا به سراغ کشت محصولات جایگزین بروند.

کارشناسان هشدار می‌دهند چنین روندی، چرخه تولید داخلی گندم را به طرز چشمگیری کاهش داده و مقدمات وابستگی به واردات گندم را فراهم می‌کند. در آن سوی ماجرا ناکارآمدی وزارت جهاد کشاورزی و نبود ارز کافی برای خرید به موقع و کافی گندم می‌تواند سبب کمبود گندم و آرد و در نتیجه افزایش بیش از پیش قیمت نان شود.

بر اساس گزارش‌ها بخش خصوصی مانند بنیاد ملی گندمکاران نیز نرخ پیشنهادی خود را بر اساس هزینه‌های واقعی نهاده‌ها (بذر، کود، سم)، تورم سالانه، نرخ ارز و سود متعارف محاسبه و ارائه می‌دهد که امسال نرخ پیشنهادی آنها ۳۲ هزار و ۶۰۰ تومان بود؛ در حالیکه انتقاد

کارگران، قربانیان بحران کمبود منابع مالی و مواد اولیه و تشدید رکود در بخش صنعت



- خبرگزاری «ایلنا» هشدار داده که اگر روند افزایش نرخ ارز و عدم همکاری دولت با تولیدکنندگان ادامه یابد، در آینده با افزایش اخراج نیروی کار در برخی واحدهای مسئله دار در زمینه خرید مواد اولیه مواجه خواهیم بود.
- در یک ماه اخیر و از نیمه شهریورماه با اینکه جیره‌بندی برق در صنایع کاهش یافته اما مشکل کمبود مواد اولیه و خوراک مورد نیاز تولید در بسیاری از کارخانه‌ها و کارگاه‌های صنعتی کشور بیشتر شده است.
- مرتضی عزتی اقتصاددان: مسائل خاص اقتصاد کلان از جمله تحریم‌ها و تأثیرات افزایش نرخ ارز نیز تأثیر مستقیمی بر تداوم وضعیتی دارد که اکنون در پدیده ناگوار کمبود مواد اولیه و خوراک تولید خود را جلوه‌گر می‌سازد.

مشکلات تأمین منابع برای واردات مواد اولیه و افزایش هزینه تولید، در کنار بی‌اعتنایی دولت به خواسته فعالان صنعتی و قوانین دست‌وپاگیر در کنار تشدید تحریم‌ها با فعال‌سازی مکانیسم ماشه، آینده وضعیت صنعت در ایران را با ابهام روبرو کرده است. کارشناسان معتقدند کارگران قربانیان نخست رکود تومی در بخش صنعت خواهند بود.

خبرگزاری «ایلنا» هشدار داده که اگر روند افزایش نرخ ارز و عدم همکاری دولت با تولیدکنندگان ادامه یابد، متأسفانه در آینده با افزایش اخراج نیروی کار در برخی واحدهای مسئله دار در زمینه خرید مواد اولیه مواجه خواهیم بود.

این گزارش افزوده پدیده مذکور ممکن است به استخدام‌های جدید در شرکت‌هایی که با بازنشستگی نیروهای خود مواجه هستند و به نیروی کار تازه نفس نیاز دارند ضربه بزند و نرخ بیکاری را افزایش دهد.

بر اساس گزارش «ایلنا» در یک ماه اخیر و از نیمه شهریورماه با وجود اینکه جیره‌بندی برق در صنایع کاهش یافته اما مشکل کمبود مواد اولیه و خوراک مورد نیاز تولید در بسیاری از کارخانه‌ها و کارگاه‌های صنعتی کشور بیشتر شده است. این روند شامل کمبود مواد اولیه در بسیاری از صنایع فولادی و خودروسازی تا صنایع پتروشیمی و پالایشگاهی کشور می‌شود و در این میان، بین بخش خصوصی و خصولتی تمایزی وجود ندارد.

این گزارش افزوده کارخانجات بسیاری، از گروه ملی فولاد ایران در خوزستان تا «ایران پوپلین» در مازندران، در ماه‌های اخیر درگیر مشکل ورود مواد اولیه بوده و چندماهی است که این دو شرکت وابسته به بانک ملی، با مشکل نقدینگی برای خرید مواد اولیه مواجه هستند و به همین دلیل تولیدات‌شان به شدت کاهش یافته است. شرکت خودروسازی «زامیاد» و «پارس خودرو» نیز در هفته‌های اخیر گزارش‌هایی مبنی بر کاهش تولید ناشی از کاهش خرید قطعات و مواد اولیه را گزارش داده بودند. از سوی دیگر، حتی شرکت‌هایی که مواد اولیه و خوراک آن‌ها ترکیبی از محصولات وارداتی و تولید داخل است، دچار مشکلات مرتبط با ماده اولیه هستند.

از جمله این شرکت‌ها، پالایشگاه آفتاب در بندرعباس است که اندک مدتی است که در هفته‌های جاری با مشکل تأمین خوراک مواجه شده است؛ شرکتی که باوجود مصوبه شورای تأمین استان و پیگیری‌های نمایندگان مجلس و مقامات مسئول، هنوز موفق به تخصیص خوراک برای تولید نشده است.

در واحدهای پتروشیمی نوشته کشوری با دومین ذخایر بزرگ گاز جهان، هر زمستان با کمبود شدید انرژی روبرو می‌شود؛ تناقضی تلخ که حالا به بحرانی ساختاری تبدیل شده است. این گزارش افزوده صنعتی که باید موتور ارزآوری و اشتغال باشد، در روزهای سرد سال با توقف تولید، کاهش صادرات و از دست رفتن بازارهای جهانی مواجه است. بر اساس این گزارش خسارت‌ها فقط عدد نیستند؛ از کاهش تولید پتروشیمی گرفته تا تعطیلی صنایع پایین‌دستی و آسیب به اعتبار اقتصادی کشور، همه در یک زنجیره به هم پیوسته رخ می‌دهد. این گزارش افزوده با این حال، نگاه‌ها همچنان بر افزایش تولید متمرکز مانده؛ راهی پرهزینه و زمان‌بر که بارها آزموده شده و نتیجه‌ای پایدار نداشته است. در حالیکه بسیاری از کارشناسان بر این باورند که راه نجات در جای دیگریست؛ در اصلاح الگوی مصرف، در بهینه‌سازی استفاده از منابع، و در مدیریت تقاضا پیش از تولید.

هفته‌نامه «تجارت فردا» نیز در گزارشی نوشته که اگر چه بازار کار ایران، پس از تجربه بحران‌ها به تاب‌آوری قابل‌توجهی دست یافت، اما این‌بار ظرفیت‌های اقتصادی از جمله منابع طبیعی و زیرساخت‌های فناورانه، ظرفیت کافی برای جبران خسارت ناشی از تحریم‌ها را ندارند. بر اساس این گزارش پیامد طبیعی این وضع، تغییر ساختار بازار کار است. پیش‌بینی می‌شود نرخ مشارکت اقتصادی در آینده افزایش یابد، اما این افزایش عمدتاً ناشی از رشد مشاغل غیررسمی و کم‌کیفیت است.

این گزارش نیز موضوع اخراج کارگران را مورد توجه دانسته و نوشته «نخستین و مستقیم‌ترین آسیب، متوجه کارگران بخش صنعت است؛ به ویژه در صنایع فولاد، پتروشیمی، سیمان، خودرو و لوازم خانگی. این بخش‌ها وابستگی بالایی به واردات مواد اولیه، تجهیزات و بازار صادراتی دارند.» همچنین تأکید شده که «زمانی که دسترسی چندانی به بازارهای بین‌المللی وجود داشته و رکود تومی نیز تقاضای داخلی را کاهش داده باشد، نمی‌توان امید چندانی به افزایش کیفیت مشاغل داشت.»

مرتضی عزتی اقتصاددان و عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس معتقد است یکی از مشکلات واحدهای صنعتی و تولیدی اینست که محلی برای تأمین نقدینگی وجود ندارد. او توضیح داده که «بانک‌ها در ماه‌های گذشته به شرایطی از نظر تراز مالی رسیدند که توان تأمین نقدینگی و تجهیز منابع برای شرکت‌ها را ندارند. از سوی دیگر اختلالاتی نیز در بازار وجود دارد که باید به آن‌ها توجه کرد. این اختلالات بازار تأثیری مستقیمی در افت خرید مواد اولیه و تداوم تولید دارد.»

مرتضی عزتی گفته «مسائل خاص اقتصاد کلان از جمله تحریم‌ها و تأثیرات افزایش نرخ ارز نیز تأثیر مستقیمی بر تداوم وضعیتی دارد که اکنون در پدیده ناگوار کمبود مواد اولیه و خوراک تولید خود را جلوه‌گر می‌سازد. این موارد موجب شده‌اند که برخی تأمین‌کنندگان مستقیم مواد اولیه (یا تأمین کنندگان با واسطه) که تا دیروز به دنبال مشتری و فروختن هرچه سریع‌تر مواد انبارهای خود بودند، به دلیل تغییرات اقتصادی سریع و افزایش نرخ ارز و کاهش ارزش پول ملی، از عرضه محصولات خود به کلیه مشتریان خویش خودداری کرده و منتظر مشاهده تغییرات شرایط اقتصادی شوند.»

این اقتصاددان نیز نسبت به افزایش اخراج نیروی کار در بخش تولید و صنعت اشاره کرده و گفته «اکنون که روند افزایش پی‌درپی نرخ ارز و کاهش ارزش پول ملی در جریان است، بسیاری از سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی دست‌نهادشته‌اند و تولید نیز با مشکلات بسیار مواجه است. لذا اگر روند افزایش نرخ ارز و عدم همکاری دولت با تولیدکنندگان ادامه یابد، متأسفانه در آینده با افزایش تعدیل نیروی کار در برخی واحدهای مسئله دار در زمینه خرید مواد اولیه مواجه خواهیم بود.»

همانطور که در گزارش خبرگزاری «ایلنا» اشاره شده فعال شدن مکانیسم ماشه و تشدید موانع بر سر راه تجارت خارجی نیز یکی از مسائل دیگری است که بر بخش‌های مختلف صنعت اثرگذار خواهد بود. در همین رابطه وبسایت «اکوایران» درباره افزایش بحران



بیانیه حمایت جمعی از زندانیان سیاسی محبوس در زندان اوین از کارزار «ایران را پس می‌گیریم»



شادباش شاهزاده رضا بهلوی به رهبر اپوزیسیون ونزوئلا برنده جایزه صلح نوبل



ترامپ: اگر تأسیسات اتمی در ایران بمباران نمی‌شد توافق غزه بی‌فایده بود



شهبانو فرح در زادروز خود در هیچ مراسمی شرکت نمی‌کند



پیام شاهزاده رضا بهلوی درباره آزادی گروگان‌های اسرائیلی: صلح حقیقی و پایدار تنها با سقوط جمهوری اسلامی به دست می‌آید



بروز شدیدترین خشکسالی یک قرن اخیر در تهران



جایزه صلح نوبل به رهبر اپوزیسیون ونزوئلا رسید



ناصر تقوایی درگذشت



سازمان ملل ادعای محمدرضا عارف درباره «اسرنگون نشدن جمهوری اسلامی» را تأیید نکرد



بررسی طرح مقابله با نفوذ سرویس‌های اطلاعاتی در کمیسیون امنیت مجلس شورای اسلامی



سد کرج در بحرانی‌ترین وضعیت طی ۶۳ سال گذشته قرار گرفت



کابینه اسرائیل طرح پایان جنگ و آزادی گروگان‌ها را تصویب کرد



ابلاغ دو قانون ساماندهی برنده‌های هدایت‌پذیر و تشدید مجازات «جاسوسی»



واشینگتن نیست: همکاری مخربانه نظامی شش کشور عربی با اسرائیل به ویژه برای مقابله با تهدیدات جمهوری اسلامی



مقاومت سربازی در ازای سرمایه‌گذاری ایرانیان مقیم خارج



معاون وزیر راه و شهرسازی: سقف جمعیت شهر تهران پُر شد



بیانیه خانواده‌های جانباختگان، آسیب‌دیدگان، زندانیان سیاسی و دادخواهان خطاب به رسانه‌های فارسی‌زبان برون‌مرزی و نهادهای ناظر بین‌المللی



ادعای روزنامه «کیهان» جاب تهران: تحریم‌ها جا ماندند!



دومین نام پسران ایران «شاهان»



رهبران فرانسه، بریتانیا و آلمان خواستار ازسرگیری مذاکرات هسته‌ای شدند



گرانی بی‌وقفه طلا، سرمایه‌گذاران را به بازار نقره کشاند



صنایع ایران در انتظار جیره‌بندی گاز و برق



خبرنامه امیرکبیر: بازداشت دانشجویان معترض به حشدالشعبی در همدان



جنگ ایران و عراق نخل‌های جنوب را نکشت، جمهوری اسلامی اما آنها را می‌کشد!



مخالفت نمایندگان مجلس شورای اسلامی با دو فوریت طرح تعلیق پیوستن به CFT



ترامپ: اگر تأسیسات اتمی در ایران بمباران نمی‌شد توافق غزه بی‌فایده بود



ترامپ: همه می‌خواهند بخشی از صلح باشند



دونالد ترامپ در «کنست»: «خطرناک‌ترین حامی تروریسم جهان» موجودیت اسرائیل را به رسمیت بشناسد!



سه پژوهشگر رشد اقتصادی پایدار برنده نوبل اقتصاد ۲۰۲۵ شدند



دونالد ترامپ: جمهوری اسلامی باید موجودیت اسرائیل را به رسمیت بشناسد



نیروهای آمریکایی به عنوان بخشی از تیم ناظر بر آتش‌بس غزه وارد اسرائیل شدند



هشدار
به روزرسانی ایران
هشدار آمریکا به شهروندان این کشور: به ایران سفر نکنید



چشم‌انداز زیبای صلح...
کارتون احمد بارکزاده
©KayhanLondon



امام جمعه تهران: قدرت موشکی ما ربطی به اروپایی‌ها ندارد



«شگفتانه‌های جدید نظامی و موشکی» جمهوری اسلامی برای «دشمن»!



درگیری‌های داخلی در غزه: رویترز: حماس بعد از آتش‌بس ۳۲ نفر را کشت



کشته و زخمی شدن ۱۴ کودک کار بلوچ در تصادف



ادعای مجتبی‌امانی: لبنان کمک‌های جمهوری اسلامی از جمله ۶۰ میلیون دلار را پس زد



روزنامه دولتی «ایران» هم هشدار داد: به حذف چهار صفر از پولی ملی دلخوش نباشیم



افزایش آمار طلاق در میان سالمندان ایران ریشه اقتصادی دارد



ادعای ولادیمیر پوتین: پیام‌های عدم تمایل اسرائیل به روبرویی با ایران را به تهران منتقل کرده‌ام



سخنگوی قوه قضاییه: تمامی بخش‌های کشور خود را برای مقابله با التهاپات آماده کرده‌اند



معاون پیشین سازمان اطلاعات سپاه پاسداران: نفوذی‌ها در سپاه بازداشت و ارشاد شدند



لاوروف: روسیه هیچ محدودیتی در همکاری‌های نظامی با ایران ندارد



پیشنهاد بی‌بدیل عضو «خبرگان رهبری»: «جایزه نصرالله» بجای جایزه صلح نوبل!



دستگیری دو عضو شورای اسلامی شهر کرمانشاه



با آغاز فصل سرما، دولت تعرفه جدید گاز خانگی را به اجرا می‌گذارد



موشک‌های قاره‌پیما: مانعی جدید در مذاکرات جمهوری اسلامی با غرب یا آماده شدن برای جنگ؟



واکنش قائم مقام وزیر کشور به مزاحمت دانشجویان عراقی برای دختران: طبیعی است! حالا دو دانشجو عراقی مرتکب جرم شدند، عده‌ای می‌گویند دانشجویان عراقی را اخراج کنید!



روستر دفتر فلسطینی از کشته‌شدگان جمهوری اسلامی: حسن نصرالله جلوتر از صیاد شیرازی، همت و همدانی!



عکس هفته | ۲۲ مهر زادروز شهبانو فرح

تاجی که بر سر زنان ایران قرار گرفت